



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مجموعه پژوهش‌های اسلامی حضرت امام

بذیادها و آسیب‌های عزاداری امام حسین (ع)

عطر الاحسان بغداد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنیادها و آسیب های عزاداری امام حسین علیه السلام

نویسنده:

علی آقاجانی قناد

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	بنیادها و آسیب های عزاداری امام حسین علیه السلام
۱۳	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۶	فهرست مطالب
۳۰	دیبچه
۳۲	پیش گفتار
۳۳	اهمیت و فایده پژوهش
۳۴	پرسش اصلی پژوهش
۳۴	فرضیه پژوهش
۳۴	مفاهیم
۳۷	بخش اول بنیادهای فرهنگ عاشورا
۳۷	اشاره
۳۸	فصل اول: مبانی عزاداری
۳۸	اشاره
۳۸	۱. عزاداری از نگاه عقل
۴۱	۲. عزاداری از دیدگاه قرآن و سنت
۴۲	۳. عزاداری امام حسین علیه السلام در روایات شیعی
۴۵	۴. عزاداری در نگاه اهل سنت
۴۷	فصل دوم: تاریخ عزاداری
۴۷	اشاره
۴۷	تاریخ عزاداری از دیدگاه شیعه
۵۰	تاریخ عزاداری شیعه پس از عاشورا
۵۵	تاریخ عزاداری امام حسین علیه السلام در میان اهل سنت

۵۹	عزاداری امام حسین علیه السلام در ایران
۶۰	تاریخ عزاداری در جهان
۶۴	فصل سوم: اهداف و فلسفه عزاداری
۶۴	اشاره
۶۴	توضیح بُعد اول:
۶۴	اشاره
۶۶	۱. احیای آموزه ها و معارف دینی
۶۶	۲. اصلاح
۶۷	۳. تربیت انسانی، فکری، اخلاقی و عرفانی
۶۷	۴. ارائه دین به مثابه الگوی جامع
۶۸	توضیح بعد دوم فلسفه عزاداری
۶۸	اشاره
۶۸	۱. زنده نگه داشتن یاد و نام امام حسین علیه السلام
۶۸	۲. گسترش فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و معارف تشیع
۶۹	۳. تداوم بینش حسینی در مبارزه با ستم، ستم پذیری و بی عدالتی
۷۰	فصل چهارم: آثار عزاداری
۷۰	اشاره
۷۰	۱. آثار تربیتی
۷۰	اشاره
۷۰	الف) ایجاد فضای معنوی
۷۱	ب) تزکیه نفس و پالایش روح
۷۱	ج) کسب فضایل اخلاقی
۷۲	د) کسب آرامش و دفع آلام درونی
۷۳	۲. آثار فرهنگی _ اجتماعی
۷۳	الف) فراگیری فرهنگ و معارف اهل بیت علیهم السلام
۷۳	ب) آشنایی عزاداران با مسایل فرهنگی _ اجتماعی روز

۷۴	ج) تقویت روحیه انقلابی، شهادت طلبی، ایثار و حقیقت جویی در عزاداران
۷۴	د) پیوند عاطفی میان امت و الگوها
۷۵	ه) هم دلی، هم گریایی و هم کاری میان عزاداران
۷۵	۳. آثار سیاسی
۷۵	الف) سازمان دهی شیعیان
۷۷	ب) مانور و حضور سیاسی شیعیان
۷۷	ج) زنده نگاه داشتن روح حماسه شیعی
۷۸	د) احیای آموزه های سیاسی شیعی و دینی
۷۹	فصل پنجم: نمادهای عزاداری
۷۹	اشاره
۷۹	۱. مرثیه سرایی و شعر رثایی
۸۵	۲. زیارات
۸۵	اشاره
۸۵	الف) روایات زیارات
۸۶	ب) متن زیارات
۸۷	۳. روضه و مقتل
۹۱	۴. تعزیه
۹۳	۵. توغ
۹۵	۶. بیرق و علم
۹۵	۷. علامات
۹۶	۸. نخل برداری
۹۶	۹. قمه زنی
۹۷	۱۰. جامه سیاه پوشیدن
۹۸	۱۱. گریه، سینه زدن و زنجیر زدن
۱۰۱	بخش دوم آسیب شناسی فرهنگ عاشورا
۱۰۱	اشاره

فصل اول: کلیات تحریف و آسیب شناسی	۱۰۴
اشاره	۱۰۴
۱. تعریف تحریف	۱۰۴
۲. انواع تحریف	۱۰۴
۳. سابقه تحریف	۱۰۶
۴. روش های تحریف شناسی	۱۰۷
فصل دوم: عوامل ایجاد و گسترش تحریف (آسیب ها)	۱۱۰
اشاره	۱۱۰
۱. دگرگونی فضای اجتماعی و تغییر در گفتمان عاشورا	۱۱۰
۲. تبیین نشدن فلسفه صحیح قیام	۱۱۲
۳. تمایل به اسطوره سازی و افسانه پردازی	۱۱۵
۴. برخورد عاطفی صرف با مقوله عزاداری	۱۱۷
۵. جبر انگاری	۱۲۱
۶. نقش حکومت ها و تاریخ نگاران درباری	۱۲۳
۷. تعصب های بی جا و جمود فکری	۱۲۷
۸. تمسک به روایات تسامح در ادله سنن	۱۲۸
۹. جمود تاریخی و گویا نشدن تاریخ	۱۳۰
۱۰. سهل انگاری و تسامح منفی در به کارگیری روش ها	۱۳۰
۱۱. هراس نخبگان از عوام یا عوام زدگی آنان	۱۳۳
۱۲. تبدیل شدن عزاداری به عادت	۱۳۴
۱۳. آمیخته شدن فرهنگ های قومی و سرزمینی با عزاداری	۱۳۴
۱۴. ضعف دانش و بینش عمومی	۱۳۵
فصل سوم: آثار و بی آمدهای تحریف	۱۳۷
اشاره	۱۳۷
۱. خرافه زدگی و غلوآمیز شدن عزاداری	۱۳۷
۲. عقل ناپذیری	۱۳۹

۳. الگوناپذیر شدن نهضت عاشورا و سیره امامان علیهم السلام - - - - - ۱۳۹
۴. مخدوش و تک بعدی شدن فلسفه قیام و عزاداری - - - - - ۱۴۰
۵. فرعی شدن مسایل اصلی و اصلی شدن مسایل فرعی - - - - - ۱۴۱
۶. دور شدن اهل دانش از مجالس عزاداری - - - - - ۱۴۲
۷. رواج تشریفات و تهی شدن عزاداری ها از محتوای مطلوب - - - - - ۱۴۳
۸. سوء استفاده دشمنان، خواص و حکومت ها - - - - - ۱۴۴
۹. گسترش ریا کاری - - - - - ۱۴۵
۱۰. گسترش دروغ، جعل و غیر علمی ارزیابی شدن تاریخ قیام - - - - - ۱۴۶
۱۱. از میان رفتن خلوص مجالس حسینی و حرفه ای شدن عزاداری ها - - - - - ۱۴۹
۱۲. کاسته شدن عزاداری ها از محتوای مطلوب و برتری شکل بر محتوا - - - - - ۱۵۱
۱۳. خلع سلاح فرهنگی در مقابل طعنه های منکران و دشمنان - - - - - ۱۵۲
- فصل چهارم: آسیب های عزاداری در زمان حاضر - - - - - ۱۵۴
- اشاره - - - - - ۱۵۴
۱. رواج دوباره برخی از غلوها و خرافه ها - - - - - ۱۵۴
۲. ترویج دگرباره ناهنجاری هایی مانند قمه زنی و زمین بوسی - - - - - ۱۵۵
۳. چیرگی سلیقه های شخصی و رواج زبان حال های بی ریشه و مبتذل - - - - - ۱۵۶
۴. رواج سبک ها و اشعار غنایی ناهمخوان، مبتذل و تقلیدی - - - - - ۱۵۸
۵. رواج شیوه های ناموجه سینه زنی و زنجیر زنی - - - - - ۱۶۰
۶. برتری شکل بر محتوا - - - - - ۱۶۱
۷. گسترش نامتناسب حضور موسیقی در مراسم سنتی عزاداری - - - - - ۱۶۲
۸. سوء استفاده گروهی - - - - - ۱۶۲
- فصل پنجم: عوامل ایجاد آسیب های جدید - - - - - ۱۶۴
- اشاره - - - - - ۱۶۴
۱. ورود فرهنگ مدرنیته به اجزای جامعه از جمله عزاداری - - - - - ۱۶۴
۲. دوری از عالمان دینی و روحانیت - - - - - ۱۶۶
- فصل ششم: راه های مقابله با آسیب ها - - - - - ۱۶۸

۱۶۸ اشاره

۱۶۸ ۱. بهره‌گیری از عقل در مقام ثبوت و اثبات

۱۷۰ ۲. نهراسیدن خواص از عوام و آگاهی دادن به مردم

۱۷۲ ۳. بالا بردن دانش و تحصیلات عمومی و تاریخی عامه مردم

۱۷۳ ۴. دقت و اعتراض مردم به تحریف

۱۷۴ ۵. آموزش روش مند مبلغان و مداحان

۱۷۵ ۶. نظام مند کردن مداحی، منبرها و مجالس عزاداری

۱۷۶ ۷. برخورد اعتدالی و به دور از افراط و تفریط

۱۷۷ ۸. پرهیز از برخوردهای آمرانه و حساسیت برانگیز

۱۷۷ ۹. استفاده از شیوه‌های تبلیغات روانی

۱۷۹ ۱۰. پویا سازی و تلفیق روش‌ها

۱۸۱ فصل هفتم: پیشینه و جریان شناسی مبارزه با آسیب‌های فرهنگ عاشورا

۱۸۱ اشاره

۱۸۲ الف) روشن فکری غیر دینی

۱۸۷ ب) روشن فکران دینی

۱۸۷ اشاره

۱۸۷ ۱. جلال آل احمد

۱۸۹ ۲. دکتر علی شریعتی

۱۹۳ ۳. محمد رضا حکیمی

۱۹۴ ج) عالمان دینی و روحانیت

۱۹۴ اشاره

۱۹۵ ۱. میرزا حسین نوری

۱۹۶ ۲. سید عبدالحسین شوشتری

۱۹۷ ۳. شیخ محمدباقر خراسانی بیرجندی

۱۹۷ ۴. محدث قمی

۱۹۷ ۵. شیخ عبدالکریم حائری

- ۱۹۷ ۶. آیت الله بروجردی
- ۱۹۹ ۷. علامه سیدمحسن امین
- ۲۰۰ ۸. امام خمینی رحمه الله
- ۲۰۱ ۹. شهید مطهری رحمه الله
- ۲۰۳ ۱۰. جریان شهید جاوید
- ۲۰۳ ۱۱. علی صفایی حایری
- ۲۰۴ ۱۲. آیت الله سیدعلی خامنه ای
- ۲۰۸ بخش سوم رسانه و عزاداری
- ۲۰۸ اشاره
- ۲۱۰ وظایف رسانه
- ۲۱۰ ۱. پرهیز از عوام زدگی یا جوّزدگی
- ۲۱۰ ۲. توجه جدّی به جنبه های هنری رسانه در قالب محکم و صحیح
- ۲۱۱ مشکلات و اشکال های رسانه
- ۲۱۱ ۱. ساخت برنامه برای رفع تکلیف
- ۲۱۲ ۲. کمبود تحقیق متناسب با کار رسانه
- ۲۱۲ ۳. کمبود نیروهای معتقد و کارآمد
- ۲۱۳ ۴. پراکندگی و اختلاف سلیقه
- ۲۱۳ ۵. بالا بودن هزینه های ساخت برنامه های کیفی
- ۲۱۴ ۶. نبود برنامه ریزی مناسب و متناسب
- ۲۱۴ ۷. کمبود دانش، مطالعه و توان کافی
- ۲۱۵ راه کارهای رفع مشکلات و موانع رسانه
- ۲۱۵ اشاره
- ۲۱۵ ۱. ایجاد هماهنگی
- ۲۱۵ ۲. برنامه ریزی درازمدت و میان مدت بر اساس تحقیقات بنیادی
- ۲۱۶ ۳. اختصاص بودجه کافی به برنامه های کیفی و هدف مند
- ۲۱۶ پیشنهادهای برنامه سازی

۲۱۷ پرسش های مردمی

۲۱۸ پرسش های کارشناسی

۲۲۱ کتاب نامه

۲۳۴ درباره مرکز

سرشناسه: آقاجانی قناد، علی، ۱۳۵۷ -

عنوان و نام پدیدآور: بنیادها و آسیب‌های عزاداری امام حسین علیه السلام / علی آقاجانی قناد؛ تهیه‌کننده مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری: [۶]، ۲۰۶ ص.

فروست: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما؛ ۷۵۷.

شابک: ۱۳۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۷۸۰۸-۸۴-۴

وضعیت فهرست نویسی: برون‌سپاری

یادداشت: چاپ دیگر: دفتر عقل، ۱۳۸۷.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۹۹] - ۲۰۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق -- سوگواری‌ها

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق. -- سوگواری‌ها -- احادیث

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق -- سوگواری‌ها -- احادیث اهل سنت

موضوع: سوگواری‌ها -- آداب و رسوم

موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ق -- تاثیر

موضوع: سوگواری‌ها -- نقد و تفسیر

شناسه افزوده: صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش‌های اسلامی

رده بندی کنگره: BP۲۶۰/۳ / ۷ب ۹ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۰۳۶۹۱

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

دبیاچه ۱۱

پیش گفتار ۱۳

اهمیت و فایده پژوهش ۱۴

پرسش اصلی پژوهش ۱۵

فرضیه پژوهش ۱۵

مفاهیم ۱۵

۱. عاشورا: ۱۵

۲. فرهنگ: ۱۵

۳. فرهنگ عاشورا: ۱۶

۴. آسیب شناسی: ۱۶

بخش اول ۱۸

بنیادهای فرهنگ عاشورا ۱۸

فصل اول: مبانی عزاداری ۱۹

۱. عزاداری از نگاه عقل ۱۹

۲. عزاداری از دیدگاه قرآن و سنت ۲۲

۳. عزاداری امام حسین علیه السلام در روایات شیعی ۲۳

۴. عزاداری در نگاه اهل سنت ۲۶

فصل دوم: تاریخ عزاداری ۲۸

تاریخ عزاداری از دیدگاه شیعه ۲۸

تاریخ عزاداری شیعه پس از عاشورا ۳۰

تاریخ عزاداری امام حسین علیه السلام در میان اهل سنت ۳۵

عزاداری امام حسین علیه السلام در ایران ۳۹

تاریخ عزاداری در جهان ۴۰

فصل سوم: اهداف و فلسفه عزاداری ۴۴

توضیح بعد اول: ۴۴

۱. احیای آموزه ها و معارف دینی ۴۶

۲. اصلاح ۴۶

۳. تربیت انسانی، فکری، اخلاقی و عرفانی ۴۷

۴. ارائه دین به مثابه الگوی جامع ۴۷

توضیح بعد دوم فلسفه عزاداری ۴۸

۱. زنده نگه داشتن یاد و نام امام حسین علیه السلام ۴۸

۲. گسترش فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و معارف تشیع ۴۸

۳. تداوم بینش حسینی در مبارزه با ستم، ستم پذیری و بی عدالتی ۴۹

فصل چهارم: آثار عزاداری ۵۰

۱. آثار تربیتی ۵۰

الف) ایجاد فضای معنوی ۵۰

ب) تزکیه نفس و پالایش روح ۵۱

ج) کسب فضایل اخلاقی ۵۱

د) کسب آرامش و دفع آلام درونی ۵۲

۲. آثار فرهنگی _ اجتماعی ۵۳

الف) فراگیری فرهنگ و معارف اهل بیت علیهم السلام ۵۳

ب) آشنایی عزاداران با مسایل فرهنگی _ اجتماعی روز ۵۳

ج) تقویت روحیه انقلابی، شهادت طلبی، ایثار و حقیقت جویی در عزاداران ۵۴

د) پیوند عاطفی میان امت و الگوها ۵۴

ج) هم دلی، هم گرایی و هم کاری میان عزاداران ۵۵

۳. آثار سیاسی ۵۵

الف) سازمان دهی شیعیان ۵۵

ب) مانور و حضور سیاسی شیعیان ۵۷

ج) زنده نگاه داشتن روح حماسه شیعی ۵۷

د) احیای آموزه های سیاسی شیعی و دینی ۵۸

فصل پنجم: نمادهای عزاداری ۵۹

۱. مرثیه سرایی و شعر رثایی ۵۹

۲. زیارات ۶۴

الف) روایات زیارات ۶۴

ب) متن زیارات ۶۵

۳. روضه و مقتل ۶۶

۴. تعزیه ۷۰

۵. توغ ۷۲

۶. بیرق و علم ۷۴

۷. علمات ۷۴

۸. نخل برداری ۷۵

۹. قمه زنی ۷۵

۱۰. جامه سیاه پوشیدن ۷۶

۱۱. گریه، سینه زدن و زنجیر زدن ۷۷

بخش دوم ۸۰

آسیب شناسی فرهنگ عاشورا ۸۰

فصل اول: کلیات تحریف و آسیب شناسی ۸۳

۱. تعریف تحریف ۸۳

۲. انواع تحریف ۸۳

۳. سابقه تحریف ۸۴

۴. روش های تحریف شناسی ۸۵

فصل دوم: عوامل ایجاد و گسترش تحریف (آسیب ها) ۸۸

۱. دگرگونی فضای اجتماعی و تغییر در گفتمان عاشورا ۸۸

۲. تبیین نشدن فلسفه صحیح قیام ۹۰

۳. تمایل به اسطوره سازی و افسانه پردازی ۹۳

۴. برخورد عاطفی صرف با مقوله عزاداری ۹۵

۵. جبر انگاری ۹۹

۶. نقش حکومت ها و تاریخ نگاران درباری ۱۰۱

۷. تعصب های بی جا و جمود فکری ۱۰۵

۸. تمسک به روایات تسامح در ادله سنن ۱۰۶

۹. جمود تاریخی و گویا نشدن تاریخ ۱۰۸

۱۰. سهل انگاری و تسامح منفی در به کارگیری روش ها ۱۰۸

۱۱. هراس نخبگان از عوام یا عوام زدگی آنان ۱۱۱

۱۲. تبدیل شدن عزاداری به عادت ۱۱۲

۱۳. آمیخته شدن فرهنگ های قومی و سرزمینی با عزاداری ۱۱۲

۱۴. ضعف دانش و بینش عمومی ۱۱۳

فصل سوم: آثار و پی آمدهای تحریف ۱۱۵

۱. خرافه زدگی و غلوآمیز شدن عزاداری ۱۱۵

۲. عقل ناپذیری ۱۱۷

۳. الگوناپذیر شدن نهضت عاشورا و سیره امامان علیهم السلام ۱۱۷

۴. مخدوش و تک بعدی شدن فلسفه قیام و عزاداری ۱۱۸

۵. فرعی شدن مسایل اصلی و اصلی شدن مسایل فرعی ۱۱۹

۶. دور شدن اهل دانش از مجالس عزاداری ۱۲۰

۷. رواج تشریفات و تهی شدن عزاداری ها از محتوای مطلوب ۱۲۱

۸. سوء استفاده دشمنان، خواص و حکومت ها ۱۲۲

۹. گسترش ریا کاری ۱۲۳

۱۰. گسترش دروغ، جعل و غیر علمی ارزیابی شدن تاریخ قیام ۱۲۴

۱۱. از میان رفتن خلوص مجالس حسینی و حرفه ای شدن عزاداری ها ۱۲۷

۱۲. کاسته شدن عزاداری ها از محتوای مطلوب و برتری شکل بر محتوا ۱۲۹

۱۳. خلع سلاح فرهنگی در مقابل طعنه های منکران و دشمنان ۱۳۰

فصل چهارم: آسیب های عزاداری در زمان حاضر ۱۳۲

۱. رواج دوباره برخی از غلوها و خرافه ها ۱۳۲

۲. ترویج دگرباره ناهنجاری هایی مانند قمه زنی و زمین بوسی ۱۳۳

۳. چیرگی سلیقه های شخصی و رواج زبان حال های بی ریشه و مبتذل ۱۳۴

۴. رواج سبک ها و اشعار غنایی ناهمخوان، مبتذل و تقلیدی ۱۳۶

۵. رواج شیوه های ناموجه سینه زنی و زنجیر زنی ۱۳۸

۶. برتری شکل بر محتوا ۱۳۹

۷. گسترش نامتناسب حضور موسیقی در مراسم سنتی عزاداری ۱۴۰

۸. سوء استفاده گروهی ۱۴۰

فصل پنجم: عوامل ایجاد آسیب های جدید ۱۴۲

۱. ورود فرهنگ مدرنیته به اجزای جامعه از جمله عزاداری ۱۴۲

۲. دوری از عالمان دینی و روحانیت ۱۴۴

فصل ششم: راه های مقابله با آسیب ها ۱۴۶

۱. بهره گیری از عقل در مقام ثبوت و اثبات ۱۴۶
۲. نهراسیدن خواص از عوام و آگاهی دادن به مردم ۱۴۸
۳. بالا بردن دانش و تحصیلات عمومی و تاریخی عامه مردم ۱۵۰
۴. دقت و اعتراض مردم به تحریف ۱۵۱
۵. آموزش روش مند مبلغان و مداحان ۱۵۲
۶. نظام مند کردن مداحی، منبرها و مجالس عزاداری ۱۵۳
۷. برخورد اعتدالی و به دور از افراط و تفریط ۱۵۴
۸. پرهیز از برخوردهای آمرانه و حساسیت برانگیز ۱۵۵
۹. استفاده از شیوه های تبلیغات روانی ۱۵۵
۱۰. پویا سازی و تلفیق روش ها ۱۵۷

فصل هفتم: پیشینه و جریان شناسی مبارزه با آسیب های فرهنگ عاشورا ۱۵۹

الف) روشن فکری غیر دینی ۱۶۰

ب) روشن فکران دینی ۱۶۵

۱. جلال آل احمد ۱۶۵

۲. دکتر علی شریعتی ۱۶۷

۳. محمد رضا حکیمی ۱۷۱

ج) عالمان دینی و روحانیت ۱۷۲

۱. میرزا حسین نوری ۱۷۲

۲. سید عبدالحسین شوشتری ۱۷۳

۳. شیخ محمدباقر خراسانی بیرجندی ۱۷۴

۴. محدث قمی ۱۷۴

۵. شیخ عبدالکریم حائری ۱۷۴

۶. آیت الله بروجردی ۱۷۴

۷. علامه سید محسن امین ۱۷۵

۸. امام خمینی رحمه الله ۱۷۶

۹. شهید مطهری رحمه الله ۱۷۷

۱۰. جریان شهید جاوید ۱۷۹

۱۱. علی صفایی حایری ۱۷۹

۱۲. آیت الله سید علی خامنه ای ۱۸۰

بخش سوم ۱۸۴

رسانه و عزاداری ۱۸۴

وظایف رسانه ۱۸۶

۱. پرهیز از عوام زدگی یا جوّزدگی ۱۸۶

۲. توجه جدی به جنبه های هنری رسانه در قالب محکم و صحیح ۱۸۶

مشکلات و اشکال های رسانه ۱۸۷

۱. ساخت برنامه برای رفع تکلیف ۱۸۷

۲. کمبود تحقیق متناسب با کار رسانه ۱۸۸

۳. کمبود نیروهای معتقد و کارآمد ۱۸۸

۴. پراکندگی و اختلاف سلیقه ۱۸۹

۵. بالا بودن هزینه های ساخت برنامه های کیفی ۱۸۹

۶. نبود برنامه ریزی مناسب و متناسب ۱۹۰

۷. کمبود دانش، مطالعه و توان کافی ۱۹۰

راه کارهای رفع مشکلات و موانع رسانه ۱۹۱

۱. ایجاد هماهنگی ۱۹۱

۲. برنامه ریزی درازمدت و میان مدت بر اساس تحقیقات بنیادی ۱۹۱

۳. اختصاص بودجه کافی به برنامه های کیفی و هدف مند ۱۹۲

پیشنهادهای برنامه سازی ۱۹۲

ص: ۱۰

پرسش های مردمی ۱۹۳

پرسش های کارشناسی ۱۹۴

کتاب نامه ۱۹۷

دیباچه

دیباچه

سلام بر عاشورا و آموزه هایش. سلام بر عاشورا و عبرت هایش. سلام بر آئینه اسلام نمایش. سلام بر عاشورا و بارش خونین لحظه هایش و سلام بر رواق سرخ حماسه هایش.

سلام بر عاشورا که رکن کعبه است و سعی صفا و مروه. سلام بر عاشورا که حیات قرآن است و عزت ایمان. سلام بر عاشورا که آبروی نمازگزاران است و خروش تندر آسای هدایت پیشگان در تاریکستان سیاهی و نسیان.

سلام بر حسینیان اهل معرفت که حریم جان را با نام و یادش عطر آگین می سازند و حقیقتی فراتر از زمین و زمان را به تصویر می کشند و در حرم امن حسینی به تفسیر شقایق های خونین بال فاطمی می نشینند.

اکنون در تلاشی بی شایبه برای زدودن آسیب ها و غبارها از ساحت همیشه مطهر نگارستان عاشورا، پژوهشگر ارجمند جناب آقای علی آقاجانی قناد کوشیده است تا قداست و پویایی فرهنگ عاشورا را در گذر زمان به تصویر کشد. ایشان در این زمینه، با نگاهی به بنیادهای فرهنگ عاشورا هم چون: مبنا، تاریخ، اهداف، آثار و فلسفه عزاداری؛ نمادهای عزاداری را برشمرده و در بخش آسیب شناسی، به کلیات، عوامل ایجاد و گسترش و نیز پی آمدهای تحریف در عزاداری پرداخته است. آن گاه با بررسی

آسیب های عزاداری در زمان حاضر و نیز عوامل ایجاد آسیب های جدید و راه های مقابله با آن ها، به کاوش در بازنمایاندن رسالت رسانه دینی برای آسیب زدایی از این عرصه همت گماشته است.

امید که این رهاورد پژوهشی، مقبول طبع برنامه ریزان و برنامه سازان صدا و سیما قرار گیرد و در برنامه سازی های عاشورایی سودمند افتد. با این همه، پنجره دید گانمان را به سوی رهنمودهای سودمند اهل نظر گشوده ایم.

اِنَّهٗ وَلِیُّ التَّوْفِیْقِ

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

پیش‌گفتار

عاشورا، نمایه‌ای از حقیقت‌ها، گزاره‌ها، آموزه‌ها و رهیافت‌هایی است که در عرصه‌های گوناگون، پرسشگر جویای حق و فضیلت را سیراب می‌سازد، بدو مسیر زندگی می‌نمایاند و کامیاب از سعادتش می‌کند. عاشورا موضوعی پراهمیت است؛ هم از این رو که عاشورا مجموعه‌ای از فضیلت‌ها و آموزه‌های الهی انسانی است و هم به این دلیل که از نظر تاریخی، جایگاهی اساسی و بلند در روند تاریخ داشته و دارد، پی‌آمدهای مختلفی را به ثبت رسانده است، در مسیر تکامل تشیع و مسیر اقدامات و قیام‌های مبارزه‌جویانه و ستیزگرانه و نیز در تار و پود فرهنگ عمومی آن اثر عمیقی داشته است که تا به امروز و تا آن هنگام که تشیع ماندگار است، تداوم خواهد داشت.

عاشورا و الهامات آن، در طول زمان ساخت زندگانی شیعیان را رنگ و بو و محتوایی تازه بخشید، تمامی شئون آن را متأثر ساخته، با فرهنگ روزمره آنان عجین گشته و فرهنگی متشکل و مجزا و در قد و قامتی جدید را شکل داده است. نیز با توجه به مقدس بودن عاشورا نزد شیعیان، این فرهنگ نیز تا حدود بسیاری حالتی قدسی به خود گرفته است. شعر، نثر، و عزاداری عاشورا، جلوه‌های مهمی از این فرهنگ است که ما به مجموع آن «فرهنگ عاشورا» می‌گوییم. هم‌چنین از آن جا که عزاداری، مجموعه‌ای از عناصر سازنده فرهنگ عاشورا را به صورت غالب در بردارد و مهم‌ترین نماد این فرهنگ محسوب می‌شود، در این پژوهش، مترادف یکدیگر و گاه با هم به کار رفته‌اند. در این پژوهش برآنیم تا بنیادها، نمادها و آسیب‌های فرهنگ عاشورا و البته بیش‌تر عزاداری، روضه‌خوانی، مداحی و نیز علوم و فنون مرتبط با آن‌ها را بکاویم و بنگریم که سرچشمه این فرهنگ و آسیب‌های متوجه آن چیست. از این جهت کلام را در دو بخش اصلی پی‌گرفته‌ایم. بخش اول، به بنیادها و نمادهای

فرهنگ عاشورا اختصاص دارد و مبانی، تاریخ و اهداف، فلسفه، آثار و نمادهای عزاداری را در برمی گیرد. بخش دوم، به آسیب های عزاداری می پردازد که در آن، آسیب ها با تحریفات که سابقه بیش تری در این موضوع دارد، هم سان فرض و به یک معنا گرفته شده است؛ چرا که آسیب ها، مسایل و عواملی هستند که موجب انحراف و تحریف در موضوعات می گردند. عوامل، آثار، آسیب های جدید و عوامل آن، راه های مقابله با آسیب ها و نیز جریان شناسی مبارزه با آن، از مسایل پرداخته شده در این بخش است. از لحاظ زمانی و مکانی، بخش اول محدوده خاصی دارد و در آن، به دلایل عقلی و نقلی و جریان تاریخی اشاره می شود، ولی در بخش دوم، عزاداری به عنوان بخش اساسی فرهنگ عاشورا، از هنگامی که جامعه تشیع شکل می یابد و به طور مشخص اواخر دوره تیموری مورد بحث قرار می گیرد؛ البته همین بحث هم از نظر مکانی، محدودیت خاصی ندارد.

اهمیت و فایده پژوهش

هجمه ها و شبهه هایی که در اصل موضوع عزاداری و فرهنگ متأثر از عاشورا وجود دارد و نیز ناهنجاری ها و ناهمگونی ها و نابسامانی های موجود در فرهنگ عمومی عاشورا که چهره آن را آشفته می سازد و هر روز شتاب بیش تری می یابد، نویسنده را بر آن داشت تا این موضوع را برای پژوهش انتخاب کند. نیز از آن جا که این موضوع، با مفاهیمی چون «تشیع» به عنوان مذهبی مترقی، «سنت و مدرنیته»، «آسیب شناسی دینی» و «آسیب شناسی اجتماع» ارتباط می یابد، این پژوهش ضرورت بیش تری پیدا می کند.

فایده آن نیز، در پاسخ گویی به شبهه های مطرح شده یا پرسش های قشر جوان جامعه و هم چنین شناخت نقاط آسیبی و برنامه ریزی برای زدودن آسیب ها به وسیله افراد و نهادهای مرتبط با موضوع آشکار می شود. بنابراین، هدف این پژوهش، شناسایی فراگیر نقاط قوت و آسیب فرهنگ عاشورا و عزاداری است.

پرسش اصلی پژوهش

در بخش اول، پرسش اصلی پژوهش آن است که مبانی و مبادی دینی، عقلانی و تاریخی عزاداری، به عنوان نمادی کلی از فرهنگ عاشورا چیست؟ در بخش دوم نیز پرسش اصلی آن است که چه آسیب‌هایی متوجه فرهنگ عاشورا است؟

فرضیه پژوهش

در بخش اول، پژوهش بر این فرضیه استوار است که اساس عزاداری و آن چه ما امروزه آن را به عنوان فرهنگ عاشورا می‌شناسیم، از بنیادهای محکم دینی و عقلی برخوردار است و کارکردهای مثبت فراوانی در جامعه دارد.

در بخش دوم، فرضیه آن است که فرهنگ عاشورا _ که جزئی از فرهنگ دینی است _ هم از لحاظ تاریخی و هم از نظر اجتماعی، دچار آفت‌ها و آسیب‌هایی است که عوامل درونی و بیرونی آن‌ها را به وجود آورده‌اند و برای زدودن آن‌ها، باید راه کارهایی اندیشید. فرضیه‌های رقیب آن است که:

۱. هیچ آسیبی متوجه فرهنگ عاشورا نیست و آن چه موجود است، کامل است و نیازی به اصلاح ندارد؛

۲. فرهنگ کنونی عاشورا و عزاداری، قابلیت پاسخ‌گویی به نیازها را ندارد و باید به کلی دگرگون شود.

مفاهیم

۱. عاشورا: عاشورا از نظر تاریخی، روز دهم محرم سال ۶۱ ه. ق است که در آن روز، امام حسین علیه السلام به همراه ۷۲ تن از یارانش (به قول مشهور) به شهادت رسیدند و نقطه عطف تاریخی مهمی برای تشیع به شمار می‌آید.

۲. فرهنگ: این واژه از **culture** گرفته شده که در لاتین، معنای مراقبت از گیاهان و

در معنای مجازی، مراقبت از اندیشه می دهد. (۱) برای فرهنگ چهار معنا برشمرده شده که هر دو بُعد مادی و غیر مادی را در بر می گیرد. (۲)

البته در مجموع می توان آن را در بعد غیر مادی، به «مجموعه پیچیده معارف، معتقدات، هنر، اخلاق، قانون، سنت، آداب و عاداتی که اعضا از محیط خود به ارث می برند»، (۳) تعریف کرد. تعریف ساده تر آن هم این است که «آن را تمامی رفتارهای اعضای یک جامعه، از این بابت که آموخته شده اند و حالت فردی ندارند»، (۴) بدانیم. بنابراین در جامعه مذهبی، فرهنگ عاشورا، خرده فرهنگی در درون فرهنگ بزرگ تر که فرهنگ دینی، یا اجتماعی است، به شمار می آید.

۳. فرهنگ عاشورا: آن دسته از اندیشه ها، رفتارها و سنت هایی را که متأثر و ناشی از حادثه عاشورا هستند و حالت فردی ندارند، «فرهنگ عاشورا» می نامند.

۴. آسیب شناسی: آسیب شناسی یا پاتالوژی، از علوم پزشکی به علوم اجتماعی وارد شده و در اصل به معنای دو مبحث مطالعه علل بیماری و عوارض و علایم غیر عادی است. (۵)

«برگر» و «لوکمان» این اصطلاح را در حوزه مسایل اجتماعی، به معنای وضعیت

۱- فرهنگ علوم اجتماعی، آلن بیرو، برگردان: باقر ساروخانی، تهران، کیهان، چ ۱، ۱۳۶۷، ص ۷۷.

۲- محمد آراسته خو، نقد و نگرش فرهنگ اصطلاحات علمی _ اجتماعی، تهران، چاپخش، چ ۱، ۱۳۸۱، صص ۷۲۳ _ ۷۲۴.

۳- محمد آراسته خو، نقد و نگرش فرهنگ اصطلاحات علمی _ اجتماعی، تهران، چاپخش، چ ۱، ۱۳۸۱، ص ۷۲۳.

۴- فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۷۸.

۵- عباس و منوچهر آریان پور، فرهنگ دو جلدی دانشگاهی انگلیسی به فارسی، تهران، امیر کبیر، بی تا، چ ۸، ج ۲، ص

غیر متعارف و انحرافی که نیاز به اصلاح دارد،^(۱) به کار برده اند. «آسیب شناسی اجتماعی»، به شناخت علل و عوامل، نشانه ها و علایم آسیب پذیری یا آسیب گیری انسان در جامعه و زندگانی اجتماعی؛ یعنی تربیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و... می پردازد.^(۲) در حوزه آسیب شناسی دینی نیز به معنای «شناخت آسیب ها و اشکالاتی که بر دین و معرفت دینی و دین داری و... وارده شده یا ممکن است وارد بشود»،^(۳) است.

۱- تینرل برگر و توماس لوکمان، ساخت اجتماعی واقعیت، برگردان: مجیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۵.

۲- نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، ص ۶۶.

۳- علی دژاکام، تفکر فلسفی غرب از دیدگاه استاد مطهری، تهران، اندیشه، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶.

بخش اول بنیادهای فرهنگ عاشورا

اشاره

بخش اول بنیادهای فرهنگ عاشورا

زیر فصل ها

فصل اول: مبانی عزاداری

فصل دوم: تاریخ عزاداری

فصل سوم: اهداف و فلسفه عزاداری

فصل چهارم: آثار عزاداری

فصل پنجم: نمادهای عزاداری

فصل اول: مبانی عزاداری

اشاره

فصل اول: مبانی عزاداری

پدیده های انسانی و طبیعی ارزش های الهی و ماورایی، هریک برخاسته از زیرساخت ها و بنیادهایی است که وقوعشان را متصور ساخته و ظهورشان را به مرتبه امکان و الزام در آورده است. این مبانی، از سویی برگرفته از بدیهیات و از سوی دیگر، برگرفته از انگاره ها، پذیرفته شده ها و الزامات ذهنی بشری است. از این رو، پدیده ها و ارزش ها، به این مبانی وابسته بوده و این مبانی، توجیه گر آن پدیده ها و ارزش ها هستند. عزاداری، آن هم مقوله مورد بحث ما، یعنی عزاداری سالار شهیدان حسین بن علی علیه السلام نیز داستانی چنین دارد و از این قاعده پیروی می کند. هرچه در تبیین و تشریح این مبانی و توان مند سازی آن ها و تطبیق آن با مصادیق و سنجش برنامه ها و حرکت ها و مصادیق با مبانی مورد نظر کوشا باشیم و توانا تر عمل کنیم، بر میزان خلوص و گستره حضور آن افزوده ایم. عزاداری امام حسین علیه السلام مقوله ای دینی _ انسانی است و سرشتی دوگانه دارد که آمیخته ای از سنت الهی و سنت بشری است. از این رو، باید مبانی آن را در این دو امر یافت. پس ناگزیر از عرضه عزاداری به منابع استنباط اسلامی هستیم که در این مقال بدان دست می یازیم.

۱. عزاداری از نگاه عقل

۱. عزاداری از نگاه عقل

هر مقوله ای و پدیده ای در کهکشان دانش بشری، برای ماندگاری، به سنجش در ترازوی عقل، تحکیم مبانی عقلانی و به دیگر سخن، توسعه و تقویت ظرفیت برهان پذیری آن نیاز دارد. حال آیا عزاداری امام حسین علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام این استحکام عقلانی را دارد یا نه؟ آیا می توان با برهان های عقلی، به تبیین آن پرداخت یا آن که تنها با مقولاتی فراعقلانی چون عشق، قابل شرح است؟ از نگاه ما، اساس عزاداری حسینی علیه السلام، و هسته مرکزی آن، کاملاً قابلیت برهان پذیری و تبیین عقلانی را دارد. البته ذکر این نکته لازم است که منظور، عقلانیتی چند بعدی و ناظر

به تمامی جنبه های حیات انسانی است و نه فقط عقلانیت ابزاری غرب. بر این پایه، جنبه های توجیه عقلانی عزاداری را برمی شماریم:

الف) اصاله الاباحه: این اصل که خاستگاهی اصولی دارد، به بیان این نکته می پردازد که اساس قضاوت در خصوص اشیا، جایز بودن و مباح بودن آن است، مگر آن که دلیلی بر جایز نبودن آن یافت شود. بنابراین، چون دلیلی بر حرام بودن عزاداری نداریم، تا هنگامی که به عمل ناشایست خارج از اصل عزاداری آلوده نشود، امری جایز است. این اصل، اگرچه دلیل تبیینی به شمار نمی آید، ولی توجیهی عقلانی است. مرحوم سید محسن امین، از مطرح کنندگان و مدافعان این اصل است. (۱)

ب) از بدیهیات عقلی آن است که انسان در سوگ عزیزانش، به حزن و اندوه می نشیند و در فراق آنان، گریان و نالان می شود. رفتار هر انسان آراسته به اخلاق انسانی، هنگام از دست دادن یار، عزیز و بزرگی چنین است. درست به همان شکل که آدم بر هابیل، یعقوب بر یوسف، پیامبر صلی الله علیه و آله بر حمزه و... گریستند و نالیدند که ما شرح گزارش این گریه ها و عزاداری ها را در قسمت عزاداری از دیدگاه قرآن و روایات خواهیم آورد. حال هرچه مقام و عظمت شخصیت از دست رفته والاتر باشد، شیوه های بیان این سوگ مندی بیش تر و پر رنگ تر می شود و صورتی عقلانی پیدا می کند.

ممکن است این پرسش پیش آید که: در سوگ بزرگان و نزدیکان تازه از دست رفته نیکوست، ولی آیا این که پس از هزار و چهارصد سال، هنوز بر کسی چون حسین بن علی علیه السلام بگرییم نیز زیبنده و رواست؟

پاسخ این پرسش آن است که تشیع، مکتب امامت است و امامت، بر پایه ارتباط قلبی و عاطفی امت و امام استوار شده است. حال اگر این ارتباط قلبی و عاطفی، آن

۱- سید محسن امین عاملی، اقناع اللائم علی اقامه المآتم، تحقیق، محمد البدری، قم، مؤسسه معارف اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۸ ه. ق، ص ۵۳.

گونه عمیق است که پس از هزار و چهارصد سال نیز با ذکر و یادآوری مظلومیت امامی چون حسین بن علی علیه السلام، اشک در چشمان شیعه پیرو او حلقه می زند، می توان آن را غیر عقلانی خواند و به ملامتش پرداخت؟

ج) وجوب شکر مُنعم: این استدلال، استدلالی کلامی است که عزاداری را به دلیل سپاس گزاری از حسین بن علی علیه السلام لازم می داند. از منظر عقلی، قدردانی و سپاس گزاری از خدمات دیگران و کارهای نیک آن ها نیکو و لازم است و چنان چه این خدمت فداکارانه و ایثارگرانه هم باشد، شکر و سپاس، لزوم بیش تری پیدا می یابد. از این رو، امام حسین علیه السلام که در راه عظمت اسلام، زنده نگه داشتن قرآن و حمایت از مسلمانان به قیام پرداخته و همه چیز را در این راه تقدیم کرده، شایسته سپاس است. بنابراین، گرامی داشت یاد و راه او و ابراز احساسات به ساحتش، کم ترین و کوچک ترین کاری است که می توان انجام داد. حاج مهدی سراج انصاری، از روشنفکران مذهبی و روحانیان فرهیخته دهه های ۲۰ تا ۳۰ که نقشی مهم در تکوین مطبوعات دینی داشته، از مطرح کنندگان این استدلال است. وی می نویسد:

... حسین بزرگ با قیام خود با مبارزه های اساسی و خونین خود، بار دیگر اسلام را زنده نمود و بدین وسیله، حقی بر گردن مسلمانان جهان گذاشت که تا انقراض عالم، وظیفه هر فرد مسلمان است که در هر دوره از ادوار زندگی خود، از آن سالار شهیدان قدردانی نماید. قدردانی از آن رادمرد بزرگ آن است که با عزاداری، با تشکیل مجالس عزا، با روانه ساختن دسته های ماتم، همه ساله، فاجعه خونین زنده نگه داشته شود. این عملی که عقلاً و فطرتاً یک عمل بسیار نیک است، نه تنها نباید نکوهش شود، بلکه باید هر فرد متفکری، به ترویج آن اهتمام نماید.^(۱)

د) یکی دیگر از دلایلی که می توان برای بُعد عقلانی عزاداری برشمرد و به

۱- مجله آیین اسلام، شماره های ۳۳۶ _ ۳۴۰ _ ۳۴۳ ش به نقل از برگ های تاریخی، حوزه علمیه قم، رسول جعفریان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۱ صص ۶۱ _ ۶۲.

رویکرد روان شناسانه عزاداری نظر دارد، جنبه تبلیغاتی و برانگیزاننده آن است. حال چگونه این موضوع با عقلانی بودن عزاداری پیوند می خورد؟ واقعیت آن است که منشأ تحرک و تکاپوی آدمی، بیش و پیش از عقل، احساسات اوست، به طوری که بسیاری از دین شناسان و روان شناسان برآنند که انسان ابتدا ایمان می آورد و سپس به دنبال برهانی کردن آن می رود. از این رو، حتی عالمان و دانشمندان، از احساسات خود بی نیاز نیستند. به طور معمول این تبلیغات و تحریک احساسات است که انسان را به نفع یا ضرر کسی یا چیزی برمی انگیزد و به او شور و حال دفاع و مبارزه می بخشد. بنابراین، از آن جا که شهادت حسین علیه السلام زنده کردن دوباره اسلام بود، برای این که همواره این روند و مشعل فروزان اسلام ناب جاوید و پایدار باقی بماند، به عامل برانگیزاننده نیاز دارد. در دل سنت دیرپای انسان ها، این عامل عزاداری است و به همین دلیل در سنت اسلامی و شیعی، مفهومی ویژه می یابد و نقشی بنیادین پیدا می کند.

۲. عزاداری از دیدگاه قرآن و سنت

۲. عزاداری از دیدگاه قرآن و سنت

این بحث از آن جهت اهمیت دارد که دریابیم آیا در قرآن و سنت، نشانه ای بر تأیید عزاداری و صورت های آن یافت می شود یا خیر؟ تنها نشانه ای که می توان در قرآن کریم بر تأیید این مطلب یافت، موضوع گریه طولانی حضرت یعقوب در فراق یوسف و نابینایی او به جهت بسیاری گریه است؛ چنان که در آیات ۸۴ و ۸۵ سوره یوسف می خوانیم:

و روی برتافت از ایشان و گفت دریغ بر یوسف و سفید شد دیدگان و از اندوه و [پسران او] گفتند به خدا ترک نکنی یاد کردن یوسف را تا بیماری فسرده گردی یا بشوی از نابود شدگان.

اما در سنت، مجموعه روایات، رفتارها و تقریرهای پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام بیش از آن است که بتوانیم همه شان را در این جا گرد آوریم؛ بنابراین، تنها به گزیده ای از آن ها بسنده می کنیم.

احمد بن حنبل در مسند خود، روایتی را از ابن عباس نقل می کند که هنگام وفات رقیه، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله زنان بر او می گریستند. در همان حال، خلیفه دوم، عمر بن خطاب، با تازیانه آن ها را از این کار نهی می کرد، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله مانع او شد و فرمود:

بگذار تا بگریند. (۱)

هم چنین در چند جای دیگر، نهی عمر از گریستن بر شهیدان و مردگان و منع پیامبر از نهی او و جایز کردن آن ذکر شده است. (۲)

هم چنین نسایی از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که هنگام شهادت پدرم در جنگ احد، من بر پدرم می گریستم و مردم مرا از گریستن نهی می کردند، ولی از پیامبر صلی الله علیه و آله نهی ای ندیدم. (۳) سنن نسائی نیز روایتی را آورده که در آن، بر منع نکردن پیامبر از صیحه و گریه زنان، تصریح شده است. (۴)

۳. عزاداری امام حسین علیه السلام در روایات شیعی

۳. عزاداری امام حسین علیه السلام در روایات شیعی

در روایات شیعی و از زبان اهل بیت علیهم السلام، سخنان فراوانی نقل شده که بر توصیه ایشان بر گریستن و عزاداری بر امام حسین علیه السلام دلالت دارد. نیز روایات بی شماری، با مضمون گریستن چهارده معصوم علیهم السلام بر آن حضرت، حتی پیش از شهادت ایشان وارد شده که در این جا، به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مکان های متعددی بر فرزندش حسین علیه السلام گریسته است. در روز ولادت حسین علیه السلام، آن حضرت در گوش راست او اذان و در گوش

۱- مسند احمد بن حنبل، بیروت - لبنان، دارالفکر، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۵.

۲- مسند احمد بن حنبل، بیروت - لبنان، دارالفکر، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۳.

۳- سنن نسائی، شرح جلال الدین سیوطی، بیروت - لبنان، دارالمعرفه، چ ۳، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۳۱۸.

۴- سنن نسائی، شرح جلال الدین سیوطی، بیروت - لبنان، دارالمعرفه، چ ۳، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۳۱۸.

چپش اقامه خواند و سپس فرزندش را در دامنش نهاد و گریست. (۱)

در روایت دیگری است که «امام حسین علیه السلام در هنگامی که رسول خدا در حالت وحی بود، بر ایشان وارد و بر پشت پیامبر سوار شد و مشغول بازی گردید. در این حال جبرئیل عرضه داشت: امت پس از تو دچار فتنه می شوند و این فرزندت کشته می شود. پس دست برد و مقداری خاک بر گرفت و گفت در این زمین که نام آن «طفّ» است. پس از رفتن جبرئیل، پیامبر در حالی که آن خاک را در دست داشت، گریه می کرد به سوی اصحابش رفت. آنان پرسیدند: ای رسول خدا برای چه گریانی؟ فرمود: جبرئیل خبر داد که پس از من فرزندم حسین، در زمینی به نام «طفّ» کشته می شود.» (۲)

از این دست روایات در خصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد گریستن بر امام حسین علیه السلام فراوان یافت می شود. (۳) گریستن علی علیه السلام هنگام عبور از کربلا در جریان جنگ صفین نیز به صورت متواتر نقل شده است. (۴)

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که حضرت زهرا علیها السلام بر مصیبت فرزندش حسین علیه السلام می گریست. (۵) درباره گریستن، عزاداری و مجلس به پا داشتن امام صادق علیه السلام (۶) و امام کاظم علیه السلام (۷) نیز اخبار و گزارش در دست است. این همه روایات،

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، بیروت _ لبنان، داراحیاء التراث العربی، چ ۳، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۳۹.

۲- محمدبن حسن طوسی، امالی طوسی، قم، مکتبه الداوری، ج ۱، صص ۳۲۱ _ ۳۲۴.

۳- امالی صدوق، شیخ صدوق، بیروت _ لبنان، اعلمی، ص ۱۱۶.

۴- وقعه الصفین، نصر بن مزاحم منقری، تحقیق، عبدالسلام هارون، بیروت، مؤسسه العربیه الحدیثه، چ ۲، بی تا، ص ۱۴۰.

۵- کامل الزیارات، ابن قولویه، نجف، مطبعه الحیدریه، ص ۸۲.

۶- امالی صدوق، ص ۱۱۸.

۷- امالی صدوق، ص ۱۱۱.

بیانگر حزن و اندوه امامان در مصیبت حسین علیه السلام است.

پس از آن جا که گفتار، کردار و تأیید عمل دیگران از سوی آن بزرگواران حجت است، تمسک به شیوه رفتار آن ها لازم خواهد بود. البته به جز این روایات، در روایات بسیار دیگری، به گریستن و برپایی مجلس عزاداری امام حسین علیه السلام امر شده و ثواب آن بیان گردیده است. امام صادق علیه السلام ابوعماره را، به خواندن شعری در رثای امام حسین علیه السلام (۱) امر کردند. نیز امر آن حضرت به جعفر بن عقیان و سخن آن حضرت در این باره که هر که در مرثیه حسین علیه السلام بگرید و بگریاند، خداوند او را بیامرزد و بهشت را بر او واجب گرداند، (۲) در زمره این احادیث قرار می گیرد. کلام امام رضا علیه السلام هم که فرمود:

پس به مثل حسین باید بگریند گریه کنندگان. همانا گریه بر آن حضرت، گناهان بزرگ را فرو ریزد. (۳)

و نیز سخن ایشان که:

هر که مصیبت ما را به یاد آورد و پس از ما بگرید و بگریاند، هنگامی که همه چشم ها گریان می شوند، او نخواهد گریست و هر که بنشیند در مجلسی که در آن امر ما احیا می شود، قلب و دل او هنگامی که همه دل ها می میرند، نخواهد مرد. (۴)

از همین دست روایات است. به هر حال، روایات برپاداشتن مجالس و گریه و

۱- امالی صدوق، مجلس ۲۹، ص ۲۰۵.

۲- اختیار معرفه الرجال، کشی، تصحیح میر داماد، تحقیق، سید مهدی رجایی، قم مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۵۷۴.

۳- امالی صدوق، مجلس ۲۷، ص ۱۲۸.

۴- امالی صدوق، مجلس ۲۷، صص ۲۶۸ - ۲۶۹.

نوحه بر حسین علیه السلام بسیار است که در این مجال، فرصت ذکر همه آن ها نیست. (۱)

۴. عزاداری در نگاه اهل سنت

۴. عزاداری در نگاه اهل سنت

عزاداری در نگاه اهل سنت، از دو منظر قابل تبیین است.

الف) روایات متعدد اهل سنت در خصوص عزاداری در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و گریستن آن حضرت بر امام حسین علیه السلام و مسائلی این چنینی درباره آن حضرت؛

ب) دیدگاه های مختلف عالمان سنی مذهب.

از نگاه اول، روایات بسیاری از اهل سنت وجود دارد که پیامبر و صحابه در سوگ عزیزانشان می گریسته اند و عزاداری می کرده اند؛ همانند گریستن پیامبر بر اهل بیتش، (۲) نیز گریه ایشان بر حمزه، (۳) جعفر بن ابی طالب، زید بن حارثه، (۴) ابراهیم فرزندان (۵) و عثمان بن مظعون. نیز باید به مرثیه های اصحاب پیامبر در سوگ حمزه اشاره کرد. پس از شهادت حمزه کسانی چون صفیه، خواهرش، کعب مالک و حسان بن ثابت (۶) او را رثا گفته اند.

البته در دیگر سو، روایاتی در مذمت شیون و گریه بر مردگان (۷) در احادیث اهل

۱- برای مطالعه بیش تر رجوع کنید به اقناع اللائم علی اقامه الماتم، سید محسن امین، صص ۱۸۳ _ ۱۹۹.

۲- الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هیتمی، تصحیح عبدالوهاب عبدالطیف، قاهره _ مصر، مکتبه القاہرہ، بی تا، ص ۲۳۹.

۳- السیره الحلبیہ، علی بن برهان الدین حلبی، بیروت _ لبنان، دارالمعرفه، بی تا، ج ۱، ص ۵۳۴.

۴- صحیح بخاری، به حاشیه سندی، بیروت _ لبنان، دارالکتب العلمیہ، چ اول، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۳۹۳.

۵- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۶.

۶- سیرت رسول الله صلی الله علیه و آله، اسحاق بن محمد همدانی، تصحیح اصغر مهدوی، تهران، خواندنی، ۱۳۶۱ ش، ج ۲، ص ۶۷۳ و ۷۰۰ _ ۷۰۲ و ۶۹۳ _ ۷۰۰.

۷- صحیح نجاری، کتاب الخبائز، ج ۲، ص ۴۴۲؛ کنز العمال، حسام الدین متقی هندی، تصحیح، صفوه السقاء، بیروت _ لبنان، مؤسسه الرساله، چ ۱، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵، ص ۷۳۱ _ ۷۳۳.

سنت وجود دارد که بیش تر آن ها به خلیفه دوم بازمی گردد. در توضیح این احادیث، چند نکته حایز اهمیت است:

اول _ هم چنانکه ابن عباس از قول عایشه نقل می کند _ در صورت درستی این نوع احادیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله _ آن حضرت، این گفتار را از اساس درباره زیاد شدن عذاب کافران با گریه بستگان نشان فرموده است. (۱)

دوم _ در سیره خلیفه دوم، به موارد متضاد و معارض با این گونه روایات برمی خوریم که وی اشک ریختن و گریه کردن و سوگواری را بدون کارهای زاید اجازه می داده است؛ همانند اجازه او بر گریستن زنان بر مرگ خالد بن ولید، (۲) و گریه او در مرگ نعمان. (۳)

سوم _ اصولاً این روایات از نظر سند قابل تأملند.

از نگاه دوم، یعنی از نظر عالمان اهل سنت و فتاوی فقهی آنان نیز، تحریم مطلق عزاداری جایی ندارد. نیز آن چه مکروه قلمداد شده، شیون، زاری کردن و فریاد زدن است، ولی گریستن جایز دانسته شده است. (۴)

در مجموع، عالمان اهل سنت، گریه بدون فریاد زدن را مباح دانسته اند، ولی در خصوص گریه با صدا، دو دیدگاه وجود دارد. مالکیان و حنفیان، گریه با فریاد را حرام می دانند، ولی شافعیان و حنبلی ها آن را روا دانسته اند. (۵)

۱- مسند احمد، ج ۱، ص ۴۲.

۲- اسد الغابه فی معرفه الصحابه، عزالدین ابن اثیر، تحقیق: علی محمد معوض، عادل احمد عبدالموجود، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه، ج ۱، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۱۴۳.

۳- کنز العمال، ج ۱۵، ص ۷۲۷.

۴- الفتاوی الهندیه فی مذهب الامام ابی حنیفه، شیخ نظام و گروهی از فقهای حنفی هند، با حاشیه فتاوی قاضی خان، بیروت _ لبنان، دارالفکر، ج ۲، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۱۶۲.

۵- الفقه علی المذاهب الاربعه، عبدالرحمان جزیری، بیروت _ لبنان، دارالفکر، ج ۱، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۵۰۲.

فصل دوم: تاریخ عزاداری

اشاره

فصل دوم: تاریخ عزاداری

زیر فصل ها

تاریخ عزاداری از دیدگاه شیعه

تاریخ عزاداری شیعه پس از عاشورا

تاریخ عزاداری امام حسین علیه السلام در میان اهل سنت

عزاداری امام حسین علیه السلام در ایران

تاریخ عزاداری در جهان

تاریخ عزاداری از دیدگاه شیعه

تاریخ عزاداری از دیدگاه شیعه

شهادت حسین بن علی علیه السلام جانی دوباره و هویتی تازه به تشیع بخشید. تشیع چنان با حادثه عاشورا عجین گشته است که امروزه قسمت اعظمی از بنیان و بنیادهای شیعی را، آموزه ها و مسایل مرتبط با عاشورا و حرکت امام حسین علیه السلام می سازد. از این رو است که در نگاه شیعی، این نه فقط شیعیان، که همه عالم، گیاهان و بی جانان و حیوانات تا انسان ها، و نه امروز که از ابتدای آفرینش انسان، بر امام حسین علیه السلام گریسته اند و همه چیز با نام او پیوند خورده است. در این گفتار، تاریخ عزاداری آن حضرت را از جریان حضرت آدم علیه السلام تا شهادت ایشان، از دیدگاه روایات شیعی بازگو می کنیم.

امام صادق در روایتی می فرمایند:

گریه پیامبران، صدیقان، شهیدان و ملائکه آسمان بر حسین علیه السلام، طولانی شده است. (۱)

هم چنین در کامل الزیارات و بحارالانوار روایتی آمده که می گوید:

هیچ پیامبری نبوده، مگر این که به زیارت کربلا آمده و در آن جا توقف کرده است. (۲) از این رو در روایات شیعی، سابقه عزاداری بر امام حسین علیه السلام به حضرت آدم علیه السلام می رسد.

- ١- بحار الانوار، علامه مجلسی، بیروت _ لبنان، دار احیاء التراث العربی، چ ٣، ١٤٠٣ ق، ج ٤٥، ص ٢٠٨.
- ٢- کامل الزیارات، چ مرتضویہ، نجف، ١٣٥٦ ق، ص ٦٧؛ بحار الانوار، ج ٤٤، ص ٣٠١.

در روایتی وارد شده است که وقتی خداوند درخواست توبه آدم علیه السلام را پذیرفت، جبرئیل اسامی پنج تن آل عبا را به او تلقین کرد. هنگامی که به نام سید الشهداء رسید، گریه راه گلویش را بست. آدم علت آن را جویا شد و جبرئیل واقعه عاشورا را برای او شرح داد. در این هنگام، آدم و جبرئیل هر دو گریه می کردند. (۱) در روایت دیگری آمده است که حضرت آدم هنگام عبور از کربلا یزید را لعن نموده است. (۲) هنگامی که کشتی حضرت نوح نیز به کربلا رسید، به تلاطم افتاد. وقتی آن حضرت علت را پرسید، جبرئیل داستان کربلا را برای وی بازگو کرد. (۳) همین مسأله درباره ابراهیم، هنگامی که در صدد ذبح اسماعیل برآمده بود، روی می دهد و پس از شنیدن داستان عاشورا، اشک از چشمانش سرازیر می شود. (۴) برای اسماعیل نیز همین مسأله هنگام آب نیاشامیدن گوسفندانش در کربلا- اتفاق می افتد. (۵) نیز هنگامی که به موسی خطاب شد همه گناهکاران توبه کار را می بخشم، جز کشنده حسین علیه السلام را و آن گاه داستان کربلا بیان گردید، گریه کرد و از قاتلان حسین علیه السلام بیزاری جست. (۶)

هم چنین در روایتی، گریستن حضرت موسی و حضرت خضر علیهما السلام در مجمع البحرین، (۷) حضرت زکریا در بیت المقدس (۸) و حضرت عیسی در کربلا (۹) بر حضرت

۱- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۵، الخصائص الحسينیه، شیخ جعفر شوشتری، بیروت، دارالسرور، ج ۱، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۰۱.

۲- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۲.

۳- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۳.

۴- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۷.

۵- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۳.

۶- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۴.

۷- تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۳۸.

۸- الاحتجاج، طبرسی، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ ق، ج، ص ۴۶۳.

۹- الامالی، شیخ صدوق، مجلس ۸۷، ذیل شماره ۵.

امام حسین علیه السلام ذکر شده است. نیز گریستن حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از ولادت امام حسین علیه السلام (۱) یا هنگام رحلت شان (۲) و...، گریستن امیرمؤمنان علیه السلام هنگام عبور از کربلا (۳) و گریستن حضرت زهرا، (۴) خط سیر دنباله دار تاریخ عزاداری نزد شیعیان، از ابتدا تا هنگام شهادت امام حسین علیه السلام است. هم چنین علامه مجلسی در بحارالانوار از امام باقر علیه السلام روایت می کند که هنگام خروج امام حسین علیه السلام از مدینه به طرف مکه، بانوان بنی عبدالمطلب جمع شدند و بر آن حضرت گریه کردند. (۵)

تاریخ عزاداری شیعه پس از عاشورا

تاریخ عزاداری شیعه پس از عاشورا

شهادت حسین بن علی علیه السلام، شوکی عاطفی در میان مردم، به ویژه حلقه پیروان و دوست داران اهل بیت و شیعیان آن حضرت پدید آورد. هم چنین عظمت شخصیت حسین بن علی علیه السلام و یارانش و پستی عمل جنایت کاران در چگونگی شهادت امام علیه السلام، بر ابعاد این مسأله می افزود. عزاداری از همان لحظه های نخستین پس از شهادت امام حسین علیه السلام، افزون بر بار عاطفی نیرومندی که داشت، با ویژگی های سیاسی و اجتماعی نیز همراه بود. در این جا، سیر تاریخی عزاداری امام حسین را پس از شهادت آن حضرت به اختصار بررسی می کنیم. البته ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که حتی دشمنان و قاتلان امام علیه السلام چون عمر سعد (۶)، لشکر کوفیان، (۷) مردم

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۴۹؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۴۹.

۲- مشیر الاحزان، ابن نماحلی، قم، مؤسسه الامام المهدی، چ ۳، ۱۴۰۶ ق، ص ۲۲.

۳- الامالی، صدوق، ص ۳۶۵، مجلس ۸۷.

۴- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۲۵.

۵- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸۸ - ۸۹.

۶- تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۵۲، مقتل الحسین، ابی مخنف، ترجمه علی کرمی، قم، دارالکتاب، ج ۱، ۱۳۷۷، ص ۳۸۴.

۷- بحارالانوار، ج ۴۵، صص ۵۸ - ۵۹.

کوفه، (۱) و اهل شام، (۲) نیز بر مظلومیت و فداکاری جانبازانه امام حسین علیه السلام گریسته اند.

تاریخ عزاداری شیعه پس از عاشورا، از اولین لحظه های شهادت امام حسین علیه السلام شروع می شود، هنگامی که ذوالجناح با زین واژگون و یال غرقه به خون از مقتل بازگشت. (۳) پس از آن نیز در مواردی متعدد، حضرت زینب، زنان حرم امام علیه السلام و نیز دیگران به عزاداری پرداختند؛ مواردی چون عزاداری اهل بیت هنگام چپاول و آتش زدن خیمه ها (۴) و وقت عبور از میان شهدا، (۵) عزاداری زنان بنی اسد هنگام رفتن شهدا، (۶) عزاداری اهل بیت در شام، (۷) عزاداری اهل بیت و اهل مدینه در هنگام ورود به مدینه (۸) و عزاداری ام البنین در بقیع. (۹) به جز عزاداری های اهل بیت پس از شهادت امام حسین علیه السلام و اصحابش، شاهد عزاداری های دوست داران و شیعیان خاندان عترت به صورت فردی و جمعی هستیم که به آن ها اشاره می کنیم.

۱. عبیدالله بن حر جعفی، که گفته شده پس از شهادت امام حسین علیه السلام از منزل

۱- بحارالانوار، ج ۴۵، صص ۱۰۸ - ۱۰۹ - ۱۱۲ - ۱۱۳.

۲- بحارالانوار، ج ۴۵، صص ۱۷۴ - ۱۷۵.

۳- بحارالانوار، ج ۴۵، صص ۵۲.

۴- بحارالانوار، ج ۴۵، صص ۵۸.

۵- مقتل الحسین، خوارزمی، تحقیق، شیخ محمد سماوی، قم، دارانوار الهدی، ج ۱، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، صص ۴۴ - ۴۵.

۶- ارشاد، مفید، ج ۲، صص ۱۱۳ - ۱۱۴، ینابیع الموده لذوی القربی، قندوزی حنفی، قم، مکتبه المحمّدی، ۱۳۸۵ ق، ج ۸، ص ۱، ص ۳۵۰.

۷- لهوف، سید ابن طاووس، برگردان، میرابوطالبی، قم، دلیل، ج ۱، ۱۳۷۹ ش، صص ۱۹۲.

۸- لهوف، سید ابن طاووس، برگردان، میرابوطالبی، قم، دلیل، ج ۱، ۱۳۷۹ ش، صص ۱۹۸.

۹- مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، تحقیق، سید احمد صفر، قم، شریف رضی، ج ۱، ۱۴۱۴ ق، صص ۸۵.

خود در قصر بنی مقاتل به کربلا رفت و در آن جا گریست و قصیده بلندی در رثای امام حسین علیه السلام سرود. (۱) او را نخستین زیارت کننده قبر امام علیه السلام دانسته اند. (۲)

۲. جابر بن عبدالله انصاری، که براساس گفته لهوف در اربعین به کربلا رسیده است. (۳)

۳. توّابین که پس از شهادت امام حسین علیه السلام از یاری نکردن آن حضرت پشیمان گشته و توبه کردند و به قیام بر ضد دستگاه شام و جبران گذشته همت گمارند. آن ها بدین منظور، به کربلا رفتند و در آن جا به عزاداری پرداختند و آن جا برای خونخواهی امام علیه السلام هم قسم شدند. (۴)

۴. عزاداری امامان معصوم علیهم السلام، که در برخی از فصل های پیشین نیز ذکری از آن به میان آمد.

امام باقر علیه السلام به منظور عزاداری بر جدّشان، مجلس تشکیل می دادند و از کمیت خواستند تا اشعاری در این باره بخواند. (۵)

امام صادق علیه السلام نیز به تشکیل مجلس عزاداری می پرداختند (۶) و شیعیان را به عزاداری و مرثیه سرایی با حزن و اندوه و سوز امر می نمودند (۷) و خود در مصیبت

۱- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۴، ص ۲۳۷ - ۲۳۸.

۲- تاریخ النیاحه، سید صالح شهرستانی، تحقیق، نبیل رضا علوان، بیروت - لبنان، دارالزهراء، ج ۱، ۱۴۱۹ ق، ج ۱ - ۲، ص ۱۰۰ به نقل از مدینه الحسین علیه السلام.

۳- لهوف، ص ۱۹۷.

۴- مقتل الحسین علیه السلام، خوارزمی، ج ۲، ص ۲۱۸.

۵- بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۹۱.

۶- امالی صدوق، ص ۱۱۸.

۷- کامل الزیارات، جعفر بن قولویه، قم، صدوق، چ ۱، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵.

جدشان می گریستند. (۱)

در همین زمینه، روایاتی از امام کاظم علیه السلام (۲) و امام رضا علیه السلام (۳) نقل شده است. بنابراین، آن چه از سیره اهل بیت برمی آید، تشکیل مجالس عزاداری و گرامی داشت عاشورا، به ویژه دهه محرم (۴) است. به یقین شیعیان هم این امر را تا حد امکان در آن شرایط خفقان به انجام می رساندند و هرگاه شرایط مهیا می شد آشکارا به عزاداری می پرداختند.

این شرایط در زمان بنی امیه به شدت سخت و دهشتناک بود. امویان می کوشیدند تا یاد حسین و اهل بیت علیهم السلام از ذهن ها پاک شود. از این رو، به هیچ وجه اجازه عزاداری و رفت و آمد و زیارت قبر مطهر آن حضرت را نمی دادند. این موضوع پس از قیام زید ابن علی بن حسین علیه السلام در زمان هشام بن عبدالملک شدت یافت. آن شرایط خفقان بار، در گفت و گوی میان امام صادق علیه السلام و یکی از اصحابشان به نام مسمع (۵) کاملاً مشهود است.

اما در زمان عباسیان، شرایط همواره در حال نوسان و تغییر بود و دائماً دچار قبض و بسط می شد. در زمان سفاح اولین خلیفه عباسی، شاهد فراهم شدن زمینه برای زیارت مرقد مطهر هستیم، ولی در زمان منصور، شاهد منع زائران و تخریب مرقد مطهریم که شاید یکی از علت های آن، قیام سادات حسنی باشد. پس از منصور و در زمان مهدی، مأمون، معتصم، واثق، منتصر و ناصرالدین بالله، شیعیان از جهت

۱- کامل الزیارات، جعفر بن قولویه، قم، صدوق، چ ۱، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵.

۲- امالی صدوق، ص ۱۱۱، ج ۲.

۳- مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۱۲۹.

۴- امالی صدوق، ص ۱۱۶.

۵- کامل الزیارات، ابن قولویه، تصحیح: عبدالحسین امینی، قم، کتابفروشی وجدانی، چ نجف، ۱۳۵۶ ق، ص ۱۰۱.

عزاداری و زیارت قبر امام حسین علیه السلام آزادی داشتند، ولی در زمان هارون و متوکل، به شدت در آزار و اذیت قرار گرفتند و دستور تخریب قبر مطهر و منع زایران صادر شد.^(۱) شدیدترین این آزارها و اذیت‌ها، در زمان متوکل بود که دستور کشت زمین‌های اطراف قبر مطهر و زندانی کردن زایران را در سال ۲۳۶ هـ. ق صادر کرد. علی بن محمد بسامی، شاعر بغدادی، شعری سرود و در آن، بنی عباس و متوکل را هجو و مذمت کرد.^(۲) با این حال، کسانی از قرن اول هجری تا زمان آل بویه، به طور فردی و جمعی به کربلا-رفته و در آن جا عزاداری می کردند، ولی پرشکوه ترین عزاداری شیعه در سوگ سیدالشهدا علیه السلام، در دوران آل بویه که خود شیعه و دوست دار اهل بیت بودند، اتفاق افتاد. احمد معزالدوله، یکی از سه برادران بویه ای، پس از فتح بغداد در سال ۳۳۴ هـ. ق در زمان مستکفی بالله، با توجه به روحیه تشیع خود، به آبادانی مزار امامان معصوم، به ویژه امام حسین علیه السلام پرداخت. او در محرم سال ۳۵۲ دستور داد که بازارها تعطیل و خرید و فروش ممنوع شود و سقاخانه‌هایی در بازارها برای آب دادن به مردم دایر گردد. هم چنین زنان در حالی که برای امام حسین علیه السلام نوحه می خواندند و بر صورت لطمه می زدند، از خانه‌ها خارج شوند.^(۳) این نخستین باری بود که چنین مراسمی در عزای امام حسین علیه السلام و زیر پرچم حکومتی برپا می گردید و سنت عزاداری دهه اول محرم، از آن زمان تا کنون به یادگار مانده است. پس از این دوران نیز عزاداری امام حسین علیه السلام همواره انجام می گرفت و با توجه به برخورد حاکمان، دچار قبض و بسط می گردید.

پس از دوران آل بویه، دوران تیموریان از این جهت بسیار پر اهمیت است. و

- ۱- کامل الزیارات، ابن قولویه، تصحیح: عبدالحسین امینی، قم، کتابفروشی وجدانی، چ نجف، ۱۳۵۶ ق، صص ۶- ۷.
- ۲- وفیات الاعیان، ابن خلکان، ج ۳، تحقیق: احسان عباس، بیروت - لبنان، دارالفکر، ۱۹۷۰ م، ج ۳، ص ۳۶۵.
- ۳- مدینه الحسین علیه السلام، ص ۱۰۶.

شاهد گسترش تدریجی تشیع، به ویژه در خراسان و ماوراءالنهر (مرکز حکومت تیموریان) هستیم، به طوری که برخی از پژوهش‌گران، از تسنن دوازده امامی در این دوره نام برده‌اند (۱) و نوشته‌اند در این زمان در ماوراءالنهر، همه ساله در سالروز قیام عاشورا، مراسمی برپا می‌شد. (۲)

ملاحسین کاشفی، چهره شاخص این دوره و نگارنده کتاب روضه الشهداء است. برخی گفته‌اند در این دوره، گریه بر امام حسین علیه السلام در هرات، جانشین ذکر صوفیانه شده بود که نقشبندیه آن را ملغی کرده بودند. (۳) با روی کار آمدن صفویه و رسمیت یافتن مذهب شیعه و فزونی گرفتن شمار شیعیان، بر کمیت و گستره مراسم عزاداری افزوده شد و از آن پس نیز با توجه به شیعی بودن همه حاکمان ایرانی، همین روند با ابعاد وسیع تری ادامه یافت.

تاریخ عزاداری امام حسین علیه السلام در میان اهل سنت

تاریخ عزاداری امام حسین علیه السلام در میان اهل سنت

اهل سنت امروزه، شمار فراوانی از جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دهند. از این رو، به دست آمدن نظرگاه آنان در خصوص مسأله ای چون عزاداری امام حسین علیه السلام مهم تلقی می‌شود و می‌تواند به وحدت نظری و عملی مسلمانان کمک کند. از سویی دیگر، با توجه به تبلیغ وسیع وهابیت در نفی عزاداری و به ویژه عزاداری سیدالشهداء، به دست آوردن سیره عالمان و بزرگان اهل سنت و گذشته تاریخی این موضوع در میان ایشان، جایگاه والایی می‌یابد.

نخستین گزارشی که از اعتراض و گریه یکی از بزرگان صحابه پس از شهادت امام حسین علیه السلام و اسارت اهل بیت علیهم السلام ثبت شده، اعتراض و گریستن زیدبن ارقم

۱- تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، قم، انصاریان، ج ۱، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۳۰.

۲- روضه الشهداء، ملا حسین کاشفی سبزواری، تحقیق: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، نوید اسلام، ج ۱، ص ۲۲.

۳- تشیع و تصوف، کامل مصطفی، ترجمه قراگزلو، تهران، امیر کبیر، صص ۳۲۵ - ۳۲۷.

در مجلس ابن زیاد است. هنگامی که ابن زیاد با چوب دستی بر لب و دندان امام علیه السلام می زد، زید با اعتراض گفت: چوب دستی ات را بردار، به خدا شاهد بودم که رسول خدا مابین دو لب حسین را می بوسید و سپس گریست. ابن زیاد او را تهدید به مرگ کرد. پس زید فریاد زد: ای مردم! شما از این پس جزو بردگانید؛ پسر فاطمه را کشته اید و پسر مرجانه را امارت داده اید... (۱).

به جز زیدبن ارقم، از کسانی که گریستن و عزاداری ایشان بر حسین بن علی علیه السلام ذکر شده می توان به حسن بصری اشاره کرد که پس از شنیدن خبر شهادت امام حسین علیه السلام به شدت گریست و گفت: امت ذلیل، امتی است که پسر دختر پیامبرش را می کشد. (۲) هم چنین از امام شافعی می توان نام برد. شافعی با وجود طعن مخالفان، از ابراز محبت به اهل بیت علیهم السلام ابا نمی ورزید. (۳) وی در قصیده ای، به مدح اهل بیت علیهم السلام و ابراز اندوه از شهادت امام حسین علیه السلام می پردازد. نیز می توان از رثای خالد بن معران، یکی از تابعین و مرثیه احمد بن منصور بن علی قطیعی درباره امام حسین علیه السلام یاد کرد. (۴) باید به این نکته اشاره کرد که بسیاری از فقهای سنی مذهب اهل کوفه، به ویژه ابوحنیفه از سرسخت ترین طرفداران قیام های علویان بودند. ابوحنیفه و بسیاری دیگر از فقها هم در جریان قیام زیدبن علی بن حسین علیه السلام (۵) و هم در جریان قیام حسنیان به رهبری محمد نفس زکیه و ابراهیم بن محمد، به حمایت آنان برخاستند

- ۱- تاریخ طبری، بیروت - لبنان، ج ۴، ص ۳۴۹؛ تذکره الخواص، سبط ابن جوزی، قم، شریف رضی، ۱۴۷۱ ق، ص ۲۳۱.
- ۲- تذکره الخواص، ص ۲۴۰.
- ۳- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۲۴.
- ۴- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۴۱.
- ۵- مقاتل الطالبین، ج ۱، ۱۴۱۴ ه. ق.

و به نفع آنان فتوا صادر کردند.^(۱)

احمد بن حنبل، عالم بلند پایه اهل حدیث، در تعدیل مذهب عثمانیه و پذیرش فضایل علی علیه السلام نقش مؤثری دارد و حنبلی ها که به سختی با مراسم عاشورای حسینی مبارزه می کردند، با نشر فضایل اهل بیت علیهم السلام از شدت تعصبشان کاسته شد. در این راستا می توان از سبط ابن جوزی و یحیی بن سلامه حفصکی که قصیده ای در مدح دوازده امام و قصیده ای دیگر در رثای اباعبدالله الحسین علیه السلام دارد، نام برد.^(۲) هم چنین می توان به کسانی چون ابن صباغ مالکی، شمس الدین محمد بن طولون، قندوزی حنفی و فضل الله بن روزبهان که همگی آنان سنی های معتدلی هستند، اشاره کرد.

عبدالجلیل رازی، از عالمان قرن ششم و صاحب کتاب النقص، در مقابل نویسنده سنی مذهب دیگری که به عزاداری امام حسین علیه السلام خرده گرفته بود، به دفاع از آن برمی خیزد و می نویسد: «بزرگان و معتبران ائمه از اصحاب امام مكرم بوحیفه و امام مكرم شافعی و علما و فقهای طوایف فریقین، خلفا عن سلف، این سنت را رعایت کرده اند.»^(۳) اطلاعاتی که وی از عزاداری امام حسین علیه السلام در میان اهل سنت می دهد، بسیار ارزش مند است. وی از شخصیت های برجسته زیادی از اهل سنت چون خواجه بومنصور در اصفهان و خواجه علی غزنوی حنفی در بغداد نام می برد که، در روز عاشورا با شور و هیجان فراوانی به سوگواری امام حسین علیه السلام می پرداخته اند.^(۴) وی هم چنین به مجلس «شهاب مشاط» در بغداد اشاره می کند.

۱- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۱۴.

۲- تأملی در نهضت عاشورا، رسول جعفریان، قم انصاریان، ج ۲، ۱۳۸۱ ش، صص ۲۸۲ - ۲۸۳.

۳- کتاب النقص، عبدالجلیل قزوینی رازی، به سعی سید جلال الدین محدث، تهران، ۱۳۳۱ ش، ج ۱، ص ۴۰۲.

۴- کتاب النقص، عبدالجلیل قزوینی رازی، به سعی سید جلال الدین محدث، تهران، ۱۳۳۱ ش، ج ۱، صص ۴۰۳ - ۴۰۵.

در همین دوره باید از عبدالرحمان جامی (۸۱۷ _ ۸۹۸ ه. ق) حنفی مذهب یاد کرد که علاقه بسیاری به خاندان عترت داشته و اشعاری در این باره سروده است. (۱) او هنگام دیدار از کربلا اشعاری در وصف امام حسین علیه السلام می سراید:

کردم ز دیده، پای سوی مشهد حسین

هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین (۲)

به جز این موارد می توان از برخی عالمان حنفی نام برد که کتاب هایی در رثای امام حسین علیه السلام نگاشته اند: محمود بن عثمان حنفی رومی نویسنده مقتل الامام الحسين ابن علی ابی طالب رضی الله عنهما فی کربلا، (۳) قادر بخش بن حسن علی حنفی نگارنده جور الاشقیاء، علی ریحانه سید الانبیاء (۴) و شیخ علی انور بن علی اکبر حنفی نویسنده کتابی با عنوان شهادة الکونین فی مقتل سیدنا الحسین السبط. (۵) امروزه نیز اهل سنت، یا خود به عزاداری امام حسین علیه السلام می پردازند و یا با شیعیان در عزاداری شرکت می کنند؛ چنان چه دکتر علی الوردی در کتاب خود با عنوان دراسه فی طبیعه المجتمع العراقی به این اشتراک شیعه و سنی در عزای حسینی اشاره می کند و می نویسد:

کم دیده نمی شود که محله سنی نشین با محله شیعه نشین در بعضی مجالس حسینی مشارکت می کنند و گاهی نیز در تقدیس مراقد و امامان شیعه این

۱- کلیات دیوان جامی، عبدالرحمان جامی، تصحیح، شمس بریلوی، تهران، هدایت، ج ۱، ۱۳۶۲، ص ۲۷.

۲- کلیات دیوان جامی، عبدالرحمان جامی، تصحیح، شمس بریلوی، تهران، هدایت، ج ۱، ۱۳۶۲، ص ۲۵.

۳- هدیه العارفین، اسماعیل باشا بغدادی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۲ ق، ج ۲، ص ۴۱۲.

۴- نزهه الخواطر و بهجه المسامع و النواظر، عبدالحی بن فخرالدین حسنی، حیدرآباد دکن، دائره المعارف العثمانیه، ج ۲، ص ۸، ۳۰۷.

۵- نزهه الخواطر و بهجه المسامع و النواظر، عبدالحی بن فخرالدین حسنی، حیدرآباد دکن، دائره المعارف العثمانیه، ج ۲، ص ۸، ۳۲۸.

مشارکت دیده می شود. (۱)

عزاداری امام حسین علیه السلام در ایران

عزاداری امام حسین علیه السلام در ایران

ایرانیان از دیر باز دوست دار خاندان عترت و مفتخر به ولایت آنان بوده اند. آن ها به اهل بیت علیهم السلام حساسیت ویژه ای داشته و همواره یار و حامی آنان به شمار رفته اند.

قبیله بنی حمراء از قبایل ایرانی تبار شیعی مذهب کوفه، نخستین کسانی بودند که پس از واقعه کربلا، آشکارا مجالس عزاداری عاشورا به پا کردند و برای خون خواهی سید الشهداء به مختار پیوستند. (۲) آن ها که بالغ بر بیست هزار جنگجو بودند، بیش تر سپاه مختار را تشکیل می دادند. (۳) و مسجدی نیز در کوفه به نام آن ها موجود بوده است. (۴) اصولاً ایرانیان که در آن زمان بیش تر تحت عنوان موالی خوانده می شدند، به اهل بیت پیامبر، ارادت خاصی داشتند.

ایرانیان به ویژه پس از شهادت امام رضا علیه السلام به عزاداری امام حسین علیه السلام حال و رنگ دیگری بخشیدند و به طور مداوم به آن می پرداختند. (۵) البته این مسأله در طول زمان دچار فراز و فرودهایی می گردید. برای مثال، با روی کار آمدن آل بویه در ایران و عراق و ترویج تشیع در مناطق مختلف، شیعیان و دوست داران امام حسین علیه السلام، مجال بیش تری برای عزاداری پیدا کردند. آل بویه که خود ایرانی و شیعه بودند، بنیاد عزاداری علنی و پر شکوه را در بغداد گذاشتند.

پس از آنان نیز این حرکت با شدت و ضعف ادامه یافت. تا زمان تیموریان که

۱- تاریخ النیاحه، ج ۲، ص ۴۷ به نقل از دراسه فی طبیعه المجمع العراقی، ص ۲۳۶.

۲- دائره المعارف تشیع، تهران، مؤسسه دائره المعارف تشیع، چ ۱، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۴۶۳.

۳- دائره المعارف تشیع، تهران، مؤسسه دائره المعارف تشیع، چ ۱، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۴۶۳.

۴- تاریخ الکوفه، کامل سلمان حیدری، نجف، چ ۱، ۱۳۴۹، ق، ج ۱، ص ۱۰۸.

۵- تاریخ النیاحه، ج ۲، ص ۵۹.

رونقی وسیع و جدی گرفت، به طوری که اهل تسنن نیز با شیعیان هم‌نوا می‌شوند. پس از تیموریان، با روی کار آمدن صفویه و حمایت رسمی آنان از تشیع، برپایی عزاداری گستره و دامنه بیش‌تری یافت و در اقصی نقاط ایران متداول شد. این مراسم هم‌چنان تا زمان قاجاریه ادامه یافت. در دوره رضاشاه پهلوی، با آن‌که خود او با تظاهر شدید به حمایت از تشیع و علما و مظاهر تشیع و به راه انداختن دسته و همراهی با عزاداران توانسته بود حکومت را به دست گیرد، ولی در نیمه دوم حکومتش به شدت با عزاداری مبارزه کرد و آن را ممنوع ساخت. در زمان پهلوی دوم، ممنوعیت عزاداری برداشته شد و مردم توانستند آزادانه به عزاداری بپردازند.

پس از سقوط سلطنت ۵۷ ساله پهلوی و با آغاز انقلاب اسلامی ایران، سوگواری سید الشهدا منزلت والایی یافت و یکی از اساسی‌ترین پایه‌های مذهبی حکومت را نیز تشکیل داد. گفتنی است که ایرانیان، عزاداری را در مساجد، تکیه‌ها، حسینیه‌ها، منازل و به صورت دسته‌عزا در معابر عمومی و نیز در بیوت مراجع تقلید برپا می‌کردند. این مراسم، در شهرهای مذهبی چون قم، مشهد، کاشان، اصفهان، اردبیل، و... بسیار پرشکوه انجام می‌گیرد. نخل برداری، هیأت‌های سقایی، تعزیه خوانی، زنجیر زنی و قمه زنی از رسم‌های متداول آیین عزاداری به شمار می‌آید. (۱)

تاریخ عزاداری در جهان

تاریخ عزاداری در جهان

عزاداری در نقاط مختلف جهان، به میزان حضور شیعیان با هر گرایش و فرقه‌ای پررنگ‌تر برگزار می‌شود.

۱. عراق: در عراق در حکومت عباسیان در زمان سفاح و زمان مامون و نیز به ویژه در عهد آل بویه، عزاداری رونقی خاص یافت. پس از آن نیز به نسبت نوع برخورد حاکمان، هر ساله مراسم عاشورا و محرم برگزار می‌گردید، به ویژه در کربلا که ورود

۱- نک: عزاداری سنتی شیعیان: سید حسین معتمدی، قم، عصر ظهور، چ ۱، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۰۰؟.

هیأت های عزادار با شمایل خاص، شور و وجد دیگری بدان می دهد، و برخی از علما نیز با آنان همراهی می کنند؛ همانند علامه سید محمد مهدی بحر العلوم که با عزاداران در مراسم همراه می شده است. (۱)

۲. سوریه: با توجه به این که دمشق مرکز خلافت امویان بوده و به طور کلی مردم آن جا نیز به اموی بودن شهرت داشته اند، در ابتدا مراسم عزاداری چندان رونقی نداشت ولی بعدها، با توجه به نزدیکی آنان به کشور لبنان که شیعه در آن جا گرایش قوی بود و نیز وجود مرقد حضرت زینب علیها السلام و حضرت رقیه علیها السلام، عزاداری امام حسین علیه السلام شور خاصی یافت و امروز نیز چنین است؛ البته در عهد حمدانیان وضعیت به مراتب بهتر گزارش شده است. (۲)

۳. لبنان: سابقه شیعه گری، در لبنان، تا زمان ابوذر امتداد دارد. امروزه لبنان شیعیان معتقدی دارد، ولی در زمان امویان، به سختی تحت فشار بودند. اندک اندک با باز شدن فضا اجتماعی - سیاسی، عزاداری نیز رونق یافته و امروزه عزاداری های بسیار خوبی در آن جا، به ویژه در مناطق جبل عامل که سابقه طولانی در این باره دارند، انجام می شود.

۴. افغانستان: مراسم عزاداری در افغانستان همه ساله در نقاط مختلف این کشور به ویژه در مناطق مرکزی که شیعیان در آن جا ساکنند (منطقه هزارستان) و نیز مناطق مرکزی که شیعیان در آن جا ساکنند (منطقه هزارستان) و نیز شهر مزار شریف (در شمار کشور) به خوبی برگزار می شود. (۳)

۵. بحرین: در بحرین، از قدیم روز عاشورا تعطیل و حسینیه های آن که ماتم نامیده

۱- تاریخ النیاحه، ج ۲، ص ۴۶.

۲- تاریخ النیاحه، ج ۲، ص ۴۸.

۳- مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی رحمه الله در فرهنگ عاشورا، دفتر دوم، تهران، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چ ۱، ۱۳۷۶، دفتر دوم صص ۱۱۱ - ۱۱۲.

می شود، در ایام محرم به شدت فعالند. (۱)

۶. هندوستان: تاریخ عزاداری در هند، به پیش از استیلای سلطان محمود غزنوی می رسد. شیعیان و سنی های معتقد به امام حسین علیه السلام و حتی دیگر فرقه ها، در روزهای محرم در مکان هایی به نام امام باره که ضریح ائمه است، جمع می شوند و به عزاداری می پردازند. تعزیه و شور خاص هندیان به حدی است که گاه عزاداری ایشان، تا اربعین سید الشهداء ادامه می یابد. (۲)

۷. پاکستان: در پاکستان، روز عاشورا یکی از تعطیلات رسمی است. در استقلال پاکستان، توجه به عاشورا نقش ویژه ای داشت (۳) و اقبال لاهوری نیز اشعاری درباره امام حسین و کربلا سروده و استقلال پاکستان را مرهون آن دانسته است. شبیه کوچکی از مقبره امام حسین علیه السلام که بدان تعزیه یا ضریح می گویند، افزون بر زنجیر زنی، سینه زنی و نیز قمه زنی در پاکستان مرسوم است. (۴)

۸. بنگلادش: در بنگلادش نیز امام باره ها، مرکز عزاداری بوده و احساسات مردم در خصوص عاشورا، در ادبیات آن ها نیز منعکس شده است.

۹. اندونزی: در اندونزی که اسلام توسط شیعیان و جمعی از سادات بدان راه یافته، ماه محرم را «سورا» می خوانند و آن را باشکوه برگزار می کنند.

۱۰. فیلیپین: در فیلیپین نیز عاشورا به شکل پرشکوهی برگزار می گردد. در سال

۱- دایره المعارف تشیع، ج ۳، ص ۱۱۹.

۲- تاریخ تفکر اسلامی در هند، عزیز احمد، برگردان، تقی لطفی و محمد جعفر یاحقی، تهران، کیهان، چ ۱، ۱۳۶۶، ص ۳۲۰.

۳- مجموعه مقالات دومین کنگره امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دفتر دوم، ص ۱۱۴.

۴- مجموعه مقالات دومین کنگره امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دفتر دوم، ص ۱۱۴.

۱۳۱۰ ه. ق، عده ای از نوادگان امام صادق علیه السلام برای تبلیغ از عراق وارد سوماترا شدند. نیز در اوایل قرن پانزدهم، یکی از سادات، به مالاکا رفت و پس از ازدواج با دختر حاکم آن دیار، به خلافت رسید و بازماندگانش تا چهار قرن در آن جا حکومت کردند.

۱۱. تایلند: در تایلند نیز که اسلام و تشیع به وسیله یک تاجر قمی به نام شیخ احمد به آن جا وارد شد، مراسم عاشورا هر ساله برگزار می گردد. هم چنین عاشورا در جمهوری آذربایجان که هفتاد درصد آن شیعه اند، آفریقای شرقی، برونیدی، الجزایر، کانادا، آمریکا و آلبانی برگزار می شود. (۱) در آلبانی «نعیم بیگ» دیوان شعری در مورد شهادت امام حسین علیه السلام سروده و «دالیب فراشری» ۶۵ هزار بیت در این باره گفته است. (۲) شیعیان در مدت ده روز محرم، آب نمی نوشند تا خود را شبیه قهرمانان کربلا گردانند، آن گاه به تکایا می روند تا به ذکر مصیبت پردازند و در راه یا امام یا امام می گویند. (۳)

در شهرهای ترکستان، قفقاز، تبت و چین نیز همانند این موارد وجود دارد. (۴)

۱- دائرة المعارف الاسلامیه الشیعه، حسین الامین، سوریه، دارالتعارف للمطبوعات، ج ۲، ص ۳۵۶.

۲- دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ۳۸۹.

۳- دائرة المعارف الاسلامیه الشیعه، حسین الامین، سوریه، دارالتعارف للمطبوعات، چ ۱، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۳۵۷.

۴- تاریخ النیاحه، ج ۲، صص ۷۰ - ۷۲.

فصل سوم: اهداف و فلسفه عزاداری

اشاره

فصل سوم: اهداف و فلسفه عزاداری

مهم ترین پرسش بنیادین هر انسانِ اهل فکر و فرهیخته این است که فلسفه و اهداف عزاداری چیست؟ آیا فلسفه محکم و قابل تبیینی دارد و از اهداف روشن دست یافتنی ای برخوردار است یا نه؟ به نظر می رسد فلسفه و اهداف عزاداری به دو موضوع وابسته باشد و می توان آن را در دو بُعد پی گرفت:

۱. اساساً نمی توان فلسفه عزاداری را از فلسفه اصل قیام حسین علیه السلام جدا انگاشت. از این رو، باید اهداف و فلسفه عزاداری را در قالب فلسفه قیام جست و جو کرد و دنباله ای از آن دانست که بدان خواهیم پرداخت.

۲. می توان بُعد دیگر فلسفه عزاداری را به شیوه رفتار و منش امام حسین علیه السلام و یاران عاشورایی او و نیز نحوه تأثیرگذاری و بازتاب آن در تاریخ مربوط دانست که البته این نیز با فلسفه قیام بی ارتباط نیست. البته جنبه خرد و جزئی آن و نیز بُعد کارکردی آن که بازتاب وسیعی نیز در میان مردم داشته است و روح انقلابی و مبارزه جویانه حاکم بر آن، می تواند آن را از موضوع اول متمایز سازد.

توضیح بُعد اول:

اشاره

توضیح بُعد اول:

همان طور که گفته شد، فلسفه عزاداری امام حسین علیه السلام، ارتباط وثیقی با فلسفه قیام آن حضرت دارد و به هیچ روی نمی توان میان این دو تفکیک قایل شد.

می توان فلسفه قیام را در دو گفتمان اصلی مورد مطالعه قرار داد. گفتمان اول، گفتمان الهی و در برخی برداشت ها گفتمان متافیزیکی است. در این گفتمان، فرا انسانی بودن امام حسین علیه السلام، فراتاریخی بودن شخصیت امام حسین علیه السلام، فراتاریخی بودن قیام عاشورا، تقدیرگرایی و نفی الگوگیری از قیام به چشم می آید. البته برخی معتقدان فرهیخته آن را کاملاً قابل الگوگیری دانسته و اساساً الهی بودن را،

لازمه اسوه بودن امام علیه السلام به شمار آورده اند!^(۱) اگرچه این رویکرد فهم کامل قیام را ناممکن می‌داند، ولی درک ناقص و نسبی آن را ممکن می‌شمارد.

گفتمان دوم، منظری انسانی - طبیعی دارد که، با رویکرد عقلانی به تحلیل و بررسی قیام عاشورا می‌پردازد. هویت انسانی امام، تاریخی بودن قیام، نقش پررنگ آگاهی و اختیار در شخصیت و قیام امام و در نهایت، توان الگوگیری از نهضت عاشورا، از ویژگی‌های این گفتمان است.

به نظر می‌رسد برای فهم قیام و فلسفه آن، باید نهضت عاشورا را دارای ابعاد گوناگون و جنبه‌های متعددی دانست، آن‌گاه برای نزدیک سازی گفتمان الهی با نگرش جدیدی که مطرح شد و گفتمان انسانی - طبیعی و عقلانی، کوشید.

برای این منظور، از نظریه «اندیشه اصلاح» دکتر احمد آکوچکیان، به عنوان فرضیه پذیرفته شده و زیر ساخت بحث استفاده خواهیم کرد. در این نظریه، بینش الهی، با بینش اجتماعی - تاریخی و روان شناسی نهضت عاشورا ترکیب گردیده، فلسفه نهضت عاشورا، احیا و اصلاح در دو وجهه نظری (اصلاح فکر دینی) و کاربردی (اصلاح انسانی - اجتماعی) دانسته شده و در نتیجه، آموزه‌های عاشورا در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی پیشنهاد می‌شود.^(۲)

دیدگاه کلان این نظریه، دیدگاهی دین شناختی است و در واقع فراتر از دیدگاه شهادت طلبی و حکومت خواهی امام قرار گرفته است.

بر پایه این نظریه، می‌توان مجموعه آموزه‌های عاشورا را در قالب سه اصل اساسی تبیین کرد:

۱- اندیشه عاشورا - مجموعه مصاحبه‌ها، دفتر دوم، کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چ ۱، ۱۳۷۵، صص ۱۱۵ - ۱۱۷. مصاحبه با دکتر ابراهیم دینانی.

۲- چشمه خورشید، دفتر اول، مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی علیهاالسلام و فرهنگ عاشورا، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چ ۱، ۱۳۷۴، ص ۲۸۸.

۱. اصل اندیشه احیا و فکر اصلاحی در حوزه شناخت دینی و انسان و جامعه؛

۲. اصل سازندگی و تربیت اصلاحی؛

۳. عاشورا در عرصه جامعه مدیریت اجتماعی، که ساختار و فرآیند درونی فکر اجتماعی را در دو حوزه نظری و جامعه شناختی دربردارد. هم چنین در حوزه مدیریت حرکت اجتماعی، هم به توجیه نظری دیدگاه های ارزشی و هنجاری، عاشورایی می پردازد و هم به طراحی سیستم مطلوب اجتماعی، اعم از نظام فرهنگی، نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دست می یازد.

بر این پایه می توان فلسفه عزاداری را بدین شرح تبیین کرد:

۱. احیای آموزه ها و معارف دینی

بر اساس آن چه گفتیم، یکی از اهداف و فلسفه های قیام حسین بن علی علیه السلام احیای آموزه های دینی و معارف ناب نبوی براساس بینش علوی بوده است.

در این جا لازم به توضیح است که ما، احیاء را از اصلاح جدا انگاشته ایم و شأن مستقلی برای آن در نظر گرفته ایم؛ اگرچه، ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. از آن جهت که احیاء را در جنبه اثباتی و اصلاح را در جنبه سلبی به شمار آورده ایم. امام علیه السلام در ضمن نامه ای که در آن از بزرگان بصره یاری خواسته و نیز در موقیعت های دیگر، به شأن احیاگری خود اشاره کرده و جوّ زمانه را این گونه معرفی می کند که: «فَأَنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ وَالْبَدْعَةُ قَدْ أُحْيِيَتْ؛ پس بی گمان این سنت [پیامبر] است که میرانده شده است و این بدعت است که جانی دوباره یافته است.»

امام وظیفه خود را، زنده سازی دوباره سنت و دین ناب می داند. از این رو، یکی از مهم ترین فلسفه های عزاداری که از سوی امامان معصوم نیز توصیه شده، نیز همانا احیاگری و جان تاره در حضور دوباره بخشیدن به ارزش های دینی و الهی است. هرگاه به تاریخ عزاداری نیز نگاهی بیفکنیم، می توانیم این شأن عزاداری را دریابیم.

۲. اصلاح

توجه به تفکر و روحیه اصلاح گری، به عیان و به دفعات در کلمات امام حسین علیه السلام

آمده است. ایشان در وصیت خویش به محمدبن حنفیه و در جای جای کلام خود، بدان اصرار می ورزد. امام علیه السلام، در زمانه ای به پا خاست که حاکمی بر مردم چیره گشته بود که نسبت به مظاهر دین بی توجه بود. از این روست که حرکت اصلاحی امام علیه السلام، در سه حوزه اندیشه ای و بینشی، منشی و روشی شکل می گیرد. امام به دنبال خلوص و توان مندی در حوزه فکر دینی و نیز مسئولیت و کارآمدی در حوزه نظام اجتماعی جامعه دین داران است. بنابراین، یکی از فلسفه های عزاداری نیز همین بوده و باید باشد. مراسم عزاداری باید تلاشی در راه خالص سازی و توان مند سازی اندیشه و رفتار دینی و مسئولیت و کارآمدی جامعه دینداران باشد.

۳. تربیت انسانی، فکری، اخلاقی و عرفانی

روشن است که یکی از فلسفه های قیام، تربیت، تزکیه و تعلیم اخلاقی، فکری و انسانی است. به یقین یکی از اهداف و فلسفه های عزاداری نیز، همین موضوع است.

در این مجالس، بسیاری از آموزه های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی مطرح می شود و بر ایمان و شناخت مخاطبان می افزاید. در عاشورا، خودآگاهی، انسان شناسی، خداشناسی، پیامبرشناسی، امام شناسی، معادشناسی، جهان شناسی، دنیاشناسی، موج می زند.

از جهت اخلاقی، فلسفه عزاداری این است که به رشد وحی، عاطفی و اخلاقی انسان عزادار می انجامد و با طنین انداختن ارزش های اخلاقی عاشورا، چون عزت، دیانت، کرامت، پایداری، خیرخواهی، ایثار، وفا، شجاعت، دیگر دوستی، مدارا، رفتار مناسب با خانواده، دوستان، دشمنان و محرومان، توبه، عشق، دعا و انقطاع الی الله و... در گوش انسان دوست دار اهل بیت علیهم السلام و نشان دادن عینی صحنه های پر اوج این ارزش ها، انسانی حسینی از او می سازد.

۴. ارائه دین به مثابه الگوی جامع

براساس آن چه گفتیم، در واقع عزاداری باید تابلویی از عاشورا باشد. نخستین آموزه اجتماعی و جامعه شناختی فرهنگ عاشورا، در راستای اندیشه اصلاحی به دست دادن

تصویری سره و کارآمد از وجهه اجتماعی تعالیم دین است.

توضیح بعد دوم فلسفه عزاداری

اشاره

توضیح بعد دوم فلسفه عزاداری

چنان چه گفته شد، بعد دوم به چگونگی شکل گیری و پایان خود قیام، جایگاه تاریخی و اثرات بسیار آن تا به امروز وابسته است. از این منظر، فلسفه عزاداری را می توان چنین برشمرد:

۱. زنده نگه داشتن یاد و نام امام حسین علیه السلام

حرکت و نهضت حسینی، در زمانی روی داد که اسلام ناب در محاق افتاده، نفس ها در سینه ها حبس گردیده و جز نامی از دین باقی نمانده بود. امام علیه السلام در چنین شرایطی به پا خاست و اسلام را از خطر سقوط فراموشی رهایی بخشید. بدین جهت است که گفته شده: «الاسلامُ مُحَمَّدی الْهُدُوثُ وَ حَسینی الْبَقَاءُ؛ ایجاد، ظهور و پاگیری اسلام به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله و بقای آن با حسین علیه السلام است».

از این رو، عزاداری آن حضرت و ذکر نام و یاد والایش، امری لازم و واجب است. چنان چه امامان معصوم علیهم السلام چنین می کردند؛ چرا که یاد حسین و بردن نام او، با ذکر دین و یاد اسلام ناب آمیخته است، به ویژه که در طول تاریخ، همه جباران، ستم کاران و مخالفان اسلام، با فهم همین نکته، از ذکر حسین و مجالس حسینی علیه السلام واهمه و هراس داشته اند. براین اساس، فلسفه عزاداری، نوعی «ذکر» و «تذکار» مرام، هدف و روش حسینی است.

۲. گسترش فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و معارف تشیع

از لحاظ تاریخی، شهادت امام حسین علیه السلام به شکل گیری نحله ها و نهادهای شیعی انجامید و مرحله دومی را در تاریخ تشیع رقم زد. بدین روی، به همان نسبت که نهضت عاشورا در رشد فرهنگ تشیع نقش داشته، فرهنگ شیعی نیز از آبشخور فرهنگ و رفتار نهضت عاشورا سیراب و تغذیه شده است و به همین سبب، پیوندی ناگسستنی با یکدیگر یافته اند. بنابراین، زنده نگاه داشتن هر ساله یاد و خاطره عاشورا، جانی دوباره بخشیدن و طراوتی نو یافتن فرهنگ شیعی و آموزه های تشیع است

می تواند به بازپروری، بازسازی، ترویج و تبلیغ تعالیم شیعی بیانجامد.

۳. تداوم بینش حسینی در مبارزه با ستم، ستم پذیری و بی عدالتی

یکی از فراگیرترین فلسفه های قیام ابی عبدالله در این بُعد، مبارزه با ظلم، ظالم و ظلم پذیری است. امام علیه السلام، هم ظلم را می شناسد و با آن درگیر می شود، هم با ظالم به ستیز برمی خیزد و هم ظلم پذیری را نکوهش می کند و بر آن فریاد می کشد و دیگران را به از جا برخاستن در مقابل ظلم و ظالم فرامی خواند. از سوی دیگر، او هم عدل را می شناسد و هم به دنبال حکومت عادل است و هم عدل گستری و عدل پذیری را می ستاید و ترویج می کند. این ویژگی، یکی از فلسفه های فراگیر قیام است که به دین، مرام و مسلک خاصی نیز منحصر نیست و همه عدالت خواهان و آزادی خواهان را در گستره خویش جای می دهد. فلسفه ای که قیام در این جهت به دست می دهد، عدم تسلیم و سازش با ستم کاران و بدعت گذاران است. امام علیه السلام در کلامی می فرماید:

مردم آن زنزاده پسر زنزاده، مرا میان دو کار قرار داده است؛ شمشیر و ذلت، امام حسین هرگز تن به ذلت نخواهد داد. (۱)

از این رو، یکی از جنبه های مهم عزاداری و زنده نگاه داشتن یاد و نام عاشورا، جنبه دشمنی با ظلم، ظالم و ظلم پذیری و تلاش برای برپاداشتن عدل است. عزاداری، نمادی از خروش و خیزش بر ضد ستم گران، به شمار می آید.

۱- موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، مرکز تحقیقات باقرالعلوم علیه السلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۵ ق، ص ۴۲۳، به نقل از مقتل الحسین علیه السلام خوارزمی، ج ۲، ص ۶ و بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸.

فصل چهارم: آثار عزاداری

اشاره

فصل چهارم: آثار عزاداری

در راستای فلسفه ای که برای عزاداری بیان کردیم، آثار گوناگونی برای آن قابل تصور است. این آثار را می توان در چند گروه دسته بندی کرد: آثار تربیتی، آثار سیاسی و آثار فرهنگی و اجتماعی.

۱. آثار تربیتی

اشاره

۱. آثار تربیتی

از آن جا که در درون فرهنگ عاشورا، گزاره ها و آموزه های تربیتی و اخلاقی موج می زند، آثار متعدد و بی شماری نیز بر روح، روان و رفتار انسان دارد. پرسشی که در این جا مطرح است، این است که آیا این آثار تربیتی، روانی و اخلاقی، بدان سبب که عزاداری برای امام حسین علیه السلام است پدید می آید یا آن که اگر برای امام حسین علیه السلام هم نباشد می تواند چنین آثاری داشته باشد؟ در پاسخ باید گفت که آثار تربیتی عزاداری امام حسین علیه السلام بردو گونه اند: گونه ای از آن مختص این عزاداری است، مانند پیوند عاطفی میان امت و الگوها؛ و گونه ای دیگر که می تواند مختص بدان نباشد، ولی آن گونه که در عزاداری امام حسین علیه السلام تجلی می یابند، در جای دیگری ظاهر نمی شود؛ چرا که عزاداری امام حسین علیه السلام، حضوری معنوی در راه بزرگ داشت یک واقعیت جاوید و متعالی است. از این رو، آثار حقیقی تر و واقعی تری نیز دربردارد که در هیچ کجا نمی توان آن را به چنین رتبه و مرتبه ای یافت. حال با ذکر چنین تمهیدی، به بررسی آثار تربیتی عزاداری می پردازیم.

الف) ایجاد فضای معنوی

معنویت و فضای معنوی، نیاز همیشگی انسان هاست. عزاداری برای سیدالشهداء علیه السلام آن هم در قالب جماعت که مهم ترین نوع جمع است،^(۱) یکی از برترین فضاهای

۱- مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی علیهاالسلام و فرهنگ عاشورا، دفتر دوم، صص ۶۲۱ _ ۶۲۲.

معنوی و روحانی را برای انسان آماده می سازد. به هم پیوستگی عاطفی انسان هایی که عشق یک دلدار را فریاد می زنند، اعمال مشترکی را به صورت هماهنگ انجام می دهند، رو به سوی یک محبوب دارند و او را الگوی خویش می شناسند، چنان معنویتی را به وجود می آورد که در هیچ کجای دیگر آن را نمی بینیم.

(ب) تزکیه نفس و پالایش روح

یکی دیگر از آثار عزاداری خامس آل عبا علیه السلام زدودن نفس از زشتی ها، پالایش روح از رذایل و زشتی های اخلاقی و رفتاری است؛ چرا که عاشورا دو صحنه دارد: صحنه زشتی ها، پلشتی ها و رذیلت ها و صحنه زیبایی ها، نیک سیرتی ها و ویژگی های الهی و به طور معمول در عزاداری ها، هر دو صحنه بیان می شود و به ویژه صحنه زشتی ها و جفاکاری های سپاه کوفه، از آن رو که مظلومیت بیش تری را در تنور حادثه می دمدم، بیش تر بیان می گردد. ظلم، قتل و کشتار و درنده خوئی، نقض عهد و پیمان، دورویی و نفاق از جمله ویژگی هایی ناپسند است که بیان می گردند.

این چنین است که حضور در این مراسم می تواند به پالایش روحی و رفتاری انسان و طهارت نفس او بینجامد.

(ج) کسب فضایل اخلاقی

صحنه اصلی و اساسی حادثه عاشورا که کم تر به آن پرداخته می شود، صحنه آفرینش زیبایی های اخلاقی، رفتاری و عرفانی است. در مجالس ذکر حسینی علیه السلام، با یادآوری این صحنه ها، انسان عزادار به سمت و سوی کسب این فضایل تشویق می شود و به خصوص در محیط معنوی ای که قرار می گیرد، آمادگی اش فزونی می یابد.

در این مجالس، از رضا، تسلیم و توکل امام حسین علیه السلام در آخرین لحظات حیات، شجاعت و رشادت عباس و وفاداری و ادب او، صبر زینب کبری علیها السلام، حماسه آفرینی مادر وهب، شهادت طلبی قاسم، توبه حَرّ، نماز اول وقت امام حسین

علیه السلام و یاران عاشورایی اش در معرکه جنگ و... یاد می شود و با شعر و سخن حزن انگیز و مرثیه های کربلایی، در ذهن انسان نقش می بندد. بدین سان، فضایل اخلاقی به او آموخته و در ذهنش متجسم می شود. در نتیجه، به او تلقین می گردد که مسیر سعادت چنین است. از این رو، خود را در محیطی مناسب برای رشد فضایل اخلاقی اش می بیند.

(د) کسب آرامش و دفع آلام درونی

انسان ها در طول زندگی خود، دچار دردها، رنج ها و مشکلاتی می شوند که روح، روان و درون آن ها را متاثر می سازد و غم و اندوه و گاه دست از کار کشیدن و وادادگی در عرصه زندگی، نتیجه این دردها و رنج هاست. از این رو، آن ها نیازمند مکان ها، زمان ها، و مراسمی هستند که بدان ها نیرویی تازه و دوباره بدمد و به اصطلاح، تخلیه روانی شوند. از این جهت است که در غرب که دیر زمانی است دین را به کناری نهاده، شاهد سربر آوردن دین های تازه یا ساختگی و رواج آیین های هندی و بودایی هستیم. همان طور که می دانیم، یکی از کارکردهای دین، با توجه به رمز و رازهای ماورایی خود، آرامش دهی به انسان است. عزاداری به عنوان یکی از مناسک مذهبی، به طور کامل این حالت را در انسان ایجاد می کند؛ این مسأله از دو بعد قابل بررسی است: بعد اول آن است که ذات این مراسم و آیین های مذهبی، به انسان آرامش و طمأنینه می دهد. بُعد دوم آن است که انسان عزادار به هنگام عزاداری، دردها و رنج هایی را که امامان او در زندگی و در راه دین خدا کشیده اند، می شنود و می بیند که مراتبی بس افزون از دردهای او دارد. این مسأله، موجب می شود که حزن و اندوه اش در نظرش کوچک و حقیر آید و آن را فراموش کند و بر اندوه و غم اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بگریزد و یا دست کم غم خود را، در درون غم بزرگ تری که غم عترت است، هضم سازد.

۲. آثار فرهنگی _ اجتماعی

الف) فراگیری فرهنگ و معارف اهل بیت علیهم السلام

یکی از مهم ترین کارکردها و آثار عزاداری، گسترش فرهنگ و معارف نبوی است؛ چرا که منبر، لباس و عظم، خطابه، عزا و روضه، معارف و مفاهیم مذهبی را منتقل می کنند که در آشناسازی مخاطبان با فرهنگ ناب شیعی و نیز بالابردن سطح فرهنگ عمومی آنان، مؤثر است. در درون عزاداری ها، می توان معارفی را دریافت و طرح کرد؛ معارفی چون فرهنگ بندگی، خداوند، اصل کرامت انسان، ایستادگی و پایداری در راه رسالت و مسئولیت، فرهنگ شهادت پذیری، فرهنگ آزادگی، فرهنگ ولایت مداری و ولایت پذیری در عرصه مدیریت نظام، مشارکت سیاسی، جریان دهی همه جانبه و قسط و عدالت، فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در همه سطوح، نقد اشرافیت مادی و معنوی و

مجموع این معارف، فرهنگ اهل بیت را در وجود انسان عزادار درونی می کند. نمونه ای از این فرهنگ سازی را می توان در فرهنگ ولایت پذیری سراغ گرفت که چگونه شب عاشورا، اصحاب امام علیه السلام شیداوار با امام سخن می گویند که اگر هزار بار کشته شویم و زنده گردیم، جان خود را نثار تو می کنیم و دست از تو بر نمی داریم. یا آن جا که از ادب و وفاداری عباس علیه السلام نسبت به ولایت برادرش صحبت می شود، این نمونه ها، محبت، مودت، ایمان و اعتقاد مخاطبان را به اهل بیت علیهم السلام افزایش می دهد و در نتیجه، می تواند به درونی سازی فرهنگ ولایت پذیری و حمایت از ولایت بینجامد.

ب) آشنایی عزاداران با مسایل فرهنگی _ اجتماعی روز

یکی دیگر از پی آمدها و نتایج مثبت عزاداری، آشنایی با مسایل فرهنگی _ اجتماعی و سیاسی روز است که از راه رسانه ای چون منبر، ... منتقل می شود. در رسانه ای چون منبر، منبری باید دست کم در برخی مثال ها، از مثال های روز و پیش آمدهایی که در زمان حاضر می گذرد، سخن گوید تا بحث برای شنونده ملموس شود. گذشته از این،

تجمع عزاداران خود باعث تبادل سطح وسیعی از اخبار، اطلاعات و مسایل روز میان آن‌ها می‌شود؛ چرا که آنان، گروه اجتماعی را تشکیل می‌دهند که از انسجامی نسبی نیز برخوردار است.

ج) تقویت روحیه انقلابی، شهادت طلبی، ایثار و حقیقت جویی در عزاداران

شهادت طلبی یکی از پی آمدهای عمده قیام عاشورا است. این شهادت طلبی، خود بر حقیقت جویی، ایثار و آزادگی مبتنی است. پس از قیام عاشورا، بهره گیری از فرهنگ شهادت طلبی را می‌توان بی‌درنگ در حرکت توّابین، قیام مختار، حرکت زید بن علی الحسین و... تا به امروز مشاهده کرد و به ویژه در انقلاب شکوه مند اسلامی ایران و در جریان دفاع مقدس هشت ساله ملت ایران و نیز با الهام از انقلاب اسلامی، در مبارزات مردم لبنان و فلسطین آشکارا به نظاره نشست.

د) پیوند عاطفی میان امت و الگوها

انسان، از سویی کانون سرشار از احساسات و عواطف است و از سوی دیگر، چه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه دارای الگویی اجتماعی _ عملی است. در این الگوپذیری و انتخاب الگوها نیز، آن چه بیش از همه کار ساز است، عواطف و احساسات اوست؛ این مسأله به ویژه در جوانان پررنگ تر و قابل دسترسی تر است. امامان از آن رو که دارای مقام الهی اند، الگو و اسوه کاملی برای انسانِ عزادار به شمار می‌آیند و اساسا به همین جهت است که برای آن‌ها عزاداری می‌شود. عزاداری، شور، شوق و عشق او را پایدار می‌سازد و احساس ارادت و محبت و رابطه اش را عمیق تر و استوارتر می‌گرداند و چنین می‌شود که هیچ گاه یاد امام از ذهن و نظرش دور نمی‌گردد.

نکته قابل توجه در این قیام جاودانه این است که در آن، می‌توان برای تمامی اقشار و لایه های اجتماعی الگو و اسوه سراغ گرفت. برای نوجوانان و کودکان، جوانان، بزرگ سالان، زنان و دختران، فرادستان و فرودستان و... .

نیز در این حادثه، تنوع و تکرار الگوها چنان است که در این نوشته نمی‌گنجد.

عباس را الگوی بصیرت، ایمان، وفاداری و فداکاری؛ حبيب بن مظاهر را الگوی وفای به عهد، لیاقت و عمل به وظیفه تبلیغی؛ انس بن حارث کاهلی را الگوی کهن سالان؛ حرّ را الگوی نادمان و توبه کاران؛ زهیر بن قین را الگوی سعادت مندی؛ قیس بن مظهر را الگوی رازداری؛ حنظله بن سعد تهامی را الگوی جان نثاری؛ ابو عمامه صیداوی را الگوی اهتمام به نماز؛ مسلم بن عوسجه را الگوی پایداری و پیش تازی در جهاد؛ جون را الگوی حق شناسی؛ محمد بن بشیر حضرمی را الگوی سبقت عقیده بر عاطفه؛ ام عمر و ام وهب را الگوی شهامت زنانه؛ زینب را الگوی صبر و پایداری و پیام رسانی؛ و حسین علیه السلام را جامع همه این الگوها می بینیم.

ه) هم دلی، هم گرای و هم کاری میان عزاداران

یکی از آثار مهم عزاداری سیدالشهداء، انسجام و هماهنگی افراد، در قالب یک گروه اجتماعی با نیاتی تقریباً یک سان و در سطح عالی روحیه مذهبی است.

جمع عزاداران، جماعتی با انگیزه و ارزش های یک سان و هماهنگ است. بنابراین، این انگیزه های مشترک خود به خود به هم کاری، هماهنگی و هم گرای میان عزاداران می انجامد. بسیاری از ارزش های اسلامی دیگر را می توان در مراسم عزاداری دید و پیاده کرد؛ ارزش هایی چون صله رحم، دیدار دوستان، کمک به هم نوعان و اطعام فقیران، مستمندان و خویشان، که همه این ها، سرانجام به هم گرای و هم کاری می انجامد که خود، کار فرهنگی بزرگی است. از این جهت، عزاداری را می توان با نماز جماعت و آثار مترتب بر آن مقایسه کرد. این هم کاری، هماهنگی و هم گرای نیز در نهایت بر سالم سازی فضای فرهنگی _ اجتماعی جامعه و رواج روحیه دیگر دوستی مؤمنانه می انجامد.

۳. آثار سیاسی

الف) سازمان دهی شیعیان

حادثه عاشورا بیش از همه، قلب شیعیان را داغدار نمود، چشمانشان را اشک بار ساخت و سینه هایشان را سرشار از خشم طاغوت زمانه کرد. بر همین اساس نهضت

عاشورا، دوره ای جدید در تاریخ تشیع گشود. بدین سان حادثه عاشورا پس از این، نوعی حالت سازمان بخشی نیز به خود می گیرد. این سازمان بخشی، به واسطه آرمان ها و روش های پژوهاک یافته از آن و محوریت یافتن آن برای کل نهضت های اسلامی است. به طوری که اگر به تاریخ بنگریم، می بینیم که کربلا، مرقد حسین علیه السلام است و نهضت عاشورا؛ همواره نمادی برای مظلومان و برخواستگان بر ضد ظلم و بیداد، و مرکزی برای گرد آمدن آزادی خواهان بوده است. از تواین، مختار و زیدبن علی علیه السلام گرفته تا به امروز، می توان برای آن مثال آورد! از این رو، عزاداری توانسته و می تواند به سامان بخشی و سازماندهی جمع های پراکنده شیعیان بیانجامد. تجربه نیز همواره نشان داده که بزرگ ترین تجمعات شیعی، در ایام سوگواری حسین بن علی علیه السلام به وقوع می پیوندد.

ناپلئون بناپارت فاتح بزرگ فرانسوی در این باره سخنی دارد که بسیار قابل تأمل است. او می گوید:

ما اگر وقتی امر اجتماعی و یا سیاسی داشته باشیم، باید ده ها هزار کارت چ کنیم و با چه زحمتی توسط نفراتی، آن کارت ها را به اشخاص برسانیم. تازه از ده ها هزار نفرشان، هزار نفر حاضر می شوند و امر ناتمام می ماند، لکن این مسلمان ها و شیعیان با نصب یک پرچم سیاه، بر سر در یک خانه می گویند می خواهیم برای حسین عزیزمان گریه کنیم. ده ها هزار نفرشان در ظرف دو ساعت در مجلس جمع می شوند و تمام مسایل اجتماعی، سیاسی و مذهبی خود را در آن مجالس حل و فصل می نمایند و این یکی از فواید قیام [حضرت امام] حسین علیه السلام است. (۱)

از آن جا که این سازماندهی و انسجام با شعور، اخلاص، آگاهی، غیرت و ایمان

۱- مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دفتر دوم، ص ۶۱۰ به نقل از قیام مقدس، ص ۱۵۴.

مستحکم همراه است، می تواند پایه بسیاری از حرکت های اجتماعی _ سیاسی شود.

(ب) مانور و حضور سیاسی شیعیان

مسأله دیگری که در پی سازمان دهی و انسجام شیعیان پیش می آید، این است که حضور جماعت عزادار، به شدت و به سرعت قابلیت سیاسی شدن دارد و می تواند رویکردی سیاسی یابد. از این رو است که می بینیم در طی تاریخ، در دوره های متعددی، زیارت قبر حسین علیه السلام یا عزاداری برای آن حضرت چه در ایران و چه در عراق و یا کشورهای دیگر، ممنوع اعلام می شود و این به دلیل ظرفیت سیاسی شدن این مراسم، چه به لحاظ ماهیت و چه به لحاظ لوازم آن است.

در واقع ایام عزاداری امام حسین علیه السلام، موسم به صحنه آمدن و به صحنه کشاندن شیعیان است که نوعی اظهار وجود و اعلام حضور را بازتاب می دهد و وجه نمادین و شعاری عزاداری را روشن می سازد.

(ج) زنده نگاه داشتن روح حماسه شیعی

نهضت عاشورا، یکی از بزرگ ترین صحنه های حماسی تاریخ اسلام را رقم زده است. یکی از مهم ترین جنبه های قیام عاشورا که نهضت های پس از آن را تا به امروز تحت تأثیر قرار داده است، ویژگی شگفت انگیزی روح حماسی آن است. این حماسه شیعی، از اجزایی چند تشکیل یافته که از آن جمله باید به مظلومیت، پایداری تا پای مرگ، فداکاری در راه دین، سر به تسلیم و سازش نسپردن، رسوا ساختن دشمن و تداوم راه توسط زنان و اسیران اشاره کرد. در واقع این حماسه، خود متشکل از چندین حماسه است؛ یعنی، عاشورا، هم حماسه ای دینی است، هم یک حماسه عرفانی است و هم حماسه ای سیاسی و اجتماعی قلمداد می شود. این حماسه، با عزاداری شکوفا می شود و جان تازه می گیرد و پرو بال می یابد و از آن جا که حماسه در محیطی دوجانبه روی می دهد، به دنبال نیافتن مصداق مشخص مقابل خود برمی آید و همین به مسأله، صورتی سیاسی می بخشد. از این جهت عزاداری، هم تعظیم شعائر محسوب می شود و هم خود، اعلام حضور همه جانبه و پویایی و تحرک اعتقادی _ سیاسی شیعیان

است. عزاداری شعاری ماندگار و کارآمد در راه حفظ همبستگی شیعیان، نقش آفرینی آنان و حفظ روحیه آنان بوده و نقشی شگفت انگیز در تداوم حرکت تشیع ایفا نموده است.

(د) احیای آموزه های سیاسی شیعی و دینی

از آثار سیاسی عزاداری، احیای آموزه های سیاسی، اسلامی و شیعی است. یکی از این آموزه ها، در هم آمیختگی و هم بستگی میان دین و سیاست است. امر به معروف و نهی از منکر، یکی دیگر از آموزه های اجتماعی و سیاسی دینی است که در عزاداری ها بازخوانی می شود. هم چنین سیستم حکومتی ولایت، همراه با رضامندی مردم از آموزه های سیاسی دیگر شیعی است که می تواند در عزاداری ها طرح گردد.

فصل پنجم: نمادهای عزاداری

اشاره

فصل پنجم: نمادهای عزاداری

زیر فصل ها

۱. مرثیه سرایی و شعر رثایی

۲. زیارات

۳. روضه و مقتل

۴. تعزیه

۵. توغ

۶. بیرق و علم

۷. علامات

۸. نخل برداری

۹. قمه زنی

۱۰. جامه سیاه پوشیدن

۱۱. گریه، سینه زدن و زنجیر زدن

۱. مرثیه سرایی و شعر رثایی

۱. مرثیه سرایی و شعر رثایی

مرثیه سرایی در عزای سیدالشهداء را می توان در دو شاخه پی گرفت؛ نثر و نظم، که البته در این نوشته، بیش تر به «شعر رثا» می پردازیم.

در این مورد، اگر از اشعاری که پیش از شهادت امام حسین علیه السلام سروده شده و نیز رجزهای روز عاشورا چشم

بپوشیم،^(۱) می توان اشعار «خالد بن معدان» _ یکی از تابعین _ در شام را هنگام عبور کاروان اسیران اهل بیت و سرهای بر نیزه، نخستین شعر رثایی در خصوص امام حسین علیه السلام برشمرد:

ای فرزند دختر پیامبر صلی الله علیه و آله ! سرت را آورده اند، در حالی که به خون آغشته بود. با کشتن تو، گویا آشکارا پیامبر را کشتند.

[به خاطر دست یابی به کشتن تو تکبیر گفتند،] ولی با شهادت تو، الله اکبر و لا اله الا الله را کشتند.]

پس از او می توان از «بشیر بن جذلم» نام برد که پیش از آن که کاروان اسیران به مدینه برسد در مسجد پیامبر حضور یافت و با صدای آمیخته به گریه چنین خواند:

ای اهالی شهر یثرب (مدینه)! این جا دیگر برای شما جای ماندن نیست؛ زیرا حسین علیه السلام را کشتند. اشکتان را پی در پی فرو ریزید. بدن حسین علیه السلام در کربلا به خون آغشته و سرش بر نیزه ها در گردش است.^(۲)

۱- نگرش انتقادی تاریخی به ادبیات عاشورا، سید عبدالحمید ضیایی، تهران، نقد فرهنگ، چ ۱، ۱۳۸۱.

۲- سیر الائمة، سید محسن امین، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۰ ق، ج ۳ _ ۵، ص ۱۶۹.

از زینب کبری علیهاالسلام نیز مرثیه ای در مدینه نقل شده است که می فرماید:

چه جوابی خواهید داشت وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله پرسدتان: شما که آخرین امت ها هستید، با اهل بیت و اولادم چه کردید؟ آیا با شما عهد و پیمان نداشتیم؟ چرا به عهد و میثاق خود وفا نکردید. من که نصیحت گر شما بودم، این جزایم نبود که به خویشاوندانم چنین ظلمی روا دارید. (۱)

از عبیدالله بن حر یکی از سران توابین نیز مرثیه ای در شهادت امام حسین علیه السلام نقل شده است. (۲)

به جز این ها، در قرن اول و دوم هجری نام کسان بسیاری که مرثیه ای در شهادت سیدالشهداء علیه السلام سروده بودند، در کتاب ها آمده، مثل عقیق بن عقیق سهمی (۳) و ابوالاسود دوتلی. (۴) در قرن سوم و چهارم هجری نیز نام شاعران بسیاری در کتاب ها ذکر شده از آن جمله می توان عبدالله بن عمار برقی و دعبل بن علی خزائی را نام برد.

در میان اهل سنت نیز بسیاری از عالمان و شاعران، در شهادت ابی عبدالله علیه السلام مرثیه گفته اند؛ مانند محمد بن ادريس شافعی، (۵) معمر بن مثنی (۶) و عماره الحیوانی. (۷) در

۱- سیر الائمة، سیدمحسن امین، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۰ ق، ج ۳ _ ۵، ص ۱۶۸.

۲- تاریخ کامل، ابن اثیر، ج ۴، ص ۲۳۷ _ ۲۳۸.

۳- مقتل خوارزمی، ج ۲، صص ۱۷ و ۱۳۰ و ۱۵۱ _ ۱۵۲.

۴- مقتل خوارزمی، ج ۲، صص ۱۷ و ۱۳۰ و ۱۵۱ _ ۱۵۲.

۵- مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۱۴۳.

۶- الذریعه، ج ۲۲، ص ۲۸.

۷- الذریعه، ج ۲۲، ص ۲۶.

ادبیات فارسی، اگرچه مرثیه های مذهبی، تازه ترین نوع مرثیه سرایی بوده است،^(۱) به علت عدم رواج مذهب شیعه، تا قرن هشتم نمی توان نمونه های فراوان و چشم گیری یافت.^(۲) این مسأله به دلیل عدم وجود مرثیه های مذهبی است، بلکه به جهت ظاهر شدن و یا ضایع شدن آن ها به خاطر سیاست های ضد شیعی بوده است.

با این حال در اواخر دوره سلجوقی که شیعیان آزادی عمل نسبی ای به دست آوردند، شاهد حضور گروهی به نام «منقبت خوانان» _ کسانی که مدایح ائمه را به آواز در کوی و برزن می خواندند _ ، هستیم.^(۳)

قوامی رازی، شاعر نیمه اول قرن ششم، مرثیه سرای فارسی زبان دیگری است که دو مرثیه درباره امام حسین علیه السلام سروده است. یکی از مرثیه ها، با این بیت آغاز می شود:

روز دهم از ماه محرم به کربلا

ظلمی صریح رفت بر اولاد مصطفی^(۴)

به ظاهر، نخستین شاعر شیعی که به مدح و منقبت اهل بیت علیهم السلام زبان گشوده و سوگ نامه کربلا را با آه و دردی عمیق سروده، کسایبی مروزی، شاعر قرن چهارم هجری است. وی در قصیده ای، پس از وصف زیبایی های طبیعت، به شرح جریان کربلا پرداخته و قصیده خود را با این بیت به پایان می برد:

۱- شعر و ادب فارسی، زین العابدین مؤتمن، تهران، زرین ۱۳۶۴، ص ۶۰.

۲- مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دفتر دوم، ص ۲.

۳- مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دفتر دوم، ص ۳.

۴- النقض، ص ۴۰۶ و دیوان قوامی، ص ۱۲۵.

تا زنده ای چنین کن دل های ما حزین کن

پیوسته آفرین کن بر اهل بیت زهرا علیهاالسلام (۱)

پس از کسایی، باید از سنایی غزنوی، شاعر بلند پایه اواسط قرن پنجم هجری نام برد که به شرح وقایع کربلا تا حضور کاروان اسیران در شام می پردازد. مطلع یکی از سروده های او چنین است:

پسر مرتضی امیر حسین

که چون او بی نبود در کونین

اصل و فرعش همه وفا و عطا

عفو و بخشش همه سکون و رضا

... کربلا چون مقام و منزل ساخت

ناگه آل زیاد بر وی تاخت

و شعر او با این بیت خاتمه می یابد:

باد بر دوستان او رحمت

باد بر دشمنان او لعنت (۲)

عطار نیشابوری نیز در وصف شهید کربلا- و ماجرای عاشورا، اشعاری بکر سروده است. (۳) از دیگر پیشتازان مرثیه سرای فارسی، سلمان ساوجی است با شعر:

خاک خون آغشته لب تشنگان کربلاست

۱- مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، تهران، دفتر دوم، ص ۳۴۶.

۲- حدیقه الحقیقه، تعلیق: مدرس رضوی، چاپ کتابخانه سنایی، ۱۳۶۱، ص ۲۶۶.

۳- مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دفتر دوم، ص ۳۴۸.

آخر ای چشم بلاین، جوی خون پایت کجاست (۱)

و خواجوی کرمانی با شعر:

آن گوشوار عرش که گردون جوهری

با دامنی پر از گهرش بود مشتری (۲)

نیز مولوی با شعر:

کجایید ای شهیدان خدایی

بلا جویان دشت کربلایی

کجایید ای سبک بالان عاشق

پرنده تر ز مرغان هوایی

سعدی با شعر:

یا رب به نسل ظاهر اولاد فاطمه

یا رب به خون پاک شهیدان کربلا (۳)

پس از ایشان نیز شاعران پارسی زبان، مرثیه های فراوان و دیوان های ویژه ای در رثای شهید کربلا سروده اند که از میان آنها می توان به محتشم کاشانی و عمان سامانی اشاره کرد.

نکته قابل توجه در مرثیه های کربلا، این است که از همان دوره پس از شهادت سیدالشهداء، شاهد ادبیات پیام و قیام هستیم. از آن جمله می توان به حق گرایی به جای مصلحت گرایی در شعر فرزددق، دعوت به قیام در برابر ظلم و الحاد در شعر ابوالاسود دوئلی و قصیده های والای هاشمیات، کمیت بن زید، معرفی اهل بیت و

۱- دیوان سلمان ساوجی، تصحیح منصور مشفق، تهران، صفی علی شاه، چ ۲، ۱۳۶۷، ص ۴۲۳.

۲- دیوان خواجوی کرمانی، تصحیح: احمد سهیلی خوانساری، تهران، پازنگ، چ ۱، ۱۳۶۹، ص ۱۳۰.

۳- کلیات سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر، چ ۴، ۱۳۶۳، ص ۷۰۲.

افشاگری و ظلم در شعر سید حمیری و منصور نمری، و نیز پیام ایستادگی و مقامت در راه آرمان الهی در شعر دعبل خزائی اشاره کرد.

۲. زیارات

اشاره

۲. زیارات

یکی از مهم ترین و غنی ترین ابعاد عزاداری و ادبیات عاشورایی، زیارات و روایات زیارات است که پشتوانه عقیدتی، فلسفی و کلامی شیعه امامی به شمار می آید. ادبیات به کار رفته در این زیارات و روایات مربوط به آن ها «اصولاً و عموماً ادبیاتی است تعلیمی، تبلیغی، ارشادی و انسانی که رسالتش، آموزش حق جوایی و حق گوایی، ستم ستیزی و ستم سوزی و ارشاد به اصول آزادی و عدالت و جهت آن، افشای سه جریان زورمند و زرمند و تزویرمند حاکم بر تاریخ انسان، و موضوع آن مسایل عقیدتی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی و هدف نهایی آن، رستگاری انسان در دنیا و آخرت است».^(۱) مجموع ادبیات زیارتی عاشورا را می توان به دو گونه بررسی کرد:

الف) روایات زیارات

از سه منظر قابل تبیین است:

۱. روایات تاکیدی _ ترغیبی، که زیارت امام حسین علیه السلام و قبر مطهر ایشان را یک فریضه می داند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

هر کس به زیارت جدّم حسین علیه السلام نرود تا بمیرد، هر چند خود را شیعه پندارد، ولی شیعه و پیرو ما نیست.^(۲)

۲. روایات تعلیمی _ ارشادی، که در آن بر درستی عقیده، سلامت اخلاقی، و معرفت و اخلاص زائر تأکید و به شایستگی برای زیارت و هماهنگی نسبی در ایمان

۱- مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، ۱۳۷۴، ص ۸۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۳۶، حدیث ۱۱.

و عمل با شخص زیارت شونده امر می شود. تلاش این روایات این است که زیارت، عوام زده و تفریحی نشود، بلکه از آغاز تا انجام، حرکتی عقیدتی به شمار آید.

۳. روایات ترویجی _ تعمیمی عاشورا که امامان علیهم السلام می کوشند تا فرهنگ عاشورا را در زندگی روزانه شیعیان در تمام روزهای سال گسترش دهند.

(ب) متن زیارات

این زیارات همانند زیارت عاشورا، زیارت وارث، زیارت ناحیه مقدسه و زیارات مطلقه امام حسین علیه السلام و نیز دعاهایی چون دعای عرفه امام حسین علیه السلام. به مثابه متون عقیدتی _ آموزشی تشیع، آکنده از آموزه های ناب توحیدی است؛ آموزه هایی چون، اخلاص در پرستش، اخلاص در معرفت، توجه مطلق به خداوند، امام شناسی، درک حقایق، کشف حقایق، دریافت واقعیت های تاریخی، شناخت عمیق دشمن در سه چهره تاریخی قاسطین، مارقین و ناکثین، کسب آمادگی لازم روحی _ عقیدتی برای ستیز با بی عدالتی، ظلم و جهل حاکم بر زمانه، شناخت دقیق خیانت ها و جنایت ها، ایجاد بغض و کینه دشمن، تجدید عهد با امام معصوم و آمادگی برای جهاد و شهادت.

«در ادبیات این زیارت ها، به ریتم، خاصی توجه شده است؛ زیرا هدف، انتقال حالات عاطفی و روحی و القای مضامین عالیه بوده است. بنابراین، آهنگ آن، آهنگ تند است که از وقار خاصی برخوردار است و حاصلش، بی قراری و شکیبایی می باشد»^(۱) و نیز در آن، زبان حماسه، به طور کامل رئالیستی است. در ادبیات عاشورا، شکوائیه، به صورت نقد عقیدتی، سیاسی، اجتماعی و نكوهش انسانی و اعتراض تاریخی علیه وضع موجود هر عصر و نسل تجلی کرده^(۲) و از پویایی و کارآیی

۱- خورشید، شهادت، ص ۸۴.

۲- خورشید، شهادت، ص ۸۵.

تاریخی برخوردار است. جوهره اصلی مضمون و روح مسلط بر زیارات، آگاهی بخشی، ایمان، آزادگی، آزادی، قسط انسانی و عدالت اجتماعی است.

هم چنین ادبیات این زیارت ها، از واژگان خاصی تشکیل یافته که پیشینه ای در ادبیات نداشتند. واژگانی مثل ثار، نثر، ثارالله، وثر، مותר، قتیل، و ترالله، شاهد، مشهود، المظلوم و... در طی قرون متمادی نیز کتاب های بسیاری در خصوص آداب زیارت نوشته شده است.

۳. روضه و مقتل

۳. روضه و مقتل

یکی از نمادهای مهم و اساسی عزاداری سیدالشهداء علیه السلام، مقتل خوانی، روضه خوانی و مقتل نگاری است.

در خصوص مقتل خوانی، باید اذعان کرد که نخستین کسانی که به شرح حوادث و وقایع عاشورا و صحنه های شهادت شهیدان کربلا و پیام خون آن ها پرداختند، کاروان اسیران اهل بیت علیهم السلام و در رأس آنان، امام سجاد علیه السلام و زینب کبری علیها السلام بودند که با آهنگی حماسی و حزین، به تبیین مظلوم بودن عاشوراییان و طرح آموزه های عاشورایی در میان مردم، اعم از دوست و دشمن کوشیدند. بازماندگان حادثه کربلا و پیام آوران خون سرخ حسینی، هر جا که فرصتی می یافتند، به رسالت خویش می پرداختند، شعله قیام را فروزان نگاه می داشتند و وقایع مصیبت بار عاشورا را نقل می کردند. خطبه حضرت زینب در جمع مردم کوفه که به تأثر شدید آنان و گریستن ایشان انجامید، سخنان حضرت در مجلس ابن زیاد در شام، خطبه امام سجاد علیه السلام در مسجد جامع دمشق، و نیز سایر بازماندگان، آغاز، مقتل خوانی ها و مرثیه سرایی های آگاهانه و هدف دار در تاریخ عزاداری امام حسین علیه السلام است. پس از آن حادثه همواره، عاشورا کانون شور و شعور شیعی بوده است و به ویژه امامان علیهم السلام به بزرگ داشت عاشورا و بیان صحنه های آن می کوشیدند. بدین سان، باید گفت که مقتل خوانی و یادآوری حوادث عاشورا، بدون فاصله و پس از حادثه، به وسیله اهل بیت علیهم السلام و شیعیان و دوست داران آل عترت آغاز شد و پس از آن در بستر تاریخ امتداد

یافت و به زمان و مکان خاصی نیز منحصر نشد.

در مبحث روضه خوانی، باید رواج این اصطلاح را پس از نگارش کتاب روضه الشهداء نوشته مولی حسین کاشفی سبزواری (م ۹۱۰ ه) و برگرفته از آن دانست. نویسنده ریاض العلماء در این باره می نویسد:

روضه الشهداء، نخستین کتابی است در مقتل، که به فارسی تصنیف شده، و آن متداول و معروف در میان مردم است. در این کتاب، او با مراعات جانب تقیه ظاهر می شود... در آن، از بسیاری از کتب مانند عیون اخبار الرضا و ارشاد مفید نقل کرده است. اما بیش تر آن بلکه همه اش از کتب غیر مشهور، بلکه غیر قابل اعتماد است. (۱)

بنابراین، بدان سبب که روضه الشهداء متنی فارسی و مؤلف آن واعظی متبحر و مشهور بوده و نیز این کتاب را با قلمی شیوا و گیرانگاشته است، این کتاب در میان مقتل خوانان و ذاکران شیوع و رواج می یابد و به متن برگزیده آن ها تبدیل می شود، به طوری که از آن پس، آنان به نام این کتاب، «روضه خوان» نامیده می شوند و این اصطلاح به سرعت در فرهنگ عامه جا می گیرد. پر واضح است که ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام از مدت ها پیش، پس از وعظ واعظان مرسوم بوده است و این به خوبی از تصریح و اشاره خود کاشفی در روضه الشهداء (۲) پیداست. (۳)

به هر حال، از این نوع ادبیات، می توان به ادبیات روضه ای تعبیر کرد که چندان به بُعد واقعی تاریخی ماجرا توجهی ندارد و فقط حادثه را به عنوان پدیده ای ویژه، در قالب متونی خاص، به شکل داستانی، ادبی و روضه ای تصویر می کند. سابقه این

۱- ریاض العلماء، میرزا عبدالله افندی اصفهانی، تحقیق، سید احمد حسین، قم، خیام، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، ص ۱۹۰.

۲- ر. ک: روضه الشهداء، صص ۱۲ _ ۱۳.

۳- تأملی در نهضت عاشورا، رسول جعفریان، صص ۳۳۹ _ ۳۴۶.

ادبیات را می توان در قرن پنجم جست و جو کرد: ابوالحسن بکری^(۱) که بخش های عمده ای از تاریخ اسلام را به صورت داستان در آورده و کتاب هایی پیرامون مقتل علی علیه السلام و مقتل الحسین علیه السلام دارد، از این ادبیات سود برده است. پس از آن، می توان از لهوف سید بن طاووس و مثير الاحزان ابن نمای حلی و کامل بهایی نام برد.

پس از روی کار آمدن صفویان، مراسم عاشورا، جایگاه رسمی تری می یابد و به تبع آن، روضه خوانی اهمیت فزون تر و گستره بیش تری می یابد. کتاب المنتخب طریحی (م ۱۰۸۵) در اواخر همین دوره نوشته می شود. این مسأله، در دوره قاجاریه ابعاد گسترده تری پیدا می کند، به طوری که بیش از ۶۷^(۲) اثر در این حوزه نگاشته می شود.

اما مقتل نگاری به معنای ثبت روایات و داستان های تاریخی مربوط به شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش، از شعبه های مهمی است که توجه بیش تری را می طلبد. به ظاهر اولین کسی که کتابی به نام مقتل الحسین علیه السلام داشته اصبح بن نباته، از یاران خاص علی علیه السلام بوده است.^(۳) پس از او، می توان از جابر بن یزید جعفی^(۴)، ابومخنف لوط بن یحیی ازدی^(۵) در قرن اول و دوم، محمد بن علی بن فضل،^(۶) نصر بن مزاحم^(۷)

۱- تأملی در نهضت عاشورا، رسول جعفریان، ص ۳۵.

۲- تأملی در نهضت عاشورا، رسول جعفریان، صص ۳۷ _ ۳۸.

۳- الفهرست، شیخ طوسی، افست دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۵۱ ش، ص ۶۳ و نجف، المكتبة المرتضویه، ص ۶۳.

۴- الذریعه، ج ۲، ص ۲۴.

۵- معالم العلماء، ص ۹۴.

۶- رجال نجاشی، ص ۲۷۳.

۷- رجال نجاشی، ص ۳۰۲.

در قرن سوم، محمد بن علی بن بابویه،^(۱) محمد بن حسن طوسی^(۲) و ابوالحسن شافعی^(۳) در قرون چهارم و پنجم نام برد.

در سده ششم هجری، ابوالمؤید موفق خوارزمی (م ۵۶۸ ق) مشهورترین فردی است که کتابی در خصوص مقتل نوشته است. او در بیش تر نقل ها سلسله راویان خبر را نیز نام می برد.

هم چنین در همین دوره، می توان از ابن شهر آشوب نام برد که اگرچه کتاب مستقل در مقتل نوشته، ولی در کتاب مناقب آل ابی طالب زیر عنوان مناقب امام حسین علیه السلام، به شرح مقتل آن حضرت پرداخته است.^(۴)

غیر از موارد مذکور در برخی نگارش های تاریخی و نسب شناسی عام، همانند طبقات الکبری، از محمد بن سعد، انساب الاشراف از احمد بن یحیی بلاذری (م ۱۲۷۹) اخبار الطوال، احمد بن داود دینوری (م ۲۸۲) تاریخ طبری اثر محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰) و الفتوح احمد بن اعثم کوفی (م حدود ۳۱۴) می توان شرح های مبسوطی از زندگانی امام حسین علیه السلام و شهادت آن حضرت به دست آورد. به عنوان مثال، ابن اعثم کوفی در الفتوح به شرح مبسوط حادثه عاشورا می پردازد که به صورت مستقل و تحت عنوان مقتل الحسین علیه السلام ابن اعثم کوفی به چاپ رسیده است.

۱- معالم العلماء، ص ۱۱۲.

۲- الفهرست، ص ۱۶۱.

۳- الذریعه، ج ۲۲، ص ۲۲.

۴- مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دفتر دوم، خرداد ۱۳۷۴، ص ۲۶۸.

۴. تعزیه

۴. تعزیه

تعزیه از نظر لغوی، به معنای اظهار هم دردی، سوگواری و تسلیت است، ولی به عنوان شکلی از نمایش، ریشه در اجتماعات و مراسم یاد کرد شهادت امام حسین علیه السلام در روزهای محرم دارد و در طول تکامل خود، بازنمایی محاصره و کشتار صحرای کربلا، محور اصلی آن بوده و هیچ گاه ماهیت مذهبی اش را از دست نداده است. (۱)

درباره تعزیه، دو نکته در خور بررسی است: نخست آن که ریشه و منشأ تعزیه چیست؟ نکته بعدی آن که تاریخ شکل گیری این نوع نمایش مذهبی، چه زمانی است؟ در خصوص منشأ و ریشه تعزیه، نظرات گوناگونی ابراز شده است. برخی بر این باورند که تعزیه، ریشه در نمایش های دراماتیک پیش از اسلام ایران دارد و نمونه آن را داستان مرگ و قتل سیاوش با سابقه سه هزار ساله (۲) و واقعه کین ایرج دانسته اند. (۳)

پاره ای برای تعزیه، نظیری چون مراسم آیینی «آدونیس» و «تموز» در فرهنگ بین النهرین باستان ذکر کرده اند. (۴) برخی نیز به طور کلی، تعزیه مذهبی را در ایران، متأثر از

۱- تعزیه، هنر بومی پیشرو ایران، پتر چلکوسکی، برگردان، داوود خاتمی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۱، ۱۳۶۷، ص ۹.

۲- تعزیه در ایران، صادق همایونی، شیراز، نوید شیراز، چ ۲، ۱۳۸۰، صص ۲۱ - ۲۳؛ تعزیه، پترچلکوسکی، ص ۹.

۳- تعزیه در ایران، ص ۲۳.

۴- تعزیه، چلکوسکی، ص ۱۰.

اروپا دانسته اند. ملک الشعراى بهار و دکتر عبدالحسين زرین کوب^(۱) از این دسته اند.

با این حال، به نظر می رسد که نظریه نخست متقن تر و صحیح تر باشد؛ چرا که با روح کلی حاکم بر این مراسم و نیز تاریخ همراه آن هم سازتر است. البته این بدان معنا نیست که بعدها این نوع آیین، هیچ اثری از درام ها و نمایش های اروپایی و فضای مسیحی آن ها نپذیرفته باشد و این امر هم ممکن است.

در مورد این موضوع که تاریخ آغاز شبیه خوانی مذهبی (تعزیه) چه زمانی است نیز، اتفاق نظریه وجود ندارد و بیش تر صاحب نظران، آن را به دوران صفویه بازگشت داده^(۲) و گزارش های «کورنی یل لایرون» هلندی^(۳) «سالامون» انگلیسی و «وان گوگ» هلندی^(۴) را، دلیل بر آن دانسته اند. با این حال، تاریخ آلبویه، گزارش هایی است که قابل توجه است. چنان چه ابن کثیر در شرح وقایع آل بویه، هنگامی که به بحث عزاداری می رسد در هیجدهم محرم برای مصعب بن زهیر، در برابر عاشورا خبر می دهد که در آن مراسم شبیه سازی از طرف سنیان بر گزار شد و زنی را عایشه نامیدند، کسی را طلحه و دیگری را زبیر خواندند و گفتند می خواهند که با اصحاب علی علیه السلام بجنگند.^(۵)

این موضوع به احتمال قریب به یقین، در برابر شبیه خوانی های صورت گرفته از

۱- ۵. ؟، عبدالحسين زرین کوب، تهران، امیر کبیر، ص ۴۸۷.

۲- تعزیه، پترچلکووسکی، ص ۱۰ - ۱۱.

۳- ارزیابی سوگواری های نمایشی، غلامرضا گل زواره، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۵، ص ۲۸.

۴- پژوهش در تعزیه و تعزیه خوانی، فصل نامه هنر، ش ۲، زمستان ۶۱، بهار ۶۲.

۵- البدایه و النهایه، ابن کثیر، ج ۱۱، ص ۲۷۵.

سوی شیعیان از جریان کربلا بوده و پاره ای از سنی های متعصب را به واکنش واداشته است.

دیدگاه عالمان و فقیهان نیز درباره تعزیه، قابل توجه است. میرزا ابوالقاسم قمی (م ۱۲۳۱)، میرزا ابوطالب قمی، میرزا محمد تقی نوری و محمد رفیع طباطبایی، از کسانی هستند که به جواز آن نظر داده اند،^(۱) ولی بسیاری از عالمان و فقیهان بزرگ، هم چون مرحوم شاه آبادی، حاج شیخ عبدالکریم حائری و آیت الله بروجردی، آن را با توجه به نوع اجرای مراسم جایز نمی شمرده اند.^(۲) از این رو، به نظر می آید ابعاد هنری گوناگون تعزیه، نیازمند بازسازی، دوباره نگری، پیرایش، ورود عناصر جدید و متون متقن است تا بتواند دوباره زنده شود و نقش صحیحی بر عهده گیرد.

۵. توغ

۵. توغ

از جمله وسایل عزاداری که از قرن ها پیش رایج بوده، «توغ» است. فرهنگ دهخدا در بیان ریشه لغوی آن می نویسد:

جنسی است از هیزم سخت که آتش آن دیر بماند و آن را تاغ و تاخ نیز می نامند.^(۳)

هم چنین در توضیح اصطلاح آن می نویسد:

علم مانندی است که بر سر آن به جای پرچم، منگوله ای از موی اسب یا اریشم یا ابریشم آویزند. بیرق ترکان عثمانی و آن دم اسبی بود بر سر نیزه.^(۴)

۱- البدایه و النهایه، ابن کثیر، ج ۱۱، ص ۶۲ _ ۶۶، مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دفتر سوم، ۱۳۷۴، ص ۳۰۳ _ ۳۰۴.

۲- ارزیابی سوگواری های نمایشی، غلامرضا گل زواره، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، صص ۳۸ _ ۴۱.

۳- لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چ افست، ۱۳۳۴، ج ۱۳، ص ۱۱۲۵.

۴- لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چ افست، ۱۳۳۴، ج ۱۳، ص ۱۱۲۵.

یکی دیگر از نویسندگان درباره توغ می گوید:

در اصل، لغتی است ترکی و معنای پرچم، علم، بیرق. چون ترکان آق قویونلو همیشه در پیشاپیش سپاهیان خود علمی را حرکت می دادند که به آن توغ می گفتند. به کار بردن این علامت، در زمان صفویه نیز بین سپاهیان قزلباش رواج یافت. به تدریج این علامت، در دستجات عزاداری نیز به کار برده شد، به این تعبیر که عزادارن، همگی سربازان امام حسین علیه السلام هستند. از این جهت، به عنوان شیء ای مقدس شناخته شد و با همان لغت ترکی توغ شهرت یافت. (۱)

صاحب کتاب تاریخ مذهبی قم نیز آن را ترکی ماوراءالنهری و مربوط به دوران سلجوقیان به بعد و متعلق به سپهسالاران بزرگ می شمارد. (۲)

به هر حال، این علامت که دارای انواع زبانه دار و بی زبانه است، (۳) و در ایامی چون شب و روز عاشورا، در ایامی دیگر چون ۲۸ صفر و ۲۱ رمضان، به عنوان عزا برداشته می شود. البته لازم به ذکر است که اکنون، بیش تر در دسته جات قدیمی متداول است. در قدیم، نزاع های بسیاری میان محله ها و دسته های مختلف برای برداشتن آن صورت می گرفته است. یکی از آداب آن حمل خمیده آن به نشانه علم واژگون شده حضرت عباس علیه السلام است. (۴)

- ۱- تویسرکان، محمد مقدم گل محمدی، تهران، غزالی، چ ۱، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۸۸.
- ۲- تاریخ مذهبی قم، علی اصغر فقیهی، قم، اسماعیلیان، چ ۱، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۲۷۶.
- ۳- عزاداری سنتی شیعیان، سیدحسین معتمدی، قم، عصر ظهور، چ ۱، ۱۳۷۸، ج ۱۷ ص ۵۷۷.
- ۴- عزاداری سنتی شیعیان، سیدحسین معتمدی، قم، عصر ظهور، چ ۱، ۱۳۷۸، ج ۱۷ ص ۵۸۴.

۶. بیرق و علم**۶. بیرق و علم**

از جمله وسایل متداول در دسته های عزادار، حمل بیرق و علم است. بیرق، همان علم است و علم، به معنای پرچمی است که نشانه و معرف چیزی است. شخصی که علم را حمل می کند، علمدار نامیده می شود. «سابقه علم، بسیار طولانی و قدیمی است و پیش از اسلام و پس از اسلام، در بین اقوام، جمعیت ها، لشکرهای کشورها مرسوم بوده است»^(۱) دسته جات حسینی نیز از قدیم، علم هایی را با خود حمل می کنند که نشانه های شناسایی آن ها، هم به عنوان دسته عزادار و هم هیأت محلی آنان است. این پرچم ها، معمولاً سبز، سرخ و سیاه، و پس از انقلاب، پرچم سه رنگ جمهوری اسلامی هستند؛ البته پرچم هایی با رنگ های دیگر نیز وجود دارد.

۷. علمات**۷. علمات**

در بسیاری از دسته ها، تکیه ها و حسینیه ها، وسیله ای به نام علمات وجود دارد که معمولاً در روزهای اصلی عزا، مانند تاسوعا و عاشورا حمل و به مکان های مذهبی، نظیر حرم حضرت معصومه علیهاالسلام و حرم امام رضا علیه السلام آورده می شود و به عنوان عرض ادب، با سه بار خم کردن آن، به آن امام یا امامزاده سلام داده می شود.

گاه عرض و طول علمات به پنج متر می رسد و شعبه هایی دارد که بر بالای آن، پرهایی از طاووس و دیگر پرندگان زده می شود و با شماره پرها، شمارش می شود. مشخص نیست که ریشه این نوع ابزار چیست و در این مورد، تحقیق خاصی صورت نگرفته است.

البته به نظر می آید که علمات نیز تاریخی مانند توغ داشته باشد؛ یعنی علامتی نظامی لشکری بوده که به عزاداری آورده شده و بنابر احتمال، به دوره صفویه و پس از آن بازمی گردد.

۱- عزاداری سنتی شیعیان، سیدحسین معتمدی، قم، عصر ظهور، چ ۱، ۱۳۷۸، ج ۱۷ ص ۵۸۹.

۸. نخل برداری**۸. نخل برداری**

از جمله مراسم عزاداری است که در برخی از شهرها و روستاهای ایران رواج دارد. «نخل از معروف ترین وسایل عزاداری است که از گذشته های دور، بین دسته جات حسینی رواج داشته است و به عنوان تاب و حجله عزای امام حسین علیه السلام آن را تأسیس نموده و حمل می نمایند. اما آن را به خاطر سنگینی، روی پنج پایه یا بیش تر از چوب بلند و ضخیم قرار می دهند که دو پایه آن در طرف جلو و عقب نخل، و سه پایه دیگرش در طرف راست و چپ آن می باشد و از چهار طرف ده پایه شمرده می شود و به عنوان جنازه تشبیهی امام تشییع نموده و جمعیت زیادی در پای آن، بر سروسینه زنان، به نوحه خوانی و عزاداری می پردازند و در انتهای مسیر عزاداران، آن را به زیارت امام زاده ها می برند. از این جهت، بدان نخل می گویند که برای ساختن آن، در قدیم از چوب درخت خرما (نخل) استفاده می کرده اند؛ چون قابلیت انعطاف بیش تری دارد. بر نخل، پارچه سیاه، نوار قرمز رنگ و پارچه سبزی می پوشانند.^(۱)

۹. قمه زنی**۹. قمه زنی**

قمه زنی، یکی دیگر از نمادهای عزاداری است که به ویژه میان ترک زبانان ایران و عرب ها و عرب های ایرانی تبار عراق و بعدها در دیگر نقاط چون هند و پاکستان، سابقه داشته و دارد. «قمه» براساس آن چه لغت نامه دهخدا می نویسد، در اصل سلاحی ترکی است که شبیه شمشیر، ولی کوتاه تر و پهن تر و بدون انحنای است.^(۲) بدین سبب، می توان قمه زنی در عزاداری عاشورا را نیز، دارای منشا ترکی دانست؛ چنانچه امروزه نیز این مراسم، به ویژه در میان ترک زبانان ایران و به خصوص اردبیل که در مجاورت ترکان عثمانی قرار داشته اند، رواج دارد.

۱- عزاداری سنتی شیعیان، صص ۵۵۹ _ ۶۰۳.

۲- لغت نامه دهخدا، ج ۳۱، ص ۴۷۹.

در زمینه حکم فقهی این عمل باید گفت، به جواز آن بسیاری از علما به شرط آن که ضرری برای بدن نداشته باشد، فتوا داده اند؛ ولی بسیاری از عالمان مصلح، با توجه به اثر نامطلوب آن و بهره برداری منفی و تبلیغاتی غربیان از آن، با آن مخالف بوده اند. پس از انقلاب، این مراسم به واسطه نهی ارشادی امام خمینی رحمه الله از رونق افتاد. در سال ۱۳۷۳ مقام معظم رهبری، به دلیل تبلیغات منفی دشمنان اسلام، به حرام بودن آن فتوا دادند که از سوی جمع کثیری از مراجع و فقها تأیید شد.

۱۰. جامه سیاه پوشیدن

۱۰. جامه سیاه پوشیدن

رایج ترین شیوه عزاداری سیدالشهدا علیه السلام نزد دوستان آن حضرت، جامه سیاه پوشیدن است. البته مسأله ای که در این مورد وجود دارد، روایاتی از امامان شیعه در نهی پوشیدن لباس سیاه است. این روایات، از دو منظر قابل تبیین است: نخست آنکه آن ها در زمانی صادر شد که رنگ سیاه، علامت عباسیان و نماد آنان گشته بود و امامان معصوم به دلیل ممتاز ساختن شیعیان، آنان را از پوشیدن لباس سیاه نهی فرمودند. (۱) دیگر آن که این نهی و کراهت، به زمان های غیر عزا _ که از دیر باز همگان در هنگام مصیبت لباس سیاه می پوشیده اند _ اختصاص دارد. ضمن آن که رنگ سیاه، در میان اکثر جوامع و اقوام و ملل نماد عزا و اندوه بوده است. (۲) در تاریخ اسلام نیز در سوگ حمزه، (۳) پیامبر صلی الله علیه و آله، (۴) علی علیه السلام، (۵) امام حسن علیه السلام، (۶) امام حسین علیه السلام، (۷)

۱- سیاه پوشی در سوگ ائمه نور، علی ابوالحسنی منذر قم، چ ۱، ۱۳۷۵ ش، صص ۲۰۵ - ۲۰۶.

۲- ر. ک: سیاه پوشی در سوگ ائمه نور، علی ابوالحسنی منذر قم، چ ۱، ۱۳۷۵ ش، صص ۵۳ - ۷۳.

۳- البدایه و النهایه، ابن کثیر دمشقی، تحقیق: احمد ابوملحم و دیگران، بیروت _ لبنان، دارالکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۰۵ ق، ج ۴، ص ۵۹.

۴- دیوان حسان بن ثابت، شرح عبدالله مصفا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ق، ص ۶۷.

۵- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چ ۲، ۱۳۸۷ ق، ج ۱۶، ص ۲۲.

۶- ترجمه الامام الحسن علیه السلام من تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، تحقیق، محمد باقر محمودی، بیروت، مؤسسه محمودی، چ ۱، ۱۴۰۰ ق، ص ۲۸۸.

۷- المحاسن، برقی، تحقیق، محدث ارموی، قم، دارالکتب الاسلامیه، چ ۲، ص ۴۲۰، حدیث ۱۹۵.

زید(۱) و یحیی بن زید(۲) و امام کاظم علیه السلام، مؤمنان، مسلمانان و شیعیان، جامه سیاه بر تن کرده اند؛ از این رو، جامه سیاه همواره جامه عزا و مصیبت به شمار می آمده است. عباسیان نیز به عنوان حرکتی تبلیغاتی در مصیبت اهل بیت علیهم السلام، جامه سیاه می پوشیدند و پس از دست یابی به خلافت، آن را به نشان خلافت خود مبدل ساختند. روایات صادر شده از امامان، سیه پوشی در عزا و مصیبت، به ویژه عزای سید الشهداء را دربر نمی گیرد؛

۱۱. گریه، سینه زدن و زنجیر زدن

۱۱. گریه، سینه زدن و زنجیر زدن

از برترین اعمال در عزاداری، گریستن، گریاندن و حالت گریه (تباکی) به خود گرفتن، است. به نظر می رسد بر سینه کوبیدن در هنگام عزا به عنوان رسم سوگواری، بیش تر در میان عرب ها رواج داشته و سپس در بین ایرانی ها گسترش یافته است. اما مشخص نیست که سینه زنی به روش منظم امروزی از چه زمان آغاز گشته است. برخی آن را به دوران عزاداری در بغداد و قاهره نسبت داده اند.(۴) پاره ای نیز با توجه به گزارش ابن بطوطه، آن را به اوایل قرن هشتم و در سوگک پسر اتابک افراسیاب، حاکم قسمتی از خوزستان بازگردانده اند. ابن بطوطه در توصیف سوگواری وی می نویسد: «دسته ای بالای منظره و دسته ای دیگر پایین منظره قرار داشتند و به طرف

۱- المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الآثار، مقریزی، قاهره، مکتبه الثقافیه الدینیه، چ ۲، ۱۹۸۷ م، ج ۲، ص ۴۴۰.

۲- الفتوح، ابن اعثم کوفی، حیدرآباد، دکن، دائره المعارف عثمانیه، چ ۱، ۱۳۹۵ ق، ج ۸، ص ۱۶۰.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، صص ۳۸

— ۳۹.

۴- تاریخ مذهبی قم، علی اصغر فقیهی، ج ۱، ص ۲۶۴.

یکدیگر هجوم می بردند و در حالی که به سینه های خود می کوبیدند، می گفتند: خوندگار ما یعنی ای آقا و سرور ما» (۱).

زنجیر زنی که اکنون متداول است نیز یکی از رسم های دیرپای عزاداری سیدالشهدا است. به طور دقیق مشخص نیست که آغاز زنجیرزنی و استمرار آن در عزاداری سیدالشهداء، از چه زمانی و از کجاست. البته برخی آن را دارای منشأ و آغاز هندی دانسته اند که با توجه به رواج این گونه ریاضت ها و مراسم در شبه قاره هند، می تواند نظری درست تلقی شود.

کاه و خاکستر به سر ریختن نیز یکی از شیوه های عزاداری است. امروزه، کاه بر سر ریختن، در برخی دسته ها رواج دارد و ظاهراً باید سابقه ای طولانی داشته باشد و در میان عرب ها حتی پیش از اسلام نیز شایع بوده است. هم چنین است گل به سر مالیدن که یکی از نشانه های عزاداری است.

اما از وسایلی که از دیر باز در دسته های عزاداری مورد استفاده واقع می شده، طبل و شیپور است که به طور حتم از دسته های نظامی به دسته های عزاداری راه پیدا کرد و به ویژه در دوران صفویه رونق گرفته؛ چنانچه در سفرنامه جهان گردان خارجی به آن اشاره شده است. (۲)

۱- رحله ابن بطوطه، ابن بطوطه، بیروت، داربیروت، چ ۱، ۱۴۰۵ ق، ص ۱۹۶.

۲- تاریخ مذهبی قم، ج ۱، صص ۲۷۴ و ۲۸۹.

بخش دوم آسیب شناسی فرهنگ عاشورا

اشاره

بخش دوم آسیب شناسی فرهنگ عاشورا

عاشورا، واقعه ای ژرف و شگرف با ابعادی گسترده و تأثیرگذار بر انسان و تاریخ انسانی بوده است. این حادثه، به تدریج تمامی عرصه های حیات تاریخی و انسانی را به تسخیر خویش درمی آورد و مفهومی نو برپا می دارد. داستان کربلا از نظر اجتماعی، در تاریخ اسلام به الگوی انسانیت، آزادگی، رشادت، ظلم ستیزی برای عدالت و... تبدیل می شود و به ویژه در تشیع، اثری دیرپا و عمیق برجای می گذارد، به طوری که با هیچ یک از رویدادهای تاریخی جهان، از حیث عمق و ابعاد تأثیرگذاری قابل مقایسه نیست.

پاره ای از نویسندگان نیز که درصدد مقایسه برآمده اند، با بیان جملاتی تردیدآمیز گفته اند:

در تاریخ جهان، شاید تا حدودی بتوان تأثیر عاشورا را مثلاً با مصلوب شدن حضرت عیسی مقایسه نمود.^(۱)

این حادثه، هم در عمیق تر شدن تفکر شیعی و هم در پدید آبی ملت ها و دولت های شیعی هم چون دیالمه و صفویه نقش داشته است.

به هر حال، حادثه عاشورا است که محور تحرك و تاریخ شیعه را می سازد و چونان محور حیات اجتماعی _ تاریخی جامعه شیعی به شمار می آید و در واقع، به تدریج به سنتی اجتماعی تبدیل می شود. عاشورا اندک اندک در آهنگ زندگی اجتماعی مردم، تأثیر خاصی برجای می نهد و با جنبه های مختلف زندگی آنان پیوند

۱- اندیشه عاشورا، مجموعه مصاحبه ها تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، چ ۱، ۱۳۷۵، دفتر دوم، ص

خورده، به ویژه احساسات آن‌ها را شکل می‌بخشد. عزاداری سیدالشهدا علیه السلام، نماد و یا شاید تمامی عینیت این موضوع است. به همین جهت اساس اندیشه و فرهنگ عاشورا که گنجینه‌ای بی‌نظیر برای جست و جوی اسلام ناب است، هیچ‌گاه صاحبان زر و زور و تزویر را آرام نگذاشته، از دست تحریف‌گران و جاهلان مصون نمانده است و همواره آفت‌ها و آسیب‌هایی آن را تهدید کرده و می‌کند. از این رو، شناخت این تحریفات، آفت‌ها و آسیب‌ها _ به ویژه در زمانه کنونی _ بر پویندگان و پژوهندگان اندیشه عاشورا، امری لازم و بایسته است.

نکته قابل ذکر آن است که با توجه به تعریفی که از تحریف ارائه خواهیم داد، در این نوشته آسیب را در معنای تحریف به کار گرفته ایم و این دو را دارای بار مفهومی یکسان و بدیل یکدیگر دانسته ایم. نکته دیگر این است که آسیب‌شناسی عزاداری، نمی‌تواند جدا از آسیب‌های متوجه شعائر و مناسک دینی باشد و تحلیلش، در درون آن قالب کلی میسر است.

سومین نکته آن است که از دیدگاه ما، در مجموع عزاداری سیدالشهدا علیه السلام تا به امروز و از این پس نیز سنتی مستحکم، پویا و تأثیرگذار بوده و خواهد بود؛ هرچند به آسیب‌ها و آفت‌هایی نیز دچار باشد. اما نقش تاریخی و بهره‌برداری‌های درستی که از آن شده، همانند وقوع انقلاب اسلامی، بیانگر نقش هدایتگرانه و ظرفیت بهره‌برداری آن است.

فصل اول: کلیات تحریف و آسیب شناسی

اشاره

فصل اول: کلیات تحریف و آسیب شناسی

زیر فصل ها

۱. تعریف تحریف

۲. انواع تحریف

۳. سابقه تحریف

۴. روش های تحریف شناسی

۱. تعریف تحریف

۱. تعریف تحریف

تحریف مصدر باب تفعیل از ابواب ثلاثی مزید و از ماده «حرف» است واژه شناسان و لغت دانان، هریک در معنای تحریف و الفاظ برگرفته از آن چون حَرْفٌ، تَحْرَفٌ و اِنْحَرَفَ سخن گفته اند. لغت نامه دهخدا، تحریف را به گردانیدن سخن از جای خود، تغییر هر چیز عموماً و تغییر کتاب خصوصاً، تغییر شیء ای از موضع خودش، تغییر، تبدیل، انقلاب، سرنگونی، واژگونی و انحراف سخن یا چیزی دیگر از حالت و وضع خود و تقلب در آن، معنا کرده است. (۱) ابن منظور در لسان العرب آن را تغییر حرف و کلمه از معنا و جایگاهشان می داند. (۲) بر این مبنا، کم یا زیاد کردن، حذف یا اضافه کردن، (۳) نامفهوم و مبهم نمودن و تبدیل کلام برخلاف مقصود گوینده یا نویسنده، از معانی و مصادیق تحریف است.

۲. انواع تحریف

۲. انواع تحریف

از آن جا که تحریف می تواند در ساخت لفظ و معنا راه یابد، دو قسم تحریف لفظی و تحریف معنوی را می سازد. البته تحریف لفظی نیز برای تبدیل و تغییر معنای کلام است، ولی از آن جا که در آن، لفظ، کم و زیاد، پس و پیش، حذف و اضافه و جابه جا

- ٢- لسان العرب، ابن منظور، تحقيق علي شيري، بيروت _ لبنان، دارالاحياء التراث العربي، ج ١، ١٤٠٨ ق، ج ٣، ص ١٢٩.
- ٣- حماسه حسيني، شهيد مطهري، قم، صدرا، ج ٤، ١٣٦٤، ج ١، ص ١٢.

می شود، در مقابل تحریف معنوی قرار می گیرد که تحریف ظریف تر و زیرکانه تری است.

در تحریف معنوی «شما در لفظ تصرف نمی کنید. لفظ همان است که بوده، ولی آن را طوری معنا می کنید که خلاف مقصود گوینده است. آن را طوری معنا می کنید که مطابق مقصود خود شما باشد، نه مطابق مقصود اصلی گوینده» (۱). بنابراین، تحریف لفظی، تغییر و دگرگونی لفظ به منظور تغییر معناست، ولی تحریف معنوی، دگرگون سازی مفهوم، مقصود، مقصد و روح حاکم بر کلام و پیام، بدون دست بردن در لفظ است. مثال تحریف معنوی آن است که فلسفه قیام سیدالشهدا را به یک قیام و امری خصوصی و شهادت طلبی محض فروبکاهیم. مثال تحریف لفظی نیز، همان طور که شهید مطهری آورده _ آن است که کسی این شعر را می خواند:

قبر امام هشتم، سلطان دین رضا

از جان ببوس و بر در آن در «بارگاه» باش

کس دیگری به او گفت که «بارگاه» غلط است و «بارگاه» درست است. از آن پس او بارگاه می خواند و خود را چون کاه بر زمین می انداخت. (۲)

۳. سابقه تحریف

۳. سابقه تحریف

تحریف بدان معنایی که گفته شد، همواره همراه انسان بوده و یکی از ویژگی های منفی او به شمار می آمده است. دروغ، تهمت، غیبت، ریا و تظاهر، نفاق و...، نمونه ای از این تحریفات لفظی و معنوی همراه با انسان است. البته از لحاظ موضوع، تحریف، گاه در مسایل عادی و غیر حساس است، همانند تحریف در گفتارهای انسان ها یا

۱- حماسه حسینی، شهید مطهری، قم، صدرا، چ ۴، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۳.

۲- حماسه حسینی، شهید مطهری، قم، صدرا، چ ۴، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۵.

کتاب های مختلف ادبی، هنری، تاریخی و...، و گاه تحریف در مسایل حساس، مهم و سرنوشت ساز برای بشر است، همانند تحریف در ادیان و مذاهب و یا در مسایل مهم اجتماعی. قرآن کریم از منظر دوم تحریف را یکی از شاخصه های قوم یهود و به ویژه عالمان و پیشوایان آنان برمی شمارد؛ چنان چه درباره آن ها می فرماید:

... يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ؛ (مائده: ۱۳)

... کلمات خود را از جای خود تغییر می دادند و از بهره آن کلمات که به آن ها داده شد نصیب بزرگی را از دست داده اند. (۱)

و در جای دیگر می فرماید:

وَ قَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ. (بقره: ۷۵)

با آن که گروهی از آنان سخنان خدا را می شنیدند سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می کردند و خودشان هم می دانستند.

از دیگر نمونه های بزرگ تحریف، تحریف متن و معنای واقعه غدیر و به دنبال آن، حذف علی علیه السلام از صحنه حکومت دانست. به هر حال در طول تاریخ، تحریف همواره بوده است و در خصوص هر حادثه مهمی نیز تحریفاتی صورت پذیرفته است.

۴. روش های تحریف شناسی

۴. روش های تحریف شناسی

روش های شناسایی تحریف در متن و معنای فرهنگ عاشورا، نمی تواند از روش های تحقیق و بررسی نهضت عاشورا گسسته باشد همان گونه که گفته شد، دو رهیافت کلان برای بررسی قیام وجود دارد: نخست؛ رهیافت ثبوتی که به قیام، جنبه کاملاً الهی می دهد و در آن، وحی و الهام، قدسیت و استفاده از داشته ها و قدرت های عینی و غیبی، حرف اول و آخر را می زند و حوادث و وقایع آن، به شدت رازآلود و غیرقابل

تبیین بشری و عقلانی اند. این رهیافت بدین گونه، یکی از اساسی ترین عوامل تحریف در طول تاریخ عزاداری بوده است.

رهیافت دوم، نگاهی اثباتی به واقعه عاشورا دارد و آن را به طور کامل فارغ از نگره های الهی می نگرد و امام حسین علیه السلام را، مصلحی دل سوز، آزاداندیش و عدالت محور و احیاگر می شناسد. در این رهیافت، رویکردهای متفاوتی وجود دارد:

۱. شیوه رویکرد تاریخی که بیش تر تاریخ نگاران آن را به کار گرفته اند و اسلوب آن، اسلوب نقلی است.

۲. روش جامعه شناسی یا عقلانی که ابن خلدون را پایه گذار آن می توان به شمار آورد که جایگاه حوادث را می سنجد و به جز بررسی سند و روایان، بر طبیعت حوادث اجتماعی و منطق آن ها توجه ویژه ای مبذول می دارد.

در اسلوب حدیث شناسی نیز مامقانی و وحید بهبهانی از پیشتازان این شیوه بوده اند.^(۱)

۳. شیوه اهل عرفان که بر این مبنا، عاشورا زاییده عشق است و باید آن را در چارچوب عرفان نظری و عملی تفسیر کرد. عمان سامانی از پردازندگان این شیوه است.

۴. روش فقهی که جنبه تکلیفی و عمل به وظیفه شرعی در آن مد نظر قرار می گیرد.

به نظر می رسد که هم رهیافت اول و هم رهیافت دوم، به تنهایی از تفسیر درست نهضت حسینی ناتوان باشند و بسنده کردن به هر یک موجب بد تعبیری و بد تفسیری از این واقعه سترگ و در نهایت، ورود تحریفات در آن می شود. بنابراین بهترین رهیافت، تلفیق عناصر سازنده و یقینی هر دو رهیافت، بر مبنای انسان شناسی است که

۱- خورشید شهادت (مجموعه مقالات برگزیده اولین سمینار بررسی ابعاد زندگانی امام حسین علیه السلام)، تهران، دانشگاه امام حسین علیه السلام، چ ۱، ۱۳۷۴، دفتر اول، ص ۱۹۳.

جامع همه ابعاد است؛ همان گونه که فرضیه ما در ابتدای این پژوهش بوده است. براین اساس، از جنبه قدسی و الگوی الهی بودن امام غفلت نمی گردد و شخصیت امام، فقط به جنبه بشری فرو کاسته نشده و البته لایه های مختلف قیام، کاوش عقلانی و انسانی می شود و سه اصل اندیشه احیایی و اسلامی، تربیت انسانی و مدیریت تحولات اجتماعی با هم در نظر گرفته می شود. بر همین مبنا، هر آن چه موجب تک بعدی نگری، تقلیل قیام و تنزل پیام های نهضت گردد و آن را از جامعیت بیندازد، یا آن که شخصیت الهی یا پیام های اجتماعی نهضت را فرو گذارد، همه به عنوان یکی از مصادیق تحریف شناخته می شود. از این رو، دست کاری، تفسیر به رأی یا کتمان روایات حدیثی و تاریخ و متون مربوط به این واقعه و نیز طرح اهداف تک بعدی یا انحرافی چون شهادت برای شفاعت امت، ناآگاهی امام از شهادت، حکومت خواهی و...، انحرافات لفظی و معنوی در این واقعه به شمار می آید.

فصل دوم: عوامل ایجاد و گسترش تحریف (آسیب ها)

اشاره

فصل دوم: عوامل ایجاد و گسترش تحریف (آسیب ها)

تحریف و آسیب های متوجه هر پدیده اجتماعی و به ویژه تحریف مربوط به قیام حسینی و عزاداری، اساسا از بعد جامعه شناختی، معلول علت هایی در درون آن جامعه اند که شناخت درست آن ها، نخستین و شاید مهم ترین گام برای برخورد مناسب با آن باشد. از این رو، ما نیز در ابتدا باید به طرح ریشه ها و عوامل ایجاد و گسترش تحریف و آسیب های متوجه موضوع مورد بحث پردازیم. بنابراین، عوامل یاد شده را با طرح مثال هایی بدین صورت برمی شماریم:

۱. دگرگونی فضای اجتماعی و تغییر در گفتمان عاشورا

۱. دگرگونی فضای اجتماعی و تغییر در گفتمان عاشورا

یکی از آسیب هایی که به شدت متوجه فرهنگ عاشورا است، آسیبی است که از راه تغییرات زمانه به وجود می آید. از آن جا که فرهنگ عاشورا و عزاداری، سنتی اجتماعی در درون جامعه شیعی است، به ناچار ممکن است با تحول زمان، تغییر پذیرد. همین موضوع است که وظیفه اندیشوران و دل بستگان فرهنگ ناب عاشورایی را دو چندان می کند؛ اگرچه بی نهایت کاری سخت و سترگ به شمار می آید. اگر نگاهی به ادبیات منثور و منظوم عاشورا در دوره های مختلف بینکنیم، خواهیم دید که تا حدود بسیاری، رابطه ای متقابل و متعامل میان رویکردهای عاشورا با وضع اجتماعی _ سیاسی ویژه هر دوره ای وجود دارد. فرضیه این نظریه آن است که دگرگونی شرایط وضعیت و منطق هر زمان، تأثیری عمیق بر نگرش غالبی مردمان آن عصر دارد و این تغییرات در سنت هایی اجتماعی به ویژه سنت های دینی چون فرهنگ عاشورا و عزاداری نقش به سزایی دارد. براین اساس گفته می شود «دوره هایی که جامعه شیعی، جامعه سیاسی و کنش گرا از نظر اجتماعی است، قرائت و ادبیات عاشورا، صبغه ای سیاسی و فعال به خود گرفته و وجه مبارزه جویانه و حماسی عاشورا، شاخصه

فرهنگ مکتوب یا شفاهی، منظوم یا منثور سیاسی می گردد و در شرایطی که به هر دلیل و سبب اجتماعی _ تاریخی، جامعه شیعی غیر سیاسی و «پولیتیزه» می شود، وجه فاجعه بار، غم انگیز، سوگوارانه و منفعلانه عاشورا برجسته می گردد.»^(۱) از این دست می توان در سده های نخست تاریخ شیعه، ادبیات حماسی و انقلابی شاعران حماسه سرای شیعی چون فرزدق، کمیت اسدی، سید حمیری و دعبل خزائی و مقتل هایی چون مقتل ابی مخفف و ارشاد را مشاهده می کنیم.

در دوران آل بویه و سلجوقی، ادبیات عاشورا، غیر حماسی و غیر سیاسی می شود که در آثار سنایی، کسایی و قوامی رازی و نیز کتاب هایی چون اللهوف علی قتلی الطفوف می بینیم. در فاصله زوال ایلخانان تا تأسیس صفویه، شاهد سیاسی شدن جامعه شیعی و به تبع آن، حماسی شدن ادبیات عاشورا هستیم که ادبیات نهضت را رقم می زند.

با تبدیل شدن نهضت به نظام در دوران صفویه، بار دیگر قرائت غیر سیاسی و غیر حماسی از عاشورا برتری یافته، این وضعیت تا پایان دوران رضاخان ادامه می یابد. از شهریور ۱۳۲۰ تا اواخر جنگ تحمیلی ایران و عراق، دوباره رویکرد حماسی اوج می گیرد این رویکرد آثار کسانی چون امام خمینی رحمه الله، محمدتقی شریعتی، آیت الله کاشانی، آیت الله طالقانی، فدائیان اسلام، شهید مطهری، مهندس بازرگان، دکتر علی شریعتی و حجه الاسلام صالحی نجف آبادی است.

از اواخر جنگ به این سو، به تدریج با فروکش کردن تکاپوی انقلابی، گفتمان عاشورا نیز به تدریج و در مراتبی غیر حماسی و غیر سیاسی شد. البته این نظریه، به حتم نمی تواند تمامی مسایل مرتبط با فرهنگ عاشورا را توضیح دهد و پرسش هایی چند نیز در برابر آن، قابل طرح است. البته می توان آن را یکی از عمده ترین _ و نه

۱- چشمه خورشید، دفتر اول، ۱۳۷۴ش، ص ۴۲۹.

تمامی _ عوامل تحریف زا دانست؛ چرا که در هر یک از این دوره ها، که فرهنگ عاشورا به تبع جامعه، سیاسی و یا غیر سیاسی می شود، ابعاد دیگر آن مورد غفلت قرار می گیرد و نیز تحریف های لفظی و معنوی براساس گفتمان رایج زمان در آن صورت می گیرد. برای مثال در فضای سیاسی، همه ابعاد فرهنگ عاشورا، سیاسی، ایدئولوژیک و کارکردی شده و بر آن اساس تفسیر می شود. یا در فضای غیر سیاسی، این ابعاد به بعد عاطفی و احساسی فروکاسته می شود که هر یک از این دو رویکرد در بردارنده تحریف فرهنگ عاشورا است.

۲. تبیین نشدن فلسفه صحیح قیام

۲. تبیین نشدن فلسفه صحیح قیام

یکی از عوامل بنیادین وقوع تحریف لفظی و معنوی و ورود آسیب های متعدد به ساحت فرهنگ عاشورا و عزاداری سیدالشهدا علیه السلام، عدم تبیین و تشریح آموزه های ناب عاشورایی و اهداف و فلسفه نهضت عاشورا در میان مردم است. این نقص متوجه نخبگان و دانشورانی است که مرجع توده مردم به شمار می آیند که به طور عمیق و همه جانبه در عاشورا اندیشه نکردند و به درستی به تشریح و تبلیغ آن نپرداختند؛ به تک بعدی نگری پرداختند یا میدان را به غیر اهل وا گذاشتند. به همین سبب بود که فلسفه سازی های انحرافی در میان مردم و حتی در میان خواص رواج یافت و در ادبیات شعری و غیر شعری نیز تبلور یافت. این موضوع که خود یک تحریف معنوی عمده است، زمینه ساز بسیاری از تحریف های لفظی نیز قرار گرفت. شهید مطهری رحمه الله در این راه، از دو فلسفه تراشی انحرافی برای قیام اباعبدالله علیه السلام نام می برد. نخست این که شهادت امام حسین علیه السلام را، کفاره گناهان امت و دوست داران عترت و هدف از قیام را، تنها آمرزش و شفاعت گناهکارانی که ولایت و محبت آن حضرت را دارند، دانسته اند. (۱)

این تفسیر از قیام، کاملاً شبیه به برداشت مسیحیان از _ به زعم خود _ کشته شدن حضرت عیسی و بلکه رونوشتی از آن است. «مسیحیت بر این باور بود که «همان طور که مردم در آسیب وضعی گناه شرکت دارند، یک نماینده از بشریت می تواند کفاره این گناه باشد... و عیسی کفاره آن آسیب را یک بار و برای همیشه محقق ساخت.»^(۱)

شهید مطهری با اشاره به این تفسیر، به نقد آن می پردازد و می گوید: «شهادت آن حضرت به عنوان کفاره گناهان امت واقع شد! امام حسین علیه السلام شهید شد که اثر گناهان را در قیامت خنثی کند و به مردم از این جهت آزادی بدهد. در حقیقت مقابل این عقیده، باید گفت امام حسین علیه السلام دید که یزیدها و ابن زیاد و شمر و سنان ها هستند، اما عده شان کم است؛ خواست کاری بکنند که بر عده این ها افزوده شود.» «اباعبدالله که برای مبارزه با گناه کردن قیام کرد، ما گفتیم قیام کرد تا سنگری برای گنه کاران باشد. گفتیم حسین علیه السلام یک شرکت بیمه تأسیس کرد. بیمه چه؟ بیمه گناه. گفت ایهاالناس! هرچه می توانید بد باشید من بیمه شما هستم.»^(۲)

این تفسیر، از دیرباز تا کنون در میان مردم رواج داشته و دارد و بخش قابل توجهی از ادبیات عاشورا را تشکیل می دهد و در اشعار، تعزیه ها، منبرها و... بازگو می شود.

در واقع این برداشت، برداشتی انحرافی و منحط از موضوع شفاعت ائمه اطهار و به ویژه امام حسین علیه السلام است که به سبب عدم طرح درست و مناسب آن و آمیخته شدنش با عقاید و عادت های سطحی مردم، این چنین مسخ شده است. از این رو، نمونه های این تفکر را فراوان در ادبیات عاشورا مشاهده می کنیم:

۱- قیام مسیحی، میشل توماس، برگردان حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چ ۱، ۱۳۷۷، ص ۸۷ _ ۸۹.

۲- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۷۷.

فتحعلی شاه:

... بادا فدای خاک رهش صد هزار جان

چون کرد جان به امت عاصی فدا حسین (۱)

وصال شیرازی:

... دلی می خواست یزدان تا سرش زیب سنان گردد

که در هنگامه محشر شفیع عاصیان گردد (۲)

یکی از تعزیه ها:

... برای عذر گناهان شیعه پدرم

رضا شدم که به خون دست و پا زند پسر (۳)

سروش اصفهانی:

... بهر شفاعت گنه دوستان خویش

کردیم سینه را هدف تیر حادثات (۴)

همان طور که می نگریم، در این جا منطق قیام و شهادت، منطق فداست. امام حسین علیه السلام همانند مسیح فدا شده است تا امت را از ترس جهنم برهاند. همین و بس. براین اساس است که خواب ها و نقل های عجیب واگویه و ساخته می شود. مانند این داستان که دزدی که کارش غارت کاروان ها بود، در سر راه قافله زایران کمین

۱- نگرشی انتقادی _ تاریخی به ادبیات عاشورا، سید عبدالحمید ضیایی، تهران، نقد فرهنگ، چ ۱، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵.

۲- نگرشی انتقادی _ تاریخی به ادبیات عاشورا، سید عبدالحمید ضیایی، تهران، نقد فرهنگ، چ ۱، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵.

۳- ارزیابی سوگواری های نمایشی، ص ۳۸۵.

۴- دیوان سروش اصفهانی، به اهتمام محمدجعفر محجوب، تهران، امیرکبیر، چ ۱، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۷۳۹؛ عاشورا و شعر فارسی، حسن گل محمدی، تهران، اطلس، چ ۱، ۱۳۳۶، ص ۱۵۱.

کرد، ولی خوابش برد و کاروان رفت. در همین حال خواب دید که او را به طرف جهنم می برند، ولی جهنم از پذیرش او امتناع می کند. علت آن نیز این بود که گرد و غبار زایران کربلا- بر تن و لباس او نشسته است. سپس شعری نیز برای آن درست کرده اند که:

فان النار ليس لمسّ جسما

علیه غبار زوار الحسین (۱)

تحریف دومی که در راستای بحث ما صورت گرفته، یک سره جنبه الهی و قدسی و آسمانی بدان بخشیدن و آن را در حد یک دستور خصوصی فروکاستن است. البته این در واقع، خارج ساختن اندیشه و رفتار امام حسین علیه السلام از چارچوب مکتب است که عدم قابلیت پیروی و بهره گیری را به همراه دارد و در نهایت، به عقیم سازی فرهنگ عاشورا می انجامد. وقتی قیام منحصر به امام علیه السلام شد، دیگر هیچ آموزه عام دیگرشمولی را نمی توان از آن به دست آورد. جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، شهادت طلبی، مبارزه جویی و... دیگر قابلیت استنتاج از قیام را نمی یابد.

۳. تمایل به اسطوره سازی و افسانه پردازی

۳. تمایل به اسطوره سازی و افسانه پردازی

تمایل بشر به افسانه پردازی و اسطوره سازی، از دیگر عوامل ایجاد و گسترش تحریف در تاریخ و فرهنگ عاشورا است. شاید شهید مطهری رحمه الله، نخستین کسی باشد که این عامل را به عنوان یکی از عوامل محوری تحریف برشمرده است. ایشان می گوید: «در بشر یک حس قهرمان پرستی هست که در اثر آن، درباره قهرمان های ملی و قهرمان های دینی افسانه می سازند... قسمتی از تحریفاتی که در حادثه کربلا صورت گرفته، معلول حس اسطوره سازی است. اروپایی ها می گویند در تاریخ مشرق

زمین، مبالغه‌ها و اغراق‌ها زیاد است و راست هم می‌گویند» (۱). شهید مطهری ابتدا به افسانه‌سازی‌هایی در مورد بوعلی سینا و شیخ بهایی اشاره می‌کند که بوعلی صدای چکش مسگرهای کاشان را از اصفهان می‌شنیده است. (۲)

هم‌چنین داستان هرات و وجود ۲۱ هزار احمد یک چشم کله‌پز را در آن مثال می‌آورد. (۳) افسانه مجروح شدن پرنس جبرئیل در جنگ خیبر بر اثر اصابت ضربت شمشیر علی علیه السلام و دو نیم شدن کامل «مرحب خیبری» و نفهمیدن خودش، (۴) رساندن تعداد لشکریان کوفه به ششصد هزار سوار و یک میلیون و ششصد هزار نفر پیاده (۵)، ۷۲ ساعت بودن روز عاشورا (۶)، رساندن عدد کشته شده‌های به دست امام حسین علیه السلام را به سیصد هزار نفر و تعداد کشته‌ها به دست حضرت ابوالفضل را به بیست و پنج هزار نفر و نیز کشته شدگان به دست بقیه یاران به ۲۵ هزار نفر (۷) و داستان حضور هاشم مرقال _ که در جنگ صفین به شهادت رسید _ در جریان کربلا، (۸) از نمونه‌های اسطوره‌سازی و افسانه‌پردازی هستند.

این‌ها همه از حس اغراق، مبالغه‌گویی و شخصیت‌سازی در خصوص بزرگان سرچشمه می‌گیرد، به گمان این‌که با این کار، چیزی بر عظمت آن شخصیت

- ۱- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۴۱.
- ۲- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۴۴.
- ۳- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۴۲.
- ۴- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۴۵.
- ۵- حماسه حسینی، ج ۳، ص ۲۸۱.
- ۶- اسرار الشهادت، فاضل دربندی، ج ۳، ص ۴۳.
- ۷- اسرار الشهادت، فاضل دربندی، ج ۳، ص ۴۰.
- ۸- محرق القلوب، ملا مهدی نراقی، چ سنگی، صص ۱۰۱ _ ۱۰۲.

می افزایند. شهید مطهری با دردمندی می گوید: «این حس اسطوره سازی خیلی کارها کرده است. ما نباید یک سند مقدس را در اختیار افسانه سازها قرار دهیم...». ما وظیفه داریم حال برای هرات هر کس هر چه می خواهد بگویید [، ولی] آیا صحیح است در تاریخ حادثه عاشورا، حادثه ای که ما دستور داریم هر سال آن را به صورت یک مکتب زنده بداریم، این همه افسانه وارد شود؟» (۱)

۴. برخورد عاطفی صرف با مقوله عزاداری

۴. برخورد عاطفی صرف با مقوله عزاداری

شاید جدی ترین و اصلی ترین عامل ورود آسیب های متعدد در بنیاد و بنیان فرهنگ عاشورا، اکتفا نمودن به برخورد عاطفی صرف و دوری گزیدن از برخورد عقلانی با مقوله قیام و عزاداری باشد. این مسأله، سبب بروز تحریف وسیع لفظی و معنوی است که اندیشه اصیل عاشورایی و حسینی را به پژمردگی می کشاند.

بی شک در صحنه عاشورا، از سوی امام و یارانش، شاهد عاطفی ترین صحنه ها، و از سوی لشکریان کوفه، شاهد جنایت بارترین و دهشتناک ترین وقایع هستیم. از این رو، حادثه عاشورا، بعد عاطفی قوی ای دارد که از این جهت، می توان آن را یک تراژدی دانست. البته این تنها یک رویه از صحنه عاشورا است که در آن جنایت موج می زند. عاشورا صحنه دیگری نیز دارد که سرشار از حماسه و زیبایی است و حسین علیه السلام و یارانش قهرمان آن اند.

ولی در فرهنگ عامه، بیش تر شاهد حضور پررنگ بعد تراژدیک عاشورا هستیم، به گونه ای که تا حدودی عرصه را بر بعد حماسی تنگ ساخته است.

آن چه بیش از همه در زبان مردم شنیده می شود، واژه های غریب، مظلوم، تشنه، بی کس و مانند این الفاظ است و تشنگی، بی آبی، بی یاری و غربت امام علیه السلام، بسامد بالایی در فرهنگ عامیانه دارد.

البته منظور تخطئه کلی این مسایل نیست که این خود بعدی از ابعاد عاشورا است، بلکه منظور، غلبه این نوع نگرش بر ذهنیت توده مردم است که کم تر از این سطح گذر می کند.

این پرداختِ افراطی بعد عاطفی قیام، سازنده و پردازنده بیش تر تحریف های لفظی و معنوی فرهنگ عاشورا بوده است. جالب این است که این تفکر، با تناقضی آشکار و جدی روبه روست. از سویی، امام را به تمامی آسمانی و ملکوتی معرفی می کند و از سوی دیگر، هنگام مقایسه، امام را به تمامی فرهنگ عامیانه خود محک می زند و آن حضرت را همانند یکی از افراد این فرهنگ می انگارد. از این روست که بسیار گفته می شود عزاداری امام حسین علیه السلام، به دلیل تسلاهی خاطر حضرت زهرا علیها السلام است؛ چون ایشان همیشه در بهشت بی تابی می کند و هزار و چهار صد سال است که آرام ندارد.

شهید مطهری رحمه الله با تندى به این ایده می تازد و می گوید:

آیا این حرف مسخره نیست. بعد از هزار و چهار صد سال، هنوز حضرت زهرا علیها السلام احتیاج داشته باشد، در صورتی که به نص خود امام حسین علیه السلام به حکم ضرورت دین، بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، ایشان و حضرت زهرا علیها السلام نزد یکدیگر نروند. مگر حضرت زهرا علیها السلام بچه است که بعد از هزار و چهار صد سال هنوز بر سر خود بزند. (۱)

بر این اساس، عزاداری، نوعی خدمت و تسلاهی خصوصی و عاطفی شمرده می شود. نکته دیگری که به جهت سیطره روح عاطفی صرف پدید می آید، این است که امام حسین علیه السلام فرد بی تقصیر، بی یار، مظلوم و بی پناهی نمایانده می شود که به طرز فجیعی به دست ظالم ها و اشقیاء به شهادت رسیده و از دست رفته و به قول

شهید مطهری نقل شده است. (۱) بنابراین، باید بر امام از دست رفته گریست و عزاداری کرد. همان طور که گفته شد، عمده تحریف لفظی نیز در همین راستا به وجود آمده است. چون غرض این است که بر امام حسین علیه السلام که بی جهت کشته شده و هنگام شهادت، مادر نیز نداشته است، بگرییم. از این رو، روضه او هرچه جان سوزتر و دل گدازتر بیان شود، به این هدف نزدیک تر است و دل مادرش حضرت زهرا را بیش تر شاد و خنک می کند.

جعل داستان عروسی حضرت قاسم در روز عاشورا، باید در همین راستا ارزیابی شود؛ چون داستان عروسی داماد سیزده ساله ای که پس از عروسی، هدف شمشیرها قرار می گیرد و کشته می شود و سر از پیکرش جدا می گردد، بسیار جان سوز خواهد بود.

داستان عروسی قاسم علیه السلام برای نخستین بار در روضه الشهدای کاشفی آمده است (۲) و منتخب طریحی (۳) نیز آن را نقل کرده و از آن پس، به دلیل همین بعد قوی عاطفی و اشک گیر، به شدت رواج یافته است، به طوری که برای قاسم علیه السلام حجله عروسی ساختند و در وسط عزاداری نقل پخش می کردند. این قصه حتی در اشعار فارسی نیز نمود داشته است. عمان سامانی که یکی از عالی ترین منظومه های عاشورایی را سروده است نیز از این تحریف مصون نمانده و با مهارتی شگفت، داستان جعلی عروسی قاسم را با این شعر تصویر کرده است:

باز دارم راحت و رنجی به هم

۱- حماسه حسینی، ج ۳، ص ۲۸۶.

۲- روضه الشهدا، ملاحسین کاشفی، تصحیح، علامه شعرانی، تهران، اسلامیه، چ ۴، ۱۳۷۱ ق، صص ۳۲۱ و ۳۴۶.

۳- منتخب طریحی، فخرالدین طریحی، قم، ص ۱۳۱، بی تا.

متحد عنوانی از شادی و غم

ناپرور نوعروسی هست بگر

مر مرا در حجله ناموس فکر

... آن چه قاسم را زهستی بود نقد

مر عروسیش را به کابین بست عقد (۱)

نمونه دیگر، داستان حضور لیلا؟ در کربلاست که بنابر نظر شهید مطهری، هیچ سندی ندارد.

از همین منظر، می توان داستان حضور حضرت زهرا علیهاالسلام بر بالین ابوالفضل علیه السلام هنگام شهادت آن حضرت و گفتن این سخن را که اگر مادرت نیست، من هستم، جعلی دانست؛ زیرا در هیچ کتابی، حتی کتاب های مجهول نیز نیامده است. داستان حضرت رقیه نیز در همین راستا بسیار جالب توجه است. (۲)

از دیگر موارد، می توان به ترسیم چهره حضرت عباس علیه السلام بدون دست در همه نقل خواب ها و منبرها اشاره کرد. شهید مطهری از همین قماش، داستانی نقل می کند که زنی را که در زمان متوکل به زیارت امام حسین علیه السلام رفته بود، به دریا انداختند. او فریاد زد یا ابوالفضل، آن گاه سواری آمد و گفت رکاب اسب مرا بگیر. زن گفت چرا دستت را دراز نمی کنی؟ پاسخ داد که من دست در بدن ندارم. (۳) یا آن که همیشه حضرت زهرا در خواب ها و مکاشفات به صورت قد خمیده و دست بر پهلو تصور می شود.

۱- گنجینه اسرار، عمان سامانی، تصحیح: فریدون حداد سامانی، شهرکرد، عمان، چ ۱، ۱۳۷۱ ش، ص ۵۱. سروش اصفهانی نیز شعری در این باره دارد. ر. ک: عاشورا و شعر فارسی ص ۱۵۸.

۲- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۶.

۳- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۵۰.

افسانه‌هایی چون آب خواستن امام حسین علیه السلام در پای منبر علی علیه السلام و آب آوردن ابوالفضل علیه السلام و داستان فاطمه صغرا نیز از همین دست به شمار می‌آید.

هم‌چنان که ملاحظه می‌شود، در این جعل‌ها و تحریف‌ها، مؤلفه‌هایی حضور دارند که موجب عاطفی شدن هر چه بیش‌تر عزاداری و گریه بیش‌تر می‌شود و برای مثال، عطش و آب و یا حضور و عدم حضور مادر، سبب پر و بال دادن و پروراندن این گونه تحریف‌ها و جعل‌ها گشته و می‌گردد. در حالی که اگر از برخورد عاطفی صرف پرهیز و با تاریخ و حوادث عاشورا برخورد عقلانی گردد؛ یعنی این مطالب در ترازوی عقل سنجیده شود، بسیاری از این تحریفات روی نمی‌دهد. این موضوع، هم در ارزیابی متون قیام عاشورا و شهادت حسین علیه السلام قابلیت بهره‌گیری دارد و هم در شنیده‌های عزاداری. آن که بر سرش تیغ و قمه می‌زند یا با زنجیر گران، پشتش را مجروح می‌کند، با این نیت که هم چون حسین و یارانش باشد، اگر نیک بنگرد که شرایط حسین علیه السلام چگونه بود، درخواست یافت که در آن گونه شرایط است که باید چنین کند.

۵. جبر انگاری

۵. جبر انگاری

جبری‌نگری درباره قیام، یکی از عوامل وقوع تحریف و ورود آسیب‌ها در حوزه فرهنگ عاشورا و عدم بهره‌بردن و تعمیم آن است. جدای از سابقه طولانی جبر انگاری و تقدیر گرایی در تفکر دینی - اجتماعی مردم که در فرهنگ منشور و منظوم آن‌ها تبلور نیز یافته، باید از تلاش امویان در ترویج جبر گرایی به طور عام و تعبیر جبری حادثه عاشورا به طور خاص، یاد کرد. اولین سخن ابن زیاد در هنگام مواجهه زینب کبری علیها السلام، این بود:

خدا را شکر که شما را رسوا کرد. خدا را شکر که شما را کشت و خدا را شکر که ادعاهایتان را باطل ساخت. (۱)

۱- لهورف، سیدبن طاووس، برگردان: عباس عزیزی، صص ۲۱۶ - ۲۱۷.

منطق ابن زیاد در این جا، به طور کامل، جبرگرایانه است. او می خواهد شهادت امام حسین علیه السلام را، به تقدیر و خواست خدا حواله داده، بدین ترتیب، خود را مبرا و مقرب در گاه خدا جلوه دهد. به همین سبب است که شهید مطهری، منطق جبرگرایی را، منطق ابن زیاد می شمارد. (۱) در واقع این چنین است که اولین گام تحریف، به وسیله قاتلان و جانیان برداشته می شود.

البته با کمال تأسف در طول تاریخ، این روحیه جبری نگری، تا حدود بسیاری در فرهنگ مردم نهادینه شد؛ به طوری که در شعر و فکر بسیاری از شاعران و مرثیه سرایان نیز راه یافت. نمونه های این جبرگرایی را نسبت به حادثه عاشورا و منتسب نمودن آن به چرخ، فلک، روزگار، سرنوشت، تقدیر و مانند این ها، در اشعار شاعرانی چون محتشم کاشانی و وصال شیرازی و بسیاری دیگر از شاعران به ویژه در تعزیه ها می توان تماشا کرد:

محتشم کاشانی:

ای چرخ غافلی که چه بیداد کرده ای

وز کین چه ها در این ستم آبادی کرده ای (۲)

وصال شیرازی:

ای چرخ از کمان تو تیری رها نشد

کازاده ای نشان خدنگ بلا نشد (۳)

یا در تعزیه ها می شنویم که:

۱- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۶۲.

۲- نگرشی انتقادی _ تاریخی به ادبیات عاشورا، ص ۱۳۸.

۳- نگرشی انتقادی _ تاریخی به ادبیات عاشورا، ص ۱۳۸.

ای چرخ بر حسین جفای شماره کن

ای بی وفا جفای پیاپی شماره کن (۱)

یا:

«فلک خراب شوی بی برادرم کردی» (۲)

نیز:

«فلک چه خاک نشاندی تو بر سر زینب» (۳)

چرخ برچیده، بساط عزت ما از جفا» (۴)

و دیگر اشعار و قطعاتی که همه، حادثه را به سرنوشت و قضای روزگار حواله می دهد. نتیجه این جبری گرایی، تسلیم و وادادگی است که به طور کلی و به لحاظ ماهیت با مفهوم «رضا» در فرهنگ اصیل اسلامی متفاوت است. تسلیم و رضای جبرگرایانه، کاملاً منفعل است و اندیشه و عمل آدمی را فلج می سازد و میوه آن، ذلت پذیری، بی اندیشه بودن و بی طراوتی، و نیز توجیه این ها با پیش کشیدن جبر است.

این جبرنگری، هم چون زهری در درون فرهنگ عاشورا بوده است و آن را به رکود، سکون، انفعال و جمود کشانده است. بر این اساس، درس آموزی و پندگیری از این واقعه و بسان حسین علیه السلام و زینب علیها السلام عمل نمودن، چندان معنایی نمی یابد.

۶. نقش حکومت ها و تاریخ نگاران درباری

۶. نقش حکومت ها و تاریخ نگاران درباری

- ۱- ارزیابی سوگواری نمایشی، صص ۲۱۷ _ ۲۲۱، با تلخیص.
- ۲- ارزیابی سوگواری نمایشی، صص ۲۱۷ _ ۲۲۱، با تلخیص.
- ۳- ارزیابی سوگواری نمایشی، صص ۲۱۷ _ ۲۲۱، با تلخیص.
- ۴- ارزیابی سوگواری نمایشی، صص ۲۱۷ _ ۲۲۱، با تلخیص.

یکی از موضوع های تحریف شناسی عاشورا، شناخت نقش حاکمان جور، به ویژه امویان در تحریف واقعه عاشورا و از سوی دیگر، تحریف هایی است که از طرف تاریخ نگاران طرفدار مکتب عثمانی، اموی و تأثیر پذیرفتگان از آن ها به وجود آمده است. نخستین انحرافی که امویان می خواستند به وجود آورند، آن بود که شهادت امام حسین علیه السلام را به قضای الهی و خواست خداوندی نسبت دهند و خود را مبرا سازند. گفتار ابن زیاد با زینب کبری علیها السلام در همین جهت است.

تحریف دوم آن بود که امویان، چه پیش از شهادت و چه پس از آن، کوشیدند تا امام علیه السلام را به عنوان فردی شورشی و طغیانگر بر ضد حاکم مشروع مسلمانان بنمایانند که مرتکب گناه بزرگ، یعنی خروج بر امام مسلمین شده و از این رو، خون او مباح است. تمام سعی امام علیه السلام نیز از ابتدای حرکت تا پایان آن، بر این است که با سخنرانی های افشاگرانه و روشنگر، این اتهام و تبلیغ را خنثی کند و مسیر خود را به درستی بشناساند.

تحریف دیگری که امویان بر گسترده ساختن ابعاد آن می کوشیدند، عید اعلام نمودن و جشن گرفتن روز عاشورا بود. برای این منظور، گفتند که عاشورا، روزی است که کشتی نوح بر زمین نشسته یا روزی است که فرعونیان در رود، غرق شدند. (۱) در حالی که اصولاً عید گرفتن این روز و روزه گرفتن آن، به یهود باز می گردد که این روز را «عید عاسور» نام گذاشته بودند. به همین سبب است که در زیارت عاشورا می خوانیم: اللهم ان هذا یوم تبرکت به بنو امیه و ابن آکله الاکباد. البته در برابر این موضوع امامان شیعه نیز موضع گیری کرده، و روزه گرفتن این روزها را ممنوع ساخته و آن را روز حزن و اندوه نام نهادند. (۲)

۱- تأملی در نهضت عاشورا، رسول جعفریان، ص ۳۰۶.

۲- بحار الانوار، ج ۴۵، صص ۹۴ _ ۹۵. روایاتی از امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام.

اما از سوی تاریخ نگاران عثمانی و اموی نیز تحریفاتی در متن و هدف نهضت عاشورا اتفاق افتاد که نمونه هایی از آن را در مکتب تاریخ نگاری در شام و ایران و برخی دیگر از تاریخ نگاران مشاهده می کنیم. نمونه هایی از این تحریف ها را برمی شماریم:

نخست آن که کوشیدند چهره ای از حسین بن علی علیه السلام تصویر کنند که براساس آن، امام فردی جنگ طلب، خشونت خواه، دوست دار خون ریزی و تند زبان بوده است (۱) و طبیعی است که قتل چنین فردی، می تواند روا و جایز باشد.

تحریف دیگر، آن است که امام علیه السلام را دنیاخواه و حکومت طلب و قیام وی را، برای به دست آوردن دنیا و امارت معرفی کرده اند، به طوری که کسانی چون عبدالله بن عمر، امام را از پی دنیا بودن باز می دارند. (۲)

تحریف دیگر، در خواست ملاقات و بیعت امام حسین علیه السلام با یزید است که در مکاتبه عمر بن سعد با عبیدالله بن زیاد به نقل از امام علیه السلام آورده شده و در تاریخ دمشق ابن عساکر (۳) و در کتاب هایی چون تاریخ ابن کثیر (۴)، ذهبی (۵) و دیگران (۶) گزارش

۱- تأملی در نهضت عاشورا، ص ۳۰۷.

۲- ترجمه ریحانه رسول الله من تاریخ دمشق لابن عسکر، ابن عساکر، تحقیق محمد باقر محمودی، بیروت - لبنان، ج ۱، ۱۹۷۹ م، مؤسسه المحمودی، ص ۱۹۹ - ۲۰۱.

۳- ترجمه ریحانه رسول الله من تاریخ دمشق لابن عسکر، ابن عساکر، تحقیق محمد باقر محمودی، بیروت - لبنان، ج ۱، ۱۹۷۹ م، مؤسسه المحمودی، ص ۲۱۹.

۴- البدایه و النهایه، ابن کثیر دمشقی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ق، ج ۸، ص ۱۷۰ و ۱۷۵.

۵- تاریخ الاسلام، شمس الدین ذهبی، تحقیق: عبدالسلام تومری، بیروت - لبنان، دارالکتب العربی، ج ۱، ۱۴۱۰ ق، ج ۴، صص ۱۲ - ۱۳.

۶- تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، برگردان: ابوالقاسم پاینده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲ ش، ج ۷، صص ۳۰۸۰، انساب الاشراف، بلاذری، تحقیق، محمد باقر محمودی، بیروت، دارالتعارف، ج ۱، ۱۳۹۷ ق، ج ۲، صص ۱۸۲ - ۱۸۳؛ الامامه و السیاسه، ابن قتیبه دینوری، قم، شریف رضی، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۴.

شده است، در حالی که هم به لحاظ عقلی و هم تاریخی قابل خدشه است. (۱)

تحریف مهمی دیگری که از سوی این تاریخ نگاران صورت پذیرفته است، تلاش برای تبرئه یزید از قتل امام حسین علیه السلام و مقصر جلوه دادن عیدالله بن زیاد به تنهایی است، به طوری که از گریه یزید بر امام حسین علیه السلام، نفرین و لعن ابن زیاد، مهربانی او با اسیران و اظهار ناخشنودی یزید از کشته شدن امام حسین علیه السلام سخن گفته اند. (۲) البته این سخنان نیز به دلایل تاریخی معتبر دیگری که خود این گروه نیز نقل کرده اند، از نظر عقل و نقل قابل خدشه است.

دلایل تاریخی ای چون بیعت خواستن یزید از امام و فرمان شدید او به حاکم مدینه (۳)، مکاتبات میان ابن زیاد با یزید، (۴) چوب زدن یزید بر دهان مبارک امام حسین علیه السلام و اشعار او در این هنگام، (۵) آویختن سرهای شهیدان بر دروازه های شام به مدت سه روز (۶)، همگی نشان دهنده نقش کلیدی یزید در شهادت امام حسین علیه السلام و عوام

- ۱- خورشید شهادت، مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی ابعاد زندگانی امام حسین علیه السلام، ص ۷۴.
- ۲- تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۵۲؛ اخبار الطوال، ج ۱، ص ۳۰۷؛ تاریخ اسلام، ج ۴، ص ۲۱؛ البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۱۹۶.
- ۳- ارشاد، شیخ مفید، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ق، ج ۲، صص ۶۷ - ۶۸.
- ۴- الفتوح، ابن اعثم کوفی، بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ق، ج ۵، ص ۱۸.
- ۵- تاریخ طبری، ص ۳۵۲؛ البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۱۱۲.
- ۶- البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۲۰۴.

فریبی های او پس از آن است. ضمن آن که احوالات کلی یزید و کارهای زشت او، مانند فاجعه حرّه واقم و هجوم به مکه، تردیدی در این مسأله باقی نمی گذارد.

تحریف مهم دیگری که از سوی ابن خلدون و در پوشش تحلیل تاریخی صورت گرفته و باید آن را تحریفی معنوی به شمار آورد، آن است که عدم موقعیت سنجی و حرکت شکست خورده را به امام نسبت می دهد و در واقع، روح و هدف قیام آن حضرت را به چالش می کشاند.

۷. تعصب های بی جا و جمود فکری

۷. تعصب های بی جا و جمود فکری

تعصب های بی جا و خشک مغزی، تباه گر اندیشه و فکر است و همین مسأله، از دلایل وقوع تحریف در حماسه حسینی است.

این موضوع، از چند بعد قابل تبیین است: از یک منظر، تعصب در نقل تاریخ، که چنان چه موافق یا خلاف موضوعی باشد، در همان مسیر حرکت کرده و به پردازش دروغ یا حذف قسمت هایی از تاریخ انجامیده است. مثال آن، برخورد تاریخ نگاران عثمانی و اموی با قیام امام حسین علیه السلام از سویی، و ساختن نقل قول ها و حکایات و روایاتی برای افزودن بر عظمت قیام عاشورا، به وسیله برخی تاریخ نویسان و مقتل نگاران از سوی دیگر است.

جزم اندیشی نیز قسم دیگری از آن است. برای مثال، تعصب بسیاری از مردم در خصوص فداشدن امام حسین علیه السلام برای شفاعت گناهان دوست داران آن حضرت و نهادینه شدن آن در میان مردم، به طوری که هیچ سخنی را در این موضوع نمی پذیرند و گوینده آن را سرزنش می کنند، از این دست تعصبات است.

قسم دیگر، تعصب به اجرای شیوه خاصی از عزاداری است که ممکن است برای برخی به صورت رسم و سنت درآمده باشد و هرچه دیگران با بیان و دلایلی آن را نکوهش می کنند، باز به دلیل همان تعصب و خشک مغزی حاضر به قبول آن نیستند و بر آن اصرار می ورزند، مانند مسأله قمه زنی.

۸. تمسک به روایات تسامح در ادله سنن

۸. تمسک به روایات تسامح در ادله سنن

در بسیاری موارد، وقتی به کسانی که اخبار و روایات مجعول و نادرست نقل می کنند اعتراض می شود، در پاسخ، به روایات تسامح در ادله سنن استناد و تمسک می کنند؛ یعنی این افراد، نوعی دلیل فقهی برای آن چه می گویند و می نویسند، می آورند. اما باید دید که واقعیت مطلب چیست؟

توضیح این که روایاتی داریم مبنی بر این که: «هر کس بشنود یا به او برسد که برای عملی ثوابی قرار داده اند و آن عمل را به امید رسیدن به آن ثواب به جای آورد، آن ثواب را به او خواهد داد، هر چند پیغمبر صلی الله علیه و آله آن را نفرموده باشد» (۱). براین اساس، سیره علما، بر نقل اخبار ضعیف و ضبط روایات غیر صحیح در ابواب فضایل، قصص و مصایب و در یک کلام مسامحه در این مقام است؛ چنان چه شیخ مفید در تمام ابواب مربوط به حالات ائمه، اخبار را با سند نقل می کند، به جز باب مقتل ابی عبدالله علیه السلام (۲). البته اگر نگوییم که این موضوع، کلمه حقی است که باطل از آن اراده شده، دست کم کلمه حقی است که از آن برداشت نادرست شده است. دلایل این مسأله نیز چنین است:

۱. اساساً این موضوع در جایی است که روایتی ضعیف در کتاب های قدما و کسانی که نزدیک به عصر ائمه بوده اند، وجود داشته باشد؛ نه آن که جدید الاحداث و ساخته امروزیان باشد.

-
- ۱- ثواب الاعمال، شیخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، ص ۱۶۰؛ اصول کافی، شیخ کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۸۷.
 - ۲- چشم اندازی به تحریفات عاشورا، لؤلؤ و مرجان، محدث نوری، تحقیق: مصطفی درایتی، قم، احمد مطهری، چ ۱، ۱۳۷۹، ص ۲۷۷.

۲. این مسأله، به حوزه ثواب و عقاب داشتن عملی بازمی‌گردد و چندان مشخص نیست که بتوان آن را، به حوزه های جدید دیگر چون نقل وقایع تاریخی سرایت داد. چرا که بررسی تاریخ روش خاص خود را دارد.

۳. روایت ضعیف، روایتی است که سلسله راویان یا بعضی از آن‌ها فاسق باشند، یا برای خبر، سلسله سندی وجود نداشته باشد، و یا یکی از راویان ذکر شده باشد. ولی در نقل روایت ضعیف هم، می‌باید نخستین نقل کننده خبر ثقة باشد، تا بتوان اخبار ضعیف او را در حوزه مستحبات و مکروهات، به دیده قبول نگریست. بنابراین، چنین نیست که از هر کسی، اگرچه دروغگو، از هر کتابی، اگرچه بی پایه، و از هر کجا، اگرچه بر دیوار مسجد، بتوان روایتی را نقل کرد. (۱)

۴. بحث در این جا، در خصوص اخبار ضعیف است و تعریف اخبار ضعیف هم مشخص است؛ ولی روایات تسامح در ادله سنن، به هیچ روی اخبار موهون را دربر نمی‌گیرد. اخبار موهون، اخباری است که موجب خدشه دار شدن ائمه یا مذهب می‌شود. بسیاری از روضه‌ها و نقل‌های مورد نظر ما، نه ضعیف، که موهون هستند و نقل اخبار موهون جایز نیست! (۲)

۵. در نقل روایات ضعیف نیز باید توجه داشت که آن‌ها با اصول استنباط اسلامی و روایات صحیح و کلیات دینی تعارض نداشته باشند.

۶. مشکل و مسأله امروز و دیروز ما، این است که بسیاری از مصیبت‌های مشهور در میان مداحان، روضه خوانان و مردم، در کتاب‌های سیره و اصحاب مناقب، حتی به نقل ضعیف هم نیامده و از مصیبت‌ها و نقل‌های ساختگی به شمار می‌آیند. (۳)

۱- چشم اندازی به تحریفات عاشورا، لؤلؤ و مرجان صص ۲۸۰ _ ۲۸۶.

۲- چشم اندازی به تحریفات عاشورا، لؤلؤ و مرجان، ص ۲۸۷.

۳- چشم اندازی به تحریفات عاشورا، لؤلؤ و مرجان تعلیق و زیر نویس محقق، صص ۲۷۸ _ ۲۷۹.

۹. جمود تاریخی و گویا نشدن تاریخ

۹. جمود تاریخی و گویا نشدن تاریخ

ابن خلدون می گوید:

یکی از اسباب دروغ، عجز از تطبیق اوضاع و احوال با رویدادهاست. (۱)

براین اساس، می توان یکی از عوامل تحریف واقعه را جمود در تاریخ و گویا نشدن آن به وسیله تحلیل گران شایسته و آگاه تاریخ دانست. عدم بازپروری داده های تاریخی، توسط آگاهان به آن در حوزه های گوناگون معارف، دو آفت عمده را در پی دارد: ایستایی، رکود و جمود در تاریخ که موجب عدم انتقال ذهنی و عینی از گذشته به حال و عدم بهره گیری مناسب از آن می شود که نتیجه این مسأله، پوسیدگی از درون و نیز عدم آزادگی است و دوم، بهره گیری و تفسیر نادرست تاریخ، به وسیله تحلیل گران بی مایه یا مغرض است که به انحراف آن می انجامد.

یکی از عوامل تحریف در فرهنگ عاشورا نیز، همین موضوع بوده و هست. بنابراین، همواره باید ژرف نگران، براساس آگاهی از زمان و همه جانبه نگری، با تکیه بر داده های صحیح و پالایش پیرایه ها و اطلاعات دقیق و عمیق، به بازپروری، بازسازی و استخراج مفاهیم نوین و استنتاج آموزه های جدید برای توان مند ساختن فرهنگ عاشورا و عزاداری دست زنند تا از گزند جمود و خمود رهایی یابد.

۱۰. سهل انگاری و تسامح منفی در به کارگیری روش ها

۱۰. سهل انگاری و تسامح منفی در به کارگیری روش ها

تفکری که امروزه وجود دارد و در گذشته با شدت بیش تری جریان داشته، این است که مسایل مربوط به عزاداری سیدالشهدا علیه السلام و روش های به کار گرفته شده در آن را، تافته ای جدا بافته از مجموعه مسایل دینی می داند. از این رو، انجام آن به هر گونه ای، درست است و ثواب دارد و احکام موضوعات عبادی بر آن حمل نمی شود بنابراین، ریا، دروغ و... چنان چه در راه ترویج و تقویت عزاداری ابی عبدالله

علیه السلام باشد، بی اشکال است. به طور قطع ما هیچ سند دینی که بر این مسأله دلالت داشته باشد، نداریم. به نظر می آید که بیش تر گذری روان شناختی از برخی روایات عزاداری بدین مسأله باشد که به واسطه برداشت اشتباه یا مغرضانه صورت گرفته است. برای مثال، در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

... هر کس در مرثیه حسین علیه السلام بیتی بخواند، پس بگرید _ و به گمانم فرمود _ یا خود را شبیه گریه کنندگان کند، پس بهشت برای اوست. (۱)

برداشت نادرست از این نوع روایات _ که کم هم نیست _ موجب شد تا آن را امری غیر عبادی و توصیلی (از نظر فقهی) بپندارند و هر نوع عزاداری و گریاندن و گریستن را جزء آن به شمار آورند. برخی دیگر نیز از همین نظر گاه، آن را خارج از دایره احکام دینی به شمار آوردند و در حوزه مسایل عشق قلمداد کردند؛ چنان چه یکی از عالمان دینی اصفهان نیز گفته بود: این کار، کار عشق است؛ ربطی به دین ندارد.

مرحوم سید عبدالحسین شوشتری، از منظری فقهی به کالبد شکافی مسأله عبادی بودن عزاداری پرداخته و طرح توصیلی بودن عزاداری را، شبیه ای برای گمراهی عوام دانسته است. وی دلایل تبعیدی بودن امر عزاداری را، اجماع بر شرط بودن نیت در صحت و درستی آن، اصالت تبعیدی بودن هر امر مأثور، استقرای تام در تبعیدی بودن اعمالی از این قبیل، مانند گریه از ترس خدا و شمرده شدن عاشورا در زمره ده عملی که همه آن ها تبعیدی هستند، برمی شمارد. وی سپس به پاسخ این شبهه که ممکن است هر دو امر توصیلی و تبعیدی در عزاداری جمع شده باشد، از این رو رعایت شرایط تبعیدی بودن آن لازم نیست، می پردازد و آن را مردود می داند؛ چرا که بر این اساس، تمام عبادت های باطل، مطلوب و مشروع می گردد. آن گاه می نویسد:

این توهم فاسد باعث شده برای توصل به حصول ابکاء و بکاء و ایجاد آن،

۱- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۴۸؛ کامل الزیارات، باب ۳۳، حدیث ۴، ص ۱۰۵.

به هر وسیله ای متوسل شوند ولو به منکرات و محرمات و بدعت ها و... و حال آن که عقوبت و مجازات معصیتی که در ضمن طاعتی انجام شود، مضاعف است؛ نه این که معفو باشد، چنان که امام علیه السلام می فرماید: «اطاعت خدا نمی شود از آن جهت که معصیت او می شود».^(۱)

آری به سبب همین تسامح نارواست که گاه برخی عزاداری ها، به مجمعی از گناهان و سخنان و رفتارهای نامطلوب تبدیل می شود و آن چه ناسزا است، سزاوار شمرده می شود. توجیه آنان نیز این است که «برای امام حسین باشد؛ ایرادی ندارد»؛ یعنی به طور دقیق نگرش «هدف، وسیله را توجیه می کند» نمود می یابد و به قول شهید مطهری، می گویند الغایات تیرز المبادی؛ نتیجه ها، مقدمات را تجویز می کند،^(۲) در حالی که اگر هدف مقدس و مشروع است، باید وسیله ها نیز مقدس و مشروع باشند؛ چرا که به طور حتم، اگر وسایل نامقدس و نامشروع باشند، در دراز مدت نتیجه معکوس خواهد داد و بیش تر به هدم آن هدف خواهد انجامید.

با کمال تأسف باید گفت که این انگاره، در ذهن، اندیشه و عمل برخی عالمان دینی و بسیاری از واعظان، روضه خوانان، مداحان و مردم وجود داشته و هنوز نیز وجود دارد. نمونه آن، واقعه سازی هایی است که دربارہ رقیه صورت می گیرد. در حالی که در وجود شخصیتی به نام رقیه تردید وجود دارد؛ برای وی از مدینه تا خرابه شام، تاریخ و مصیبت ساخته می شود. یا زبان حال هایی که به جز نارسایی و تحریف مفهومی، تحریف تاریخ و جعل آن نیز، به شمار می آید و به تدریج، به صورت واقعه و اصل تاریخی می آید؛ مانند آمدن حضرت زهرا بر بالین ابالفضل علیه السلام نیز در اجرای مداحی ها، روضه خوانی ها و دسته ها، هر نوع شیوه ای به کار برده می شود و آن گاه با

۱- چشم اندازی به تحریفات عاشورا، لؤلؤ و مرجان ص ۱۵، به نقل از اکسیر السعاده فی اسرار الشهاده، سید عبدالحسین شوشتری، صص ۱۷ - ۲۲.

۲- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۱۲.

نام حسین علیه السلام توجیه می شود.

۱۱. هراس نخبگان از عوام یا عوام زدگی آنان

۱۱. هراس نخبگان از عوام یا عوام زدگی آنان

از جمله عواملی که در گسترش و شیوع تحریفات و آسیب های عزاداری و رشد و نهادینه شدن آن ها نقش داشته، سکوت یا تأیید و حمایت نخبگان دینی از این گونه مسایل بوده است. نقش و وظیفه اندیشمندان، آگاهان، بزرگان و نخبگان جامعه، به ویژه نخبگان دینی آن است که فراتر از درک عامه مردم، واقعیت های سطحی و زیرین جامعه را بشناسند، عوامل رشد و انحطاط را دریابند و به موقع و با روش مناسب، از خود واکنش نشان دهند. اگر همین نخبگان، به هر جهت از انجام وظیفه خود بازمانند، کوتاهی کنند و یا دچار اشتباه شوند، سیر انحراف و انحطاط شتاب بیش تری می گیرد.

به نظر می رسد که در جریان تحریف فرهنگ عاشورا، این موضوع، یکی از عوامل تکمیل کننده و شتاب بخش باشد. دلیل آن نیز دو چیز می تواند باشد:

یکی هراس نخبگان از عوام که با مخالفت و مقاومت جدی آنان روبه رو گردند و توفیقی نیابند و خود نیز جایگاه اجتماعی شان را از دست بدهند، یا آن که اقدام در برابر آن را، بی فایده و پر ضرر دانسته اند و از این رو، به ورطه «محافظه کاری» در معنای غیر مثبت آن غلتیده اند.

دلیل دوم نیز همسویی کامل و همانند دیگر مردم اندیشیدن برخی از آن هاست که به عوام زدگی تعبیر می شود. عالم عوام زده، نه تنها مصلح نیست و نقش اصلاحی ایفا نمی کند، که در پی ساختن دستاویزی دینی و توجیه شرعی برای خرده فرهنگ های عوام نیز برمی آید که ممکن است از روی ساده اندیشی و یا غرض ورزی باشد.

پیرایش، پالایش و آرایش فرهنگ عمومی مردم، وظیفه نخبگان آگاه است. نقش نخبه و عالم دینی را، از جهت های گوناگون می توان به دیده بان، پزشک جراح یا چیزهای دیگر تشبیه کرد که در این موارد، فریاد کردن و عمل کردن، اگرچه با واکنش منفی نیز مواجه شود، وظیفه اوست.

گاه، عدم برخورد نامناسب با این پدیده های تحریف آمیز، به دلیل هراس از تضعیف و یا تخریب پایه ها و هنجارهای اعتقادی مردم است. البته این تحلیل، فاقد عنصر آینده نگری و دوربینی است؛ چرا که اگر این تحریف ها در آینده از پرده بیرون افتد _ که طور حتم چنین است _ خطرش برای مبانی اعتقادی، صدها برابر بیش تر است.

۱۲. تبدیل شدن عزاداری به عادت

۱۲. تبدیل شدن عزاداری به عادت

این مقوله، از آسیب های کلی مربوط به آداب دینی است. منظور از عادت نیز، آن چیزی است که بار اندیشه ای، برهانی و معنایی خود را به تدریج از دست داده و به هنجارهای تکراری تبدیل شده است.

یکی از دلایل مهمی که فرهنگ عزاداری به طور کامل نتوانسته نقش خود را ایفا کند و آموزه های اصلاحی و احیاگرانه قیام عاشورا را بازتاب دهد، همین موضوع است. بار عاطفی این حادثه قوی است. از این رو، ظرفیت عادت پذیری آن، به شدت افزایش می یابد. بسیاری از آسیب های فرهنگ عاشورا، از همین آبخور سرچشمه می گیرد. هنگامی که موضوعی به عادت تبدیل شد، دیگر برای انسان به جا آورنده آن، هدف فقط انجام آن است و با به جا آوردن آن، تخلیه روانی می شود. در چنین صورتی، انتظار معنا دار بودن این عمل و پویایی آن، انتظاری بی معناست؛ چرا که از هر تأمل عقلانی و حتی در حد افراط آن؛ هرگونه تأمل عرفانی نیز تهی است. دیگر خود این عمل اصالت خواهد داشت و نه چیزی دیگر. این چنین است که از لحاظ اجتماعی، می تواند اثر نامطلوبی نیز داشته باشد؛ یعنی نقش توجیه گر و تخدیرگرانه به خود بگیرد. گاهی توجیه گر کار زشت به جا آورندگان می شود، گاه، دغدغه های وجدان را کاهش می دهد و گاه نفس ملامت گر را به خاموشی وامی دارد.

۱۳. آمیخته شدن فرهنگ های قومی و سرزمینی با عزاداری

۱۳. آمیخته شدن فرهنگ های قومی و سرزمینی با عزاداری

عزاداری، سنتی اجتماعی و مردمی است. از این رو، هر ملتی و هر سرزمینی، از پیش

شکل خاص عزاداری خود را دارد و عزای امام حسین علیه السلام را، بر همان پایه تبیین و تعریف می کند. البته به تلقین ها و نمادسازی هایی نیز دست می یازد، ولی قالب اصلی و کلی، همان قالب عزاداری خویش است. بدین جهت، نه تنها شکل و ظاهر و ریشه عزاداری، به شیوه فرهنگی و قالب عزاداری سرزمین ها و ملت های مختلف وابسته است، که گاه، روحیات و خلیات یک قوم و ملت نیز، در شکل روایت و بازسازی و تفسیر حادثه نیز مؤثر است. از این رو، همان گونه که زبان ها و الفاظ از قومی به قوم دیگر، و از سرزمینی به سرزمین دیگر متفاوت است، شیوه های عزاداری و شدت و ضعف آن و چگونگی برداشت و تجسم نهضت عاشورا، می تواند براساس ویژگی های فرهنگی و اجتماعی آنان متفاوت باشد. بدین سان، فرهنگ عزاداری مردم عراق، پاکستان، اردن، بحرین، لبنان، ترکیه و نقاط دیگر جهان، هر یک به تناسب فرهنگ کلی مردمان آن، با یکدیگر متفاوت است. اگرچه این هم سازی میان گرامی داشت امام حسین علیه السلام و نهضت عاشورا، با فرهنگ عزاداری کلی یک ملت و سرزمین، طبیعی به نظر می رسد، باید نکته ای را در نظر داشت و آن، تلاش برای هماهنگ ساختن و قاعده مند کردن عزاداری سیدالشهدا براساس فرهنگ یک ملت با فلسفه و اهداف و روح قیام است.

این موضوع ضمن آن که از ورود تحریفات خواسته و ناخواسته جلوگیری می کند، به اعتلای فرهنگ عمومی جامعه نیز می انجامد. البته مسأله دیگر که بسی مهم تر و در مسیر انحراف مؤثر است، عاریه گرفتن فرهنگ عزاداری قومی توسط قوم دیگر و ملتی توسط ملت دیگر، آن هم نه نقاط قوت که نقاط ضعف و قالب های شکلی آن است. نمونه های بارز آن، ورود قمه زنی از ترکیه عثمانی و یا به روایتی از مسیحیت و زنجیرزنی از هندوستان به عزاداری های ایران و عراق است.

۱۴. ضعف دانش و بینش عمومی

۱۴. ضعف دانش و بینش عمومی

فقدان یا نقصان دانش و اندیشه در جامعه، زمینه ساز هر گونه انحراف و تحریفی است. در این زمینه، میزان و سطح سواد عمومی جامعه، عامل مهمی است. در این

میان تعداد باسوادان جامعه، سطح سواد اقشار و گروه های سنی تأثیرگذار چون جوانان، میانگین تحصیلات در جامعه، و نیز میانگین سواد نخبگان و سکان داران هدایت امور جامعه، اهمیت دارد. به یقین، در جامعه ای که بیش تر افراد آن، بی سواد یا کم سواد باشند، میزان و شدت شیوع تحریفات و خرافات بسیار بالاست. از سوی دیگر، اظهار مطالب درست و علمی و عمیق از سوی عالمان آگاه نیز به سبب نبود قدرت هضم و درک آن ها دشوار است.

مسأله دیگری که ارتباط محکمی با دانش عمومی پیدا می کند، بینش عمومی است که با سطح کیفی دانش و اطلاعات ارتباط دارد. هرچه سطح بینش و فرهنگ عمومی _ که یکی از ارکان آن دانش است _ بالاتر باشد، روحیه پرسشگری، نقادی و نقدپذیری و نیز درک و تحلیل موضوعات هم بالاتر خواهد بود که نتیجه آن، از بین رفتن امنیت روانی برای طرح کنندگان مطالب سست و بی پایه، و اعتلای جایگاه عالمان و واعظان آگاه و مصلح است.

فصل سوم: آثار و پی آمدهای تحریف

اشاره

فصل سوم: آثار و پی آمدهای تحریف

هرگونه تحریف و انحرافی، آگاهانه یا ناآگاهانه، ابتدا بر لایه های سطحی جامعه تأثیر می گذارد و سپس لایه های زیرین و عمقی آن را دست خوش تغییر و تحول می گرداند. این آثار گاه چنان رسوب می کند و نهادینه می شود که جزء فرهنگ های عمومی درمی آید و اصلاح آن، با واکنش منفی جامعه یا برخورداران از آن خرد فرهنگ مواجه می شود. در این فصل بر آنیم تا آثار زیان بار تحریف را بیان کنیم.

۱. خرافه زدگی و غلوآمیز شدن عزاداری

۱. خرافه زدگی و غلوآمیز شدن عزاداری

فرهنگ معین، خرافه را سخن بیهوده و حدیث باطل و نیز افسانه و اسطوره معنا کرده است. (۱)

دهخدا با تفصیلی بیش تر، در ذیل عناوین خرافه، خرافت و خرافات، به آن پرداخته و آن را کلام پریشان و بیهوده که قابل اعتماد نباشد (ناظم الاطباء)، گفته ها یا عقایدی بی بنیان و وهمی یا سخنان خوش پریشان دانسته است. (۲) در شعر برخی شاعران همانند ناصر خسرو، خاقانی، عطار و حافظ نیز ماده خرافات در همین معنا به کار رفته است؛

ناصر خسرو می گوید:

از او مشنو سخن های خرافات

۱- فرهنگ فارسی، محمد معین، تهران، امیرکبیر، چ ۹، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲- لغت نامه، علی اکبر دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۷۳ ش، ج ۶، ص ۸۶۴۲.

و یا:

پرهیز کن به جان ز خرافات ناکسان

هر چند با خسان کنی آن جا نشست و خاست (۱)

از این سخنان آشکار می شود که خرافه سه پایه دارد: بی بنیادی و بی پایگی؛ باطل بودن و خوش آمدن مخاطب از آن. در مبحث عزاداری، یکی از مهم ترین پی آمدهای تحریف و آسیب های وارد بر آن، خرافه آمیز شدنش است. این خرافات ممکن است مورد استقبال و خوش آمد عوام نیز قرار گیرد، ولی همانند موربانه ای، درون را می پوساند. در میان عوامل ایجاد آسیب ها و تحریف ها، توجه بیش از حد به وجه عاطفی قیام با آمیخته شدن عزاداری با فرهنگ های قومی و سرزمینی و میل به اسطوره پردازی، بیش ترین نقش را در خرافه زدگی فرهنگ عاشورا دارند. این خرافات، در ذات خود غلوآمیزند و چندین برابر آن چه هست، بزرگ نمایی می شوند تا کمیت و کیفیت برانگیخته شدن احساسات مخاطبان را بالا برد و نیز به این منظور پرداخته می شوند تا عظمت شخصیت ها فزونی یابد. نمونه های این خرافه سازی ها و غلونگری ها، فراوان در ادبیات روضه ای قدیم و جدید یافت می شود. داستان هایی مانند این که شب ها شیری به کربلا می آمد و سرانجام مشخص می شد که آن شیر، علی بن ابی طالب است، یا ۷۲ ساعت بودن روز عاشورا، ۸۰۰ هزار نفر بودن لشکر عمر سعد، تعداد کشته شدگان لشکر کوفه توسط امام حسین علیه السلام و عباس علیه السلام که ۱۸۰۰۰ و ۲۵۰۰۰ تن گفته شده است. هفت پستان بودن شمرین ذی الجوشن و... از این خرافه سازی هاست.

هم چنین تحریف شخصیت امام سجاد علیه السلام و غلو و اغراق در بیماری آن

۱- لغت نامه، علی اکبر دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۷۳ ش، ج ۶، ص ۸۶۴۲.

حضرت، به طوری که همیشه تصویری از یک انسان رنجور و بیمار در ذهن مجسم می شود و آن حضرت را «امام زین العابدین بیمار» بنامند، نمونه ای از این خرافات و غلوسازی ها است؛ در حالی که امام علیه السلام تنها در هنگام حادثه عاشورا دچار تب شدیدی بودند. جالب آن که برای نمایش بیش تر این رنجوری و بیماری، در تمام تعزیه ها، امام پیرمردی پنجاه تا شصت ساله و نحیف و بیمار است، حال آن که امام علیه السلام از علی اکبر علیه السلام هم جوان تر بوده است.

سطح دیگری از خرافات و اغراق ها را، می توان در بیان چگونگی شجاعت امام حسین علیه السلام از گناه کاران و خواب هایی که در این جهت نقل می شود، یافت.

۲. عقل ناپذیری

۲. عقل ناپذیری

عقل ناپذیری و غیرعقلانی و برهانی جلوه کردن آموزه های عاشورایی در ذهن مخاطب، به ویژه نسل جوان، از دیگر آثار تحریف و ورود آسیب ها به ساحت فرهنگ عاشورا است. شاید این مسأله در گذشته کم تر نمود داشت، ولی امروزه که گستره دانش و بینش فراتر رفته است، مهم تلقی می شود. اگرچه دنیوی کردن تمامی ابعاد عاشورا و تفسیر این جهانی و ایدئولوژیک از همه زوایای آن نامناسب است، طرح یک سره دور از عقل آن ها نیز خطرناک و مذموم است. هنگامی که عقل، نتواند این موضوعات، مفاهیم و نقل ها را بپذیرد و آن ها را تبیین کند، نادرستشان می انگارد و به رد آن ها می پردازد. نیز از آن جا که انسان خصلتی تعمیم گرا دارد، ممکن است این ابهام و عدم قبول را به تمامی حوزه ها و نقل ها بکشاند که نتیجه آن، بی توجهی به اصل واقعه و فرهنگ عاشورا و سست شمردن آن خواهد بود.

۳. الگوناپذیر شدن نهضت عاشورا و سیره امامان علیهم السلام

۳. الگوناپذیر شدن نهضت عاشورا و سیره امامان علیهم السلام

یکی از خطرناک ترین پی آمدهای تحریف در لفظ و معنای فرهنگ عاشورا، آن است که به نفی عملی الگوی گیری از فرهنگ عاشورا و سیره امامان می انجامد. این موضوع، از دو سو می تواند انجام پذیرد:

۱. ارائه مطالب عقل ناپذیر، چه در حوزه روایت واقعه و چه در ساحت درایت

حادثه، اعتماد مخاطب را به گفتارهایی که در خصوص نهضت عاشورا و سیره امامان است، کاهش می دهد و نیز آن را در ذهن مخاطب از اعتبار می اندازد.

۲. قدسی کردن قیام و ستردن جنبه های بشری نهضت سیدالشهدا علیه السلام که این موضوع، رفتار حسینی را از دسترس انسان دور می دارد و از ابعاد جامعه شناختی و پند گیرانه نهضت، غافلانه می گذرد. از این رو، امام حسین علیه السلام شخصیتی می شود که نمی توان به او نزدیک شد و از رفتارش الگو گرفت و همان راهی که او رفت برگزید؛ چرا که سرشت او، جدا از سرشت بشر است.

۴. مخدوش و تک بعدی شدن فلسفه قیام و عزاداری

۴. مخدوش و تک بعدی شدن فلسفه قیام و عزاداری

اصلی ترین اثر آسیب فرهنگ عاشورا، انحراف از فرهنگ اصیل عاشورایی، براساس فلسفه بافی های مخدوش و یا تک ساحتی است که این، برخلاف روح حاکم بر عاشورا و شخصیت جامع امام علیه السلام است. این تحلیل ها عبارت اند از:

الف) تحلیلی که تنها با نگاه الهی محض به نهضت می نگرد و هیچ نوع نگاه بشری را بدان بر نمی تابد، تنها باید به بررسی تاریخی و بعد تاریخی آن بسنده کرد و نتواند هیچ آموزه ای را از آن، برای انسان امروز و دنیای امروز استخراج کند.

ب) تحلیلی که حرکت امام را، یک مبارزه به طور کامل حسابگرانه صرف برای دست یابی به حکومت می شمارد؛ یعنی به شدت آن را دنیوی می کند و ابعاد الهی و ماورایی آن را نادیده می انگارد، و در واقع، عاشورا را از روح حاکم بر آن جدا ساخته و نهضت عاشورا و شخصیت امام را در حد شخصیت های بشری صرف فرو کاسته و توان الگو گیری از آن را کاهش داده است؛ چرا که آن حسین علیه السلام برای انسان شیعی و مسلمان عزادار الگوست، که شخصیت الهی و قدسی دارد و منصوب خداوند است و گرنه، این حادثه برای او، چنان برتری ای بر دیگر حادثه های حماسی تاریخ اسلام ندارد.

ج) تحلیلی که امام علیه السلام را فدایی امت گناهکار و شفاعت کننده عزاداران می داند، در تضاد اساسی با هدف اعلام شده امام حسین علیه السلام و نهضت عاشورا است؛ چرا که

هدف آن حضرت، از بین بردن زمینه ها و جلوه های گناه، ظلم، بی عدالتی، بی دینی و فساد بوده است، در حالی که این تحلیل، بستر ساز و ایجاد کننده حاشیه امن روانی و اجتماعی برای بروز این هاست.

(د) نگرشی که عاشورا را یک سره عرفانی می بیند و تفسیر می کند، این نگرش در جای خود ارزشمند است، ولی در عمل، به نفی الگوگیری می انجامد؛ چرا که انسان ها توان آن گونه عارفانه بودن را در خود نمی بینند.

(ه) تصویر نگرش عاطفی محض نیز که تنها یک صحنه عاشورا یعنی صحنه شقاوت دشمنان و مظلومیت حسینیان را بازتاب می دهد، تصویری کاملاً مخدوش و ناقص است. این نگرش، امام علیه السلام را در نهایت مظلومیت و غربت و انسان شریفی که به وسیله بدان به ذلت کشیده شده، معرفی می کند. این امام علیه السلام، در آخرین لحظات، خواهش قطره آبی دارد و برای آن، به دشمنان التماس می کند، در حالی که اساساً نهضت امام، نفی ذلت پذیری و طرح عزت مداری و عزیزانه جان سپردن در راه خداست.

(و) نیز آن برداشتی که در واقع دنباله تفسیر قبلی است و گرمی داشت امام را تسکین اندوه زهرا علیها السلام، مادر امام حسین علیه السلام می داند که دل آن حضرت را شاد کند، در واقع، تمامی هیمنه و ابهت قیام را، می شکند و از حیز انتفاع ساقط می کند.

۵. فرعی شدن مسایل اصلی و اصلی شدن مسایل فرعی

۵. فرعی شدن مسایل اصلی و اصلی شدن مسایل فرعی

از جمله آثار و آسیب هایی که در اثر تحریف در متن عزاداری روی می دهد و محصول عدم درک درست و صحیح از فلسفه عزاداری است این است که در جایگاه ارزش ها و ضد ارزش ها یا دست کم جایگاه مسایل اصلی و فرعی، نوعی دگرگونی و جابه جایی اتفاق می افتد. گاه، دروغ که از رذایل اخلاقی است، در عزاداری بی اشکال و حتی پسندیده شمرده می شود. نیز در مصیبت امام حسین علیه السلام، ریا که ضایع کننده همه اعمال عبادی است، بی هیچ پایه و اساسی، تخصیص می خورد و استثنا می شود. دقت در نقل اقوال و روایات که ارزشی والاست، سست گرفته می شود. از سوی

دیگر، به جهت گم کردن هدف یا نادیده گرفتن آن، اشک ریختن و عزاداری کردن، به جای آن که «وسیله ای» انگاشته شود، اصالت می یابد و محور قرار می گیرد. آن گاه به قول عامیانه «گرفتن مجلس»، «کربلا- شدن» مجلس و افزودن بر سروصدای آن، هدف می شود یا در نهایت استجابات عزاداران، اصل می گردد و در حقیقت، این جا نیز عزاداری به وسیله ای تسلا بخش فرو کاسته می شود. این تغییر و جابه جایی در هدف ها، ارزش ها و اولویت ها، تا بدان جاست که برخی همه دین خود را می فروشند تا عزاداری برپا دارند.

برخوردها، تنش ها و نزاع های نابخردانه و بی جهتی که امروزه گاه، و در قدیم، بیش تر میان دسته جات و هیأت های عزادار صورت می گیرد، از همین جنس مسایل است.

در این هنگام، یادگیری احکام، عمل کردن به دستورهای دین، دریافت و فهم معارف دینی، اسلامی و شیعی، به مسأله ای حاشیه ای و فرعی تبدیل می شود و نفس برگزاری مجلس و آبرومند بر گزار کردن آن، اصل تلقی می شود. در این حالت، مجالس عزاداری از صورت آگاهی بخش، به یک عادت سنتی ایستا تغییر شکل می یابد.

۶. دور شدن اهل دانش از مجالس عزاداری

۶. دور شدن اهل دانش از مجالس عزاداری

از جمله پی آمدهای تحریف، دور شدن جوانان و انسان های جوای دانش و معرفت از مجالس عزاداری است که می باید خطری عمده فرا راه آن به شمار آید. جوان حوزوی یا دانشگاهی که خود را اهل دانش و بینش می شمارد، وقتی که برتری شکل بر محتوی، حرف بر معرفت و تظاهر به جای تعمق را در مجالس عزاداری ببیند، انگیزه شرکت در این مجالس را از دست می دهد و در او ضد انگیزه به وجود می آید. از سوی دیگر، به موازات شکل و شیوه عزاداری، هنگامی که محتوای سخنرانی ها و بیان سخنرانان چندان قوام یافته و در راستای پاسخ به پرسش های ذهنی و عینی جوان نباشد، یا آن که بُعد احساسی و تبلیغی آن، بر ابعاد معرفت شناختی اش فزونی

چشم گیر داشته باشد، دیگر او اعتماد، اطمینان و انگیزه های کافی و لازم را برای حضور در این مراسم نخواهد داشت.

۷. رواج تشریفات و تهی شدن عزاداری ها از محتوای مطلوب

۷. رواج تشریفات و تهی شدن عزاداری ها از محتوای مطلوب

رواج تشریفات و ورود عناصر غیر سازنده و تخریب کننده به حوزه عزاداری ها و فرهنگ عاشورا، نتیجه طبیعی عوامل تحریف و آسیب است. برخورد عاطفی صرف، نا آشنایی مردم با فرهنگ صحیح و فلسفه درست قیام، میل به اسطوره سازی، عادت مند شدن عزاداری، آمیخته شدن آن با فرهنگ های قومی و سرزمینی و...، بارهای زایدی را بر دوش آن گذاشته که گاه از اصل مسأله بیش تر است. نمونه هایی از این موضوع را در قدیم بدون آن که در صدد قضاوت و ارزش گذاری باشیم، می توان طبل ها، شیپورها، سنج ها، زنجیرها، علمات ها، و مانند این ها دانست. شاید اگر برخی از این ابزار به صورت محدود به کار گرفته می شد، مفید نیز بود، ولی به نظر می رسد، به کارگیری بی رویه آن ها، تا حدودی عزاداری را مخدوش کرده است. آیا حضور سی _ چهل طبل و طبل زن در یک مراسم عزاداری که تعداد آن ها با تعداد عزادارن برابر یا بیش تر باشد، گرامی داشت عاشورا است؟ آیا بیرون آوردن علماتها که هیچ مبنای درستی ندارد و سپس اختلاف و درگیری بین هیأت ها و میان افراد که چه کسی آن را حمل کند، گرامی داشت یاد امام حسین علیه السلام به شمار می آید؟

اسلام، دینی ساده و بی آلایش است و این یکی از رمزهای موفقیت و فراگیری آن در جهان محسوب می شود. از آن جا که عاشورا نیز در درون اسلام تفسیر می شود، در جای جای آن، بی آلایشی و بی پیرایگی نمایان است. بنابراین، باید فرهنگ عزاداری و گرامی داشت آن نیز همین ویژگی ها را داشته باشد تا بتواند آن را به درستی بازتاب دهد؛ و گرنه انعکاس آن واژگونه خواهد بود. اگر بخواهیم به زبان امروزین جامعه سخن بگوییم، اصولاً نهضت حسینی، یک نهضت نرم افزاری است؛ اگرچه جلوه بیرونی آن جنگ و شهادت است. بنابراین، هر آن چه روح لطیف این حماسه را بیازارد؛ از آن دور است و هر مقدار که به وسایل سخت افزاری چون

زنجیر، طبل و... و تشریفات زاید آن افزوده شود، از معنویت، تأثیرگذاری و حتی حزن و تسکین بخشی آن کاسته می شود. یکی از نمونه های تشریفات، مجالس روضه زنانه است که با مخارج سنگین و با هزینه های گزاف تشکیل می شود، که در واقع، روضه خوانی و عزاداری بهانه ای برای تشکیل جلسات زنانه است.

۸. سوء استفاده دشمنان، خواص و حکومت ها

۸. سوء استفاده دشمنان، خواص و حکومت ها

یکی از پی آمدهای بسیار زیان بار تحریف در مقوله عزاداری، بالا رفتن ظرفیت سوء استفاده دشمنان از این گونه مراسم است. دشمن، براساس طبع دشمنی خود، به دنبال فرصتی است که به مقاصد خود جامه عمل بپوشاند و به مقصودش نایل آید. از این رو، در صدد است تا از تمامی ضعف های بالقوه و بالفعل که می تواند از آن ها بهره گیرد، سود برد.

بدین منظور، برای رسیدن به اهداف خود، از دو راه عمل می کند: نخست آن که خود را مدافع این گونه روش های عزاداری معرفی کرده و به این روش ها دامن می زند؛ اگر این عزاداری ها فلسفه واقعی خود را باز یابند، به شدت احساس خطر می کند.

راه دوم آن است که با بزرگ نمایی و چند برابر جلوه دادن جنبه های موهون این مراسم، ریاکارانه آن را نمادی از عقب بودن سطح فرهنگ شرقی و عدم پیشرفت مسلمانان و شیعیان معرفی کند.

برخی نخبگان مذهبی و سیاسی برای تأمین منافع مادی و معنوی خود از ضعف دانش و آگاهی مردم و هم چنین از بار عاطفی حادثه عاشورا سوء استفاده می کنند و آن را دست مایه رسیدن به منافعشان قرار می دهند. طبیعی است که در این حالت، از هر نوع نغمه آگاهی بخش و فعال در این عرصه بر آشوبند و با ابزار مختلفی چون متهم ساختن به مخالفت با مقدسات، فتنه آفرینی و...، آن را خاموش سازند. این نخبگان با آن که می دانند این نوع آسیب ها و تحریف ها، هیچ تناسبی با هدف قیام ندارد و جز بر جهالت مردم نمی افزاید، ولی بدان سبب که ترویج آن در کوتاه مدت یا

دراز مدت، موقعیت، اعتبار و منافع مادی و سیاسی آنان را تأمین می کند، در مقابل این تحریف ها سکوت می کنند یا بدان دامن می زنند. حکومت ها نیز با همین ایده، یکی از ترویج دهندگان این نوع تحریف اند؛ به این سبب که این نوع عزاداری، خطری را متوجه آنان نمی سازد. رویکرد حکومت پهلوی دوم (محمد رضا شاه) نمونه ای از این نوع برخورد بود.

۹. گسترش ریا کاری

۹. گسترش ریا کاری

یکی از آفت های عزاداری حادثه عاشورا، ورود ریا و تظاهر به درون بزرگداشت های عاشورا است که از درون پایه های آن را منهدم می سازد. این مسأله به جهت برداشت ها و تفسیرهای اشتباه، عوامل تحریف ساز است. این موضوع موجب می شود اخلاص، که گوهر ارزنده تمامی عبادت ها است، از این گونه مجالس رخت بر بندد و به جای آن، ریا، دغل، پیرایه ها و ناخالصی ها بنشیند؛ هرچند برخی از عالمان این عمل را موجه شمرده اند. مرحوم محدث نوری در این باره چنین می گوید:

مسموع شد که بعضی از این طایفه (روضه خوانان) به جهت رواج بازار خود، شرط اخلاص را در این عبادت برداشته و ریا را در آن جایز دانسته، بلکه آن را از فضایل مخصوص حضرت سیدالشهدا علیه السلام شمرده اند؛ چه ریا در هر طاعت و عبادتی، مورث خرابی اوست، جز در این طاعت که محض قرب آن حضرت در درگاه احدیت، از این شرط گذشته و این اطاعت مخصوصه را با ریا قبول کردند.^(۱)

در واقع بدین وسیله، ریا در عزاداری، به «ریای مقدس» تبدیل شده است. بدیهی است که این پندار، موهوم و اشتباه بوده و هیچ اصل و ریشه ای در متون روایی و سیره امامان و بزرگان تشیع ندارد. به نظر می رسد که اجازه وارد شده در برخی روایات در خصوص تباکی (خود را در هیأت گریه کنندگان در آوردن) منشا چنین

۱- چشم اندازی به تحریفات عاشورا لؤلؤ و مرجان، ص ۷۰.

توهمی بوده باشد، در حالی که تباکی هیچ دلالتی بر موضوع مورد ادعا ندارد.

تباکی، برای کسی است که انکسار قلبی ندارد، ولی دوست دار و علاقه مند به داشتن این حالت و اظهار اندوه است که در این نیت نیز خالص است؛ بنابراین به او توصیه تباکی می شود. نیز در روایات، همانند این مسأله درباره حالت حلم گرفتن برای کسی که حلیم نیست (۱) یا تباکی از ترس خدا (۲) آمده است.

منشا دیگر ریا در عزاداری که همان ریای معمول و موسوم است، جلوه گر ساختن قدرت، ثروت، موقعیت، شهرت و اهمیت خود یا هیأت خود و آن چه وابسته به خود است، می باشد.

ریاکاری، از صورت عزاداری امام حسین علیه السلام، ابزاری برای خواست های نفسانی و خودنمایی می سازد و در خوش بینانه ترین حالت، به سمت تئوری «هدف، وسیله را توجیه می کند» می کشاند که ناهم خوانی این نیز با اهداف و آرمان های نهضت حسینی، روشن است. تلاش برای اینکه خود را بیش از دیگران بی تاب نشان دادن در قالب های گریستن، فریاد زدن، سخت تر سینه و زنجیر زدن، کارهای طاقت فرسا را به انجام رساندن؛ و هم چنین مجلس برپا کردن، سخن راندن، شعر سرودن و مداحی کردن و... برای جلب توجه و محبت دیگران از نمودهای ریا در عزاداری است.

۱۰. گسترش دروغ، جعل و غیر علمی ارزیابی شدن تاریخ قیام

۱۰. گسترش دروغ، جعل و غیر علمی ارزیابی شدن تاریخ قیام

بنیان فرهنگ عاشورایی امام حسین علیه السلام، بر صداقت، راستی و درستی استوار است و دروغ و جعل، دقیقا در مقابل این فرهنگ قرار دارد. در روایات دینی، دروغ از اساسی ترین گناهان (۳) و مفسد شمرده است و آیات زیادی از قرآن در مذمت آن وارد

۱- غررالحکم، آمدی، شرح و ترجمه: خوانساری، تحقیق، محدث ارموی، ج ۳، ص ۱۱.

۲- مکارم الاخلاق، طبرسی، تحقیق، علاء آل جعفر، قم، جامعه مدرسین، ج ۱، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۳۶۷.

۳- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، قم، شریف رضی، چ دوم، ۱۳۶۸ ه. ق، ص ۲۴۴.

شده است. (۱)

از سوی دیگر، در آیات بسیار (۲) و روایات فراوانی، (۳) دروغ بستن، دروغ ساختن و دروغ نسبت دادن به خدا، پیغمبر و مؤمنان، تقبیح و به شدت از آن نهی شده است.

عوامل و انگیزه های چندی می تواند در ورود دروغ و جعل به ساحت عزاداری مؤثر باشد: برداشت ناروا از احادیث تسامح در ادله سنن، سهل انگاری و بی توجهی در نقل تاریخ و روایات، تعمد در ساختن دروغ برای کسب منافع و در نهایت، مصلحت دانستن آن به دلیل پرشکوه کردن و رونق دادن مجالس و تحت تأثیر قرار دادن بیش تر مخاطبان. واپسین عامل، یعنی دروغ به خاطر مصلحت، سابقه ای دیرین دارد که از نیتی پاک، ولی روشی به شدت ناپاک و خطرناک بهره می برد.

چنان چه شهید ثانی، این نوع جعل را به ابی عصمت نوح بن مریم مروزی _ که روایاتی در فضیلت سوره ها از عکرمه از ابن عباس بیان می کرد _ و نیز برخی روایاتی که در همین زمینه به ابی بن کعب نسبت داده شده، مستند و علت این جعل ها را از زبان آنان، رغبت مردم به قرآن عنوان می کند. (۴) در واقع در این گونه دروغ ها و جعل ها، نیت و هدف، اصلاح گرانه، ولی روششان به طور کامل افسادگر است.

هم چنین به این دلیل که این جعل ها، به وسیله کسانی صورت می گیرد که شخصیت و وجهه دینی و اجتماعی دارند و آن طور که شهید ثانی می گوید مردم آن ها

۱- ر. ک: نحل، ۵ _ ۱؛ غافر، ۲۴؛ حجرات، ۶؛ آل عمران، ۶۱؛ زمر، ۳؛ بقره، ۷۹.

۲- بقره، آیه ۷۹؛ آل عمران، ۹۴ و آیات فراوان دیگر.

۳- اصول کافی، ج ۲، صص ۳۳۹ و ۳۴۰.

۴- الرعایه فی علم الدرایه، شهید ثانی، تحقیق: محمد علی بقال، قم، کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی، چ ۲، ۱۴۱۳، ه. ق، صص ۱۵۴ _ ۱۵۸.

را به خیر و صلاح می شناسند. (۱) و دروغ هایشان را قبول می کنند، ضرر و خطرشان بیش تر است. این در حالی است که «ظاهر کلمات فقها _ رضوان الله تعالی علیهم _ حرمت کذب بر خدا و رسول است مطلقاً، هر چند در آن نفع و صلاح عمومی باشد و وضع حدیث را برای هیچ مطلبی جایز ندانستند». (۲) ضمن آن که اگر هم مصلحتی «لحظه ای» در آن باشد، در درازمدت، مفسده دایمی خواهد داشت و به تخریب و تضعیف اساس شریعت و مذهب می انجامد.

وجه دیگری از جلوه های دروغ در عزاداری، خواب های فراوانی است که از زبان ساده ترین افراد تا عالی ترین مقامات مذهبی نقل می گردد و معمولاً به افراد مجهول الهویه یا عالمی دینی پس از فوت او نسبت داده می شود. البته این چنین نیست که همه خواب ها چنین وضعیتی داشته باشد، ولی تعداد چشم گیری از آنان چنین است.

البته در خصوص زبان حال، بحث اندکی متفاوت است. زبان حال، گفتار و یا گفت و گوی یک، دو یا چند نفر است بی آن که در تاریخ ثبت شده باشد و در واقع، نوعی صنعت شعری است که در آن، تشبیه، استعاره، اغراق، مبالغه و... به کار برده می شود. بر این اساس، اصل زبان حال را نمی توان دروغ پنداشت؛ چرا که بر اساس شواهد، قراین و واقعیت های تاریخی به بیان صفات و شرح لحظات می پردازد و در این راه، از صنایع ادبی نیز بهره می گیرد. ولی آن چه آن را در زمره دروغ قرار می دهد و به ورطه بطلان می کشاند، آن است که این «زبان حالی» که باید بیان کننده حالات شخصیت ها و لحظات باشد، بیش تر بیان کننده نظرات سراینده آن است. در حقیقت این زبان حال های ناموجه، از دو حال خارج نیست: یا آن که براساس متن

۱- الرعایه فی علم الدرایه، شهید ثانی، تحقیق: محمد علی بقال، قم، کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی، چ ۲، ۱۴۱۳، ه. ق، ص ۱۵۴.

۲- چشم اندازی به تحریفات عاشورا لؤلؤ مرجان، ص ۱۸۵.

مخدوش و روایت دروغی افشا می گردد؛ مانند زبان حال حضرت قاسم، هنگام عروسی در کربلا، یا آن که بر اثر غلبه تفسیرهای نادرست بر ذهن پردازندگان، تصویری مخدوش و غیرقابل قبول و موهن ارائه داده می شود. عباراتی هم چون شاه ذلیل، زینب بیچاره و... در بسیاری از زبان حال ها بیانگر چنین موضوعی است. نوع دیگری از دروغ را، باید حذف یا اضافه قسمت هایی از واقعه به وسیله گویندگان آن دانست که از متن حادثه ای چیزی کاسته یا بر آن می افزایند که می توان آن را نوعی تدلیس و فریب نیز برشمارد.

۱۱. از میان رفتن خلوص مجالس حسینی و حرفه ای شدن عزاداری ها

۱۱. از میان رفتن خلوص مجالس حسینی و حرفه ای شدن عزاداری ها

آفت بزرگی که بر اثر شیوع مسایلی هم چون دروغ ها، تدلیس ها و تحریف ها صورت می پذیرد، زدوده شدن اخلاص و جای گزین شدن ریا و کاسب کاری و به تعبیر دیگر، حرفه ای گری در مجالس سیدالشهدا علیه السلام است. همان طور که گفته شد، عزاداری، عملی عبادی است و شرایط صحت آن، همان شرایط درستی اعمال عبادی است. از این رو، اخلاص در آن لازم است. آن چه گاه مشاهده می شود، این است که جریان عزاداری ها به سویی می رود که به تدریج اخلاص از آن سترده شود و منافع و مصالح غیر موجه و نامعقول دنیوی، به جای آن می نشیند که ما از آن به «حرفه ای شدن» تعبیر می کنیم. این تعبیر، به این معناست که عزاداری، سخن رانی، مداحی و... از حالت یک عمل عادی درآید و به شغل یا حرفه تبدیل شود. آن وقت با پدیده هایی به نام منبری حرفه ای، مداح حرفه ای، سینه زن حرفه ای، گریه کن حرفه ای و... مواجهیم.

منبری، روضه خوان و مداحی که تنها محل درآمدش همین کار است، باید این کارها را فقط برای همین منظور انجام دهد. سینه زن یا گریه کسی که حضور او در مجلس موضوعیت می یابد و به اصطلاح پا منبری های ثابتی هستند که وظیفه شان، گرم کردن مجلس است، بیش تر کارهایشان مصنوعی است و چنان چه مصنوعی هم نباشد، پیرایه ها و عملی زاید در درون فرهنگ عاشورا به شمار می آید. این گونه است که

برخی روضه خوانان و مداحان برای گریاندن و در آوردن اشک حاضران مجلس به انواع و اقسام روش های ناموجه و تحریک آمیز متوسل می شوند تا در اصطلاح به مجلس شور دهند، و غوغا به پا سازند و کربلا برپا کنند؛ حتی اگر به قول محدث نوری رحمه الله این شیوه ها، سنگ بر سر حاضران زدن باشد (۱) که امروزه شاید به گونه دیگری اجرا شود.

نمونه دیگری از زدوده شدن خلوص و صفای این مجالس، رواج تشریفات در اجرای مداحی ها و سینه زدن های نامأنوس، که گاه به شکل هروله کردن و گاه به صورت «کانگرویی» انجام می شود. هم چنین کاربرد وسایل اضافی رسم های نابایسته را باید مطرح کرده و در یک کلام می توان از آن به مدگرایی و گاه مدپرستی در فرهنگ عاشورا تعبیر نمود.

نکته دیگر در این راستا که بسی پر اهمیت تلقی می شود، شیوه اجرت دادن به منبری ها، روضه خوانان و مداحان است که تأثیری جدی در بی روح شدن مجالس حسینی و بی محتوا شدن آن ها دارد. بحث در این نیست که اینان وجهی نگیرند یا مردم هدیه ای به آن ها ندهند، بلکه مسأله این است که نباید ذاکری سیدالشهدا تبدیل به شغل گردد؛ یعنی حالتی تجارت گونه و کاسب کارانه به خود گیرد که فرد ذاکر، مداح و واعظ برای آن منظور قدم بردارد و تمامی هم و غم گوینده یا مداح، دسترسی به منافع مادی بوده و سخن گفتن و یا مدح خواندن او، نرخ و قیمت مشخصی داشته باشد. به گونه ای که اگر به او کم تر از آن دهند، بر آشوبد و دیگر به آن مجلس پانگذارد و یا پیش از اجرای برنامه، خواهان وصل چک بانکی مورد نظرش گردد یا برای اجرای ده شب مراسم، مبلغی میلیونی بگیرد. لازم به ذکر است که درصدد تخریب شخص، اشخاص یا گروهی خاص نیستیم، بلکه می خواهیم فضای حاکم را

نقد کنیم. در احادیث و روایات گوناگون، مال اندوزی به واسطه نقل حدیث،^(۱) به دست آوردن مال به وسیله معارف اهل بیت علیهم السلام^(۲) و اجرت گرفتن در عبادت^(۳) به شدت نکوهش شده و هلاکت، فقر و بی نصیبی از ثواب، نتیجه آن دانسته شده است.

حال اگر این روایات را با سیره و روش برخی منبری ها و مداحان، که برنامه خود را براساس میزان دریافت حق الزحمه تنظیم می کنند بسنجیم، آن گاه در عمل بحران اخلاص احساس می شود. به ویژه امروزه که مخارج زندگی ها بالاست و از سوی دیگر، بر تعداد مداحان و روضه خوانان افزوده شده، رقابت جدی و تنگاتنگ است و هر کسی برای رسیدن به مقصود، درصدد به کارگیری روش های «بازار داغ کن تر»، روضه های جدیدتر و زبان حال های سوزناک تر است و خود این مسأله، به تحریف های تازه ای در نهضت ابی عبدالله علیه السلام می انجامد. چنان چه به تعبیر آن عالم به ناچار باید مقداری «زهرماری» در آن افزود.^(۴) به هر حال، از میان رفتن اخلاص در عزاداری، موجب بی اثر شدن همه شاخصه های الهی و انسانی نهضت عاشورا می شود و جز سنتی دیرپای و تکرار شونده و بی روح، چیزی از آن باقی نمی گذارد.

۱۲. کاسته شدن عزاداری ها از محتوای مطلوب و برتری شکل بر محتوا

۱۲. کاسته شدن عزاداری ها از محتوای مطلوب و برتری شکل بر محتوا

یکی از اثرها و نیز جلوه های باطنی آسیب در درون فرهنگ عاشورا، برتری شکل بر محتوا، لفظ بر معنا، روش ها بر اهداف و مبادی بر غایات است. البته این آسیب، از آسیب های جدی فراروی تمام باورهای دینی است که عزاداری هم جزئی از این باورهاست. در واقع اساس مشکل، در تفکر قشری، سطحی اندیشی و ظاهر پرستی

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۸.

۳- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، تحقیق، سید حسن موسوی خراسان، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، ص ۲۸۳.

۴- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۶۵.

است. ظاهر گرایان، هم در میان اهل سنت و هم شیعیان، سابقه ای طولانی دارند؛ کسانی که به ظواهر آیات و روایات بسنده کرده، کاوش عقلانی را چندان بر نمی تابند و با پرسشگری در مفاهیم دینی، رابطه حسنه ای ندارند. فرقه ظاهریه و نص گرایان افراطی در اهل سنت و اخباریان در شیعه را می توان از اینان قلمداد کرد. با توجه به دیرپا بودن این مسأله، در ادبیات فقهی، کلامی و سیاسی ما فرهنگ عامه، تأثیر به سزایی داشته است. با توجه به این ویژگی محافظه کارانه نهادهای سنتی، این موضوع تا امروزه، اگر نه به صورت رسمی، ولی به طور جدی در لایه های ذهنی بیش تر مردم و پاره ای از خواص به شکل های گوناگون جریان داشته است. از این روست که برپایی مناسک و شعایر و ظواهر _ که پاس داشت و تعلیم آن ها در جای خود لازم است _ اصالت می یابد و اهداف و فلسفه عبادت و به ویژه موضوع مورد بحث ما _ عزاداری _ فرعی انگاشته می شود. وقتی این گونه شد و وسیله به جای هدف نشست و جایگاه آن را گرفت، تمام ذهن مردم متوجه چگونگی برگزاری شعایر _ که شیوه ما است _ و نه چرایی برگزاری آن ها _ که به اهداف نظر دارد _ می گردد و بدین ترتیب، شکل گرایی بر معناگرایی برتری می یابد. این چیرگی موجب تهی، بی مغز و نخ نما شدن این گونه مراسم می شود و در سطح شور در جا می زند و کم تر به سطح شعور می رسد و سپس، به انواع خرافات و تحریف آلوده می گردد. اگر به برخی یا بسیاری از جریان های عزاداری بنگریم، آشکارا این آسیب ها را مشاهده می کنیم. امروزه گاه تدارک و سایل عزاداری، هم چون دستگاه صوتی خوب، پارچه، علمات، مداح مجلس گرم کن و محل برگزاری عزاداری و مانند این ها، از اهداف آن که پروراندن معرفت انسان هاست، اهمیتی بیش تر می یابد.

۱۳. خلع سلاح فرهنگی در مقابل طعنه های منکران و دشمنان

۱۳. خلع سلاح فرهنگی در مقابل طعنه های منکران و دشمنان

از پی آمدهای تحریف در زوایای فرهنگ عاشورا و عدم تلاش کافی برای زدودن آن ها، این است که ما را در مقابل طعنه ها، تهمت ها، شبهه ها و پرسش های منکران، دشمنان و مخالفان، بی سلاح، و گاه منفعل می سازد. امروزه که ما در پی آنیم که چهره

تشیع و اسلام را از شبهه ها و غبارها بزداایم، در زمانه ای که ارتباط وسیع و فن آوری پیچیده و گسترده اطلاعات، همه چیز را به جهان مخابره می کند، به یقین دست زدن به اعمال، گفتار و رفتارهایی که تشیع را با پرسش مواجه می سازد، خیانت به شمار می آید. آن هم رفتارهایی که هیچ سند شرعی و دینی ندارد، و می توان براساس احکام اولیه یا ثانویه ادله ای بر نفی مشروعیت این گونه اعمال اقامه نمود. آیا ساختن تصویری منحط، به دور از فرهنگ و بی توجه به قواعد عمومی بشری از اسلام، تشیع و شیعیان، خدمت به اهداف امام حسین علیه السلام است؟ به طور حتم این مسایل، جز تخریب چهره اسلام، چیز دیگری در پی نخواهد داشت؛ ضمن آن که هنگام روبه رو شدن با فرقه های اسلامی که مخالف این مسایل هستند و تشیع را به این مسایل معرفی می کنند، دچار مشکل می شویم. بحث قمه زدن و کارهایی از این قبیل، عوعو کردن و مانند این ها و نیز روضه های دروغ خواندن، در زمره همین رفتارهاست.

هم چنان که در مواردی، آن ها با آوردن مثال هایی جزئی از غلو در دوستی اهل بیت و دشمنی مخالفان بر تشیع می تازند. این گروه با تکیه بر وجود پاره ای خرافات و آموخته های اغراق آمیز، شیوه های ناموجه، جهل ورزی های عامیانه و کاسب کاری های برخی خواص، بر اصل موضوع هجوم می آورند و آن را از زاویه های گوناگون، بی ثمر، غیر دینی، ارتجاعی، تخدیری و مانند این ها جلوه می دهند.

فصل چهارم: آسیب های عزاداری در زمان حاضر

اشاره

فصل چهارم: آسیب های عزاداری در زمان حاضر

این مبحث را با این پرسش ها آغاز می کنیم که آیا امروزه، در ماهیت آسیب ها و تحریف ها تفاوتی پدیده آمده یا نه؟ آیا در نوع و شیوه این آسیب ها تغییری صورت گرفته است؟ احیانا چه ویژگی هایی از زمان حاضر، موجب پدید آمدن آسیب های جدید شده است؟

به نظر می رسد که در گذر زمان، تغییری در ماهیت آسیب ها به وجود نیامده، هرچند در شیوه ها و سویه های مختلف این آسیب ها، تغییراتی صورت گرفته است. ضمن آن که آسیب های قدیمی نیز به جای خود باقی هستند _، گرچه برخی از آن ها بر اثر انقلاب اسلامی تضعیف شده اند _ آسیب های نوی نیز بر اثر تطور زمان به وجود آمده اند. در فصل بعد به تفصیل به عوامل بروز و ظهور برخی آسیب های جدید یا سربر آوردن دگرباره آسیب های قدیم خواهیم پرداخت.

آسیب های مربوط به زمان کنونی را می توان به این شرح برشمرد:

۱. رواج دوباره برخی از غلوها و خرافه ها

۱. رواج دوباره برخی از غلوها و خرافه ها

امروزه به نوعی شاهد بازگشت برخی روضه ها، شیوه ها، برنامه ها و تفکراتی هستیم که به شدت در گذشته تضعیف شده و یا از بین رفته بودند.

این موضوع در سه جا بیش تر خود را نمایان ساخته است؛ روضه ها و برنامه های مربوط به حضرت زهرا علیهاالسلام، امام حسین علیه السلام و امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف. علت آن نیز مشخص است؛ چرا که این سه مورد، در مجموع برآیند تمایزات تفکر کلامی و سیاسی شیعه است و مهم تر از آن، از بار عاطفی و ظرفیت احساساتی قوی نیز برخوردار است. اگر خوب به هیأت ها، دسته ها و تکایای تأسیس شده در سال های

اخیر بنگریم، بیش تر نام ها با این سه محور مرتبط است. ممکن است گفته شود که این جریانات در گذشته هم بوده است، ولی اهمیت امروزه آن در این است که در مدت کوتاهی، شاهد انبوه هیأت های برآمده از جامعه دین دار و به ویژه جوانان هستیم که این، هم باید مثبت تلقی شود و هم می تواند با توجه به وجود آسیب ها، اثرات منفی و زیان باری داشته باشد.

به هر حال دو موضوع، یعنی انبوه شدن هیأت ها و توجه ویژه به سه محور پیش گفته، می تواند به فراوانی غلوها و خرافه ها بینجامد؛ چرا که گاه میان این هیأت ها، رقابت و چشم و هم چشمی وجود دارد و همین مسأله موجب تولید خرافه ها و غلو می شود. (۱)

۲. ترویج دگرباره ناهنجاری هایی مانند قمه زنی و زمین بوسی

۲. ترویج دگرباره ناهنجاری هایی مانند قمه زنی و زمین بوسی

از دیگر مسائلی که امروزه در درون فرهنگ پاس داشت عاشورا به معضلی بدل گشته، اوج گرفتن دوباره قمه زنی و به تبع آن، سوء استفاده جدی خرده گیران و دشمنان است.

قمه زنی، سابقه ای چند صد ساله دارد و در طول زمان، بیش تر با تأیید مشروط فقیهان و عالمان همراه بوده است. آنان براساس مقتضیات زمانه خویش و به میزان عمق و وسعت آگاهی های شان، بدان فتوا داده اند؛ اگرچه در همان زمان هم عالمانی نیز بوده اند که از آن نهی می کرده اند.

امروزه با توجه به سوء استفاده دشمنان، وهن آلودگی آن بیش از پیش آشکار

۱- این غلوها، در ابعاد مختلف قابل بررسی است، برای مثال، غلو در تشبیهات و تکرار مداوم از آن ها هم چون سگ حسین، کلب الحسین، و حتی «صدای سگ در آوردن»، با غلو در نسبت دادن اشعار غنایی به ائمه مانند: دلاویزی، دل انگیزی، قیامت قامتی داری بدین نازک تنی باید ز گل ها هم پرهیزی یا غلو در کاربرد عبارات که اغلب وهن آلود است؛ هم چون «خدای من حسینه» یا «آی قریون اسم خوشگلت برم» و نیز غلو در مصیبت ها که این مورد فراوان دیده می شود؛ مثل شهادت حضرت زهرا علیها السلام، علی اصغر علیه السلام و علی اکبر.

است. از این رو مقام معظم رهبری و بسیاری از علماء، به حرمت آن حکم دادند. البته متأسفانه گاه دیده می شود که بر اثر اغراض گروهی و یا سیاسی، در مناطق گوناگونی بدان دامن زده می شود. اگرچه پس از حکم علماء، تا حدود زیادی این مسایل کاهش پیدا کرده است.

از سوی دیگر، شاهد ظهور پدیده هایی چون زمین بوسی و قفل زنی در برخی جاها هستیم. هم چنین خود را به عنوان سگ حسین علیه السلام معرفی و «وعو» کردن، آن هم در مجالس آشکار و علنی از نمودهای بارز آسیب های جدید است.

۳. چیرگی سلیقه های شخصی و رواج زبان حال های بی ریشه و مبتذل

۳. چیرگی سلیقه های شخصی و رواج زبان حال های بی ریشه و مبتذل

تا مدت ها پس از انقلاب، بر اثر جو روانی و حماسی به وجود آمده در جامعه، الگو شدن شخصیت هایی چون شهید مطهری رحمه الله که فریادهای بلندی در مبارزه با تحریف داشت، حضور امام خمینی رحمه الله به عنوان بنیانگذار انقلاب و سفارش همیشگی ایشان درباره پر محتوا شدن فرهنگ عاشورایی و تلاش های گسترده عالمان و روحانیون جوان، شاهد تلاش های بیش تری از سوی مبلغان، روضه خوانان و مداحان برای طرح مسایل و روضه های معتبر و پرهیز از موضوعات موهون و غیر معتبر بودیم.

پس از اتمام جنگ، به تدریج با وقوع تحول در متن جامعه، از شدت چنین روحیه ای در میان مردم و برگزارکنندگان مراسم کاسته شد. البته نه آن که به کلی از میان برود. بلکه آن روحیه قوی پیش از پایان جنگ، اندک اندک رو به ضعف گرایید. همان فلسفه های غیر حماسی و غیر شناختی نهضت عاشورا، دوباره سربرآورد و در روضه ها، منبرها، مداحی ها، به ویژه ذوقیات و زبان حال ها، تبلور یافت و به گونه ای، بعد تسلی بخشی عزاداری، نمود بیش تری پیدا کرد. در ذوقیات و زبان حال ها، به ویژه بدان جهت که گستره توجیه، بازتر است، شاهد رواج مسایل خمودآمیز و پردازش جنبه های احساسی، تراژدیک و فولکلوریک^(۱) نهضت عاشورا هستیم. رواج بی حد و

اندازه ذوقیات و زبانحال‌ها، در قالب نظم و نثر، بی آن که ریشه‌ای در درون تاریخ عاشورا و شخصیت امام حسین علیه السلام داشته باشد، از مصیبت‌های جدی است که به واسطه تنوع کمی و کیفی ابزارهای صوتی و به تبع آن، فزون‌تر شدن تعداد مداحان و روضه‌خوانان، هر روز دامنه بیش‌تری می‌یابد. نکته درخور دقت و تأمل، آن است که این زبان حال‌ها، به طور معمول، ابتدا به عنوان زبان حال بیان می‌شود و سپس با چندین بار تکرار به وسیله خود گوینده و دیگران، جملات و کلماتی که دلالت بر زبان حال بودن آن دارند، حذف می‌گردد و به تدریج به صورت یک واقعه تاریخی بیان می‌شود. هم‌چنین غالباً و از لحاظ زبان‌شناسی و به ویژه در فرهنگ شفاهی مردم ایران، هیچ‌گاه روایت و نقل دوم همانند روایت نخست نیست. بلکه چیزی بر آن افزوده می‌شود و نکته مهمی از آن کاسته می‌گردد و یک سان نقل نمی‌شود و هر چه بر تکرار و بازگویی آن اضافه می‌شود، حجم افزودن‌ها و کاستن‌ها روندی تصاعدی پیدا می‌کند.

از این رو، زبان حال‌ها، در طول زمان به شدت متورم می‌گردند و گاهی به صورت باور عمومی درمی‌آیند. مانند آمدن حضرت زهرا علیهاالسلام به بالین حضرت عباس علیه السلام هنگام شهادت آن حضرت یا روضه‌هایی که برای حضرت رقیه علیهاالسلام خوانده می‌شود که از زبان حال درآمده و جزء وقایع مسلم تاریخی قلمداد می‌شود.

این ذوقیات و زبان حال‌ها، چند ویژگی منفی دارند:

نخست آن که بر اساس احساسات مخاطبان که بیش‌تر جوان و کم‌اطلاع هستند، ساخته می‌شوند. دیگر آن که با بیان این که این‌ها صرفاً زبان حال هستند بدان‌ها نوعی مشروعیت و جاهت بخشیده می‌شود. هم‌چنین مضامین آن‌ها، بی‌ارتباط با نهضت یا مغایر با حرکت عاشوراست. نیز در برخی از آن‌ها کاملاً شخصیت بزرگان عاشورا، و هنر آلود ترسیم می‌شود. متأسفانه به علت بالابودن نسبت جمعیت جوان کشور و

نبود مجاری مطمئن ابراز احساسات و موانع موجود بر سر راه آن‌ها، این قبیل مسایل، در میان گروهی از آن‌ها، هواخواهان بسیاری پیدا کرده است.

۴. رواج سبک‌ها و اشعار غنایی ناهمخوان، مبتذل و تقلیدی

۴. رواج سبک‌ها و اشعار غنایی ناهمخوان، مبتذل و تقلیدی

از معضلات جدی امروز در عرصه عزاداری و مداحی، ورود و شیوع شیوه‌های نامناسب اجرای مداحی و اشعار خوانده شده در این گونه مجالس است. این مسأله می‌تواند چند دلیل داشته باشد: آن‌که در قدیم مداحان همانند دیگر دانش‌آموزان، استاد داشتند و به طور سنتی، همراه با یک مداح بزرگ معروف، رشد می‌کردند و پرورش می‌یافتند.

این موضوع، اگر هم در همه جا و همه وقت رعایت نمی‌شد، در بیش تر موارد چنین بود. ولی امروزه، شاهد تولید انبوه مداح غیر کیفی در سطح جامعه هستیم؛ کسانی که نه به سبب فضل، دانش، کمال اخلاق و حتی صدای کاملاً مناسب، که بیش تر به دلیل داشتن اندک صدایی برای اجرای برنامه‌های مداحی شورآفرین، به وسیله دستگاه‌های مدرن صوتی، در جامعه مطرح می‌شوند که بیش تر هم تقلید نوارهای مداحی است. بنابراین، محتواگرایی استاد محورانه گذشته که آن نیز دچار آسیب‌های جدی بود، جای خود را به شورآفرینی نوارمحورانه داده است. یکی از مداحان می‌گوید:

من در قدیم دو سال دنبال یک استاد می‌رفتم، اما فقط به من شعر می‌داد حفظ کنم و می‌گفت حق خواندن نداری. بعد از دو سال، اجازه نوحه خوانی داد. اما در این روزگار... با توجه به کم بودن مداح، هر کس صدایش خوب بود، آمد میکروفون را به دست گرفت و یک چیزهایی خواند و کم کم مداحی بدون آموختن در محضر استاد، فرهنگ شد و شد آن چه که امروز می‌بینیم؛ یعنی مداحی با همان کار میاندارهای سابق، یعنی

شور زدن. این کار، کار میدان دارها بود، آن هم نه به این غلظت. (۱)

نکته دیگر، آن که ادبیات غنایی در تاریخ ادبیات و ادبیات ایران، تاریخی طولانی دارد، به ویژه آن که این نوع ادبیات در پیوند با ادبیات عرفانی، معنایی دگرگون، با همان الفاظ یافته است. امروزه به نظر می آید که رویکرد غالب جامعه و مداحان به اشعار حماسی، بیش تر به سوی این نوع شعر است.

البته در حال حاضر، مشکل این رویکرد این است که اشعار محکم و متناسب با مجلس مداحی و عزاداری به اندازه کافی در دست نیست. از همه مهم تر این که مداحان امروزی، اطلاعی از آن ها ندارند یا استقبالی از این اشعار نمی کنند؛ زیرا در دوره جدید، شعر، محوریت و جایگاه حاکم پیشین خود را در مداحی ها از دست داده و به عنصری حاشیه ای تبدیل گشته است. از این جهت است که دانش توده مداحان درباره ادبیات و شعر، چندان مناسب نیست. ضمن این که به نظر می رسد برخی شنوندگان و به ویژه جوانان، چندان حوصله و ظرفیت گوش سپردن به اشعار مستحکم و ناب را در قالب قصیده یا مثنوی ندارند که البته این می تواند دلایل گوناگونی داشته باشد.

از این رو، شاهد گسترش ادبیات غنایی هستیم و می بینیم کلمات و الفاظی همانند عشق، عاشقی، عاشقتم، می، مستی، باده جاده، نی و دیگر کلماتی در این ردیف، به همراه مشتقاتشان وارد ادبیات مداحی شده و با بسامد بالایی، به وسیله مداحان تکرار می شود. البته این مسأله به خودی خود نمی تواند منفی تلقی شود بلکه کاربرد مبتذل آن مشکل ساز است.

مسأله دیگر این است که از این گونه اشعار، بیش از آن که از ادبیات غنی غنایی و عرفانی چشمه گرفته باشد، صد البته از ترانه های سروده شده بازاری و بدتر از آن،

نوار ترانه های گذشته و حال الهام می گیرد. (۱) این موضوع، از آن رو مشهود است که سبک و شیوه اجرا، در بسیاری از مداحان درست همان سبک و شیوه ای است که به راحتی توسط مخاطبان آشنا با این نوع نوارها شناخته می شود.

این چنین است که بسیاری از این مداحی ها، تقلیدی و مبتذل هستند و هیچ نشانی از اخلاص و صفا در آن دیده نمی شود. آری، وقتی مداحان حرفه ای، سینه زنان حرفه ای و گریه کنان حرفه ای بودند، توقعی از وجود اخلاص و پیام آوری نمی توان داشت. از این رو، در برخی مجالس، اجرای برنامه های مداحی براساس شوهای ترانه خوانان و سبک های ترانه ای هم دیده می شود (۲) و گرته برداری ناپیراسته و ناشیانه از سبک سرودهای پاکستانی و هندی، به شدت جریان می یابد.

به ویژه آن که امروزه با پدیده جدیدی به نام «نوار استادی» مواجهیم که به واسطه آن، نوارهای مداحی و عزاداری، جای استادان را گرفته است. هم چنین مسأله مصیبت بار دیگر، آن است که نوارهای برخی از این مداحان، به صورت کتاب برگردانده شده و در اختیار مداحان جوان و روضه خوانان قرار گرفته است که با کمال تأسف، گاه مورد توجه و استقبال پاره ای طلاب جوان، به ویژه در هنگام مناسبت های تبلیغی قرار می گیرد. به نظر می رسد باید از ادامه این روند در آینده، به شکل جدی ابراز نگرانی کرد.

۵. رواج شیوه های ناموجه سینه زنی و زنجیر زنی

۵. رواج شیوه های ناموجه سینه زنی و زنجیر زنی

از جمله آسیب هایی که در شکل و شمایل عزاداری امروزی به وقوع پیوسته، تحول در شیوه های سینه زنی و زنجیر زنی است. که این مسأله از خواست های اجتماعی و بافت جامعه سرچشمه می گیرد. پیش از این، بیش تر سینه زنی ها، بدون وزن شعری و

۱- ترانه های چون نگار من ابرو کمون دل می بره یا دل اومد دلبر اومد یا ستاره بریزید ... ، که بر اساس ترانه ای از ترانه خوانان ایرانی است.

۲- نمونه های این مسایل را در حرکات دست و سر برخی مداحان جوان می توان دید.

با کم‌ترین مقدار آن برگزار می‌شد؛ البته سینه زدن سه ضرب رواج داشت و در دوران جنگ و پس از آن، گسترش پیدا کرد، به طوری که حجم وسیعی از عزاداری‌ها و سینه زنی‌ها را در بر گرفت. سزاوار است در این خصوص، اصل و اساس این نوع سینه زدن‌ها پذیرفته شود؛ چرا که سینه زدن‌های سنتی نیز در مواقع بسیاری، گرفتار خمود و یک‌نواختی است و این، برای جوانان جویای حرکت و تکاپوی امروزی، چندان نشاط‌آور نیست.

البته مشکل جایی است که سینه زنی، به حرکت‌های نمایشی، اضافی و ناشایست آلوده می‌گردد. برای مثال، سینه زدن به صورتی که افراد بالا و پایین می‌پرند یا سینه زدن به اصطلاح «کانگرویی» که همانند نرمش صبحگاهی، در حال سینه زدن، پاها برخلاف یکدیگر حرکت می‌کنند. این حرکات، به طور کامل عزاداری را از سادگی و محتوا تهی می‌سازد.

۶. برتری شکل بر محتوا

۶. برتری شکل بر محتوا

همان‌گونه که در بحث پیشین اشاره شد، در مداحی امروز، شعر، جایگاه اصلی و اساسی اش را از دست داده و دانش مداحی به توانایی صوتی و اجرا فروکاسته شده است.

قصیده خوانی بسیار کم شده و مداحان خرد، به جای آن که در پی اشعار ناب، متین و تازه باشند، به دنبال نوارهای جدید مداحان معروفند. مطالعه جدی مقتل‌ها و دیوان شاعران که در گذشته نیز کم بود، اکنون کاهش بیشتری یافته است و تنها درصد کمی از مداحان اهل مطالعه اند. بسیاری از اشعار به کار رفته در برنامه‌ها، به جای تفکر برانگیز بودن، ترحم برانگیزند. اشعار موجود مداحان نیز، بیش‌تر در دو جهت کاربرد دارد؛ در سینه زنی‌ها و در شورزنی‌ها. از این رو، اشعار، باید جهت و قالب خاصی بیابند. این موضوع، علت‌هایی می‌تواند داشته باشد که از جمله، کاسته شدن ظرفیت و حوصله شنیدن اشعار است که به ویژه در نسل امروز که به شدت گریزپاست، دیده می‌شود. بیش‌تر اشعار، متناسب با تحول زمانه نیست و بسیاری

مواقع، به صورت نیم بند و بریده ارایه می شوند. حالت های درویش مآبانه، فراوان دیده می شود، همانند تکرار مداوم یک ذکر یا یک اسم، در مدت به نسبت طولانی، کاربرد نامناسب اسامی معصومان مانند کاربرد علی علیه السلام به صورت «علی» «علی» و حسین به شکل «حوسین» و بدتر از آن، به صورت «سین»، «سین» که موجب وهن عزاداری ها و مداحی هاست. تقلید از روی نوارهای مداحی بیداد می کند. گاه دیده می شود حتی سرفه ها و حرف های ناگهانی آن ها نیز تقلید می شود. خود مداحان مورد تقلید نیز، بیش تر سبک هایشان را، از نوارهای موسیقی، سریال ها و فیلم ها می گیرند. از این رو است که گاه به اشعاری در نهایت ابتذال برمی خوریم. «دم های» سینه زنی و شورزنی در این جهت طلایه دار و رکورد شکن است.

۷. گسترش نامتناسب حضور موسیقی در مراسم سنتی عزاداری

۷. گسترش نامتناسب حضور موسیقی در مراسم سنتی عزاداری

نوع دیگری از آسیب های جدی، ورود موسیقی به ساحت عزاداری است. به نظر نگارنده این موضوع فی نفسه بی اشکال است، ولی مسأله مهم جایگاه آن است.

این قاعده عقلانی «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد»، می تواند در هر موردی کاربرد داشته باشد. در این موضوع نیز چنین است، مراسم عزاداری سنتی، حدود و مقرراتی دارد که اگرچه می تواند و باید متحول شود، ولی نمی تواند از تعریف مشخص خود خارج گردد. از این روست که می گوئیم کاربرد موسیقی _ از هر نوع آن _ در موضوع های مذهبی امری پسندیده و مورد تأیید است. برای مثال موسیقی به صورت ارکستر سمفونیک یا نوار کاست، در جایگاه اختصاصی خود که بسیار هم می تواند تأثیرگذار باشد، ولی به کارگیری وسایل موسیقی و اجراهای موسیقایی در بدنه عزاداری سنتی، امری نکوهیده است که آن را از حالت طبیعی و موقعیت تاریخی خود خارج می سازد.

۸. سوء استفاده گروهی

۸. سوء استفاده گروهی

یکی از آفت هایی که گاه مشاهده می شود، افراط در سیاسی کردن عزاداری هاست. گاه

به طمع این که عزاداری‌ها را متوجه مسایل روز سازیم تا برای امروزمان فایده‌ای دربرداشته باشد، چنان آن را به مسایل سیاسی آغشته می‌کنیم که باعث دلزدگی و دوری عده‌ای می‌شود. باید توجه داشت که اگر مجالس عزاداری، در خدمت اهداف و برنامه‌های یک جناح، حزب یا گروه سیاسی قرار گیرد، در واقع ابزاری سیاسی می‌شود که خود در تضاد جدی با فرهنگ عاشورا است. بنابراین، باید در لباس عزاداری، به ارتقای سطح بینش و فرهنگ سیاسی مردم اندیشید و کمتر وارد مصادیق شد. در این مجالس، باید ملاک سیاسی به دست مخاطبان داد و این موضوع، به ویژه در مداحی‌ها بسیار نمایان است. اگر مجالس عزاداری و مداحی‌ها «سیاسی زده» شود، هم از اعتماد و حضور مخاطبانِ فراگیر می‌کاهد و هم خلوص و صفا و یک‌رنگی آن‌ها زدوده می‌شود.

فصل پنجم: عوامل ایجاد آسیب های جدید

اشاره

فصل پنجم: عوامل ایجاد آسیب های جدید

زیر فصل ها

۱. ورود فرهنگ مدرنیته به اجزای جامعه از جمله عزاداری

۲. دوری از عالمان دینی و روحانیت

۱. ورود فرهنگ مدرنیته به اجزای جامعه از جمله عزاداری

۱. ورود فرهنگ مدرنیته به اجزای جامعه از جمله عزاداری

دگرگونی های جامعه، دگرگونی در باورها، تلقی ها، برداشت ها، ارزش ها و روش ها را نیز دربردارد. به هر میزان که این تغییر شدیدتر و ماهوی تر باشد، مؤلفه ها و شاخصه های دو سوی آن نیز تغییرات و تفاوت های بیش تری می یابد. امروزه جامعه ما، با ورود فرهنگ مدرنیته روبه روست. این حضور و ظهور نیز هرچند تدریجی و آرام آرام پیش رفته، ولی به همان میزان اثرات دیرپایی نیز بر جامعه داشته است.

با وجود آن که نزدیک به دو قرن از ورود آهسته فرهنگ مدرنیته گذشته و به رغم نقاط عطفی که در این مدت داشته است، هنوز شاهد برتری مؤثر یکی از دو گفتمان مدرن و سنتی بر یکدیگر، یا امتزاج و ترکیب نهایی این دو نیستیم و به تعبیری با دو قطب سنت و مدرنیته مواجه ایم. این دو قطب سنت و مدرنیته و عدم مشخص شدن وضعیت نهایی، نابسامانی هایی را در عرصه های مختلف، به ویژه در ساحت فرهنگی و اجتماعی جامعه رقم زده است. عزاداری نیز به عنوان یکی از نمادهای فرهنگی و اجتماعی سنت _ که یکی از دیرپاترین موضوعات سنتی است _، در طول زمان از کنش های مستقیم و غیر مستقیم نهادهای مدرن مصون نمانده؛ از این رو، هم در شکل و هم در محتوا، دگرگونی هایی را به خود دیده است.

شاید به لحاظ شکل، نخستین نمود حضور ابزارهای مدرن در عزاداری، ورود بلندگو است. در ابتدای ورود بلندگو، شاهد تقابل جدی سنت گرایان با آن، تنها به علت مدرن بودن آن هستیم. از این رو، گفته شد که بلندگو، بوق شیطان است و به نوعی تلویحی، استفاده از آن تحریم می گردید. از همین جا شکاف در اردوگاه سنت گرایان نیز اتفاق افتاد؛ بدین ترتیب که در مقابل عدم استفاده پاره ای از آن ها، برخی با

جسارت به استفاده از آن پرداختند. خاطرات حجت الاسلام و المسلمین محمد تقی فلسفی، واعظ شهیر در خصوص این موضوع در آن زمان، به خوبی گویای این مسأله است.

پس از آن نیز این روند با کنندی پیش می رود. علت کنندی نیز نگاه کاملاً منفی نهادها و مراجع سنتی به مدرنیته و عدم پذیرش آن است. با وقوع انقلاب اسلامی که انقلابی بود مذهبی و سنتی و در راه ترکیب سنت و مدرنیته، بدان صورت که برتری اِزازی با مدرنیته و غلبه محتوایی با سنت باشد، به نوعی این روند تشدید شد. پس از آن شاهد روند سریع رسانه های مدرنی چون رادیو و تلویزیون و بعدها ویدئو، رایانه و... به اندرون خانه سنتی ها و مذهبی ها هستیم که تا پیش از این ممنوع بود. این فرآیند با پایان جنگ، نقطه عطفی جدی می یابد و از این پس نیز با توجه به محیط سازندگی و سایه افکندن فضای اقتصادی براساس آموزه های بازار آزاد و متعاقب آن، تغییرات اندرونی جامعه و ایجاد نیازهای جدید، به شدت سرعت می یابد.

شکل گیری خرده طبقات جدید و گسترده شدن طبقه متوسط شهری که بسیاری از آنان تعلقات مذهبی نیز دارند، تغییر فضای عمومی جامعه از گفتمان انقلابی به گفتمان سازندگی و فرهنگ سازی متناسب با آن به وسیله رسانه های ملی که نفوذ قابل توجهی در میان خانواده های مذهبی دارد، موجب شد تا مدرنیته در سنتی ترین و دست نخورده ترین نهادها و لایه های جامعه نیز نفوذ کند. در این میان، شاید بتوان موسیقی و به ویژه موسیقی شاد را، نمادی ترین چهره این فرهنگ سازی دانست، که با توجه به بالا بودن آمار جوانان جامعه و رشد نسبی رفاه، دست کم در میان طبقه متوسط، رواج چشم گیر و رو به گسترشی می یابد. در آینده مداحی ها نیز که از موسیقی بهره می برند، به شدت تحت تأثیر موسیقی های منتشر شده در بازار و به ویژه صدا و سیما قرار می گیرند.

از سوی دیگر، نوع مداحان جدید، بیش تر جوانان مذهبی هستند که خود تنوع طلب و نوگرایند و گاه، به موسیقی ها و ترانه های موجود، گوش داده یا می دهند

و شاید برنامه های تلویزیونی ترانه خوانان را هم دیده باشند. از این رو، بر اثر این نیاز و این تغییر گفتمان و تغییر آدم ها، در بعد شکلی عزاداری تحولی مدرنیستی شکل می گیرد.

از جهت محتوایی، مدرنیته، دو تأثیر بر جریان عزاداری و مداحی گذاشته است: از یک سو، عدم اقناع قشر تحصیل کرده از مطالب مطرح شده و از سوی دیگر، مصرفی کردن، بی حوصلگی و تمایل به فشرده شدن مطالب و عدم تکافوی عزاداری سنتی در پاسخ به احساسات جوانان مدرن به ویژه کم تر تحصیل کرده.

البته با وجود این، هنوز مقابله و مقاومت نیروها و نهادهای سنتی قدیمی وجود دارد، اگرچه به تدریج قدرتشان رو به کاهش است. در این میان، مسأله اساسی این است که جریان مدرنیته در عزاداری بدون اندیشه و تفکر و طرح جدی است و سنت گرایان نیز از موضعی انفعالی با آن برخورد می کنند. در نتیجه، شاهد بحران در این حیطه هستیم؛ بحرانی که واقعیت جامعه امروز ایران بوده و هم اکنون، در عزاداری نیز تبلور یافته است.

۲. دوری از عالمان دینی و روحانیت

۲. دوری از عالمان دینی و روحانیت

عالمان دینی، محور فعالیت های دینی و آبشخور اصلی ترویج مفاهیم آن هستند. بنابراین، هر چه جامعه، ارتباط کم تری با عالمان دین داشته باشد، به همان نسبت می توان گفت که از آموزه های دینی فاصله می گیرد. یکی از عواملی که به نظر می رسد امروزه تا حدود زیادی در رشد آسیب های عزاداری مؤثر است، کم رنگ شدن ارتباط میان برخی مردم و جوانان، به ویژه مداحان و برگزارکنندگان مجالس، با اندیشمندان و آگاهان دینی و روحانیت است. به همین دلیل، نظرات اصلاحی این اندیشمندان به درستی منتقل نمی شود یا ظرفیت چندانی برای پذیرش دیدگاه های اصلاحی آنان وجود ندارد. این مسأله عوامل متعددی دارد. یکی از عوامل آن، رسوب تفکرات ناپیراسته در میان پاره ای از مردم است. نقل شده که آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله در یکی از سال ها تعدادی از سران هیأت ها را به منزل خود دعوت کرد و از آن ها

خواست که برخی اعمال را در عزاداری انجام ندهند، ولی آن‌ها در جواب گفتند که:

ما در تمام سال مقلد شما هستیم به جز این سه - چهار روز. (۱)

البته پس از انقلاب، می‌توان از عوامل دیگری چون تلاش دشمن برای مخدوش کردن چهره عالمان دینی، عملکرد نادرست برخی مسندداران، تغییر فرهنگ، نقص در پیدایی زبان مشترک و... را برشمرد که به هر حال خسران آن، متوجه دین و فرهنگ عاشورا خواهد بود.

۱- حماسه حسینی، ج ۱، صص ۲۱۳ - ۲۱۴.

فصل ششم: راه های مقابله با آسیب ها

اشاره

فصل ششم: راه های مقابله با آسیب ها

تنگناها، مشکلات و آسیب ها، هر یک به فراخور حال خویش، راه های برون رفت نیز دارند. آسیب های متوجه فرهنگ عاشورا نیز این چنین است. اگرچه تحول در آن، به یک باره صورت نمی گیرد و نیازمند طی مراحل طولانی مدت و برنامه ریزی و تلاش عملی و جدی است.

ضمن آن که ممکن است برخی آسیب ها در مسیر راه و در طول زمان رخ دهد که باید برای آن پیش بینی و چاره اندیشی شود. در بررسی آسیب های عزاداری اشاره وار به دو موضوع آسیب های گذشته و آسیب های جدید پرداختیم. آن چه در راه های مقابله و برون رفت از آسیب ها مطرح می سازیم، ناظر به آسیب های گذشته و جدید است که در قالب اصلاح اندیشه ها (اطلاعات)، گرایش (تعلقات) و رفتارها (عملکردها) بررسی می کنیم.

۱. بهره گیری از عقل در مقام ثبوت و اثبات

۱. بهره گیری از عقل در مقام ثبوت و اثبات

هر واقعه و موضوعی را می توان از دو سو با عیار عقل سنجید؛ در مقام ثبوت و در مقام اثبات. در مقام ثبوت، عقل معیار و میزان است (۱) و موضوع فی حد نفسه بدون توجه به مسایل دیگر سنجیده می شود. در واقع عقل مقدم بر معیارهای دیگر قرار می گیرد. مقام اثبات، مقامی است که عقل به عنوان ابزار، در راه بررسی جوانب مختلف موضوع به کار می رود، گرچه ممکن است مسأله مورد بحث یک موضوع

۱- خورشید شهادت، مجموعه مقالات برگزیده اولین سمینار بررسی ابعاد زندگانی امام حسین علیه السلام، ص ۱۶۶.

کاملاً نقلی باشد. به کارگیری عقل در هر دو مقام، به تحریف شناسی، آسیب شناسی و ستردن فرهنگ عاشورا از آن ها می انجامد. در مقام ثبوت، اگر وقایع گفته شده و فلسفه های ذکر شده و شیوه های عزاداری را به عقل ارجاع دهیم؛ عقلی که به نسبت بدون پیش داوری باشد، این امر گامی بلند در راستای تنزیه فرهنگ عاشورا و تشخیص سره از ناسره بوده، از تحریف در دو وجه لفظی و معنوی جلوگیری می کند.

اگر وقایع را این گونه بسنجیم که آیا از نظر عقل، امکان وقوع دارند یا مفسده بعدی به دنبال ندارند، بسیاری از مشکلات برطرف می شود. آن گاه مسایلی چون نذر لیلا- مادر علی اکبر برای ریحان کاشتن مسیر کربلا- تا مدینه، یعنی ۱۸۰۰ کیلومتر،^(۱) آب خواستن امام حسین علیه السلام در پای منبر حضرت علی علیه السلام^(۲)، عروسی قاسم علیه السلام، روش های نوظهور سینه زنی، فلسفه هایی چون شهادت امام برای شفاعت امت و مانند این ها، بدون مراجعه به منابع نقلی و تنها با نخستین بازگشت به عقل سلیم، مردود می شود. به کارگیری عقل، ضمن آن که تحریف زدایی می کند، عامل تعمیم نهضت حسینی نیز به شمار می آید.^(۳)

براین اساس، عامل عقل در متن نهضت حسینی پذیرفته می شود و قیام عاشورا، یک سره جنبه آسمانی نمی یابد و برای اثبات این نکته نیز از عامل عقل در تبیین و بررسی اسناد تاریخی بهره برداری می شود. بر این پایه، حرکت حسین بن علی علیه السلام، حادثه ای خاص برای افراد خاص نبوده است و قابل پیروی و الگوگیری است. از این روست که پرسش هایی چون، چرا قیام در زمان حاکمیت یزید؟ چرا هجرت به مکه؟ چرا حرکت از مکه به کوفه؟ چرا ادامه راه پس از شنیدن خبر شهادت مسلم بن

۱- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۷.

۲- چشم اندازی به تحریفات عاشورا، لؤلؤ و مرجان، ص ۲۹۹.

۳- خورشید شهادت، ص ۱۶۹.

عقل؟ با بررسی متون تاریخی و اسناد روایتی، از منظری عقلانی پاسخ می‌گیرد. اگر عقل مسایل ارایه شده را با اصول اساسی دینی و به عنوان جزئی از اندامواره دین بسنجد، و آن را با اصول اسلامی و مجموعه تعالیم اسلام و روح حاکم بر آن مطابق ببیند، به قبول آن رای دهد. پس عقل دینی، با تجربه و تحلیل مسایل و تعیین جایگاه آن‌ها بر اساس الگوی کلی اسلام، از تک نوازی جلوگیری کرده و به هماهنگی و هم نوازی مجموعه آموزهای دینی یاری می‌رساند. چنانچه موضوعی و آموزه‌ای به این چارچوب و این هم نوازی خلل رساند، آن را نفی و مردود اعلام می‌کند، که به یقین در موضوع فرهنگ عاشورا نیز چنین است. بنابراین، عقل، آموزه‌ای را که با دستگاه تفکر اسلامی و دیگر اجزای آن و روح حاکم بر حماسه عاشورا و مجموع تعالیم و حقایق مطرح شده در آن هماهنگ نباشد، به طرد آن می‌پردازد. نکته در خورد توجه آن است که باید در به کارگیری عقل نیز جانب جامعیت و روح کلی تعالیم اسلامی و عاشورایی را نگه داشت و بر این پایه، به کاربرد آن همت گماشت.

۲. نهراسیدن خواص از عوام و آگاهی دادن به مردم

۲. نهراسیدن خواص از عوام و آگاهی دادن به مردم

در پاسخ به چگونگی بیرون رفتن از آسیب‌های فرهنگ عاشورا و عزاداری، یکی از نکات بسیار مهم و اساسی، توجه نکردن به دیدگاه‌های عامیانه مردم است. باید گفت که در ورود این آسیب‌ها به ساحت فرهنگ عاشورا، جهل توده مردم و عدم شناخت آنان از معارف دینی و جهل عمومی آن‌ها، در کنار عدم برخورد و انتقال درست آگاهی‌ها و معارف مؤثر است. البته منصفانه آن است که انتظار از عالمان و نخبگان جامعه دینی بیش تر و از این رو، قصور و تقصیر آنان نیز نمایان تر است. عموم مردم جامعه دینی، پیرو و فرمان بردار رهبران و سرآمدان خود بوده و به آنان اقتدا می‌کنند. بنابراین، نقش آنان جدی تر و پررنگ تر است. پس حرکت، فریاد و برخورد اندیشمندانه عالم، موجب از بین رفتن زمینه‌ها و زدودن تحریف‌ها و آسیب‌ها می‌شود. وظیفه عالمان آن است که هنگام ظهور بدعت‌ها و ناراستی‌ها در میان امت، علم و

دانایی خود را آشکار سازند؛ زیرا در غیر این صورت، مورد لعنت خدا خواهد بود. (۱) قرآن نیز دانایانی را که تمامی آموزه های دین را، در میان مردم نشر نمی دهند و آن را کتمان می کنند، مورد لعنت خداوند دانسته است. (۲) علت کتمان حقایق و انتقال ندادن آن به مردم، چند چیز می تواند باشد: یا عمدی و به دلیل فسق، ناپاکی و نفاق آن عالم است؛ یا به سبب آن است که می خواهد از جهل مردم به زعم خود به نفع دیانت آن ها بهره گیرد؛ یا آن که از برخورد و اعتراض مردم به آن چه مقدس می پندارند واهمه دارد.

تکلیف گروه نخست کاملاً مشخص است. شهید مطهری رحمه الله گروه دوم را نیز به دلیل آن که وظیفه اش را انجام نداده و کتمان حقایق نموده است، جزء گروه فقهیان و عالمان فاجر می شمارد. ایشان می فرماید:

عالم وقتی در مقابل نقطه ضعف اجتماع قرار می گیرد، یا با آن مبارزه می کند که مصلح است، و یا این وظیفه را به جا نمی آورد، که مصداق فقیه فاجر است. (۳)

ایشان با ذکر دو ضعف مجالس عزاداری که تلاش برای ازدحام جمعیت و دستور واویلا- به پا شدن در آن است، (۴) می گوید:

با این نقطه ضعف چه باید کرد؟ آیا باید از این نقطه ضعف مردم استفاده کرد؟ باید بهره برداری کرد و سوارشان شد؟ باید مانند تاج نیشابوری گفت که چون این ها احمقند، من از حماقتشان استفاده می کنم؟ نه! بزرگ ترین

۱- إذا ظهرت البدع فی امتی فلیظهر العالم علمه و الافعلیه لعنه الله؛ روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله .

۲- بقره، آیه ۵۹.

۳- حماسه حسینی، ج ۱، صص ۱۰۱ - ۱۰۳.

۴- حماسه حسینی، ج ۱، صص ۱۰۱ - ۱۰۳.

رسالت و بزرگ‌ترین وظیفه علما، مبارزه با نقاط ضعف اجتماع است.^(۱)

درباره گروه سوم، اگر به ذهن خوانی آنان پردازیم، یا آن که ذاتا اهل ترس و منفعت‌طلبند و از موقعیت‌های دشوار می‌هراسند؛ یا آن که به نظر خود، سخن گفتن و فریاد برآوردن را موجب از دست رفتن اعتقاد مردم می‌پندارند؛ در مجموع، ضرر اعتراض و برخورد را، بیش‌تر از سکوت می‌انگارند.

آنان که منفعت و موقعیت خود را بر موقعیت و مقام دین مقدم می‌شمارند، وضعیتشان معلوم است.

درباره گروه دیگر، باید وظیفه الهی‌شان یادآوری گردد. ضمن آن که باید به این نکته آگاه شوند که دم برنیارودن امروز آنان، نه تنها از حجم و عمق آسیب‌ها نمی‌کاهد، بلکه این آسیب‌ها در آینده به صورت هولناکی جلوه‌گر خواهد شد. «وظیفه علماست که در این موارد، حقایق را بی‌پرده به مردم بگویند، ولو مردم خوششان نیاید. وظیفه علماست که با اکاذیب مبارزه کنند. وظیفه علماست که مشتم دروغ‌گویان را باز کنند».^(۲) شهید مطهری، این وظیفه را برای عالمان، حتی در برابر عالمان دیگری که در این مورد نادرست نگاه‌شده‌اند، هم چون ملا حسین کاشفی و ملا آقادر بندی مؤلف اسرار الشهادة، واجب می‌داند. به هر روی، اگر عالمان دینی، با دقت، جسارت و زیرکی تمام، در برابر این گونه آسیب‌ها، موضع محکم، متین و اصولی بگیرند، به طور حتم از حجم وسیعی از این تحریف‌ها کاسته خواهد شد. نمونه آن نیز فریادهای شهید مطهری بر تحریف‌هاست که تا حدود بسیاری، به ویژه در مقاطع زمانی خاصی، ثمر داد.

۳. بالا بردن دانش و تحصیلات عمومی و تاریخی عامه مردم

۳. بالا بردن دانش و تحصیلات عمومی و تاریخی عامه مردم

۱- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۰۳.

۲- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۰۴.

از جمله راه کارهای بیرون رفت از وضعیت نابهنجار آسیب ها، تلاش عالمان دینی و رسانه های عمومی کشور، برای ارتقای سطح فرهنگ و دانش عمومی و تاریخی مردم است. این تلاش نیز باید مستمر، جدی، برنامه ریزی شده و هماهنگ با روحیات روانی عصر و زمانه باشد. به هر میزان سطح دانش مردم بالاتر باشد، انتظار آنان از انتقال دهندگان، سخن رانان، مداحان یا برنامه های رسانه هایی چون صدا و سیما افزایش خواهد یافت و آنان مجبورند که خود را با این سطح از دانش عمومی هماهنگ کنند.

دیگر آن که به تقویت روحیه نقادی و پرسشگری در میان آنان، به ویژه جوانان می انجامد. در نتیجه، برخورد انتقادی آنان، موجب پرهیز گویندگان و مداحان از ذکر مسایل موهوم و بی اصل و سند و دقت بیش تر آنان می گردد. هم چنین موجب تلاش آنان برای افزودن میزان سواد، دانش و اطلاعات خود می شود.

۴. دقت و اعتراض مردم به تحریف

۴. دقت و اعتراض مردم به تحریف

شاید گفته شود که مردم چگونه می توانند به چیزی که از آن آگاهی ندارند، اعتراض کنند؟ این موضوع تا حدودی درست است و راه درمان آن نیز، همان ارتقای سطح دانش عمومی و تاریخی مردم است. البته مسأله در این جا دو بعد می یابد:

نخست آن که آن ها که می دانند باید تذکر دهند، و آن ها که تردید می کنند، باید در رفع تردید خود کوشیده و پاسخ آن را بخواهند. دیگر آن که برخی مسایل، با فطرت و عقل سلیم از سوی عامه مردم قابل درک است و به سواد و اطلاعات چندانی نیاز ندارد. از این روست که قرآن، عامه مردم را در برابر انحراف، مسئول می داند و آن ها را از پیروی و تقلید کورکورانه باز می دارد و گاه به این سبب آن ها را سرزنش می کند. (۱) برای مثال، آیا مردم رفتار متناقض برخی خطیبان را متوجه

نمی‌شوند؟ آیا بی‌محتوایی و موهون بودن سخنرانی‌ها، مداحی‌ها و روضه‌ها را در نمی‌یابند؟ آیا دروغ بودن برخی خواب‌های نقل شده را درک نمی‌کنند؟ آیا نامناسب بودن و عدم تناسب برخی روش‌ها را با روح فرهنگ عاشورا و فرهنگ حسینی لمس نمی‌کنند؟ آیا ریایی بودن یک عمل یا یک مجلس را نمی‌فهمند؟ به طور حتم مردم می‌توانند به خوبی این مسایل را تشخیص دهند. بنابراین، وظیفه دارند، با روش‌های مناسب تذکر، و از خود واکنش نشان دهند. هم‌چنین بانیاں مجالس، باید در برگزاری درست مجالس سیدالشهدا علیه السلام، دقت و کوشش بیش‌تری روا دارند.

۵. آموزش روش مند مبلغان و مداحان

۵. آموزش روش مند مبلغان و مداحان

امروزه، دانش، گستره پهنآوری پیدا کرده است و بر شاخه‌ها و شعبه‌های آن افزوده شده است. همین مسأله، موجب شده که ورود به حیطه علوم، تخصص و مهارت بیش‌تری بطلبد. مداحی و تبلیغ نیز، از زمره دانش‌هایی است که بر خلاف بینش عمومی، به دانش گسترده و متنوعی نیاز دارد. یکی از عوامل جانبی تحریف را می‌توان بی‌نظمی و بی‌سلیقه‌ای بودن امور تبلیغی مداحی دانست. از این رو، باید آموزش روش مند مبتنی بر ضروریات، نیازها و اصول دینی، امری لازم و حساس تلقی شود؛ چرا که امروزه، گرایش به مداحی و روضه‌خوانی افزایش یافته و همین موضوع، آسیب‌ها را دوچندان کرده است. این آموزش منظم، زمان‌بندی و برنامه‌ریزی شده، باید بر پایه فلسفه درستی از عاشورا و فرهنگ آن بنا شود که به نظر می‌رسد همان فلسفه انسان‌شناختی و جامعی است که بیان گردید.

هم‌چنین بر پایه همین فلسفه، اشعار متن، اشعار دسته‌ها، اشعار سینه‌زنی و شورزنی، مقتل و روضه‌ها، تاریخ، ادبیات و دستگاه‌های موسیقی مرتبط با موضوع، و نیز معلومات عمومی و دیگر مسایلی که مرتبط با حسن مداحی و روضه‌خوانی و تبلیغ است، باید به شیوه‌ای جامع و البته در حد نیاز و کفایت آموزش داده شود. به نظر می‌رسد در این جهت، باید کتاب مقتلی که از هر حیث جامع و پیراسته بوده و حتماً ترجمه فارسی داشته باشد، تهیه گردد و به عنوان متن مورد تأیید و رسمی،

در

میان مداحان آموزش داده شده و در میان مردم تبلیغ شود. هم چنین کتاب هایی در زمینه فلسفه قیام عزاداری و نیز کتابی که دربرگیرنده اشعار شاعران از گذشته تاکنون باشد، به صورت منتخب و پیراسته تدوین گردد. البته در این زمینه سازمان تبلیغات اسلامی گام هایی برداشته که باید تکمیل و تعمیم داده شده و نیز ارزیابی مداوم گردد.

نیز این آموزش، باید مسایل زمان را مد نظر قرار دهد و حالتی پویا داشته باشد. در این مرحله، رسانه های دیداری و شنیداری می تواند نقشی عمده و کارساز داشته باشند و با عمومی ساختن آموزش ها، به گسترش تفکر محکم اصلاحی یاری رسانند.

۶. نظام مند کردن مداحی، منبرها و مجالس عزاداری

۶. نظام مند کردن مداحی، منبرها و مجالس عزاداری

شاید مهم ترین مشکل در سیستم منبرها و مداحی ها، مشکل ساختاری آن باشد؛ یعنی تشتت، بی نظمی، بی انضباطی و نیز خودروبی و خود بسنده بودن، آفت عمده و سبب ساز اصلی آسیب ها به شمار آید. به نظر می رسد که هم واعظان، خطیبان و منبری ها و هم مداحان و ذاکران باید نظام تشکیلاتی مدنی غیروابسته به قدرت و حکومت _ چه به طور آشکار و چه پنهان _ داشته باشند. آن ها باید بدون کارکرد سیاسی _ جناحی، با پشتوانه عالمان مصلح و براساس آموزش های درست و دقیق و نظارت دائم عمل کنند. امروزه در کشور، سازمان های حرفه ای مرتبط با یک فن و حرفه چون نظام پزشکی، نظام مهندسی و مانند این ها وجود دارد که تا حدی نیز موفق بوده اند. حتی می توان در این مسأله نیز از الگوهای آن ها پیروی کرد.

البته پر واضح است که مسأله عزاداری و مداحی، تفاوت هایی با موارد عنوان شده دارد، ولی به نظر می رسد اگر این کار به وسیله مداحان بزرگ صورت گیرد _ گرچه در ابتدا محدود هم باشد _ با پشتیبانی حکومت از این تشکل های مدنی و ترغیب آن ها، البته نه به صورتی که به شکل ابزاز درآیند، به تدریج می تواند وضعیت مداحی و منبرها را در سطح کلان سامان بخشد و در دراز مدت، اثر تحسین کننده ای داشته باشد.

همچنین این مسأله می تواند از سوی نهادهایی که شأن دینی والایی دارند پی گیری

شود و حتی می توان در مواردی، از چاشنی الزام بهره گرفت تا در آینده، مسیر خود را بپیماید. اگر چنین شود، مردم نیز در گزینش های خود، دقت بیش تری خواهند کرد و سطح کیفی مجالس بالا خواهد رفت. البته بدیهی است که هر روش، آفت هایی هم می تواند داشته باشد. البته مهم آن است که دست به گزینش و انتخاب بهترین و کارآمدترین روش بزنیم. در این باره می توان با صبر، آینده نگری، حفظ دغدغه های اساسی و برنامه ریزی طولانی مدت، موفقیت طرح را تضمین کرد. به هر حال با نظام مند کردن مجالس عزاداری که البته باید با ظرافت، تبیین و هدف گذاری دقیق انجام گیرد، شاهد بسامان و دور شدن مجالس و فرهنگ حسینی از ناهنجاری ها، آسیب ها، تحریف ها و کاسب کاری ها و نیز قرار گرفتن در مسیر صحیح خواهیم بود. به ویژه نظم گرفتن سیستم مالی و معاش، از اولویت اساسی برخوردار است. به نظر می رسد برای این منظور، طرح دفتر تبلیغات در مورد مبلغان، البته با جدی تر شدن ابعاد آموزشی، پژوهشی و توجیهی و نیز طرح ریزی نظارتی قوی تر و عمومیت یافتن آن، می تواند در میان گویندگان و خطیبان با تغییراتی برای جامعه مداحان نیز اجرا گردد.

۷. برخورد اعتدالی و به دور از افراط و تفریط

۷. برخورد اعتدالی و به دور از افراط و تفریط

یکی از آسیب هایی که در عرصه کلیت مباحث دینی مشاهده می شود، برخورد افراط گرایانه یا تفریطی با این گونه مباحث است. این مسأله، در مورد موضوع فرهنگ عاشورا و عزاداری، به مراتب نمایان تر است و همین امر، موجب هدر رفتن نیروها، پیچیده تر شدن اوضاع و از بین رفتن فرصت ها می شود. از یک سو، می بینیم که گاه برخی، بسیاری از بدیهیات ذهنی مردم و محکم ترین عقاید آنان را بی پروا به چالش می کشند و یا با زبان تند درباره آن سخن می گویند. البته رد این مسأله به معنای بستن باب اندیشه ورزی و تفکر نیست، هرچند به نظر افراطی می آید. ولی به هر حال افراط، به ویژه اگر به صورت جریان در آید، مخل اهداف درست خواهد بود.

از سوی دیگر نیز، به تفکراتی برمی خوریم که با نگرش های اصلاحی هیچ میانه ای

ندارد و به تخطئه فکری و عملی آنان می پردازد و در مقابل هر اندیشه اصلاحی ای مقاومت می کند.

۸. پرهیز از برخوردهای آمرانه و حساسیت برانگیز

۸. پرهیز از برخوردهای آمرانه و حساسیت برانگیز

همان گونه که پیش از این نیز گفته شد، عشق و محبت امام حسین علیه السلام، از مقولاتی است که به صورت ابتدایی و قبل از هر چیز، با احساسات و عواطف پیروان و شیعیان آن حضرت آمیخته شده است و به قول مشهور، از همان آغاز تولد و شیرخوارگی، از مادر به فرزند می رسد و حتی می توان گفت که به صورت ژنتیکی به شیعه زادگان منتقل می شود. این موضوع، به همراه مقدس بودن مراسم عزاداری و عمومیت داشتن آن، به طوری که همه اجزای آن را _ اگرچه خرافی یا تحریف شده هم باشد _ شامل می شود، به حساس شدن شیوه برخورد با آسیب های تحریف ها در این عرصه می انجامد. اگر این مسأله را در کنار طبع آزادی خواهی انسان بگذاریم، بر اهمیت نوع برخورد و مواجهه آگاه خواهیم شد. از این رو، هرگونه برخورد از موضع قدرت و همراه با تهدید و اقتدار، به ویژه از سوی نهاد حکومت، می تواند به موضع گیری شدید نیروی مقابل و حتی تشدید آن آسیب ها و در مقاطعی، شکل سیاسی گرفتن آن ها بینجامد که به هیچ روی مطلوب نیست. هم چنین در گفتار و رفتار نیز برخوردهای آمرانه و حساسیت برانگیز و بهره گیری از کلمات خشن یا توهین آمیز می تواند به اثر معکوس منجر شود.

۹. استفاده از شیوه های تبلیغات روانی

۹. استفاده از شیوه های تبلیغات روانی

امروزه، فن آوری ارتباطات و اطلاعات که کار اصلی اش، شکل بخشیدن به افکار، اندیشه و احساسات و خواسته های بشر است، مهم ترین و اساسی ترین ابزار قدرت دانسته می شود؛ چرا که بر درونی ترین لایه های ذهنی و روانی انسان ها تأثیر می گذارد و حتی سلیقه های او را نیز تغییر می دهد. از این رو، در مقابله و مبارزه با آفت ها و آسیب های فرهنگ عاشورا باید از ابزار تبلیغات روانی و احساسی بهره گرفت. این وظیفه بر دوش نهادهای مدنی و فرهنگی، مراجع تقلید، علما و فضلالی حوزه،

اندیشمندان دین باور دانشگاه، فرهنگیان و معلمان متعهد و در مجموع، صاحبان فکر و اندیشه مصلحانه است که با نگاشتن کتاب‌ها، مقالات و رساله‌ها، صدور برخی از فتوهای متناسب و به جا در موقعیت مناسب، ایراد سخن رانی‌ها و منبرهای راه گشا و روشن بینانه، گوشزد کردن به موقع و مکرر مسایل از زوایای گوناگون با بیانی گویا و گیرا، نکوهش این آفت‌ها و آسیب‌ها از منظر دینی و نیز طرح آموزه‌های والا و ناب عاشورایی، به مقابله با آن‌ها برخیزند. در واقع، می‌توان با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی ای چون ترغیب روانی جامعه، ناپسند نشان دادن این آفت‌ها و آسیب‌ها، تحریم اجتماعی برخی روش‌ها و افکار، در تنگنا قرار دادن فرهنگی کسانی که به طرح آموزه‌ها و روش‌های خرافی و تحریفی می‌پردازند و دیگر وسایل، به فرهنگ سازی دست زد. برای این منظور نیز باید به دور دست نگریت و حرکت تدریجی و گام به گام را در نظر داشت. البته برخورد جدی و مؤثر با بهره‌مندان از این آسیب‌ها و ناآگاهان متعصب را نباید فراموش کرد که با اینان نیز باید به همین شیوه و به صورت جمعی و بایکوت کردنشان و نیز با پاسخ‌های استدلالی و اقناعی و شفاف نمودن مسایل و روشن کردن اهداف آنان برای مردم مواجه شد.

در این جهت، نقش رسانه‌های جمعی، به ویژه صدا و سیما بسیار کارساز است؛ به ویژه که امروزه، شبکه‌های استانی صدا و سیما نیز می‌تواند با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی هر استان، این مهم را انجام دهند. همین طور مطبوعات، هم در سطح کشوری و هم در سطح محلی رسالت و نقش عظیمی بر عهده دارند. البته با کمال تأسف گاه و بلکه بسیاری مواقع با توجه به کمبود هنری در زمینه‌های مذهبی در صدا و سیما و افزوده شدن بر ساعت‌های برنامه‌های آن، شاهد پخش برنامه‌های نامناسب، تحریفی و ناپالوده از این رسانه ملی هستیم که بیش تر نوع آسیب‌های جدید را در بر می‌گیرد. به عنوان مثال، در پخش برنامه‌های زنده مداحی با استفاده از برنامه‌های آرشیوی این کم دقتی به چشم می‌آید. این نیز شاید به بهانه جذب نسل جدید انجام گیرد که یکی از توجهات کلی این گونه برنامه‌هاست. که به طور قطع نمی‌تواند این

گونه اثری داشته باشد و در نهایت به از بین رفتن قداست و وجاهت مراسم عزاداری می انجامد.

۱۰. پویا سازی و تلفیق روش ها

۱۰. پویا سازی و تلفیق روش ها

عزاداری، امری مدنی و اجتماعی و دینی است که همانند دیگر امور این چنینی نیازمند پویایی برای رشد و توسعه و ماندگاری فعالانه است؛ و گرنه به ورطه انفعال، روزمرگی و انحطاط خواهد غلتید. براین اساس، برای روز آمد سازی فرهنگ عاشورا و عزاداری و کارآمد سازی آن در جامعه کنونی، نیازمند حرکت اساسی و روشمند مبتنی بر آموزش ها و دانش های لازم است.

تلفیق روش های سنتی با روش های نو، به گونه ای هم سازانه و نه واسازانه، یعنی به صورتی هماهنگ و متناسب، تفسیرهای متقن و در عین حال بکر و نو از اندیشه های مرتبط با قیام عاشورا، تا راه را بر ورود روش های ناهم ساز و ناهنجار و اندیشه های نامناسب مسدود سازد، از نیازهای امروز است. نمی توان در حالت رکود و ایستایی، به سر برد و هیچ حرکت و ابتکاری نشان نداد و برای درک مسایل نو و پاسخ به آن ها، هیچ تلاشی نکرد و تنها بر اندیشه و عملکرد دیگران خرده گرفت و از بی محتوا و وهن آلود شدن موضوعاتی چون عزاداری ها، تأسف خورد؛ بلکه باید فعالانه و مبتکرانه در جهت شناخت دقیق سنت ها و فهم درست منطق زمانه و خواست عمومی، در این عرصه، عالمانه، گام هایی نو، مناسب و بهنجار برداشت.

این مسأله، در تمام عرصه های مرتبط با موضوع، مانند: شعر و شاعری، ذکر و ذاکری، مدح و مداحی، روضه و روضه خوانی، منبر و سخن رانی، وعظ و خطابه، صدا و تصویر قابل تطبیق است. به نظر می رسد شاعران باید به تولید انبوه شعرهای بکر عاشورایی متناسب با مجالس عزاداری پردازند که انواع شعر را دربرگیرد. هم چنین با توجه به استقبالی که از دو بیتی ها و اشعار در قالب ترانه وجود دارد، باید به تولید این نوع اشعار با مضامین والا و غنی که به ابتدال کشیده نشود، پردازند. دانش موسیقی نیز امروزه کاربرد فراوانی پیدا کرده است. از این رو، لازم است تا

دستگاه های هم صوتی هم خوان با مجالس عزاداری، به صورت شایسته ای به مداحان آموزش داده شود و مداحان بزرگ، به نوآوری در تولید نغمه های موسیقی در این زمینه پردازد. تا کار مداحان جدید که به شکلی می توان آن ها را «مداحان مدرن» نیز نامید، یک سره به تقلید مبتذل از موسیقی ها و ترانه ها خلاصه نشود.

فصل هفتم: پیشینه و جریان شناسی مبارزه با آسیب های فرهنگ عاشورا

اشاره

فصل هفتم: پیشینه و جریان شناسی مبارزه با آسیب های فرهنگ عاشورا

نخستین گام برای شناخت موضوع، آن است که مشخص سازیم منظور از جریان شناسی و پیشینه مبارزه با آسیب های فرهنگ عاشورا چیست؟ و درصد کاوش چه محدوده زمانی هستیم. بنابراین، در ابتدای بحث، روشن می سازیم که منظور، مبارزه با آن ها به عنوان یک سنت اجتماعی خاص است. محدوده زمانی آن را نیز، آغاز نخستین حرکت های روشن فکری در ایران و ورود مدرنیسم بدان فرض می گیریم و هم چنین محدوده مکانی آن نیز، عمدتاً ایران، عراق، لبنان و سوریه می باشد که بیش ترین شیعیان را در خود جای داده است؛ حال باید به این پرسش پاسخ داد که سابقه این مقابله و مبارزه از چه زمانی است؟ همان گونه که پیش از این یادآور شدیم، آسیب های عزاداری، در درون آسیب های دینی و نهادهای دینی قابل بررسی است و این آسیب ها، شعبه ای از آسیب های کلیت نهادهای دینی است. بنابراین، با توجه به این که عزاداری را جز در مقطعی در زمان آل بویه که چندان دوام نیاورد و سپس در اواخر تیموریان در هرات، در دوره صفویه به بعد چندان نمی توانیم به عنوان یک سنت اجتماعی ردگیری کنیم، در عمل نباید از آن سخن بگوییم. گرچه در طی دوران مختلف تاریخی، شاهد مبارزه با آسیب های دینی چه از سوی فقیهان و عالمان و همچنین از سوی عارفان، صوفیان و شاعران عارف مسلک هستیم؛ برای مثال در این راستا، نکته گویی های حافظ و سعدی و دیگر شاعران قابل ذکر است. ولی مواجهه جدی و روشمند با آسیب ها را، باید از مقطع ورود مدرنیسم در ابتدای دولت قاجاریه به شمار آورد و ما نیز آن را به عنوان نقطه آغازین به رسمیت می شناسیم.

در این راستا نیز از نظریه تأثیر زمان ها و حکومت ها بر افکار و اندیشه ها بهره می گیریم. اینک باید به پرسش بعدی پردازیم که جریان شناسی را بر چه مبنایی انجام دهیم و بر اساس چه الگویی به تحلیل آن پردازیم.

به نظر می رسد که جریان شناسی را بتوان بر سه پایه سامان داد. از حیث زمان که آن را به دوره های قاجاریه، پهلوی اول، پهلوی دوم و انقلاب اسلامی تقسیم کنیم یا بر اساس نحوه نگرش که برون دینی، درون دینی یا تلفیق از این دو بوده است و نیز بر اساس انواع طبقات درگیر با آن، یعنی به سه جریان روشن فکری غیر دینی، روشن فکری دینی و عالمان دینی... .

ما در این مجال، بر اساس الگوی سوم، به بررسی موضوع می پردازیم. به الگوی اول و دوم نیز در جریان بحث اشاره خواهیم کرد.

الف) روشن فکری غیر دینی

الف) روشن فکری غیر دینی

جریان روشن فکری غیر دینی با پذیرش کامل مبانی فکری تمدن غرب چون اومانیسم، راسیونالیسم (عقل گرایی) و لیبرالیسم، در صدد نفی و نقد تمامی آموزه های دینی و نشان دادن آن ها به عنوان عامل بدبختی است. یکی از سویه های این نقادی، سنت های دینی مسلمانان و شیعیان است که به طور کلی مورد هجمه قرار می گیرد. و عزاداری شیعیان، از زمره این سنت هاست که بدان تاخته می شود. در این زمان که پوزیتیویسم (اصالت) حس و تجربه در حال پیمودن نقطه اوج خود است، این تلقینات به شدت متأثر از آن می باشد.

از این رو، اگرچه هدف روشن فکران غیر دینی، اصلاح نیست، بلکه اساس عزاداری و حتی نهادهای مذهبی را انکار می کردند، ولی از آن جا که بر فضای کلی نخبگان و جامعه تأثیراتی نهاده اند و به نوعی برانگیزاننده روشن فکران دینی و عالمان دینی در پاسخ به آن ها بوده اند، ذکرشان لازم است.

میرزا فتحعلی آخوند زاده (۱۲۲۷ _ ۱۲۹۵ ق) از جمله نخستین پیشاهنگان روشن فکری غیر دینی است که تمامی نهادهای آموزه ها و سنت های دینی را به تمسخر و

هجمه گرفته و آرزوی نابودی آن‌ها را دارد. (۱) وی درباره عزاداری و روضه خوانی، می‌نویسد:

مگر مصیبت‌ها و درد خود آدم کم است که با نقل گزارش هزار ساله، اوقات خود را دائماً تلخ بکند و به جهت عمل بی‌فایده از کسب و کار بازماند. از این تعزیه داری، اصلاً نه برای تو فایده‌ای است و نه به جهت امام. (۲)

ای بیچاره خلق! تعزیه می‌داری به صورت، شاخصی و اخسی می‌زنی به هر صورت، به سر و سینه می‌کوبی به هر صورت به تن و اندام خود چرا کارد فرو می‌کنی. (۳)

دیگر روشن فکر غیر دینی میرزا عبدالحسین آقاخان کرمانی (۱۲۷۰ _ ۱۳۱۴ ق) است که سرگذشتی پرماجرا دارد. وی به ابزار انگاری و نسبیّت پراگماتیستی در حوزه دین معتقد است و همین است که او را از حالی به حال دیگر گردانیده است؛ شیعه بوده، سپس ازلی شده و آن‌گاه دوباره به اسلام سیدجمال گراییده است. وی به شدت مخالف اعراب است و به تبع آن، اسلام را مورد تاخت و تاز قرار می‌دهد.

او از این منظر وهم از دیدگاه کلی نیز به شدت، عزاداری در آیین سوگواری امام حسین علیه السلام را مورد نفی و نقد قرار می‌دهد. او می‌نویسد:

شهر یاران ایران، به عوض این که حکومت ظلم را براندازند و ملت را از فقر و حقارت برهانند، به تکیه دولت می‌روند و بساط تعزیه‌واری می‌آرایند... آیین عزاداری و ماتم‌گری، روح شادی و کامرانی را از میان این ملت برانداخته، روزشان را چون شب تار ساخته است. ایرانیان که با

۱- مقصود فراستخواه، سرآغاز نواندیشی معاصر دینی و غیر دینی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۳، ۱۳۷۷، ص ۷۶.

۲- مقصود فراستخواه، سرآغاز نواندیشی معاصر دینی و غیر دینی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۳، ۱۳۷۷، ص ۷۵.

۳- مقصود فراستخواه، سرآغاز نواندیشی معاصر دینی و غیر دینی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۳، ۱۳۷۷، ص ۷۵.

حبيب بن مظاهر هيچ قرابت و خویشی ندارند، روز سوگواری هزار سال پیش را برپا می کنند. بر مظلومان آن زمان می گریند و حال آن که معاون ظالم و بدخواه مظلوم هستند. (۱)

هر آینه به جای آه و ناله و شیون و زاری که در عرض یک سال سر می دهند، اندکی به روز زار خودشان می اندیشیدند، اساس ظلم را به کلی از مرز و بوم ایران برانداخته و خود را صاحب ثروت و تمدن و شرافت ساخته بودند. (۲)

البته نمی توان این معنا را نادیده انگاشت که در میان این سخنان و کلمات، نکات مثبت و درستی نیز یافت می شود و اساساً این گونه تفکرات بود که در سال های بعد بر بسیاری از عالمان و روشن فکران دینی تأثیر نهاد و از این جنبه نیز اثر مثبتی داشت.

اما شناخت اجمالی از آرا و اندیشه ها و پیشینه این روشن فکران بر ما روشن می سازد که نگرش آن ها، نه به قصد اصلاح که به قصد از جابرکندن ریشه سنت های دینی بوده است و کلیت آن را به دیده انکار می نگرسته اند. هم چنین زاویه نگاه آن ها و فضای فکرشان، کاملاً فضای فکری برون دینی است و از زاویه عقل خود بنیاد به دین می نگرند.

این جریان را در عصر مشروطه و پس از آن نیز تا زمان رضاخان و پهلوی دوم تا به امروز می توان ره گیری کرد. در دوره رضا خان نیز دقیقاً بر اثر همین افکار و اندیشه هاست که سنت های دینی، از جمله عزاداری، موجب نگون بختی جامعه ایرانی معرفی می گردد و به ممنوعیت آن می انجامد.

در این میان، باید به اندیشه های فردی اشاره کنیم که در میان روشن فکران

۱- فریدون آدمیت، اندیشه های میرزا آقا خان کرمانی، تهران، پیام، ۱۳۵۷، ص ۲۰۶، به نقل از هفتاد و دو ملت، ص ۱۲۱.

۲- فریدون آدمیت، اندیشه های میرزا آقا خان کرمانی، تهران، پیام، ۱۳۵۷، ص ۲۰۶، به نقل از صد خطابه، خطابه ۳۱.

غیردینی... به معنای پیش گفته _ بیش از همه به این موضوع پرداخته و با وجود نبوغ و وسعت اطلاعات، راه انحراف گزیده و تا مرحله خلق آیین تازه پیش رفته است. او احمد کسروی نویسنده روشن فکری است که سرانجام به دست فداییان اسلام کشته شد. به نظر می رسد که قضاوت های او، بیش تر به سبب دو چیز است:

۱. عقل محوری و علم محوری او؛ ۲. خرافات فراوانی که در آن زمان رواج داشته است.

همین مسأله، موجب شد که با وجود گزارش های تقریباً جالب و دقیق او، قضاوت هایش ناروا باشد. او برخی از خرافات را همانند آمدن سنگ به زیارت، گفتن «کشته شدن حسین» توسط مرغی در کربلا، چسبیده شدن زن و مرد زناکار به یکدیگر و مانند این ها یاد می کند.^(۱) وی با اشاره به تاریخچه عزاداری در زمان آل بویه و آغاز دوباره آن در زمان صفویه، به شرح جزء به جزء اعمال شیعیان در ماه محرم می پردازد. و مراسمی چون سیاه پوشیدن، نخل برداری، قمه زدن، شبیه سازی، دسته راه انداختن و... را یاد می کند و از اختلافات حیدری و نعمتی سخن به میان می آورد.^(۲) آن گاه به زعم خود، زیان های عزاداری را بر می شمارد. وی موافق نبودن این مراسم را با خرد و دانش، فرونشاندن آتش غیرت در برابر ظالمان و بیگانگان و گستاخ شدن شیعیان در بدکاری را، علل زیان بار دانستن آن ذکر می کند؛ حال آنکه عزاداری در حالت کلی خود، موجب برانگیختن دانش و آگاهی بوده و آتش غیرت شیعیان را برانگیخته و درست کرداری را رواج داده است. بنابراین، او به ذهنی گرایشی یا جزء گرایی گرفتار شده و نتوانسته تمامی واقعیت های موضوع را در کنار هم ببیند. کسروی با پیش کشیدن بحث گریه بر امام حسین علیه السلام به قصد آمرزیدن گناهان که عالمان آگاه نیز

۱- احمد کسروی، شیعی گری، بی نا، بی تا، صص ۶۷ _ ۶۸.

۲- احمد کسروی، شیعی گری، بی نا، بی تا، ص ۷۴.

با آن مخالفند و با تعمیم تلقی عوام به اساس تشیع، سعی بر مشوه کردن چهره شیعی و عالمان شیعی دارد. او با همین نگرش می نویسد:

اگر شما با یک شیعی که به کربلا می رود به سخن پرداخته، پرسید: چرا به کربلا می روید؟ پاسخ خواهد داد: آقا ما گناه کاریم. باید برویم و از گناهان پاک شویم. اگر بگویید: بهتر است که گناه نکنی تا نیازمند پاک شدن نباشی، با شگفتی پاسخ می دهد: مگر آدم می تواند گناه نکند؟ در تبریز سخنی هست و بارها از زبان هایشان شنیده ام می گویند: «سگ که ناپاک است چون به نمک زار افتاد و نمک گردید پاک می شود. ما گناه کاریم خود را به نمک زار می افکنیم تا پاک شویم اگر نیک اندیشید در این باره، باورهای شیعیان بی ماندگی به باورهای مسیحیان نمی باشد».^(۱)

او، آن گاه به گوهر جان و گوهر روان اشاره می کند و ملامت گری گوهر روان را به یاد می آورد. و در نهایت، عزاداری را نوعی پاسخ انحرافی به این ملامتگری گوهر روان می داند.

چنین کسانی همان که بشنوند اگر کسی به امام حسین علیه السلام گریست یا به زیارت رفت گناهانش آمرزیده شود، هم چون تشنه ای که به آب رسد، با خشنودی و شادمانی بپذیرند و این را یک پاسخی به نکوهش های فرجاد گرفته خود را آسوده گردانند. به گفته عامیان، کور از خدا چه خواهد؟ دو چشم. یک آدم کش، یک انبار دار، یک دزد یک زن بدکاره... به چه نیازمند است؟ یک دستگاه آن چنانی که بی رنج و کوشش گناهان خود را بیامرزد.^(۲)

او سپس نمونه هایی چون تیمور لنگ و صمد خان را که جنایت بسیار کرده اند،

۱- احمد کسروی، شیعی گری، بی نا، بی تا، ص ۷۹.

۲- ضمیر، روان، نفس لواحه.

ولی همراه صوفیان بوده و یا روضه خوانی می کرده اند، ذکر می کند. (۱)

نکاتی را که کسروی بیان می کند، از دیدگاه ما تنها به عنوان برخی مصادیق بد عملی و بی اندیشگی در فرهنگ عاشورا و عزاداری قابل پذیرش باشد. اما کلیت ذهن او، ضد شیعی و غیر اسلامی است و آن چه بیان کرده نیز با این ملاک است و بیان او به قصد اصلاح نیست، بلکه به قصد امحاء است و این را به وضوح بیان می کند، ضمن آن که او از این رهگذر، در صدد طرد و انکار اساس عزاداری است و تمامی مراسم عزاداری را، واجد چنین ویژگی هایی می شمارد و به عمد اثر مثبت آن را نادیده می انگارد و غیر منصفانه به بنیاد آن حمله می کند. بنابراین، او هم در قصد، انگیزه و هدف و هم در تشخیص موضوع دچار کژروی است.

ب) روشن فکران دینی

اشاره

ب) روشن فکران دینی

پیش تر روشن فکر غیردینی را کسانی دانستیم که دین را به عنوان یک متن اصلی به رسمیت نمی شناسند و هیچ دغدغه یا رسالت دینی برای خود نمی شناسند. آن چه از دین نیز می گویند، به واسطه مسایل اجتماعی است؛ ولی روشن فکر دینی کسی است که دغدغه و رسالت دینی دارد و دین را به عنوان متن اصلی محترم می شمارد، آن گاه به تفسیر، اجتهاد، تطبیق و نوآوری دست می زند. با توجه به این تعریف، می توان افرادی مانند سید جمال الدین اسدآبادی و اقبال لاهوری را در زمره روشن فکران دینی برشمرد، اما از آنجایی که پیرامون موضوع عزاداری مطلبی از آنان به دست ما نرسیده، از این رو، در این بخش به کسانی می پردازیم که مباحثی جدی در این موضوع داشته اند.

۱. جلال آل احمد

۱. جلال آل احمد

نخستین شخصیت مطرح، جلال آل احمد است. او با آن که دوره های گوناگونی را از

ورود به حوزه علمیه نجف، تا بی قیدی به اسلام و سپس بازگشت دوباره به آن پیموده، ائمه در مجموع با توجه به فرآیند اندیشه هایش روشن فکری دینی به شمار می آید.

جلال که از خانواده ای روحانی و سنتی است، اندیشه های مذهبی از مهم ترین زمینه های فکری اش به حساب می آید. آل احمد در اواخر دوران دبیرستان، با اندیشه های احمد کسروی و شریعت سنگلجی آشنا می شود و بیش تر تحت تأثیر کسروی قرار می گیرد. بعدها سخت گیری های مذهبی خانواده، باعث می شود به خرافه ستیزی های افراطی کسروی گرایش پیدا کند. براین اساس همراه با چند جوان محصل مذهبی و مؤمن دیگر که درد دین داشتند، قشری گری های متعصبانه مذهبی را خلاف اسلام دانستند، انجمنی به نام انجمن «اصلاح عقاید دینی مردم» تشکیل می دهند که از جمله به نفی اعمالی چون قمه زنی و قفل بندی و مانند این ها می پردازد. در همین زمان است که دست به ترجمه رساله «التنزیه الاعمال الشیعه» با عنوان عزاداری های نامشروع می زند. این رساله، رساله ای است که توسط سید محسن امین، یکی از بزرگان تشیع و از عالمان منطقه جبل عامل لبنان نگارش یافته و در آن، از زاویه ای درون دینی به نفی شیوه های عزاداری پرداخته است. چاپ کتاب، با واکنش سریع و خشم گینانه نیروهای سنتی بازار مواجه می شود. جلال آل احمد در این باره می گوید:

خوش و خوشحال بودیم که انجمن یک کار انتفاعی هم کرده، نگو که بازاری های مذهبی همه اش را چکی خریده اند و سوزانده اند. این را بعدها فهمیدیم. (۱)

این شیوه تفکر جلال، بعدها، زمانی که به حزب توده می پیوندد، به نحو شدیدتری در داستان های او از قبیل «سمنو پزان» و دیگر داستان های او تجلی می یابد و در دوران بازگشت او به اسلام و سنت های اسلامی نیز پابرجاست.

۱- جلال آل احمد، یک چاه و دو چاله، تهران، رواق، ۱۳۵۶ ش، ص ۴۹.

۲. دکتر علی شریعتی**۲. دکتر علی شریعتی**

دکتر علی شریعتی از کسانی است که به طور جدی به این مسأله می پردازد. او بیش تر در دو کتاب خود به نام های شیعه و حسین وارث آدم به این مسأله پرداخته است. مایه بیش تر تحلیل های دکتر شریعتی، برون دینی است؛ اگرچه در آثار دکتر، در مجموع توجه بیش تری به وجوه درون دینی دیده می شود. شریعتی، از دریچه نگاه جامعه شناختی و رهیافت ایدئولوژیکی، به قیام عاشورا و نیز به آسیب های متوجه آن می نگرد و تحلیل می کند و در این جهت، بیش تر تلاش او، متوجه آسیب های معنوی _ اجتماعی است.

او به شدت اتصال تمامی لحظات حیات یک شیعی را به عاشورا می ستاید و آن را آموزه ای در برابر ظلم و ظالمان معرفی می کند و بر این اساس می گوید:

شیعه، این یادآوران ظلم هایی را که رفته است و می رود، ذاکرین خوانده است تا در وقت و بی وقتی... به یادت بیاورند که چه خون ها ریخته اند و چه خون ها می ریزند تا صدای مذهب و مکتب و عدالت را خاموش کنند. (۱)

او از این منظر، وجود عزاداری را لازم می داند تا با یاد آوردن از شهیدانش، شهیدان تازه بسازد. (۲) وی کارکرد عزاداری را «ذکر»، یعنی یاد آوری آن چه دستگاه، اساسی ترین کار تبلیغی اش از یاد بردن آن است، معرفی می کند و ختم همه مجالس شیعه به حسین علیه السلام را از آن جهت می داند که حسین علیه السلام، فاصل حقیقت و دروغ و دیوار جدا کننده جلا و شهید است؛ در نظامی که هم شهید و هم جلا، یک کتاب دارند و یک پیامبر و یک دین. (۳)

از این رو باید اذعان کرد که شریعتی در جهت نفی و پاسخ گویی به دو گروه گام

۱- دکتر علی شریعتی، شیعه، مجموعه آثار ۷، تهران، الهام، چ ۷، ۱۳۷۸، ص ۲۲۳.

۲- دکتر علی شریعتی، شیعه، مجموعه آثار ۷، تهران، الهام، چ ۷، ۱۳۷۸، ص ۲۱۰.

۳- دکتر علی شریعتی، شیعه، مجموعه آثار ۷، تهران، الهام، چ ۷، ۱۳۷۸، ص ۲۲۴.

برداشته است: گروه روشن فکرانی که بر عزاداری خرده می گیرند و نیز گروهی که آن را به یک عامل خمود تبدیل کرده اند. شریعتی، به همین جهت و براساس نظریه تشیع صفوی و تشیع علوی خود و در آن ظرف زمانی که زیسته است، می نویسد:

و اکنون اشرافیت صفوی، نقاب تشیع زده است. شعارش، منقبت و ذکر! تا حقیقت علی پایمال شود و فکر حسین، فراموش. این است که وقتی زور هم بر ذکر تکیه می کند، دیگر ذکر نقش انقلابی ندارد و ذاکر، نه یک روشن فکر مترقی که یک ابزار تبلیغاتی در نظام موجود می شود. این است که... دیگر یاد رسالت نیست، رسالت شناخت است. طرح واقعه نیست، تحلیل واقعه است. حجت نیست، معرفت است. (۱)

شریعتی بر پایه همین الگویی فکری، از تحریف در تاریخ به شدت شکوه می کند و از مسخ حقیقت می نالد:

مسأله این است که برای سرور شهیدان عالم که تا لحظه شهادت، زنده میرا بود و بعد از شهادت، زنده جاوید است و حی حاضر تمام زمان ها و زمین ها، عده ای مرده متحرک عزاداری می کنند و نمی فهمند که این گونه عزاداری، برای مرده ذلیلی چون خود اوست؛ نه برای زنده جاویدی چون حسین [علیه السلام]. اختلاف بر سر این است که کار حسین برای آن است که با گریه بر مرگش، لش بودن خود را جبران کنیم و ثوابی نثار ارواحمان یا با پیروی از او لش بودن را در خود بمیرانیم و روح حیات را بر کالبد مرده های متحرکمان بدمیم. (۲)

شریعتی با آن که از تمامی ابعاد عزاداری، وجهی حماسی به دست می دهد و حتی عروسی قاسم را نیز توجیه می کند، (۳) ولی از این که نهضت عاشورا مکتب عزا نشده

۱- دکتر علی شریعتی، شیعه، مجموعه آثار ۷، تهران، الهام، چ ۷، ۱۳۷۸، صص ۲۲۵، ۲۲۶.

۲- دکتر علی شریعتی، شیعه، مجموعه آثار ۷، تهران، الهام، چ ۷، ۱۳۷۸، ص ۱۴.

۳- دکتر علی شریعتی، شیعه، مجموعه آثار ۷، تهران، الهام، چ ۷، ۱۳۷۸، ص ۲۱۰.

است و بر آن می‌گرییم، ولی نه آن را می‌شناسیم و نه می‌فهمیم و نه بدان می‌اندیشیم، گلایه دارد. (۱)

وی در جای دیگر نظریه «فدا» را بدین گونه به نقد می‌کشد:

نظریه عامیانه ای که تحت تأثیر روح صوفیانه و بینش مسیحیت (شهادت حلاج و عیسی مسیح) می‌گوید حسین علیه السلام برای کشته شدن قیام کرد، نه برای مبارزه با حکومت تا خود را فدای امت کند و محبان اهل بیت را که مشغول کبائرند، در قیامت شفاعت نماید و حتی سئیاتشان را در روز قیامت، تبدیل به حسنات کند و در عالم ذر و صبح ازل، با خدا عهد کرده است که لب تشنه شهید شود، همان نظریه مسیحیت است در فلسفه شهادت مسیح که خود را فدای شریعت کرد؛ یعنی خونش را فدیة داد و قربانی کرد تا خدا، بچه های آدم را که پس از گناه اولیه آدم، از بهشت طرد شده اند، ببخشد و به بهشت وارد کند. این نظریه، ماهرانه ترین حيله ای است که با حفظ عظمت و جلالت حسین علیه السلام، شهادت او را پوچ می‌کند و خالی از معنا و محتوی و... هیچ، و در عین حال، جلادان کشنده حسین را هم تبرئه می‌کند؛ چون آن‌ها هم نه به اراده و انتخاب خود، که به مشیت الهی بر این کار انتخاب شده اند. نیز همه جباران یزیدی و بیعت‌گیری‌ها معاویه ای را برای همیشه از خطر عاشورا و خاطره حسینی مصون می‌سازند تا جهت شهادت را از مقابله با قدرت‌های جوری و غضب، به سوی هیچ، علیه هیچ کس و هیچ چیز منحرف کنند. (۲)

شریعتی آن‌گاه به مقایسه این نظریه و نظریه شهید جاوید می‌پردازد که رسالت عاشورا را قیام و جهاد برای نابود کردن نظام یزیدی و به دست گرفتن حکومت تفسیر می‌کند و نظریه شهید جاوید را به قول خود از آن گونه شهادت صفوی

۱- دکتر علی شریعتی، حسین وارث آدم، مجموعه آثار ۱۹، تهران، قلم، چ ۷، ۱۳۷۸، ص ۱۷۲.

۲- دکتر علی شریعتی، حسین وارث آدم، مجموعه آثار ۱۹، تهران، قلم، چ ۷، ۱۳۷۸، صص ۱۸۸ - ۱۸۹.

(صوفی) مسیحی که بزرگ ترین توطئه دوستانه بر ضد عاشورا و امام حسین علیه السلام است، مثبت تر و مترقی تر می داند.

البته آن گاه که در مقام مقایسه این نظریه، با نظریه خود که کلید واژه اش شهادت است، برمی آید، نظریه خود را موجه تر و مترقی تر از نظریه شهید جاوید می داند و آن را _ نظریه شهید جاوید _ قیام شکست خورده حسین علیه السلام تفسیر می کند. تمام نظریه او را می توان در این جمله اش خلاصه کرد:

شهید هنگامی که به میدان می آید که مجاهد شکست خورده است. (۱)

به هر حال، نظریه او در باب قیام حسینی، فلسفه شهادت برای افشای چهره ظلم و ظالمان است. این معنا در شرح او از مجاهدات عمار کاملاً آشکار است (۲) و نظریه اش در باب فلسفه عزاداری، «ذکر» آن شهادت هاست که باید کارکردی حماسی، افشاگرانه و برانگیزاننده بر ضد ظلم داشته باشد. از این رو، تلاش اصلی شریعتی، در راه تبیین و تفضیح تحریف معنوی عاشورا است. پس برای شناساندن و طرح تحریف لفظی تلاشی به کار نمی برد و به طرح آن ها نمی پردازد. حتی اگر آن ها بار حماسی و ایدئولوژیک داشته باشند، از ذکر آن تحریف ها ابایی نمی کند (عروسی قاسم). بنابراین، او هر چیزی را که مخالف فرآیند ظلم ستیزی باشد، هر چند بدون پایه نقلی مستحکم، به دیده قبول و هر چه را برخلاف آن باشد، هر چند با نقل محکم، به دیده رد می نگرد. افزون بر آن، او چندان به جزئیات عاشورا اهمیت نمی دهد؛ چرا که او از دیدگاه جامعه شناختی و نه تاریخی در ابعاد کلی که بتواند الهام بخش باشد، به بررسی عاشورا و عزاداری می پردازد.

دکتر علی شریعتی مصداق بارز برخوردار روشن فکری دینی با مسأله عزاداری

۱- دکتر علی شریعتی، حسین وارث آدم، مجموعه آثار ۱۹، تهران، قلم، چ ۷، ۱۳۷۸، ص ۱۸۹.

۲- دکتر علی شریعتی، حسین وارث آدم، مجموعه آثار ۱۹، تهران، قلم، چ ۷، ۱۳۷۸، ص ۱۹۱.

است؛ زیرا وی به تئوری سازی انقلابی از درون مکتب تشیع و اسلام، برای مبارزات در حال شکل گیری زمان خود دست زده و بر گروه زیادی از روشن فکران دینی پس از خود تأثیر فراوانی داشته است. هم چنین وی برای نخستین بار و به شکلی پر دامنه، به طرح و بازسازی عناصر و مفاهیم درونی تشیع پرداخته و نیز بازتابی از هم گرایی و واگرایی دوسویه میان عالمان دینی و روشن فکران است.

بیش تر روشن فکران دینی با تأثیر از وی، به طرح الگوهایش می پردازند. در این میان، نقدی که بر شریعتی وارد است، یک جانبه نگری و تحلیل جامعه شناختی _ ایدئولوژیک همه مسایل است که کم تر جایی برای مسایل عاطفی، تاریخی و اعتقادی باقی می گذارد و گاه نیز دچار نتیجه گیری های احساسی و غیرعلمی می شود. در مجموع می توان گفت نظریه او و نوع نگاهش، از جامعیت برخوردار نیست.

۳. محمد رضا حکیمی

۳. محمد رضا حکیمی

دیگر شخصیتی که در این جا باید از او یاد کرد و اندیشه هایش را باز گفت، محمد رضا حکیمی است. اگر چه او دانش آموخته حوزه علمیه است و از نظریه پردازان و شارحان «مکتب تفکیک»، ولی نوع نگرشش به مسایلی هم چون عاشورا، بیش تر متکی بر مسایل جامعه شناختی است.

گفتمان غالب حکیمی، گفتمان عدالت است و او بیش از هر چیز، بر عدالت پا می فشرده. از این رو، عاشورا را نیز در این قالب تحلیل می کند. او با ادبیات خاص و حماسی خود، در این عرصه حضور می یابد و با همان نگاه، فرهنگ عاشورا و عزادرای نزد شیعیان را به نقد می کشد و از دست رفتن فرصت های پیشین، غمگانه اظهار تأسف می کند:

افسوس که شیعه، بیش تر بر مصایب عاشورا گریست و کم تر در مسایل عاشورا اندیشید. شیعه، عاشورا را نگهداشت، لیکن درست شناساند. آفرین بر او که نگاه داشت و دریغ از او که شناساند و این در حالی است که قیام عاشورا، در هر قطره اش یک شعر ناب قوی، یک محتوای ژرف غنی، یک

مکتب آموزنده انسانی یک ترتیل خوان های، بر آیات قرآنی یک سجده ترنم نورانی، یک سیال حرکت آفرین اخلاقی و یک حماسه در صیوررت آهنگ بشری است. (۱)

نوع نگاه او، همانند شریعتی، بیش تر بر استخراج آموزه های حماسی و مبارزاتی، اما با تکیه بر عدالت است. گرچه برخی عبارات او، مبالغه آمیز به نظر می آید.

ج) عالمان دینی و روحانیت

اشاره

ج) عالمان دینی و روحانیت

زیر فصل ها

۱. میرزا حسین نوری

۲. سید عبدالحسین شوشتری

۳. شیخ محمدباقر خراسانی بیرجندی

۴. محدث قمی

۵. شیخ عبدالکریم حائری

۶. آیت الله بروجردی

۷. علامه سیدمحسن امین

۸. امام خمینی رحمه الله

۹. شهید مطهری رحمه الله

۱۰. جریان شهید جاوید

۱۱. علی صفایی حائری

۱۲. آیت الله سیدعلی خامنه ای

در میان عالمان شیعی، نخستین حرکت جدی، هوشمندانه و چالش‌گرانه را باید از آن مرحوم محدث نوری رحمه الله دانست. (۲)

تا پیش از این، از برخوردهای انتقادی خبری نبوده و یا اگر بوده، سطحی به نظر می‌رسیده است. محدث نوری در اواخر دوره قاجار می‌زیست؛ دورانی که کتاب‌ها حاوی مطالب سست، دروغ و بی‌پایه و مبتنی بر شنیده‌ها و برداشت‌ها بسیار شده و نیز روضه‌های ناراست و منبرهای ناپیراسته و ناخالص، از هر جهت فراوان گشته بود. میرزا حسین نوری با توجه به این که سالیان دراز در روایات غور کرده و کتاب‌شناسی ماهر به شمار می‌رفت، وظیفه خود را مبارزه با تحریفات و خرافه‌ها دانست. سرآغاز و انگیزه آن نیز شکوه یکی از عالمان هندوستان از دروغ‌ها و نادرستی‌هایی بود که در روضه‌های آن سامان راه یافته بود. ایشان پس از فراغت از تألیف کتاب المستدرک الوسائل، به نگارش لؤلؤ و مرجان همت گمارد و آن را در اواخر ۱۳۱۹ ق، یک سال پیش از وفاتش به اتمام رساند. (۳)

شهید مطهری رحمه الله لؤلؤ و مرجان را کتابی کم‌نظیر می‌داند و به تمجید بسیار از

۱- محمد رضا حکیمی، قیام جاودانه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۳، ص ۷۸.

۲- رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ص ۳۱۲.

۳- لؤلؤ و مرجان (چشم‌اندازی به تحریفات عاشورا) ص ۵.

نویسنده آن می پردازد. (۱) نگرش محدث نوری در این کتاب، کاملاً درون دینی بوده و براساس روایات و احادیث به بحث پرداخته است. وی وظایف و صفات روضه خوانان و منبریان را در دو فصل اخلاص و صدق بیان می کند. در این راستا، بیش ترین توجه ایشان، متوجه تحریف های لفظی و یا مربوط به نیت و روش عزاداری است و بسیار کم به تحریف معنوی توجه شده که با فلسفه قیام و فلسفه عزاداری ارتباط دارد.

با این حال، لحن صریح و گزنده و استدلال های متین و محکم روایی و شرعی، ارزش خاص به این کتاب بخشیده است. شجاعت او در نقد بسیاری از اخبار، روایات، روضه ها و مقاتل مقبول و باور شده مردم و نیز انتقاد صریح از سکوت و رضا و گاه ترویج آن ها توسط دستگاه روحانیت و مقصر دانستن اهل علم، مقامی والا، برجسته و پیشرو به ایشان داده است.

این مسأله وقتی نمایان تر می شود که فضای فکری موجود آن زمان را بدانیم.

بیش تر مطالب کتاب، نقد کتاب مرحوم فاضل دربندی به نام اکسیر العباده فی اسرار الشهاده است که مشتمل بر تحریف های بسیاری بوده است. نیز گاهی به نقد روضه الشهداء ملا حسین کاشفی می پردازد که در آن زمان، از بیش ترین اقبال برخوردار بوده و متن رسمی روضه خوانان به شمار می رفته است.

۲. سید عبدالحسین شوشتری

۲. سید عبدالحسین شوشتری

پس از محدث نوری، باید از سید عبدالحسین شوشتری نام برد که کتاب اکسیر السعاده فی اسرار الشهاده را در سال ۱۳۱۹ق نگاشته و بسیاری از مطالب آن، معطوف به نقد کلمات فاضل دربندی است. او برای عزا و گریستن بر ائمه، فضیلت خاصی مقدم بر تمام معارف و طاعات و عبادات قایل است، ولی آن را به تحقق شرایطی که

مهم ترین آن ها عدم تحریف آن است، منوط می داند.

۳. شیخ محمدباقر خراسانی بیرجندی

۳. شیخ محمدباقر خراسانی بیرجندی

از کسانی که در باب آداب منبر کتابی نوشته، شیخ محمد باقر خراسانی بیرجندی است. کبریت احمر فی شرائط المنبر نام کتاب اوست که در سال ۱۳۳۰ ق نوشته شده است. این کتاب، جامع تر از کتاب محدث نوری بوده و در آن، به تمامی آداب منبر و مجالس و عظمی، اعم از منبری، شنونده، بانی و... پرداخته است.

۴. محدث قمی

۴. محدث قمی

مرحوم حاج شیخ عباس قمی، از شاگردان زیر دست محدث نوری است که به پیروی از استادش، حساسیت خاص بر نقل های ساختگی دارد. محدث قمی کوشید تا نفس المهوم را براساس متون صحیح بنویسد و حادثه کربلا را بازسازی کند.

۵. شیخ عبدالکریم حائری

۵. شیخ عبدالکریم حائری

هم چنین باید از آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۷۶ _ ۱۳۵۵ ق) یاد کرد که در مجموع فقهی اصلاح گر به شمار می آید. نظرات ایشان راجع به مسایلی هم چون تخصصی کردن ابواب فقهی و مانند این ها، نشان دهنده دید عمیق او است.

در باب عزاداری نیز، او در خصوص خرافات و مسایل زاید و موضوعات خلاف شرع، بسیار حساس بوده و از آن جلوگیری می کرده است؛ چنان چه به فرموده امام خمینی رحمه الله شبیه خوانی را در آن زمان با توجه به اشکالات فراوان وارد بر آن، به مجلس روضه خوانی مبدل کرد. (۱)

۶. آیت الله بروجردی

۶. آیت الله بروجردی

می توان از آیت الله العظمی سید محمد حسین طباطبایی بروجردی، به عنوان کسی که تفکرات ضد تحریفی داشته، نام برد.

۱- قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی رحمه الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چ ۲، ۱۳۷۳، ص

ایشان، رؤسای هیأت‌ها را از تحریف بازمی‌دارند، ولی در نهایت آن‌ها بدان تمکین نمی‌کنند و خود را به جز ده روز محرم، مقلد آیت‌الله می‌دانند و براساس روال همیشگی، وضعیت تداوم می‌یابد.

۷. علامه سیدمحسن امین

۷. علامه سیدمحسن امین

علامه سید محسن امین جبل عاملی، نویسنده مجموعه عظیم اعیان الشیعه به حق یکی از بزرگ‌ترین ستیزه‌جویان با برخی از تحریف‌ها و آسیب‌های فرهنگی عاشورا و عزاداری است و این نحوه برخورد او، در میان عالمان دینی کم‌تر سابقه داشته است. مهم‌ترین کتاب ایشان در این باره رساله مختص التزیه لاعمال الشیعه است که توسط جلال آل احمد در سال ۱۳۲۲ ش به فارسی ترجمه شده است. او با بهره‌گیری از دو روش استقرای تاریخی و استناد به ادله اربعه فقهی، به بیان منظور خود و برهانی کردن آن‌ها در رد برخی اعمال عزاداری می‌پردازد. از لحاظ تاریخی، اعمالی چون قمه زنی، شاخ حسینی، جیغ زدن و فریاد کردن را در زمان قدرت شیعه چون زمان آل بویه، غیر واقع می‌داند (۱) و از لحاظ فقهی، به آیاتی از قرآن چون آیه رفع حرج، روایاتی چون زینت بودن شیعه برای امامان و نه مایه سرافکنندگی _ آنان _ که از امام صادق علیه السلام روایت شده است _، و روایت شریعت سهله سمحه و فتاوی مجتهدانی چون میرزای شیرازی، میرزای قمی و سید ابوالحسن اصفهانی و محمد حسین کاشف الغطاء؛ و حرام دانستن هر کار مخالف عقل، استناد می‌کند.

کتاب دیگر او در این باره، المجالس السنیه است که در آن، براساس گفته خود مؤلف، قصد تصحیح اخبار نادرستی که بر سر منابر به ائمه نسبت می‌دادند، بوده است. (۲) ایشان در همین جهت، به نگارش کتاب لواعج الاشجان در ذکر مصیبت‌های

۱- سیدمحسن امین، عزاداری‌های نامشروع، ترجمه جلال آل احمد، بوشهر، دریا، ۱۳۷۱، چ ۲، ص ۵۱.

۲- سیدمحسن امین، عزاداری‌های نامشروع، ترجمه جلال آل احمد، بوشهر، دریا، ۱۳۷۱، چ ۲، ص ۴۴.

سیدالشهدا علیه السلام دست زده است. در مجموع، حرکت اصلاحی مرحوم امین، از پایگاه دینی بوده و بنابراین، باید آن را درون دینی دانست؛ اگرچه کل حرکت او را باید از نگرش های روشن فکرانه به شمار آورد. نیز با توجه به اقامت او در جبل عامل لبنان _ کشوری با فرهنگ و دین های مختلف _ بایستی مبارزه او را با خرافات و تحریف ها نتیجه عوامل خارجی محسوب داشت و بازسازی چهره تشیع را، وجهه همت او دانست. وی بیش تر به آسیب ها و تحریف های لفظی یا روشی می پردازد و اگرچه به تحریف های معنوی گاه توجه می کند، ولی این موارد، اندک است.

۸. امام خمینی رحمه الله

۸. امام خمینی رحمه الله

امام خمینی رحمه الله را باید بزرگ ترین شخصیت اندیشمند و سیاست مدار مبارزی دانست که هم در نظر و هم در عمل، موفق به تغییر سمت و سوی ذهنیت توده مردم شد. ایشان تحولی شگرفت را در ساحت فرهنگ عاشورایی رقم زد و گفتمان جدیدی، هم در سطح نخبگان و هم در سطح عامه مردم پی ریخت. عمده حرکت امام را باید احیای نگرش سیاسی به عاشورا، فرهنگ عاشورا و نیز الگوگیری و همانند سازی از آن دانست. حرکت توفنده انقلاب اسلامی و در تداوم آن، هشت سال دفاع مقدس را، باید جلوه اساسی این حرکت امام به شمار آورد که جای جای آن، آکنده از ادبیات قیام، حماسه، شور، مبارزه، دفاع، جهاد و شهادت و احیای اسلام و قرآن است و رزمندگان و سپاهیان میدان، خود را در جای رزمندگان امام حسین علیه السلام در میدان کربلا در روز عاشورا می دانند. از این رو، تفکر امام، بیش تر در راستای مبارزه با تحریف های معنوی عاشوراست که آن را به خمود و جمود می کشاند. نگاه امام، از موضع فقیهی اصلاح اندیش در حوزه فرهنگ دینی؛ و انقلابی، در حوزه عمل سیاسی است. بنابراین، پایگاهی که از آن سخن می گوید، پایگاهی درون دینی است. در گفتار امام خمینی، بیش از هر چیز، برانگیزه های قیام امام حسین علیه السلام تأکید شده و نجات اسلام از خطر تحریف، اصلاح امت و جامعه اسلامی، ظلم ستیزی و عدالت خواهی، امر به معروف و نهی از منکر الهی، تشکیل حکومت عدل اسلامی، نشر اسلام و بقای

آن و نیز عمل به تکلیف الهی، انگیزه های قیام سیدالشهدا دانسته شده است و حضرت امام عینا همین انگیزه ها را بر ضد رژیم شاه و انقلاب اسلامی می دانند. حضرت امام در بیان فلسفه عزاداری، به شدت بر وجه سیاسی عزاداری و پاس داشت فرهنگ عاشورا پای می فشارند، به طوری که شاید هر کجا از عزاداری و گریه و اشک سخن به میان می آورند، بی درنگ بعد سیاسی آن را تذکر می دهند.

امام خمینی رحمه الله به طور جدی بر حفظ سنت عزاداری و روضه خوانی، به همان سبک و سیاقی که پیش از این (انقلاب) بوده، تأکید دارند و به شدت از روشن فکران و کسانی که به تخطئه عزاداری، روضه خوانی و دسته های عزاداری می پردازند، انتقاد می کنند و آنان را از فلسفه و کارکرد این روضه ها و عزاها ناآگاه دانسته و همین گریه و روضه ها را، حافظ مکتب معرفی می کنند. امام، انقلاب اسلامی را دنباله ای از عاشورا بر پایه فرهنگ سیاسی عاشورایی قلمداد می کنند و در این راه، از شعار «کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا» یاری می گیرند. حقیقت نیز چنین است که حضرت امام رحمه الله، حرکت خود را از عاشورا آغاز کرد، با آن ادامه داد و با آن به پایان رساند. نخستین جرعه های آغاز قیام او، از محرم و عاشورا ۱۳۴۲ و از مدرسه فیضیه است. البته امام، همان گونه که از روشن فکرانی که عزاداری را بی حاصل می دانند، انتقاد می کنند، به شدت بر کسانی می تازد که در داخل حوزه ها، فرهنگ عاشورا و عزاداری را بدون نگرش سیاسی مطرح و از آن هدف زدایی می کنند. همچنین امام رحمه الله بر پیرایش و زدودن خرافات و روش های ناپسند و ناصحیح از ساحت عزاداری اصرار دارند و بدان نیز فتوا می دهند و همگان را بدان توصیه می کنند.^(۱)

۹. شهید مطهری رحمه الله

۹. شهید مطهری رحمه الله

-
- ۱- برای آگاهی از مواضع و نگرش های امام رجوع کنید به صحیفه نور، به خصوص جلد های ۳، ۷، ۱۵، ۱۸، ۹ و ۴. و قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی رحمه الله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله؛ به ویژه صص ۶۴ - ۹۸. چشمه خورشید، صص ۳۵۳ - ۳۷۲. مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی رحمه الله دفتر دوم، صص ۱۹۷ - ۲۱۸. و همان، دفتر سوم، صص ۳۱۸ - ۳۳۵.

شهید مطهری رحمه الله سر فصل مستقلى از تفكرات و حركت هاى اصلاحى در فرهنگ عاشورا، هم از حيث گستره و ابعاد آن و هم از جهت ميزان تأثير گذارى است. عمده تفكر او را مى بايد در سخنرانى هاى آن شهيد كه در سال هاى ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۰ صورت گرفته و در سه جلد به نام حماسه خسینى تدوین گردیده، جست و جو كرد؛ به ویژه بخش اول آن كه در بردارنده سخنرانى هايش درباره تحريف در واقعه تاريخى كربلاست.

مطهری، شخصیتی برخاسته از پایگاه حوزه علمیه است که تفكرات فلسفى و عقلاى دارد. او در تهران با حلقه اى از روشن فكران دینى آشنا شد و با آنان پیوند مى خورد، به طوری كه بسیاری از سخنرانى هايش در جمع آنان است. او سپس در همین راستا، به تاسیس حسینیه ارشاد با مشاركت روشن فكران دینى و عده اى از روحانیون هم اندیش خود دست زد كه بیش تر سخنرانى هاى مربوط به حماسه حسینى، از جمله بخش اول آن نیز در این حسینیه ایراد شده است. بنابراین، مطهری از پایگاه عالمی دینى به نقادى و چينش تفكرات هم سو با تفكر عقلاى مندرج در مدرنیته برآمد. به نوعی، درصدد نزدیک سازی تفكر سنتى و تفكر مدرن و پاسخ به نیازهاى موجود براساس متون اصیل دینى بود. او در بحث مورد نظر نیز، به تلفیق میان دو نگرش سنتى (درون دینى) و نگرش جدید (برون دینى) بر پایه آموزه هاى دینى همت گماشت. از این رو، تلاش او، به نسبت جامع و فراگیر است.

تلاش او همان گونه كه در جامعه سنتى، جدید مى نماید، در میان قشر روشن فكر نیز اقدامى نو و تازه جلوه مى كند. مطهری در بحث تحريف ها، هم به تحريف لفظى مى پردازد و هم متعرض تحريفات معنوى مى شود. او در كلیت طرح بحث و به ویژه در تحريف لفظى، بیش تر تحت تأثير لؤلؤ و مرجان محدث نوری است، ولی در تحريف معنوى، به دغدغه هاى روشن فكران توجه دارد و براساس متون و آموزه هاى اسلامى، به طرح تحريف هاى معنوى مى پردازد و بحث هاى مربوط به تحريف لفظى اش نیز، در راستای تبیین تحريف هاى معنوى جلوه مى كند. از این رو، كار او،

کاری جامع و در زمان خود کم نظیر است. او به شدت از انحطاط اندیشه های مربوط به فلسفه قیام سیدالشهدا علیه السلام و فلسفه عزاداری و برداشت های عوامانه از قیام، و نیز ورود شیوه ها و مسایل غیر دینی و ناهم خوان با روح تعالیم دینی و اسلامی، اظهار گلاویه و ابراز رنج می کند. مطهری در این راستا، هر دو گروه عوام جاهل و عالمان خاموش را مسئول می شناسند و بر آنان خرده می گیرد و وظیفه شان را یادآور می شود. در ضمن این نکته نیز لازم به یادآوری است که شهید مطهری، در مباحث دیگر از حماسه حسینی، به طرح نظریه های مربوط به فلسفه قیام می پردازد و نظریه مورد قبول خود را، قیام در راه امر به معروف و نهی از منکر اعلام می دارد.

۱۰. جریان شهید جاوید

۱۰. جریان شهید جاوید

نویسنده این کتاب، بر آن است تا پاسخی عقلانی به چرایی و چیستی قیام امام حسین علیه السلام بدهد؛ از این رو، با برداشت های سنتی به چالش می پردازد و آن ها را، موجب رکود جامعه و مانع الگوگیری از نهضت حسینی می داند. این کتاب، از جهات مختلف با مخالفت های فراوانی، به ویژه از سوی برخی نیروهای مبارز و مجاهد طرفدار امام خمینی رحمه الله و حتی روشن فکرانی چون دکتر شریعتی قرار گرفت؛ زیرا به صورت افراطی، گرفتار عقلانی کردن نهضت برآمده بود. به تعبیر دکتر شریعتی، آن را به صورت قیامی شکست خورده نشان می داد که از این جهات، نقدهای فراوانی بر آن وارد شد. نیز باید گفت که وی در این کتاب بیش تر به تحریفات معنوی از دیدگاه خود نظر دارد.

۱۱. علی صفایی حایری

۱۱. علی صفایی حایری

یکی دیگر از نویسندگان پرکاری که از پایگاهی شبیه به استاد مطهری، به طرح مباحث خود می پردازد، علی صفایی حایری، است.

او نیز بیش تر به تلفیق مباحث درون دینی (سنتی) با مباحث برون دینی (مدرن) تمایل دارد، ولی مباحث او، بیش تر در پیرامون فلسفه عاشورا و عزاداری، یعنی مبحث مربوط به تحریف های معنوی و الگو سازی از شهیدان کربلا و روزآمد کردن

شخصیت آنان است. او در نوشتار خود، ابتدا به طرح نظریه های مرتبط با فلسفه قیام می پردازد و سپس به نقد و آن گاه، به طرح نظریه مورد قبول خود همت می گمارد. وی نظریه های شهادت و شفاعت را، همان رضایت به قتل حسین علیه السلام دانسته و مردود می شمارد. نظریه تشکیل حکومت را که در شهید جاوید مطرح است، در تضاد با مسأله علم امام برمی شمارد و نظریه امر به معروف را، ناتوان از توضیح کامل حرکت امام محسوب می دارد و در مجموع، این تحلیل ها را دربرگیرنده تمامی ابعاد قیام نمی داند. (۱) بنابراین، نظریه خود را که باید نظریه «تبیین گام به گام» نامید، طرح می کند. در این نظریه هر کدام از نقاط عطف حرکت حسینی علیه السلام، از بیعت نکردن با یزید، حضور در مکه، خروج از مکه و حرکت به سمت کوفه، و فرود در کربلا و شهادت را، یک به یک به صورت عقلانی و براساس مبانی دینی تحلیل می شود. در این نظریه، امام علیه السلام باید در هر مرحله، دست به انتخاب بزند و بهترین گزینه را برگزیند. نویسنده با تحلیل های خود، ثابت می کند که مدیریت حسین علیه السلام در انتخاب هایش، مدیریتی کارآمد و درست بوده است. بنابراین، او (مؤلف) در صدد برمی آید براساس متون دینی و روایات و علم امام علیه السلام، تحلیل منطقی، عقلانی و همه جانبه نگر از قیام عاشورا ارائه دهد و هر گونه احتمال درست دیگری، غیر از انتخاب امام حسین علیه السلام را مردود می شمارد. (۲)

۱۲. آیت الله سیدعلی خامنه ای

۱۲. آیت الله سیدعلی خامنه ای

ایشان از دیرباز در میان عالمان روحانی، به روشن نگری زبان زد و یکی از نظریه پردازان فعال حرکت «اسلام سیاسی» بوده است. از این رو، همواره مبلغ عزاداری هدف دار و پیراسته از آسیب های لفظی و معنوی به شمار آمده اند. ایشان پس از

۱- علی _ صاد، عاشورا، قم، هجرت، چ ۱، محرم ۱۳۷۹ ق، صص ۴۷ _ ۶۰.

۲- علی _ صاد، عاشورا، قم، هجرت، چ ۱، محرم ۱۳۷۹ ق، صص ۶۱ _ ۷۰.

رهبری نیز در دیدارهای عمومی، توصیه و نظرات ارزشمندی در خصوص فرهنگ عاشورا و عزاداری ارائه کرده اند. که مهم ترین آن ها را باید سخنان ایشان در سال ۱۳۷۳ دانست که در آن، به طور جدی در خصوص آسیب ها و تحریف های عاشورا و به ویژه مراسمی چون قمه زنی هشدار دادند. گفتنی است نگرش مقام معظم رهبری، در بردارنده هر دو بعد تحریف لفظی و معنوی بوده و سخنان ایشان، از زاویه تلفیق و نگرش درون دینی و برون دینی به این موضوع است. ایشان در جایی چنین می گویند:

ما به برکت امام حسین علیه السلام و حفظ فرهنگ آن، توانستیم نظام اسلامی را در جامعه خود به وجود آوریم... علمای دین، مبلغین و ذاکرین باید مسأله عاشورا و مصایب امام حسین علیه السلام را به صورت یک مسأله جدی و اساسی مورد توجه قرار دهند و در این راه، حادثه کربلا را از پیرایه های مضر و خلاف واقع جدا سازند و پس از خالص کردن آن با انواع هنرهای بیانی، به ذکر این مصیبت بزرگ پردازند.^(۱)

و در جایی دیگر می فرماید:

بعضی ها که به بعضی از کارهایی که حقیقتاً شایسته دستگاه حسین بن علی نیست، روی می آورند. باید از این کارها اجتناب کنند... حرف سست،...نقل نادرست و حرفی که موهن مذهب باشد، ناسپاسی در حق عاشورا است.^(۲)

ایشان هم چنین در فتوایی، آن چه را موجب وهم گردد، دارای اشکال دانسته و توصیه به نوحه، مرثیه خوانی، و سینه زنی و روضه خوانی می کنند.^(۳)

پر شورترین و موج برانگیزترین سخنان مقام معظم رهبری در محرم ۱۴۱۴ ق

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ مرداد ۱۳۶۸.

۲- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۹۳۸.

۳- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۹۳۸.

است. ایشان ابتدا به شرح فلسفه عزاداری و بایدهای برپایی آن می پردازند، آن گاه، آسیب های آن را بر می شمارند. ایشان سپس با تأسف، برخی اعمال چون قفل زنی، قمه زنی و سینه خیز رفتن به سمت حرم ائمه علیه السلام را به شدت نهی می کنند و آن را موجب وهن اسلام، تشیع و جامعه شیعی می دانند و می گویند

این جعلی است. این ها چیزهایی است که از دین نیست. بلا شک خدا از این کارها راضی نیست. دست علمای سلف بسته بود، اما امروز حاکمیت اسلام است. ما نباید کاری کنیم که جامعه اسلامی برتر، یعنی جامعه محب اهل بیت علیهم السلام در نظر مسلمانان عالم و غیر مسلمانان، به عنوان یک گروه آدم های خرافی بی منطق معرفی بشود. (۱)

این خطر بزرگی است که در عالم دین و معارف دینی، مرزداران عقیده باید متوجه آن باشند. عرض کردم یک عده ای مطمئناً وقتی این حرف ها را بشنوند، از روی دل سوزی خواهند گفت که خوب بود فلاینی این حرف ها را حالا نمی زد. نه آقا! من باید این حرف را می زدم. بنده مسئولیتیم بیش تر از دیگران است؛ البته آقایان باید بگویند. امام بزرگوار ما آن خط شکنی بود هر جا یک نکته انحرافی را مشاهده می کرد، با کمال قدرت و بدون هیچ ملاحظه ای، در مقابل آن می ایستاد. (۲)

با توجه به موضع گیری های صریح و اصلاح گرایانه مقام معظم رهبری و زمینه سازی های پیشین اصلاح گرایان، به ویژه عالمان مصلح و به خصوص حضرت امام خمینی رحمه الله و شهید مطهری، هم اکنون زمان آن فرا رسیده تا طرحی جامع، برای تحول در فرآیند عزاداری و فرهنگ عاشورا، با حفظ عناصر سازنده قابل بهره گیری پی ریخته شود؛ طرحی بر اساس تلفیق گسترش درون دینی و برون دینی و به شیوه

۱- رنجبر گل محمدی، تأملی در باب مداحی، تهران، کیهان، چ ۱، ۱۳۷۵، صص ۲۳ - ۲۴.

۲- رنجبر گل محمدی، تأملی در باب مداحی، تهران، کیهان، چ ۱، ۱۳۷۵، صص ۲۵ - ۲۶.

تدریجی و آینده نگرانه تا پویایی فرهنگ عاشورا دو چندان شود.

بخش سوم رسانه و عزاداری

اشاره

بخش سوم رسانه و عزاداری

همان گونه که در دو بخش پیشین یادآوری شد و بر آن انگشت تأکید نهادیم، فرهنگ عاشورا که در درون مردم و جامعه ظهور یافته، از پایه های مستحکمی در منابع استنباط برخوردار است که در جهت آرمانی، نهایت اتقان را داراست و در سطح موجود، بایستگی و تداوم آن را تأیید می کند. البته در طول زمان، این فرهنگ دچار آسیب ها، آفت ها و تحریف هایی می شود که می تواند از بالندگی و نقش آفرینی آن بکاهد. بنابراین، باید عوامل ورود آسیب ها را شناخت و اسباب رشد این فرهنگ را تقویت کرد. از آن جا که «عزاداری» در سیر تاریخی اش، به صورت رسانه ای فراگیر و پرتوان ظاهر شده، امروزه با وجود رسانه های گوناگون دیداری و شنیداری، می توان به تکامل آن یاری رساند. البته اگر دچار نقص و اشکال باشیم، خود رسانه می تواند سبب ساز ورود و گسترش آسیب ها در درون فرهنگ عاشورا باشد. هم چنان که در فرو بستن راه های ورود آفت ها نیز می تواند نقش فعالی داشته باشد.

وظایف رسانه

۱. پرهیز از عوام زدگی یا جوّزدگی

این مسأله، بزرگ ترین عامل موفقیت رسانه در جذب مخاطبان به شمار می آید. در حالی که، بازتاب نیازها و مشکلات آنان نیز باید اساسی ترین کار آن رسانه باشد. پس هنر رسانه در این است که به منظور ارتقای سطح بینش و فرهنگ مردم، میان خواسته های مخاطبان که فرهنگ عامه را می سازد و نیز بایدهای فرهنگی، جمع کند تا در این امر مهم و حساس، موفق باشد.

از آن جا که عزاداری، موضوعی «فولکلوریک»^(۱) محسوب می گردد، سخن گفتن درباره آن دقت و توجه بیش تری نیز می طلبد. در این مورد، رسانه نباید وظیفه خود را در مورد ارتقای فرهنگی جامعه فراموش کند و تنها به ارضای مخاطبان خاص خود بیاندیشد. رسانه در این زمینه، باید دست به انتخاب گری و گزینش زند و بهترین را برگزیند. باید توجه داشت که جذّاب ترین، لزوماً بهترین نیست؛ مسأله ای که گاه در چینش برنامه های سوگواری مشاهده می شود. اگر این روند تداوم یابد، رسانه، نقش فرهنگ سازی و پیش تازی خود را از دست می دهد و دنباله رو فرهنگ جوّ عامیانه می گردد که در این صورت، خود، به عامل آسیب رسان به فرهنگ عاشورا مبدل می گردد و آسیب ها را همگانی می سازد.

۲. توجه جدّی به جنبه های هنری رسانه در قالب محکم و صحیح

وظیفه سترگ دیگری که بر دوش متولیان رسانه سنگینی می کند، دقت و توجه همه جانبه و جدی آن ها در خصوص تولید برنامه های کیفی با داشتن حداکثر بُعد هنری است. مسأله ای که گاه خلاف آن بروز پیدا می کند؛ یعنی در تولید برنامه های

مربوط به ایام سوگواری، نوعی شتاب زدگی، تعجیل، سطحی سازی و کم توجهی به ابعاد هنری دیده می شود. البته باید اذعان کرد که در سال های اخیر، این مسأله رو به کاهش گذاشته است.

نکته این جاست که با توجه به افزایش کمی برنامه ها، هنوز ساخت این گونه برنامه ها چشم نواز است. در جمهوری اسلامی ایران، رسانه باید بیش ترین امکانات و تواناترین نیروهای متخصص خود را در زمینه های مختلف، برای کیفی سازی برنامه هایی این چنین به کار برد تا بتواند کارآمدی نیروهای دینی و مذهبی را در ابعاد هنری نمایش دهد و ظرافت والای هنری چنین محتواهایی را به رخ کشد. البته در این راه باید به سازگار بودن قالب و فرم انتخاب شده یا محتوا توجه اساسی کرد؛ چرا که نمی توان برای هر محتوایی، هر قالب هنری را به کاربرد و این مسأله، در برنامه های عزاداری، بیش تر مورد نیاز است.

مشکلات و اشکال های رسانه

۱. ساخت برنامه برای رفع تکلیف

یکی از اشکال های اساسی که گاه در کار برنامه سازی برای مراسم مذهبی و به ویژه سوگواری ها مشاهده می شود، ساخت برنامه با انگیزه رفع تکلیف است. این موضوع، سَمی کشنده در روند برنامه سازی برای فرهنگ عاشورا است؛ مسأله ای که سطحی سازی، عوام زدگی و جوّزدگی، از پی آمدهای ناگوار آن به شمار می آید.

وقتی با چنین انگیزه ای به سمت ساخت برنامه حرکت کنیم، مشخص است که دارای چه پی آمدهای خواهد بود. ممکن است به ظاهری ترین لایه های فرهنگ عاشورا بسنده کنیم، آماده ترین کارها را برگزینیم و از پژوهش باز ایستیم. پخش برخی نوحه ها را که ارتباط مستقیمی با فرهنگ اصیل عاشورا ندارد و حتی گاه به صورت

مستقیم پخش می شود، می توان در راستای عوام زدگی و جوّزدگی دست اندرکاران رسانه ذکر کرد. پخش برخی میزگردهای کسل کننده، بدون توجه به مقوله های زیبایی شناختی رسانه، به گونه ای که بسیاری اوقات، دعوت شدگان، شبیه همدیگر سخن می گویند، از دیگر جلوه های آماده گزینی در کار رسانه، هنگام سوگواری ها به شمار می آید.

۲. کمبود تحقیق متناسب با کار رسانه

کمبود متن ها و پژوهش های متناسب با رسانه و برخوردار از زبان هنری از کانون های آسیب پذیری کار مذهبی، به ویژه در زمینه فرهنگ عاشورا است.

برای ارایه یک کار قوی، به پژوهش های بنیادی و راهبردی دارای چارچوب صحیح نیاز داریم تا بتوان ابعاد ناشناخته یا کم تر شناخته شده فرهنگ عاشورا را کشف کرد و بدان پرداخت. اگر چه اکنون در این زمینه، شاهد برداشتن گام های بلندی، هم چون تأسیس مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما هستیم، به نظر می رسد که هنوز تا گام نهایی، فاصله فراوانی وجود دارد. اتفاقاً با تأسیس این نوع مراکز، نیاز جدی به پروراندن پژوهشگران توان مند و هنرمند در زمینه های مختلف مورد نیاز رسانه، بیش تر احساس می شود. در واقع، امروزه با نبود پژوهش ها و متن های قوی فیلم نامه نویسی، داستان نویسی و... در زمینه عاشورا و فرهنگ عاشورایی مواجهیم. نخستین گام برای آن که رسانه بتواند برنامه های عمیق و متناسب با نیاز مخاطب و در عین حال، جذاب و در چارچوب های استاندارد رسانه ای ارایه دهد، غنی سازی پژوهش ها در این عرصه است.

۳. کمبود نیروهای معتقد و کارآمد

برنامه سازی در حیطه مراسم مذهبی و سوگواری ها، آن هم در زمینه عاشورا و فرهنگ آن، از ظرافت و حساسیت ویژه ای برخوردار است. از این رو، نیازمند نیروهایی هستیم که در خصوص این مقوله هم دل بستگی و دل سوزی واقعی داشته باشند و هم از توان

علمی، فنی و مدیریتی بالایی در هر یک از عرصه های مربوط به این کار برخوردار باشند. به نظر می رسد با وجود تشکیل کلاس های فراوان و برداشتن گام های مناسب، هنوز با کمبود جدی چنین نیروهای معتقد و کارآمدی رو به رو هستیم. این مسأله، به ویژه پس از سیاست گسترده سازی کمی شبکه ها، بیشتر به چشم می آید و از این رو، یا شاهد بی توجهی به پرداخت هنری و استفاده کامل و شیوا از زبان هنر هستیم یا آن که گاه، برنامه ها از ساخت هنری قابل تقدیری برخوردار است، ولی از نظر محتوا، دچار مشکل سطحی نگری است و کیفیت بالایی را به نمایش نمی گذارد.

۴. پراکندگی و اختلاف سلیقه

از دیگر آسیب های رسانه در موضوع مورد بحث، نبود سیاست قاطع، عملی و یکسان در این زمینه است. همین مسأله، این عرصه را آماج سلیقه های متفاوت قرار داده است. برای مثال، گاه در شبکه های مختلف، با سلیقه ها و نگرش های گوناگونی به یک موضوع پرداخته می شود. البته منظور، پرداختن به مسأله از زاویه های مختلف نیست که این امری پسندیده است، بلکه مقصود ما، حاکمیت سلیقه است، به گونه ای که کمتر رابطه ارگانیکی می توان دید و بر آن موضوع، یک رویکرد و ضابطه مشخص حکم فرما نیست. این پراکندگی، در حوزه سیاست گذاران، مدیران اجرایی و برنامه سازان وجود دارد، به گونه ای که برنامه ها، تکمیل کننده همدیگر نیستند.

۵. بالا بودن هزینه های ساخت برنامه های کیفی

نکته درخور توجه دیگر در این زمینه، بالا بودن هزینه های ساخت برنامه های کیفی، به ویژه در خصوص مجموعه های تاریخی است که از مشکلات عمده این عرصه به شمار می رود. در واقع، شاید مشکل، در تخصیص ندادن بودجه کافی به برنامه های مربوط به فرهنگ عاشورا باشد و این شاید از نگرش مناسبی بودن این برنامه ها سرچشمه بگیرد.

به هر حال، ساخت برنامه های کیفی، مستلزم هزینه های سنگین است. مسأله آن است که با توجه به هزینه بالای ساخت برنامه های پر محتوا در این عرصه، باید

بودجه تخصیص یافته را به درستی در مراحل مختلف ساخت برنامه توزیع کرد؛ یعنی این گونه نباشد که به مراحل زیر بنایی هم چون پژوهش و فیلم نامه نسبت به مراحل دیگر آن، بودجه ای کم تر تخصیص یابد که این مسأله، در نهایت موجب برتری شکل بر محتوا خواهد شد.

۶. نبود برنامه ریزی مناسب و متناسب

یکی دیگر از مشکلات اساسی در این عرصه، کمبود و نقصان در برنامه ریزی دراز مدت و میان مدت، به ویژه در زمینه ساخت برنامه های غیر مجموعه ای (سریالی) هم چون برنامه های ترکیبی، مستند، زنده و... در این عرصه است. عاشورا و فرهنگ متأثر از آن، موضوعی است پر دامنه که متولیان رسانه، باید ابعاد و نیز حساسیت، پویایی و تأثیر گذاری آن را به نیکی دریابند و بر روی آن، سرمایه گذاری درستی انجام دهند. بهترین راه سرمایه گذاری هم، برنامه ریزی و نگرش به افق های دوردست است. از این رو، باید به برنامه ریزی دراز مدت و میان مدت برای آن دست زد تا بتوان حرکتی صحیح را پیمود و تأثیری به سزا گذاشت. در حالی که آن چه بیش تر در این زمینه به چشم می آید، برنامه ریزی های کوتاه مدت است. این گونه برنامه ریزی ها، به طور معمول اگر گرهی بر گره ها نیفزاید، گرهی را نیز نمی گشاید؛ چرا که معمولاً شتابزده و بدون پشتوانه فکری عمیق است.

۷. کمبود دانش، مطالعه و توان کافی

موضوعی که در این میان بر حجم مشکلات می افزاید، این است که در دو گروه مدیران و برنامه سازان فعال در موضوع های مربوط به حوزه گسترده فرهنگ عاشورا، چندان دانش، مطالعه و توان کافی برای هدایت و ساخت برنامه ها وجود ندارد، در حالی که این عرصه، نیازمند خیل فراوانی از مدیران و برنامه سازان پر مطالعه است. دانش لازم و مطالعه فراوان مدیر یا برنامه ساز، باعث می شود که محیط عملش را بهتر بشناسد و چشم هایش را بر روی بایدها و نبایدها، هست ها و نیست ها و واقعیت های

آن بگشاید و کمک کند نگاهی عمیق تر، همه جانبه تر و گسترده تر به موضوع مورد نظر داشته باشد. نبود چنین مطالعه، دانش و توان کافی در میان رده های مدیریتی و برنامه ساز، سبب می شود که آن ها در سطح دانش ناچیز یا یک جانبه خود تصمیم بگیرند و برنامه بسازند. چنین برنامه سازی هایی که از پشتوانه نیرومند اندیشه ای برخوردار نیست، به ناچار به سمت عوام زدگی و مردم پسندی، از نوع منفی آن در می غلتد و در نتیجه، رسانه را از ایفای رسالتش در این زمینه باز می دارد. به ویژه بی اطلاعی از مسایل مربوط به فرهنگ عاشورا که سالیان سال جاری در متن زندگی مردم بوده، باعث می شود هر برنامه سازی با تکیه بر دانسته های خود و فهمش از آن، به ساخت برنامه روی آورد. این حالت، در خوش بینانه ترین نگاه، یک سویه و ناقص خواهد بود.

راه کارهای رفع مشکلات و موانع رسانه

اشاره

راه کارهای رفع مشکلات و موانع رسانه

برای برطرف شدن مشکلات گفته شده، راه هایی به نظر می رسد؛ که بدین قرار است:

۱. ایجاد هماهنگی

نخستین راه و شرط غلبه بر موانع پیش گفته، برقراری هماهنگی و ارتباط کامل و کافی میان کارشناسان و پژوهشگران بیرون از سازمان و درون سازمان صدا و سیما، میان کارشناسان و پژوهشگران با برنامه سازان و مدیران و نیز خود برنامه سازان است. هر کدام از این سه نوع ارتباط که ضعیف باشد، کیفیت برنامه ها با خطر رو به رو می گردد. اگر این هماهنگی و هم فکری صورت پذیرد، از حجم کارهای عوام زده و جوزده نیز کاسته می شود، فقدان تحقیقات مناسب تا حدودی رفع می گردد، ساده انگاری و سطحی نگری و ساخت برنامه رفع تکلیفی، کم رنگ می شود و وجود دانش، مطالعه و توان کافی، تا حدودی تضمین می گردد.

۲. برنامه ریزی درازمدت و میان مدت بر اساس تحقیقات بنیادی

در زمینه فرهنگ عاشورا، باید از سوی رسانه، برنامه ریزی گسترده، همه جانبه و حساب شده به صورت دراز مدت و میان مدت، بر پایه تحقیقات بنیادی و راهبردی انجام گیرد. هنوز بسیاری فرصت های بکر و عرصه های پیموده نشده ای در زمینه فرهنگ عاشورا وجود دارد که رسانه می تواند با برنامه ریزی درست و با بهره گیری از ذهن خلاق هنرمندان، بدان ها دست یازد. برنامه ریزی درست و مبتنی بر پژوهش بنیادی، باعث می شود تا زوایای مختلف فرهنگ عاشورا را دریابیم و در راه ارتقای بینش مخاطبان به صورت نظام مند حرکت کنیم. این مسأله، موجب می شود که ناهمسازی ها و تک روی ها کمتر به چشم آید و مجموعه برنامه های شبکه های رسانه، در خدمت یک هدف و با یک رویکرد منطقی و متعالی قرار گیرد.

۳. اختصاص بودجه کافی به برنامه های کیفی و هدف مند

همان طور که گفته شد، یکی از مشکلات، اختصاص ندادن بودجه کافی به برنامه های کیفی، هدف مند و برنامه ریزی شده در زمینه فرهنگ عاشورا است. بنابراین، با اختصاص بودجه و امکانات کافی می توان این مشکل را رفع کرد و به اعتلاء و همه گیر شدن فرهنگ عاشورا کمک رساند.

پیشنادهای برنامه سازی

پیشنادهای برنامه سازی

۱. نخستین گامی که صدا و سیما می تواند در راه گسترش فرهنگ عاشورا بردارد، آن است که برنامه های آموزشی صحیح برای غنا بخشیدن به آن و تصحیح روند نابسامانی ها و ناهنجاری ها تدارک ببیند. برنامه هایی چون برنامه آموزشی مداحی، با توجه به استقبالی که در جامعه مذهبی از آن وجود دارد، البته به شرط این که حساب شده، عاری از آموزش های نادرست و در بردارنده همه ابعاد مداحی باشد، می تواند بسیار کار ساز است. برنامه های آموزشی نیز باید کسل کننده نباشد و برای مثال، به صورت پرسش و پاسخ فعالانه با حضور کارشناسان انجام شود تا از حالت خشک و

غیر جذاب نشست های میز گردی در آید یا آن که کارشناسانی با دیدگاه های متفاوت دعوت شوند.

۲. تدارک برنامه های تبلیغاتی از دیگر راه کارهای پیش روی صدا و سیما به شمار می آید. در این زمینه، برنامه های کوتاه هم چون نماهنگ ها، بیش از دیگر برنامه ها سفارش می شود. در مورد برنامه های تبلیغاتی، دعوت از شخصیت هایی که هم سازی بیش تری با کارکرد رسانه داشته باشند، مطلوب به نظر می رسد. کارشناسان و سخنرانانی که مطالب را با استدلال مطرح می کنند و صحبتشان از گیرایی و جذابیت بیشتری برخوردار است، برای این کار مناسب ترند.

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. به نظر شما، فلسفه عزاداری امام حسین علیه السلام چیست و چرا باید برای آن حضرت عزاداری کرد؟
۲. آثار سیاسی عزاداری امام حسین علیه السلام چیست؟
۳. آثار فرهنگی و اجتماعی عزاداری امام حسین علیه السلام چیست؟
۴. آثار اخلاقی عزاداری امام حسین علیه السلام چیست؟
۵. به نظر شما، عوامل تحریف و ورود آسیب به مقوله عزاداری چه چیزهایی است؟
۶. وارد شدن تشریفات زاید، چه آسیبی به فرهنگ عاشورا می زند؟
۷. آثار تحریف در فرهنگ عاشورا چه چیزهایی می تواند باشد؟
۸. به نظر شما، چه آسیب های جدیدی در زمان حاضر، فرهنگ عاشورا را تهدید می کند؟
۹. چه عواملی موجب ایجاد آسیب های جدید شده است؟
۱۰. راه های مقابله با آسیب های فرهنگ عاشورا چیست؟

۱۱. نقش شهید مطهری در مبارزه با تحریف ها و آسیب های عاشورا چه بوده است؟

۱۲. نقش امام خمینی رحمه الله در مبارزه با تحریف و آسیب های عاشورا چه بوده است؟

۱۳. نقش حضرت آیت الله خامنه ای _ مدظله العالی _ در مبارزه و مقابله با آسیب های فرهنگی عاشورا چگونه بوده است؟

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. مبانی عقلانی فرهنگ عاشورا و عزاداری چگونه قابل تبیین است؟

۲. جایگاه عزاداری در روایات شیعه و سنی چیست؟

۳. عزاداری امام حسین علیه السلام از دیدگاه فقهای شیعه چگونه است؟

۴. تاریخ آغاز عزاداری از دیدگاه شیعه به کجا باز می گردد؟

۵. عزاداری امام حسین علیه السلام در میان اهل سنت چگونه بوده است؟

۶. عزاداری امام حسین علیه السلام در ایران، از چه زمانی آغاز شده و چگونه بوده است؟

۷. اهداف و فلسفه عزاداری، چه رابطه ای با فلسفه قیام امام حسین علیه السلام می یابد؟

۸. آثار تربیتی، سیاسی و فرهنگی عزاداری چیست؟

۹. قمه زنی به عنوان یکی از نمادهای عزاداری، چه تاریخچه ای دارد؟

۱۰. تاریخچه نمادهای عزاداری چون سینه زنی، زنجیر زنی، علم و کتل، طبل و جامه سیاه پوشیدن، چیست؟

۱۱. تحریف به چه معناست و چه انواعی دارد؟

۱۲. عوامل تحریف زایی در فرهنگ عاشورا چه بوده است؟

۱۳. اسطوره سازی چه نقشی در ایجاد تحریف داشته است؟

۱۴. تعصب و ورزی، چه نقشی در ایجاد تحریف و آسیب ها داشته است؟

۱۵. آثار اجتماعی تحریفات و آسیب‌ها چیست؟
۱۶. پیشینه مبارزه با آسیب‌های عزاداری چیست؟
۱۷. چه جریان‌هایی در آسیب‌شناسی و مبارزه با آسیب‌ها صرف نظر از درستی و نادرستی آن‌ها وجود داشته است؟
۱۸. تفاوت‌ها و شباهت‌های جریان‌های آسیب‌شناسی در چیست؟
۱۹. آغاز کار جدی مبارزه با تحریف در میان علما، با چه کسی است؟
۲۰. از نظر جامعه‌شناختی، چه عواملی، آسیب‌های زمان حاضر در فرهنگ عاشورا را پدید آورده‌اند؟
۲۱. آیا می‌توان در این عوامل، برای بحث تقابل سنت و مدرنیته نقشی قایل شد؟ چرا و چگونه؟
۲۲. از دیدگاه کارشناسی، با چه زمینه‌سازی‌های فرهنگی و اجتماعی می‌توان با آسیب‌ها به مقابله پرداخت؟
۲۳. چگونه می‌توان میان اصالت عزاداری‌ها و روزآمدی آنها جمع کرد؟
۲۴. روش برخورد با ناهنجاری‌های درون فرهنگ عاشورا، چگونه باید باشد؟
۲۵. چه کارهایی را می‌توان برای سامان‌دهی مداحی در جامعه انجام داد؟

کتاب نامه

کتاب نامه

۱. آدمیت، فریدون، اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی، تهران، پیام، ۱۳۵۷.
۲. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی _ فارسی، تهران، نشر نی، چاپ اول ۱۳۷۱.
۳. آراسته خو، محمد، نقد و نگرش فرهنگ اصطلاحات علمی _ اجتماعی، تهران، چاپ پخش، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۴. آریان پور، عباس و منوچهر، فرهنگ دو جلدی دانشگاهی انگلیسی به فارسی، تهران، امیرکبیر، بی تا.
۵. آل احمد، جلال، یک چاه و دو چاله، تهران، رواق، ۱۳۵۶.
۶. ابن اثیر، عزالدین، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تحقیق: علی محمد معوض و عادل احمد عبد الموجود، بیروت، لبنان، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه . ق.
۷. _____، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۲ ه . ق.
۸. ابن بطوطه، رحله ابن بطوطه، بیروت، داربیروت، چاپ اول ۱۴۰۵.
۹. ابن خلکان، وفيات الاعیان، تحقیق: احسان عباس، بیروت، دارالفکر، ۱۹۷۰ م.
۱۰. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، نجف، مطبعه الحیدریه، ۱۳۸۰ ه . ق.
۱۱. _____، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم، علامه، بی تا.
۱۲. ابن عساکر، ترجمه الامام الحسن من تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: محمد باقر محمودی، بیروت، مؤسسه المهدی، چاپ اول، ۱۴۰۰ ه . ق.
۱۳. _____، ترجمه ریحانه رسول الله من تاریخ دمشق، تحقیق: محمد باقر محمودی، بیروت، چاپ اول، ۱۹۷۹ م.
۱۴. ابن قولویه، کامل الزیارات، تصحیح: عبد الحسین امینی، قم، کتابفروشی وجدانی، چاپ نجف، ۱۳۵۶ ه . ق.
۱۵. ابن کثیر دمشقی، البدایه و النهایه، تحقیق: احمد ابو ملحم و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۰۵ ه . ق.

۱۶. _____، البدايه والنهائيه، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۴ هـ . ق.
۱۷. ابن منظور، لسان العرب، تحقيق: على شيرى، بيروت، داراحياء التراث العربى، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ . ق.
۱۸. ابن هشام، سيره النبويه (سيره ابن هشام)، تحقيق: مصطفى سقاو ديگران، قم، ايران ۱۳۶۳ .
۱۹. ابوالحسنى (منذر)، على، سياه پوشى در سوگ ائمه نور، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۲۰. ابى مخنف، مقتل الحسين عليه السلام، برگردان: على كرمى، قم، دار الكتاب، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۲۱. اصفهانى، ابى الفرج، مقاتل الطالبين، تحقيق: سيد احمد صقر، قم، شريف رضى، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ . ق.
۲۲. افندى، ميرزا عبدالله، رياض العلماء، تحقيق: سيد احمد حسيني، قم، قيام، ۱۴۰۱ هـ . ق.
۲۳. الامين، حسن، دايره المعارف الاسلاميه الشيعه، سوريه، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ . ق.
۲۴. الشيبى، كامل مصطفى، تشيع و تصوف، قراگزلو، تهران، امير كبير.
۲۵. امام بخارى، صحيح بخارى، به حاشيه سندی، بيروت، دار الكتب العلميه، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ . ق.
۲۶. امين، سيد محسن، اقتناع اللائم على إقامه المآتم، تحقيق: محمود البدرى، قم، مؤسسه معارف اسلامى، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ . ق.
۲۷. _____، سير الائمه، بيروت _ لبنان، دار التعارف، ۱۴۰۰ هـ . ق.
۲۸. _____، عزادارى هاى نامشروع، ترجمه: جلال آل احمد، بوشهر، دريا، ۱۳۷۱.
۲۹. اندلسى، ابن عبدالبر، الاستيعاب فى معرفه الاصحاب، بيروت _ لبنان، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵ هـ . ق.
۳۰. بحراني، سيد هاشم، مدينه المعاجز، تحقيق: عزت الله مولايى، قم، مؤسسه معارف اسلامى، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ . ق.
۳۱. بحراني، شيخ عبدالله، عوالم العلوم، تحقيق: سيد محمد باقر موحد ابطحي، قم، مدرسه الامام مهدى عج الله تعالى فرجه الشريف، چاپ اول، ۱۴۰۷ هـ . ق.
۳۲. بغدادى، اسماعيل باشا، هديه العارفين، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۲ هـ . ق.

۳۳. بلاذری، انساب الاشراف، تحقیق: محمداقبر محمودی، بیروت، دارالتعاریف، چاپ اول، ۱۳۹۷ ه. ق.
۳۴. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، برگردان: باقر ساروخانی، تهران، کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۷.
۳۵. پیزل، برگر و توماس لوگمان، ساخت اجتماعی واقعیت، برگردان: مجیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
۳۶. توماس، میشل، کلام مسیحی، برگردان: حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۳۷. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم، ایران، ۱۴۰۸ ه. ق.
۳۸. جامی، عبدالرحمان، کلیات دیوان جامی، تصحیح: شمس بریلوی، تهران، هدایت، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۳۹. جبوری، کامل سلمان، تاریخ الکوفه، نجف، چاپ اول، ۱۳۹۴ ه. ق.
۴۰. جزیری، عبدالرحمان، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه. ق.
۴۱. جعفریان، رسول، برگ هایی از تاریخ حوزه علمیه قم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۴۲. _____، تاریخ تشیع در ایران، قم، انصاریان، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۴۳. _____، تأملی در نهضت عاشورا، قم، انصاریان، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۴۴. چشمه خورشید، مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دفتر اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۴۵. چلکوسکی، پیتر، تعزیه، هنر بومی پیشرو ایران، برگردان: داود حاتمی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۷.
۴۶. حسان بن ثابت، دیوان شعر، شرح: عبدالله مهنا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ه. ق.
۴۷. حکیمی، محمدرضا، قیام جاودانه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۴۸. حلبی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، بیروت، لبنان، دار المعرفه، بی تا.
۴۹. حلبی، ابن نما، مثير الاحزان، قم، مؤسسه الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ سوم، ۱۴۰۶ ه. ق.
۵۰. خوارزمی، مقتل الحسين عليه السلام، تحقیق: شیخ محمد السماوی، قم، انوار الهدی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه. ق.

حسین علیه السلام)، تهران، دانشگاه امام حسین علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۵۲. دایره المعارف تشیع، تهران، مؤسسه دایره المعارف تشیع، چاپ اول، ۱۳۷۱، ج ۳.

۵۳. دربندی، ملا آقا، اکسیرالعبادات فی اسرار الشهادات، تحقیق: محمد جمعه بادی و عباس ملاعطیه، منامه، بحرین المصطفی، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه. ق.

۵۴. دژاکام، علی، تفکر فلسفی غرب از دیدگاه استاد مطهری، تهران، اندیشه ۱۳۷۵.

۵۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر: محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳، ج ۶.

۵۶. دینوری، ابن قتیبه، الاخبار الطوال، تحقیق: عبدالمنعم عامی، قم، شریف رضی، ۱۴۰۹ ه. ق.

۵۷. _____، الامامه و السیاسه، قم، شریف رضی، ۱۳۶۲.

۵۸. دیوان خواجوی کرمانی، تصحیح: احمد سهیلی خوانساری، تهران، پازنگ، چاپ دوم، ۱۳۶۹.

۵۹. ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام، تحقیق: عبدالسلام تومری، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه. ق.

۶۰. ربانی خلخالی، علی، عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، قم، بی تا.

۶۱. سامانی، عمان، گنجینه اسرار، تصحیح: فریدون حداد سامانی، شهرکرد، عمان، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۶۲. ساوجی، سلمان، دیوان سلمان ساوجی، تصحیح: منصور مشفق، تهران، صفی علی شاه، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

۶۳. سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، قم، شریف رضی، ۱۴۱۸ ه. ق.

۶۴. سروش اصفهانی، دیوان سروش اصفهانی، به اهتمام: محمدجعفر محجوب، تهران، امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۳۲.

۶۵. سنایی غزنوی، ابوالمجدود آدم، حدیقه الحقیقه، تعلیق: مدرس رضوی، تهران کتابخانه سنایی، ۱۳۶۱.

۶۶. سنن نسایی، شرح: جلال الدین سیوطی، بیروت، لبنان، دار المعرفه، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه. ق.

۶۷. سیدبن طاووس، لهوف، برگردان: میر ابوطالبی، قم، دلیلی، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۶۸. شریعتی، علی، حسین وارث آدم، (مجموعه آثار ۱۹)، تهران، قلم، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.

۷۰. شوشتري، شيخ جعفر، الخصائص الحسينيه، بيروت، دارالسرور، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ . ق.
۷۱. شهرستاني، سيد صالح، تاريخ النياحه، تحقيق: نبيل رضا علوان، بيروت، دار الزهراء، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ . ق.
۷۲. شيخ حر عاملی، وسائل الشيعه، تحقيق: عبدالرحيم رباني شيرازي، تهران، كتابفروشي اسلاميه، چاپ پنجم، ۱۳۹۸ هـ . ق.
۷۳. شيخ نظام و ديگران، الفتاوى الهنديه في مذهب الامام ابى حنيفه، با حاشيه فتاوى قاضى خان، بيروت لبنان، دار الفكر، چاپ دوم، ۱۴۱۱ هـ . ق.
۷۴. صالحى نجف آبادى، نعمت الله، شهيد جاويد، تهران، رسا، چاپ سيزدهم، ۱۳۶۲.
۷۵. صدوق، محمدبن على، امالى، بيروت، لبنان، اعلمى، بى تا.
۷۶. _____، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، شريف رضى، چاپ دوم، ۱۳۶۴.
۷۷. _____، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تصحيح: حسين اعلمى، بيروت لبنان، چاپ اول ۱۴۰۴.
۷۸. صدوق، محمدبن على، كمال الدين، قم، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۹۵ هـ . ق.
۷۹. صفايى حايرى، على، عاشورا، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۸۰. ضيايى، سيد عبدالحميد، نگرشى انتقادى _ تاريخى به ادبيات عاشورا، تهران، نقد فرهنگ، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۸۱. طبرسى، الاحتجاج، مشهد، مرتضى، ۱۴۰۳ هـ . ق.
۸۲. طبرى، محمدبن جرير، تاريخ طبرى، بيروت، مكتبه اعلمى، بى تا.
۸۳. طريحي، فخرالدين، منتخب طريحي، قم، شريف رضى، بى تا.
۸۴. طوسى، محمدبن حسن، الفهرست، افست دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۵۱.
۸۵. _____، امالى، قم، مكتبه الداورى، بى تا.
۸۶. عزيز، احمد، تاريخ تفكر اسلامى در هند، برگردان: نقى لطفى و محمد جعفر ياحقى، تهران، كيهان، چاپ اول، ۱۳۶۶.

٨٧. عسقلاني، ابن حجر، الاصابه في تمييز الصحابه، تحقيق: علي محمد البجاري، بيروت، دار الجيل، چاپ اول، ١٤١٢ هـ . ق.
٨٨. فخرالدين حسني، عبدالحى، نزاهه الخواطر وبهجه المنامع و النواظر، حيدرآباد دكن، دائره المعارف العثمانيه، چاپ دوم، بى تا.
٨٩. فقيهى، على اصغر، تاريخ مذهبي قم، قم، اسماعيليان، چاپ اول، ١٣٥٠.

۹۰. قزوینی رازی، عبدالجلیل، کتاب النقض، سید جلال الدین محدث ارموی، تهران، ۱۳۳۱.
۹۱. قزوینی، محمدبن یزید، سنن ابن ماجه، تعلیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت لبنان، دار الفکر، بی تا.
۹۲. قطائی، احمدبن محمد، ارشاد السارمی، بیروت، دار الفکر، چاپ افست جدید، بی تا.
۹۳. قمی، عباس، در کربلا- چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم)، برگردان: محمد باقر کمره ای، قم، انتشارات مسجد جمکران، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۹۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دار الکتب، ۱۴۰۴ ه. ق.
۹۵. قندوزی حنفی، ینابیع الموده، قم، مکتبه المحمدی، ۱۳۸۵ ه. ق.
۹۶. قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی رحمه الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
۹۷. کاشفی، ملا حسین، روضه الشهداء، قم، نوید اسلام، چاپ اول، بی تا.
۹۸. کسروی، احمد، شیعه گرایی، تهران، بی تا.
۹۹. کشی، اختیار معرفه الرجال، تصحیح: میرداماد، تحقیق، سید مهدی رجایی، قم، آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۴ ه. ق.
۱۰۰. کلیات سعدی، به اهتمام: محمد علی فروغی، تهران، امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۳.
۱۰۱. کلینی، بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳.
۱۰۲. کنگره امام خمینی و فرهنگ عاشورا، اندیشه عاشورا، (مجموعه مصاحبه ها)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، دفتر دوم، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۰۳. کوفی، ابن اعثم، الفتوح، حیدر آباد دکن، دائره المعارف عثمانیه، چاپ اول ۱۳۹۵ ه. ق.
۱۰۴. گل محمدی، محسن، حماسه عاشورا و شعر فارسی، تهران، اطلس، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۱۰۵. گلی زواره، غلام رضا، ارزیابی سوگواری های نمایشی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۰۶. مازندرانی، محمد مهدی، معالی السبطين، تبریز، کتابفروشی قرشی، بی تا.

١٠٧. متقى هندی، حسام الدين، كنز العمال، تصحيح: صفوه السقا، بيروت، مؤسسه الرساله، چاپ اول، ١٤٠٩.

١٠٨. مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، بيروت، لبنان، دار احياء التراث العربى، چاپ

۱۰۹. مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله چاپ اول، دفتر دوم، ۱۳۷۶.
۱۱۰. محمودی، محمد باقر، زفات الثقلین، قم، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه. ق.
۱۱۱. مسعودی، مروج الذهب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
۱۱۲. مسند احمد حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه. ق.
۱۱۳. مصطفی آل کلیدار، سید محمد حسن، مدینه الحسین علیه السلام، تهران، سپهر، چاپ اول، ۱۳۶۸ ه. ق.
۱۱۴. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، قم، صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۶۴.
۱۱۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، چاپ نهم، ۱۳۷۵.
۱۱۶. مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه. ق.
۱۱۷. مقدم گل محمدی، محمد، تویسرکان، تهران، غزالی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۱۱۸. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، قاهره، مکتبه الثقافه، چاپ دوم، ۱۹۸۷ ه. ق.
۱۱۹. مولوی، جلال الدین محمد، دیوان غزلیات شمس، تصحیح: بدیع الزمان فروزانفر، تهران، امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۳.
۱۲۰. نجاشی سمرقندی، احمد بن علی، رجال نجاشی، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه. ق.
۱۲۱. نراقی، ملا محمد مهدی، محرق القلوب، چاپ سنگی.
۱۲۲. نوری، چشم اندازی به تحریفات عاشورا (لؤلؤ و مرجان)، تحقیق: مصطفی درایتی، قم، انتشارات احمد مطهری، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱۲۳. همایونی، صادق، تعزیه در ایران، شیراز، نوید شیراز، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۱۲۴. همدانی، اسحاق بن محمد، سیره رسول الله صلی الله علیه و آله، تصحیح: اصغر مهدوی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.

١٢٥. هندی، متقی، منتخب کنز العمال، بیروت، لبنان، دارالفکر، بی تا.

١٢٦. هیشمی، احمد بن حجر، الصواعق المحرقة، تصحیح: عبدالوهاب عبداللطیف، قاهره،

ص: ٢٠٤

مكتبه القاهره، بى تا.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

